

در این شماره می خوانید:

۲ سر مقاله/ اقتصاد مقاومتی رهیافت مقتضی

پرونده اول / رقابت خرب

۴ ماری در آستین بخش خصوصی

۶ نگاهمان به طبقه ثروتمند مارکسیستی بوده است

۱۰ کالبدشکافی رقابت

۱۶ توزیع سبد کالا اشتباه بزرگی بود

۱۸ رقابت خرب؛ موریانه ای که به ریشه زده است

۲۷ چگونگی ادغام با شرکتی دیگر کسب و کار را دگرگون می کند؟

۲۹ تقویت بخش خصوصی لازمه رقابت در بازارهای جهانی

پرونده دوم / آینده پژوهی صنعت برق

۳۴ آینده پژوهی صنعت برق ایران

۳۵ آینده پژوهی صنعت برق ایران از نگاه نخبگان

۴۴ چشم امید صنعتگران به تدبیر دولت

یادداشت

۵۰ چرخه های انرژی برای توسعه روابط اقتصادی منطقه ای و امنیت ملی

۵۲ نرخ های خرب بهره در اقتصاد ایران

۵۳ صنایع کوچک و متوسط، آنچه باید باشند

۵۴ تیر خلاص بر صنایع نیمه جان برق

گزارش

۵۶ تحول اقتصاد انرژی با اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی

۵۹ پیمانکاران نگران مسأله پرداخت نباشند

۶۱ توافق بخش خصوصی با وزارت نیرو و مجلس

۶۴ جهان در حال انتقالی بزرگ است

۶۶ تجدیدپذیرها به دنبال ساختار

۶۸ تلاش برای رفع رکود اقتصادی در سال ۹۳

اخبار

۷۲ سندیکا

۸۶ شرکت های عضو

۸۸ صنعت برق

۹۰ اقتصادی



صاحب امتیاز: سندیکای صنعت برق ایران

مدیر مسئول: مهندس غلامرضا ناصح

سر دبیر: مهندس سید علی اصغر میرشکرایی

جانشین سر دبیر: مهندس علیرضا سیاسی راد

اعضای شورای سیاستگذاری: مهندس ولی اله بیات،

مهندس محمد پارسا، مهندس فریبرز ثقفی،

محمدصادق جنان صفت، مهندس بهروز سلطان زاده،

مهندس حمیدرضا صالحی، مهندس محمد فارسی،

مهندس حامد گرشاسبی، دکتر احمد میدری،

مهندس غلامرضا ناصح، مهندس محمدعلی وحدتی

دبیر تحریریه: سمیه کاظم زاده

تحریریه: نازنین احمدی، صونا علیقلی زاده

نفیسه زارع کهن

طراح گرافیک: ایوان جلالی

عکس روی جلد: احسان قلم چی

مدیر اجرایی: مهندس سپهر برزی مهر

مدیر مالی: منوچهر بختیاری

سایت: زهرا ولی پور

توزیع: سپیده گرجی

امور آگهی ها: بهارک باقرپور

امور اداری ماهنامه: سهیلا براتی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فارابی

نشانی: تهران، خیابان مطهری، بعد از خیابان مفتاح

پلاک ۱۸۶، طبقه اول، کدپستی: ۱۵۷۵۹۴۳۵۵۱

تلفکس: ۶-۸۸۸۳۱۹۹۴، ۸۸۸۲۸۵۵۸

سازمان آگهی ها: ۶-۸۸۸۳۱۹۹۴

سایت: www.ieis.ir

ایمیل: setabran@ieis.ir

اقتصاد مقاومتی

رهیافت مقتضی

مهندس سید علی اصغر میرشکرای، سردبیر

کم نیستند کسانی که ایستادگی و مقاومت در مقابل زورگویی‌ها و فشارهای بیرونی را صرفاً در پذیرش نامالیات و تضییقات و صدمات ناشی از این شرایط و به اصطلاح دم برنیارودن تعریف می‌کنند. از دید این گروه هر چه دامنه این شدائد بیشتر باشد و صدمات وارده به مردم بیشتر باشد ضمن آنکه اجر و ثواب آن بیشتر است، بهتر می‌توان به دشمن فهاند که ملت ایران تا چه پایه اهل استقامت است و به اصطلاح با این کارهای ایذایی دست از آرمان‌های خود بر نمی‌دارد. با چنین دیدگاهی فرضاً اگر روند تأمین داروهای بیماری‌های خاص دچار اختلال شد و خانواده‌هایی برای تهیه دارو به خاک سیاه نشستند و یا اگر به امنیت غذایی مردم خدشه‌ای وارد شد و جمع کثیری دچار گرسنگی و سوء تغذیه شدند و یا با عدم تأمین مواد اولیه و قطعات تجهیزات، روند تولید و فعالیت کارخانجات برهم خورد و عده زیادی بیکار شدند و یا... و یا... هیچ ایرادی ندارد. بر مبنای این نظام فکری اگر کسی شکوه شکنجایی کند در جواب می‌گویند اینها هزینه استقلال و عزت مندی ماست که باید پردازیم. البته پوشیده نیست که بخشی از این گروه که تحمل این هزینه‌ها بر مردم را روا می‌بینند، خودشان به لحاظ موقعیت اقتصادی و اجتماعی در وضعیتی قرار دارند که ذره‌ای از این نامالیات را نمی‌چشند و هر چقدر هم که اوضاع سخت‌تر شود کوچکترین خدشه‌ای به کیفیت زندگی آنها وارد نمی‌شود و اخباری هم که از وضع مردم به آنها می‌رسد چندان موجب دل مشغولی آنها نمی‌گردد. به تعبیر عامیانه نمی‌آیند از نزدیک پای صحبت پدر و مادری بشینند که از تأمین داروی فرزند بیمارشان عاجز شده‌اند و باید شاهد درد و زجر و عنقریب مرگ او باشند. کلاً دارندگان این نظام فکری کاری با معیارها و شاخص‌های ارزیابی و اندازه‌گیری ندارند و به تبع آن از منفی شدن نرخ رشد اقتصادی و یا افزایش تورم و یا کاهش ارزش پول ملی و افزایش بیکاری چندان احساس نگرانی نمی‌کنند. البته این عدم نگرانی ریشه در چگونگی تورم‌زده کردن موضوع دارد که فرضاً لحاظ کردن این قبیل شرایط به عنوان الطاف خفیه الهی یکی از نمونه‌های آن می‌تواند باشد.

در مقابل این نوع نگاه نگاه دیگری وجود دارد که می‌گوید، باید هزینه حفظ اقتدار و عزت خود را به حداقل برسانیم. ویژگی صاحبان چنین نگاهی که آنها را از گروه اول متمایز می‌کند اینست که رویکرد واقع‌گرایانه به موضوع دارند. با مقوله تحریم بر خورد شعاری ندارند فرضاً نمی‌گویند که روزگار غربی‌ها بعد از تحریم نفتی ما سیاه خواهد شد و یا نمی‌گویند که تحریم هیچ خللی بر زندگی و اقتصاد و تولید ما نخواهد گذاشت، بلکه واقع‌بینانه اثرات و تبعات آن و خدشه‌ای که بطور قطع به روند تحقق برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز وارد خواهد کرد را احصاء می‌کنند و از فشاری که به مردم وارد می‌شود و تنگناهای معیشتی که بروز پیدا می‌کند سرسری نمی‌گذرند. از آنجا که سر رشته کار در عمل در دست قوای اجرایی کشور با عاملیت رئیس‌جمهور است لذا در دولت دهم با چند ویژگی منحصر به فرد رئیس آن دولت و تفکرات عرشی و داعیه‌مدیریت جهانی و در نبود یک نگاه واقع‌گرایانه، بدست خود شرایط تشدید آثار تحریم را فراهم کردیم یعنی سیاست‌ها و عملکردهای دولت مذکور در تغییر شاخص‌ها بجای نقش تعدیل‌کننده، تأثیر کاتالیزوری و تشدید کننده داشتند. در مقابل در دولت یازدهم که پیروزی خود را مدیون بی‌زاری و خستگی مردم از بی‌برنامگی و افکار و سیاست‌های متوهانه دولت دهم است تا حدود زیادی رویکرد منطقی و اصولی نسبت به مسائل دیده می‌شود، ولی این دولت ناگزیر است که از میان باتلاق‌هایی که دولت قبل در ست کرده راه خود را باز کند. باتلاق پرداخت‌های نقدی، باتلاق مسکن مهر، باتلاق تورم لحام گسیخته، باتلاق رکود تولید و فعالیت‌های عمرانی و... تردیدی نیست که این دولت قادر نخواهد بود راه دشوار پیش‌رو را بدون حمایت‌های همه‌جانبه طی کند و برای دوران گذار ناگزیر به اتخاذ سیاست‌های خاصی است و مؤلفه‌های آن قطعاً با شرایط عادی و متعارف تفاوت خواهد داشت و چون مبتنی به تجربه‌های آزمایش شده قبلی نیست لذا می‌تواند عوارض دور از انتظار داشته باشد.

یکی از کارهایی که می‌تواند به طور مؤثر به این دولت کمک کند اینست که شرایطی فراهم شود که رئیس‌جمهور و تیم اجرایی او مجبور نباشند در اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای خود گرفتار مجادلات اشخاص و گروه‌های مخالف و معارض خود در داخل باشند و به تبع آن وقت و انرژی آنها تلف شده و بعضاً تنش‌هایی هم در جامعه ایجاد شود. در این چند ماهه همه ما شاهد بودیم که دولت به اصطلاح با ترس و لرز اهرم دیپلماسی و توسعه روابط با کشورهای خارجی برای تحقق اهداف حیاتی کشور بکار می‌گرفته و وزیر خارجه می‌بایستی برای لیخنده‌های خود که در مصافحه با یک مقام اروپایی زده است پاسخ‌گو باشد، چرا که عده‌ای اساساً قائل به حفظ روابط و تعاملات با اغلب کشورهای تأثیرگذار نیستند و یا عده دیگری علیرغم نقش غیر قابل انکار سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به تحریک زمینه‌های چنین کاری افتخار می‌کنند.

در چنین شرایطی ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی می‌تواند پشتوانه خوب و محکمی برای قوای اجرایی و تقنینی و قضایی باشد، راه را بر هر گونه افراط و تفریط ببندد و بستر لازم را برای یک مشارکت حداکثری و هم‌افزایی به معنای واقعی فراهم کند.

پرونده اول

[رقابت مخرب]

رقابت مخرب یا دامپینگ غارتگر

ماری در آستین بخش خصوصی

سمیه کاظم زاده دهکردی

آنچه در سال‌های گذشته بر اقتصاد و صنعت ایران رفته است، بی‌شک حاصل روشن تلفیق شرایط نامناسب داخلی اقتصاد و فشارهای بین‌المللی ناشی از تحریم‌ها است. به نظر می‌رسد این روزها هیچ صنعتی در کشورمان در ساحل امنیت باقی نمانده و همه حوزه‌ها به نحوی از این شرایط که شاید بیش از هر چیز دست‌پخت مدیریت‌های ناکارآمد دولت گذشته بود، آسیب دیدند.

در این میان اما منصفانه آن است که همه چیز را به گردن دولت نیندازیم. واقعیت این است که علیرغم انتقادات گسترده و گاه‌ها درستی که به عملکرد دولت‌های نهم و دهم وارد است، بنگاه‌های اقتصادی در طول هشت سال گذشته نتوانستند چاره‌اندیشی کارآمدی برای خروج از بحران حداقل در برخی از مواقع داشته باشند.

در حقیقت این صاحبان بخش خصوصی بودند که در کوران مشکلات و مسائل نتوانستند به شکل کارسازی در کنار یکدیگر قرار بگیرند و با ایجاد هم‌افزایی از شدت آسیب‌های وارده بکاهند. شاید این مسأله تا حد زیادی ریشه در مشکلات فرهنگی ما داشته باشد اما هر چه که بود، بخش خصوصی هم در طول این سال‌ها دست‌در دست ناکارآمدی‌های دولت گذاشت و بیشتر در قعر این رکود فرو رفت.

شاید یکی از اصلی‌ترین مشکلاتی که بنگاه‌های اقتصادی در صنایع مختلف با گونه‌های متفاوتی از آن مواجه شدند و در این رکود ابعاد گسترده‌تری نیز یافت، پدیده رقابت مخرب بود که اصطلاحاً به «دامپینگ» هم تعبیر می‌شود.

یکی از واژگان اقتصادی که در تجارت بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای دارد، دامپینگ (Dumping) است که در فارسی به «رقابت مکارانه» یا تبعیض در قیمت‌ها در بازرگانی، معنا شده است. برخی کارشناسان معادل فارسی این واژه را رقابت مخرب نیز نامیده‌اند. در اصطلاح رایج دامپینگ به معنای قیمت‌شکنی به کار می‌رود.

طبق این سیاست، شرکت‌های بزرگ‌تر می‌توانند با اتکا بر

بنیه مالی قوی و در شرایطی که به دلیل عدم بر خورداری از مزیت‌های نسبی، کالاهای خود را با هزینه‌ای به مراتب بیشتر از بنگاه‌های کوچک رقیب تولید می‌کنند، نوعی قدرت رقابت مصنوعی به کالای خود داده و آن را روانه بازار کنند.

البته در شرایط کنونی اقتصاد کشورمان و با توجه به کمبود نقدینگی که دامان بسیاری از صنایع را گرفته، شکل تازه‌ای از دامپینگ هم ظهور کرده است. در این نوع جدید، شرکت‌های کوچک حاضرند برای ورود به پروژه‌ها و یا فروش کالا و خدمات خود قیمتی حتی پایین‌تر از قیمت تمام‌شده ارائه دهند و کار را بگیرند. به این ترتیب آنها قادر خواهند بود با دریافت پیش‌پرداخت پروژه، نقدینگی مورد نیاز شرکتشان را تا زمان کوتاهی تامین کنند.

در نوع اول سلب قدرت رقابت از کالاهای مشابه تولید شده در بنگاه‌های کوچک رقیب و ترک میدان به نفع شرکت‌های بزرگ و متمول نتیجه اصلی این رقابت فریبکارانه است. اما در نوع دوم دامپینگ که شرح آن رفت، شرکت‌های کوچک در پایان بازندگان بزرگ این رقابت مخرب خواهند بود و البته زمینه متضرر شدن سایر شرکت‌های فعال در آن حوزه خاص و نیز ناتمام ماندن پروژه به دلیل ناتوانی مالی را هم فراهم خواهد کرد.

البته ذکر این نکته ضروری است که واژه دامپینگ که به ارزان‌فروشی هم تعبیر می‌شود، در اساس به زد و بند کشورهای توسعه‌یافته برای صدور کالا به کشورهای در حال توسعه و یا توسعه‌نیافته‌ای اشاره می‌کند که خودشان تولیدکننده کالای مزبور هستند.

مسأله‌ای که در خصوص این نوع از دامپینگ وجود دارد این است که موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) برای خنثی کردن اثرات این رقابت مکارانه با وضع حقوق و عوارض گمرکی مخصوص، موافقت کرده است، مشروط بر اینکه بتوان انجام این عمل را اثبات کرد.

به علاوه در کشورمان هم برای مقابله با چنین سیاست مخربی و به منظور حمایت از تولیدات داخلی، مصوباتی تعیین شده است.

هیات وزیران در سال ۱۳۸۶ به پیشنهاد وزارت بازرگانی و با اعلام نظر موافق شورای اقتصاد، در اجرای بندح ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب سال ۱۳۸۳، تدابیر و اقدامات حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ را برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی تصویب کرد. این مصوبه در نهایت توسط معاون اول رئیس‌جمهور به وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی، امور خارجه، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، تعاون و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شد.

پیش از آن هم با توجه به آنچه که در کتاب «مجموعه کامل قوانین و مقررات امور گمرکی و بازرگانی خارجی» به قلم محمدحسن وطنی (انتشارات فردوسی، سال ۱۳۶۴) آمده بود، دولت می‌توانست دامپینگ را با تدوین تعرفه‌های وارداتی کنترل کند. در این کتاب آمده است: «هرگاه کالایی باقیمت نامتناسب با تسهیلات غیرعادی، از کشوری برای ورود به ایران عرضه و این عمل برای اقتصاد کشور ناسالم تلقی شود، هیات وزیران می‌تواند در هر موقع بنا به پیشنهاد وزارت اقتصاد برای ورود کالای یادشده از آن کشور سود بازرگانی ویژه‌ای برقرار کند (ماده ۷ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰)»

این مسأله نشان می‌دهد که برای مقابله با دامپینگ‌های بین‌المللی، به عنوان امری مذموم، مسیرهایی پیش‌بینی شده که البته میزان تاثیرگذاری و کارآمدی آنها قابل بحث است. موضوعی که امروز کاملاً قابل بررسی و تأمل به نظر می‌رسد این است که رقابت مخرب در داخل کشور و در میان شرکت‌هایی که همگی از فعالین یک صنف محسوب می‌شوند، تا چه اندازه می‌تواند شالوده آن صنعت را متزلزل کرده و به اقتصاد کشور صدمه بزند.

شاید به جرات بتوان گفت که در طول سال‌های اخیر رقابت مخرب و دامپینگ یکی از اصلی‌ترین مشکلاتی بود که صنعت برق به عنوان یک صنعت بحران‌زده اما کلیدی با آن مواجه بود. بسیاری از پروژه‌های نیمه‌تمام این صنعت که به گواه سندیکای



صنعت برق ایران تعداد آنها از مرز ۱۰۰۰ پروژه می گذرد، نتیجه مشخص همین ارزان فروشی ها است.

سؤال اینجاست که قیمت بیرون کردن رقبا از گود رقابت و به دست آوردن بازار و حتی یک پروژه، چقدر است؟

تجربه مادر صنعت برق نشان می دهد که این صنعت می توانست امنیت، آرامش و رشد بیشتری در سایه حرکت های جمعی و مشارکت های گروهی داشته باشد، اما هر بار تلاش فعالین این صنعت برای ایجاد هم افزایی و گذر گروهی از یک بحران، به بن بست رسید.

قطعا صاحبان صنعت برق در حوزه ساخت تجهیزات و پیمانکاری به خوبی میثاق نامه هایی که در کمیته های تخصصی سندیکای صنعت برق ایران نگاهشده و به امضای جمع رسید را به خاطر دارند. سؤال اینجاست که علیرغم وجود این میثاق نامه ها چرا هنوز هم قراردادهای یک سویه ای که بدون در نظر گرفتن تعديلات و خسارت دیرکرد نگاهشده شده اند، به امضا می رسد؟ چرا هنوز هم بسیاری از پروژه های صنعت برق با قیمتی پایین تر از بهای تمام شده به شرکت ها واگذار می شود؟ و چرا هنوز رد پروژه هایی که در میانه راه به دلیل کمبود نقدینگی نیمه تمام رها شده اند، از چهره صنعت برق کشور زودوده نشده است؟

البته لازم است پیش از هر قضاوتی، پروژه هایی را که به دلیل نوسانات ناگهانی و شدید قیمت ها در اواسط سال گذشته متوقف شدند را از این فهرست حذف کنیم.

اگر دامپینگ را بر اساس مستندات علمی و اقتصادی در سه دسته مستمر، مخرب یا غارتگر و تصادفی تقسیم بندی کنیم، نوع رقابتی که امروزه در بخش هایی از اقتصاد کشور و میان بنگاه های خصوصی ایجاد شده را جزو کدام گروه می توان دسته بندی کرد؟

در صنعت برق تجاربی از نوع اول دامپینگ که ناشی از تمایل یک انحصار طلب برای حداکثر کردن سود خود است، وجود دارد اما به نظر می رسد گستردگی این نوع رقابت به دلیل تکثر و تعدد شرکت های فعال در حوزه های مختلف این صنعت کمتر است. نوع دوم دامپینگ که با عنوان غارتگر از آن یاد می شود اما مشکل عدیده تری برای صنعت برق ایران است. فروش موقتی کالا در بازار به قیمت کمتر از قیمت سایرین یا حتی با ضرر و فروش آن به قیمت کمتر از هزینه های تولید به منظور بیرون راندن رقبای دیگر، زنگ خطری است که مدت ها است برای صنایع کشور و از جمله صنعت برق به صدا درآمده است.

شاید اصلی ترین راه برای مواجهه با این نوع رقابت های مخرب، مشارکت شرکت ها در قالب تشکل ها، انجمن ها و سندیکاها باشد. تعریف حرکت های جمعی برای مقابله با دامپینگ های غارتگری که این روزها متأسفانه در بین بنگاه های خصوصی رواجی خطر آفرین پیدا کرده است، اصلی ترین مفر و مامن بخش خصوصی است.

اینکه امروز در بسیاری از حوزه ها، رقابت سالم به رقابت های ناجوانمردانه تبدیل شده و شرکت ها تلاش می کنند به

هر قیمت و با هر شیوه ای، ولو شیوه های غیر اخلاقی و غیر متعهدانه، رقیبان خود را حذف کرده و با تحت فشار قرار دادن دیگران، برای حفظ بقای خود سایرین را از انتفاع ساقط کنند، شاید خطرناک ترین سیمی است که راه به شریان های بخش خصوصی یافته است و بی شک پادزهر آن نیز در دستان صاحبان همین بخش است.

اگر چه به باور دکتر احمد سیف در یادداشتی با عنوان «فروپاشی اقتصاد ایران؛ طوفان در راه است» هیچ نمونه تاریخی وجود ندارد که اقتصادی بدون نقش کارساز و موثر دولت در اداره امور توسعه یافته باشد، اما به هر حال اساسی ترین راه حل ها برای مشکلاتی که ریشه در روابط و تعاملات بنگاه های اقتصادی دارد باید در همین بخش تدوین شود.

لذا شاید بتوان دیدگاه سید محسن صفایی، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران را که در یادداشتی با عنوان «دسته جمعی، نه فقط خودمان» پذیرفت. او در این یادداشت به صدماتی که رقابت مخرب به صنعت و اقتصاد کشور وارد می کند، اشاره کرده و از صاحبان بخش خصوصی می خواهد که با توجه به اینکه شرایط دشوار بنگاه های آنها بیش از هر چیز ناشی از بحران های اقتصادی کشور است، تلاش کنند در قالب یک حرکت جمعی به سمت ساحل آرامش حرکت کنند و این امنیت را در یک حرکت دستجمعی بخوانند و نه فقط برای خودشان.

بررسی فراز و فرودهای سرمایه داری و بخش خصوصی در گفت و گو با دکتر تقی آزادارمکی

نگاهمان به طبقه ثروتمند مارکسیستی بوده است

چرا بخش خصوصی ایران، به طبقه اجتماعی تبدیل نمی شود؟

- سرمایه اجتماعی در هر کشوری بر مبنای چه مولفه هایی شکل می گیرد و نشانه های بالا یا پایین بودن این سرمایه در هر جامعه ای چیست؟

در ابتدا باید بررسی کنیم که سرمایه اجتماعی در ایران چه هست، عناصرش کدام ها هستند و افت و خیزها و آسیب هایش را بررسی کنیم. ایران کشوری سنتی و فرهنگی است و ما متأسفانه در ایران جامعه فرهنگی را به سنتی ضد توسعه تعبیر کرده ایم و به همین دلیل چون این برچسب بر جامعه ایرانی خورده است امکان فعال شدن بخشی را که ساحت فرهنگی داشته باشد از دست داده ایم. اگر نگاه کلان به ادبیات بیاندازیم و جنگی که مدرنیست ها و سنت گراها راه انداخته اند و به جامعه امکان عمل اجتماعی آسان را نمی دهند، بررسی کنیم، می بینیم که جامعه ما اساساً جامعه ای سنتی است. البته این سنتی بودن به معنای عقب ماندگی نیست بلکه به معنای جامعه ای است که تاریخ و میراث دارد و کانون این میراث، فرهنگ است.

یک جامعه وقتی تاریخی باشد و فرهنگ داشته باشد بالاخره چیزهایی دارد که امکان فعل فرهنگی و ساحت فرهنگی را می دهد هر چند ممکن است خیلی ساحت فعالیت اقتصادی و صنعتی را نداشته باشیم؛ اما آن ویژگی فرهنگی و سنتی که مفهوم تاریخی از آن در می آید معطوف به یک سری مناسبات اجتماعی است و در واقع یک ساحت اجتماعی است.

وقتی می گوئیم جامعه ایران یک پدیده یا یک جامعه سنتی، فرهنگی و تاریخی است یعنی در آن عناصر اجتماعی وجود دارد. منظور از عناصر اجتماعی، نهادهای اجتماعی، گرایش های اجتماعی و روابط اجتماعی است. یعنی آن چه در این جا کانون سرمایه اجتماعی را می سازد مجموعه شبکه ها و پیوست های اجتماعی با دیگران است. در واقع به زبان دیگر ممکن است که فردی پول و سرمایه مادی نداشته باشد، اما می تواند از این سرمایه اجتماعی خود در جهت رسیدن به پول بهره برد. در واقع در جامعه ایرانی به خاطر فعالیت و محوریت چیزی به نام نهاد خانواده، همسایگی و پیوست های متقاطع و متراکم شده برای

نقیسه زارع کهن / دکتر تقی آزادارمکی را در یکی از روزهای پایانی زمستان در دفتر کارش در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ملاقات کردیم. سوژه گفت و گو با وی فراوان بود از سرمایه اجتماعی و عوامل تاثیر گذار بر آن و تاثیرش بر انجمن ها و سندیکاها گرفته تا چرایی عدم تبدیل طبقه اقتصادی نوظهور در ایران به یک طبقه اجتماعی جاندار و منسجم.

گفت و گو با این استاد جامعه شناسی را از بحث سرمایه اجتماعی کلید زدیم و کم کم وارد بحث های ریشه ای تر سندیکاها و کانون های صنفی و چرایی عدم درک متقابل و برقراری رابطه مناسب آنان با یکدیگر پیش بردیم.

وی در این گفت و گو تصریح کرد که «در دوره اخیر مارکسیستی ترین تعابیر را نسبت به سرمایه داری داشته ایم و نهاد آن احمدی نژاد است. احمدی نژاد وقتی که ثروت و سرمایه را به عنوان دزدی می خواند سرمایه دار و ثروتمند مگر دیوانه است که خود را در مناسبات اجتماعی بروز دهد و بخواهد مشکلات را حل کند.»

به گفته این استاد دانشگاه «مفهوم طبقه نوظهور و طبقه نوکیسه در باب سرمایه گذاری در ایران مفهوم غلطی است. طبقه نوکیسه طبقه ای است که خود به کهنه کیسه تبدیل می شود. مثلاً در غرب طبقه نوکیسه طبقه ای است که نخواستن را ایجاد می کند، باقی می ماند، به بخشی از ساختار اجتماعی تبدیل و اثر گذار می شود. اما اقتصاد تجاری در ایران آدم های نوظهوری ایجاد می کند که به طور مکرر تولید و بعد گم می شوند.»

آزادارمکی معتقد است تا گفتن موجود در جامعه تغییر پیدا نکند امکان ندارد ما به جایی برسیم. وقتی مردان مدافع حقوق زنان می شوند و مدافع تولید ثروت ملی سیاستمداران می شوند نشان دهنده این است که جایی از کار می نگیرد. مسئله تولید ثروت بر عهده سرمایه دار است. سرمایه دار طرفدار سود کم اما دراز مدت است. آن چه در پی می آید ما حاصل گفت و گوی "ستبران" با این استاد دانشگاه است.

آدم ها امکان عمل اجتماعی ممکن شده است.

بنابراین سرمایه اجتماعی پدیده ای تاریخی است، اما این که چرا تاکنون دیده نشده است همان طور که در کتاب بنیادهای نظریه جامعه ایرانی گفته ام، دلیلش این است که اساس نگاه ما به تاریخ اجتماعی، نگاهی غلط و مبتنی بر دو گانه سنت و مدرنیته و انقطاع اجتماعی و فرهنگی بوده است. گویی که یک دوره تاریخ تمدن طلایی داشته ایم بعد دچار انحطاط شدیم و بر اثر بیچارگی تام و تمام، تن به غرب داده ایم و غریزده شده ایم؛ و اگر بخواهیم به جایی برسیم باید دوباره به همان نقطه صفر برسیم و از ابتدا شروع کنیم. این همان تزی است که محمدرضا شاه شروع کرده و تعدادی از سنت گراها و مدرنیست های ایرانی هم به آن باور دارند.

محمدرضا شاه می گفت باید به تاریخ کهن برگردیم و سنت گراهای رادیکال ما هم اتفاقاً همین نظر را دارند و می گویند هر آن چه بعد از ۱۴۰۰ سال پیش بوده، همه جلوه بی دینی است و باید برگردیم به صدر اسلام و دوباره از آن جا شروع کنیم. در نتیجه همین نگاه است که بنیادگرایی دینی، علمی و اجتماعی ایجاد می کند. مدرنیست ها و آن هایی که سخن از انقطاع فرهنگی می کنند هم همین نظر را دارند. آن ها هم می گویند ما آن چه تاکنون کرده ایم استبدادی بیش نبوده است؛ باید همه را فروپاشی کنیم و برگردیم به آن جایی که ایران باستان بوده است. این سخن ها ولی در حالی است که به نظر من جامعه ایرانی دچار میرایی نشده است. ممکن است که دولت دچار میرایی شده باشد و به لحاظ تمدنی در کانون قرار نگرفته باشیم، اما این جامعه که کانون چیزی به نام مناسبات اجتماعی است در جریان بوده است. اگر جاری نبوده است چطور زاد و ولد داشته ایم؟ چطور ادبیات تولید کرده ایم؟ چطور توانسته ایم میراث فرهنگی را باقی نگه داریم. ما هنوز فارسی سخن می گوئیم و از دین دفاع می کنیم. از ملیت و هویت ایرانی و اسلامیت دفاع می کنیم و می گوئیم انقلاب اسلامی ایرانی. این ها همه یعنی گسست اجتماعی وجود ندارد، جامعه سرپاست و سرمایه

اجتماعی وجود دارد.

- آیا این سرمایه اجتماعی که از آن نام می‌برید از گذشته تاکنون به یک شکل منسجم و ساختار یافته وجود داشته و دچار تغییر نشده است؟

مسئله دچار تغییر و افت و خیز شده است، مثل خیلی از چیزها که دچار تغییر و افت و خیز شده است. چون سرمایه اجتماعی تحت شرایط ظهور و بروز پیدا می‌کند و افت و خیزهایی را طی می‌کند. مثلاً ما شاهد تحریک‌های محله‌ها که خودبخوشی از سرمایه اجتماعی است بوده ایم و این اقدامی است که هم در دوره قبل و هم در نظام فعلی شاهد آن هستیم. شهرداری تهران تمامی محلات را به سمت اضمحلال برده و تصور می‌کند با چند خط کشی ساده می‌تواند این مسئله را حل کند، در حالی که محله مسجد، میدان، پاساژ و بازار و... می‌خواهد تا آدم‌ها به هم وصل شوند و خانواده‌ها یکدیگر را پیدا کنند. محله آن جاست که آدم‌ها همدیگر را ببینند و خاطره‌های فرهنگی ایشان را به یاد بیاورند. ما اصلاً می‌ترسیم که آدم‌ها یکدیگر را ببینند، در صورتی که در جامعه گذشته ما به لحاظ تاریخی جامعه‌ای بوده که آدم‌ها همدیگر را می‌دیدند ولی الان اجازه نداریم که همدیگر را هم ببینیم.

- همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید مبحث کانونی و کلیدی سرمایه اجتماعی «ارتباط» است و در بحث بین کارفرمایان و سرمایه داران ایرانی نکته کلیدی همین بحث ارتباط است. در واقع اگر از زاویه دیگری نگاه کنیم می‌بینیم که مثلاً سازمان‌های غیر دولتی و انجمن‌ها به وجود آمده‌اند تا شاید بتوانند این نوع ارتباطات را حفظ کنند. از طرف دیگر دولت نقش مهمی را در این میان ایفا کرده و نگذاشته است که این سازمان‌ها شکل بگیرند. اما مطالعات درباره انجمن‌ها و سازمان‌های صنفی به ویژه در حوزه کسب و کار و کسب و کارهای نوپدید صنعتی در ایران نشان می‌دهد که مانعی به نام دولت خیلی برجسته نیست

و تاکنون صدها مجوز برای این انجمن‌ها صادر شده و اصناف حتی گاهی خیلی هم قدرتمند بوده‌اند. اما آن‌چه در سرمایه داری نوپدید شاهد آن بوده ایم این است که اساساً همکاری بین صنفی و درون صنفی به درستی در ایران شکل نمی‌گیرد و در واقع آن ارتباطی که باید باشد تا شاهد بروز و ظهور سرمایه اجتماعی باشیم وجود ندارد. چرا چنین مسئله‌ای را شاهد هستیم و چرا چنین ارتباط و همکاری شکل نمی‌گیرد؟

این مسئله را در مورد اصناف قدیمی هم شاهد هستیم و در واقع آنها هم دچار آسیب شده‌اند و مشکل از همان جاست. یعنی اگر ساخت صنفی ما به شکل اجتماعی و فرهنگی توانسته بود اثر گذار باشد، عطر آن این حوزه جدید را هم فرا می‌گرفت. دولت یک نیروی مداخله‌گر و مخل در عرصه اجتماع و فرهنگ است و چیزی به جز مزاحمت و اختلال ایجاد نکرده است. دولت فقط قرار بوده تسهیل‌کننده امر اجتماعی باشد و نه تصمیم‌گیر در امر اجتماعی.

از آن زمانی که دولت تصمیم گرفت مجوز سنندیکاه‌ها و کارهای عرصه اجتماعی مشاغل را صادر کند مشکل شروع شد. اما

”

در دوره اخیر مارکسیستی‌ترین تعابیر را نسبت به سرمایه داری داشته ایم و نماد آن احمدی نژاد است. احمدی نژاد وقتی که ثروتمند و سرمایه دار را به عنوان دزد خواند، سرمایه دار و ثروتمند مگر دیوانه است که خود را در مناسبات اجتماعی بروز دهد و بخواهد مشکلات را حل کند، او خودش را مخفی می‌کند

علت دیگری هم دارد و آن تغییر و تحول ساختاری مشاغل است. مثلاً بازار تهران بیشتر از آن‌که بازار باشد یک ناپوشگاه است و خرید و فروش عمده‌ای صورت نمی‌گیرد. در گذشته پشت بازار تولید وجود داشت و عرضه کالای تولید شده برای عمده فروش و خرده فروش را بر عهده داشته است. ماجرای سنندیکاه‌ها که وجود داشته در عین این که معطوف به حقوق توزیع و مصرف بوده است معطوف به حقوق تولید هم بوده است، وقتی این حقوق را از او بگیریم دیگر چیز کمی می‌ماند و ضرورتی بر وجود سنندیکاه‌ها و گروه‌های حرفه‌ای و اجتماعی نمی‌ماند. از طرفی انقلاب اسلامی هم به آنها کمک کرد و یک ساخت سیاسی هم پیدا کردند و معطوف به حل مشکل مشارکت سیاسی و آزادی و... شدند.

اما مسئله دیگر ظهور و افول سریع همین مشاغل نوپدید است. مثلاً در یک دوره‌ای تجارت با آلمان رونق می‌گیرد و یک گروه اجتماعی شکل می‌گیرد بعد این مسئله حل می‌شود و تجارت با چین شکل می‌گیرد و یکسری گروه‌های اجتماعی دیگر شکل می‌گیرد. به نظر من این افول و ظهور خیلی سریع و تند در باب مشاغل است که امکان سازماندهی آنها را نمی‌دهد. مثلاً ناگهان ثروتمندانی ظهور پیدا می‌کنند و بعد گم می‌شوند و ما مدام در پر و سه تولید ثروتمندانی هستیم که گم می‌شوند، نه پول داران نو ظهوری که می‌ایستند، الگو تولید می‌کنند تا اثر گذار باشند. این مفهوم طبقه نو ظهور و طبقه نو کیسه در باب سرمایه گذاری در ایران مفهوم غلطی است. طبقه نو کیسه طبقه‌ای است که خود به کهنه کیسه تبدیل می‌شود. مثلاً در غرب طبقه نو کیسه طبقه‌ای است که تحولاتی را ایجاد می‌کند، باقی می‌ماند، به بخشی از ساختار اجتماعی تبدیل و اثر گذار می‌شود. اما اقتصاد تجاری در ایران آدم‌های نو ظهوری ایجاد می‌کند که به طور مکرر تولید، و بعد گم می‌شوند.

- چرا این طور است؟



کند. نه این که نمایندگان مجلس همگی هم شکل باشند. وقتی نماینده مجلس با امر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیوست نمی خورد، به اشتباه با امر سیاسی پیوند می خورد و این یعنی جامعه اجازه پیوند خوردن را پیدا نمی کند. یعنی اقتصاد و مناسبات اجتماعی شفاف نمی شود و فقط عنصر سیاست سر و صدا راه می اندازد.

اگر مجلس ما به عنصر اقتصاد که یعنی تجارت، کار، شغل؛ واردات، اقتصاد ملی و... اهمیت می داد آدم هایی که در این زمینه درگیر بودند، در جامعه مهم بودند و حضور داشتند. شما اما این آدم ها را نمی توانید ببینید و وجود ندارند.

در حالی که اگر مهم بودند به صورت مستقیم حضور داشتند. نه مستقیم که حتی غیر مستقیم هم حضور داشتند. وقتی قرار بود مثلا تولید کشاورزی افزایش یابد، نماینده ای وارد مجلس می شد که بتواند در افزایش این تولیدات کمک کند و در مجلس از تر افزایش بودجه کشاورزی دفاع کند، نه این که نماینده ای می رود آنجا تا بعد از مجلس، ردیف شغلی پیدا کند و آدم مهمی شود. در حالی که آدمهای مهم باید به مجلس می رفتند. مشکل بعدی ما دانش است. دانش هم در ایران امری عوامگرایانه است. مثلا ما اقتصاد درس می دهیم. در اقتصاد چه چیزی را باید درس بدهیم. اقتصاد در ایران خیلی مدرسه ای است در حالی که اقتصادی که ما درس می دادیم باید اقتصاد بازار و اقتصاد ملی باشد. در حالی که در ایران، ما اقتصاد دولتی و غیر دولتی را درس می دهیم. این که علم نیست همان سیاست است. پس جای تولید ملی و سرمایه ملی کجاست؟ آن سرمایه داری که می خواهد به تولید ملی کمک کند چه جایگاهی دارد؟

برگردیم به رابطه سیاست و سرمایه داری در ایران. این سازماندهی یک وجه ارتباطی با سایر گروه های اجتماعی دارد. به نظر می رسد بخشی از جامعه شناسان و اقتصاددانان معتقدند سرمایه داری به لحاظ تاریخی حامی سیاست بوده و انقلاب هم نتیجه فعالیت های بازار بوده است؛ سرمایه داری در ایران مولد وضعیت موجود است و سازماندهی هم نمی کند چون دولتش همه جا را تسخیر کرده و نیازی به سازماندهی ندارد. اما گروه دیگری هم هستند که معتقدند صدای سرمایه داری شنیده نمی شود. مساله مهم تر این است که چرا اینها نتوانسته اند سرمایه ای اجتماعی شکل بدهند و کاری کنند که صدایشان شنیده شود؟

مقدار زیادی از این بحث فرهنگی است و الزاما بحث اقتصادی

مارکسیستی ترین تعابیر را نسبت به سرمایه داری داشته ایم و نهاد آن احمدی نژاد است. احمدی نژاد وقتی که ثروت مند و سرمایه دار را به عنوان دزد خواند، سرمایه دار و ثروتمند مگر دیوانه است که خود را در مناسبات اجتماعی بروز دهد و بخواهد مشکلات را حل کند، او خودش را مخفی می کند. یعنی پولش را به جای دیگری منتقل می کند، خانواده اش را پراکنده می کند و خودش فقط در بازار پول تولید می کند. ولی هیچ وقت او را در کنار خانواده در انتظار عمومی نمی بینیم.



سرمایه گذاری ملی بارها اقدام کرده که فعالیت کند، اما سرکوب شده است. شما زندگی سرمایه گذاران ملی ما را نگاه کنید که اغلب در هر حوزه ای که فعالیت کرده اند سرکوب شده اند. چه کسی آنها را سرکوب کرده است؟ هم دولت و هم کسانی که برای او کار کرده اند

در واقع هزینه مشارکت اجتماعی بالا رفته است؟ در واقع هزینه زنده ماندن و زندگی کردن برای آنها بالا رفته است. به سیستم بانکی که اطمینان و اعتقاد ندارد، از نظر دولت هم که مجرم است، بنابراین ترجیح می دهد که پنهان بماند. وقتی که نمی ماند خانه و فرزندان هم نمی مانند، پیوست پیدا نمی کند، در محله هم نمی ماند و نفوذش در محله هم وجود نخواهد داشت، در حوزه اقتصاد و بازار و مناسبات اجتماعی و سیاسی هم نخواهد بود و بنابراین حضوری به طور کلی نخواهد داشت.

ببینید نمایندگان در مجلس های دنیا هر کدام نمایندگی چیزی را بر عهده دارند نه این که به دو گروه راست گرا و چپ گرا تقسیم شوند. بی روال ترین مجلس را ما داریم. یک عده مخالف هستند و یک عده موافق. مجلس مگر حزب است؟ هر نماینده ای باید یک پدیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاصی را نمایندگی

چون مناسبات اجتماعی درستی میانشان به وجود نمی آید و مدام در حال فروپاشی هستند. مثلا در صنعت کفش، در صنعت لباس اگر چنانچه منبع تهیه، توزیع و نحوه مصرف آن وجود داشت آن آدم ها این کاره می ماندند و نحوه ارتباطشان با بازار، جامعه و قدرت و سیاست را مشخص می کردند و بعد تن به الزام های اجتماعی می دهند. به قول دورکیم، در جامعه مدرن وقتی که دین و خانواده نفوذشان در پیوست های اجتماعی کم می شود، برای این که بشر نیاز به آیین دارد، خودش شروع به ساختن آن می کند و این جاست که سندیکالیسم، گروه های فنی و حرفه ای و اجتماعی و انجمن های دواطلبانه و... به وجود می آیند. این آیین یعنی تجلیل، حمایت از قواعد و قوانین، فراغت، عادت واره و...

وقتی چنین چیزی را در جامعه ایران نداشته باشید آدمهای تنهای بلا تکلیف را دارید که در جهت فروپاشی خود و دیگران عمل می کنند و سرمایه اشان ضد اجتماعی می شود. پس در این باره دو علت اساسی عنوان کردم که یکی به آن سابقه تاریخی و مداخله دولت ها بازمی گردد و دیگری به طبیعت این مشاغل نوظهور بازمی گشت. این مشاغل تبدیل به بسته هایی نشده اند که در نهایت طبقه ای از میان آن ها ظهور کند.

اما آقای دکتر این ها یک طبقه اقتصادی را شکل داده اند؟ بله طبقه اقتصادی هستند که تبدیل به طبقه اجتماعی نشده اند.

چرا؟ چه تفاوتی میان آن ها وجود دارد؟ به خاطر این که تعریف طبقه اقتصادی تنها مربوط به مقوله ثروت و سرمایه است. اما ما بحث مناسبات اجتماعی و سرمایه فرهنگی را داریم. کسی که ثروت دارد باید آداب ثروتمندی را داشته باشد. آداب ثروتمندی در جامعه ایرانی یعنی بخشش، کمک به دیگران، میانداری، کاهش بحران های اجتماعی، مشارکت در حل بحران ها و بلاایای طبیعی و غیر طبیعی... وقتی این موارد وجود ندارد این طبقه اقتصادی به طبقه اجتماعی تبدیل نمی شود و سرمایه اجتماعی به وجود نمی آید. در واقع آدمهایی داریم که از لحاظ اقتصادی ممکن است با هم مشترک باشند، اما مناسبات اجتماعی لازم را ندارند.

بحث اصلی همین جاست که چرا چنین طبقه ای شکل نمی گیرد و این اتفاق رخ نمی دهد؟

یک دلیل آن به خاطر نگاهی است که قبل و بعد از انقلاب به طبقه ثروتمند داشتیم و آن را مارکسیستی دیده ایم. در دوره اخیر

نیست. آن چه در مناسبات اجتماعی مهم است نوع تصویری است که از یکدیگر داریم. ما وقتی که در جامعه به سرمایه داری برچسب می‌زنیم و آن را ضد جامعه می‌خوانیم، سرمایه دار نه می‌خواهد و نه می‌تواند فعالیت داشته باشد و فعلی را انجام دهد. ما یا گفته‌ایم سرمایه داری دولتی و یا غریزه است که در جهت منافع غرب حرکت می‌کند و زالو صفت است. متأسفانه این ادبیات در حوزه دین، اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ عمومی و... هم چنان موجود است. مردم وقتی از جلوی یک مغازه کوچکی رد می‌شوند به او به چشم یک سرمایه دار زالو صفت نگاه می‌کنند، در حالی که او هم مانند ماست و هیچ فرقی ندارد. بنابراین تا این تصور حل نشود باقی موارد منتفی است.

چرا؟ برای این که آدمی باید احساس خودباوری، هویت و مشر و عیبت بکند، تا در حوزه اجتماعی مشارکت کند. وقتی شما آدمی را غیر مشروع می‌خوانید و به او انگ دزدی می‌زنید خوب او هم باور می‌کند که دزد است. این است که آنوقت سرمایه داری در ایران تیز می‌شود و به زالو صفت بودن تشویق می‌شود. ببینید وقتی تورم و بحث تحریم‌ها پیش می‌آید، فروشندگان کالاها را به بازار نمی‌دهند و وقتی هم که می‌دهند کالاها را به قیمت دوران بحران می‌دهند. بعد هم که اعتراض کنید می‌گویند اگر بخواهیم همین کالاها را بخریم باید به قیمت دوران بحران بخریم. ظاهر حرف درست است، در حالیکه او اجناس موجود را به قیمت کمتری خریده است و به جای این که وقتی قیمت‌ها بالا رفت، بخواهد چاره جویی کند از قبل این کار را می‌کند. اما چه کسی به این سرمایه دار این را آموزش داده است. خوب ما به او آموزش داده‌ایم گفته‌ایم تو دزدی، ضد مردمی و مزدور دولتی. تا این مشکل فرهنگی حل نشود ما به جایی نمی‌رسیم.

این تجربه‌ای تاریخی است. سرمایه گذاری ملی بارها اقدام کرده که فعالیت کند، اما سرکوب شده است. شما زندگی سرمایه گذاران ملی ما را نگاه کنید که اغلب در هر حوزه‌ای که فعالیت کرده‌اند سرکوب شده‌اند. چه کسی آنها را سرکوب کرده است؟ هم دولت و هم کسانی که برای او کار کرده‌اند. کاری که بیکار بوده و آمده برای او کار کرده، یک ماه بعد علیه او شکایت کرده است. ببینید مشکل اساسی، مشکل فرهنگی و اجتماعی است. چه کسی مسبب این وضعیت است، روشنفکران، سیاستمداران، مردم و خود این سرمایه گذاران؛ یعنی این چهار نیرو و هر کدام به یک شکل در جهت بقای این وضعیت فعالیت می‌کنند و همین است که اوضاع اقتصادی ایران هم نابسامان است و هر دولتی هم می‌آید تا سخنانش را به گوش مردم برساند و تا به گوش مردم برسد و در لایه‌های زیرین جامعه نفوذ کند، دولت رفته است و نوبت به دولت بعدی رسیده است.

- کارگران در ایران باروشنفکران پیوند نزدیکی داشته‌اند و با این که مشکل سازماندهی، تحریب و سرکوب داشته‌اند و نباید صدایشان شنیده می‌شد ولی به ظاهر از اول انقلاب دولت‌ها صدای آنها را به خوبی شنیده‌اند و حامی کارگران بوده‌اند. مثلاً کارفرمایان ۳۵ سال است که می‌خواهند یک بند قانون کار را

عوض کنند و نمی‌توانند. چرا این کارگرها توانسته‌اند تا این حد در حوزه سیاست تأثیر بگذارند؟

اشتباه نکنید کارگرها هیچ تأثیری در این حوزه نداشته‌اند. بلکه این به همان پیش زمینه ضد سرمایه داری و مارکسیستی در ایران باز می‌گردد. جامعه ایرانی در دوره معاصر ضد کار و ضد سرمایه شده است. بنابراین کارگر ما هم، ضد کار از آب در آمده است. چون کارگری که کار نمی‌کند، پول می‌خواهد. اگر کارگر درست کار می‌کرد، کارخانه سر جایش بود و به راحتی حقوق آنها تأمین می‌شد. چه کسی این کار را کرده است، دولت و نگاه مارکسیستی به کار. چون منبع دولت در ایران مفت است و بر اساس مالیات و تولید نیست، با کارگر کنار می‌آید، چون با جمعیت بیشتری سروکار دارد.

- یعنی این مساله به ساختار انتخاباتی ما هم باز می‌گردد؟

بله به ساختار سیاست هم باز می‌گردد، به همین خاطر در ابتدای صحبت‌هایم مثال مجلس را زدم. به ایدئولوژی و به ضدیت با تولید مربوط است و به همین دلیل است که میزان وابستگی ما در حوزه اقتصاد از قبل بیشتر شده است. ما نسبت به گذشته وابسته‌تریم و چیزی در ایران تولید نمی‌کنیم. به خاطر این که نیروی تولیدکننده را وارد عرصه دیگر کرده‌ایم؛ و این به خاطر نگاه دوگانه ما به مستضعف است. در صورتی که انقلاب اسلامی نیامده بود که مستکبر پیدا کند و بکشد، بلکه می‌خواست مستضعف را ارتقا بدهد. در همین حال عده‌ای آمدند و با دعوی بین این‌ها کار خود را پیش بردند؛ این روند موجب شده فقر بیشتر شود، تولید ملی کاهش پیدا کند و سرمایه داران فرار کنند.

- با این وصف چه باید کرد؟

وظیفه اصلی بر عهده مراجع، علماء، روشنفکران و رسانه ملی است. چرا مسایلی که مربوط به تولید است در این کشور جدی گرفته نمی‌شود. همه ما مدافع سیاست و انتخابات و مشارکت سیاسی جامعه شده‌ایم و کسی سراغ مشارکت اقتصادی نمی‌رود. مفهوم «الکاسب حبیب الله» کجا رفته است؟ چرا کسی به این مسایل توجه نمی‌کند. این سخن را تا دیروز مراجع می‌گفتند. کاسب بقال سر کوچه نیست، کاسب تاجر است و در واقع تاجر حبیب خداست. پس تاجر حبیب خداست و دزد نیست و این جاست که آن تغییر ایدئولوژی اتفاق می‌افتد و در نتیجه خود تاجر هم در روش و عملکرد خود تغییر می‌دهد.

- فرض کنیم که چنین اتفاقی افتاد سرمایه گذار باید چه بکند؟ بعد از این که این اتفاق افتاد، ریزشی در ساز و کار سرمایه داران اتفاق خواهد افتاد. سرمایه داران در ایران باید از ترس سرمایه داری نه به معنای مارکسیستی آن بلکه به معنای این که پول، قدرت و ثروت در جامعه ایجاد می‌کند دفاع کنند. پول اعتبار و شخصیت می‌آورد و آدم پولدار دین دارد، دین با داشتن است و نه با فقر. وقتی فرد ثروتمند است خانواده خوب ایجاد می‌کند، دین دار است، پیوستگی اجتماعی ایجاد می‌کند و این شبکه را توسعه می‌دهد. پس سرمایه دار اساساً باید به طور شفاف و اساسی از ترس سرمایه داری در حوزه سیاست، توزیع اجتماعی و علم دفاع کند.

- سرمایه دار برای این که به این آگاهی برسد نیاز به سازمان

دارد. این آگاهی را چگونه می‌توان جمعی کرد؟ چند ده هزار صنعت گر وجود دارد که مدعی‌اند ۳۰ درصد اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهند، اما این منابع بسیج نشده‌اند. برای تغییر دیدگاه این‌ها به یک سری محافل و مجامعی نیاز دارند تا بتوانند این تغییر را ایجاد کنند.

شما می‌گویید آنها باید یک اجتماعات داوطلبانه‌ای داشته باشند ولی یک چیزهایی نتیجه ناخواسته این تغییر اجتماعی است. پس از تغییر گفتن، سرمایه داری ناخواسته این کار را می‌کند چون می‌خواهد خود را بیشتر نشان بدهد. ما به جایی نرسیده‌ایم که سرمایه دار خود را نشان بدهد.

- بنابراین پروژه محوری که سازمان‌های کارفرمایی باید روی آن تأکید کنند، همین بحث هویتی و فرهنگی است.

بله همین است. در یک جامعه طبیعی مراد به طور طبیعی از طریق میدان ساخته می‌شود. ببینید اتاق بازرگانی چه اختلالی در روند سرمایه گذاری ملی ایجاد کرده است. سرمایه گذار وقتی می‌آید سازمان هم در پی‌اش می‌آید و بدون این که بفهمد لیدر می‌شود و رفتارش ساختار را تغییر می‌دهد. ولی الان باید صدبار زنگ بزنند و جان بکنند تا بتوانند رییس جمهور را ببینند. شرایط اجتماعی وقتی تغییر می‌کند که آن نگاه و گفتن تغییر کند و تا آن نگاه تغییر نکند ما به هیچ جا نمی‌رسیم. اگر سرمایه داران ما به این آگاهی رسیدند که بتوانند اثر گذار باشند قبل از این که بخواهند سازمانی را تشکیل بدهند، باید با آدم‌هایی که اثر گذار هستند چانه بزنند تا عرصه افکار را تغییر دهند و تغییر نگرش ایجاد کنند، وقتی نگرش تغییر کرد یک شبه حرکت شروع خواهد شد.

- چه کسی مانع این نوع حرکت است؟

دولت و گروه‌های هرزه و گروه‌هایی که از منابع مفت سرشار هستند، مانع چنین حرکتی هستند. چون دولت برگرد تضاد بین دارا و ندار حرکت می‌کند. دولت اتفاقاً باید گروه‌های خاص را به مشارکت دعوت کند، نه گروه‌های عام را. چون گروه‌های خاص استعداد بسیج کردن نیروهای جامعه را دارا هستند. نه این که یک نفر شعار عام بدهد و تا زمانی که شعار عام بدهیم، همین وضع را خواهیم داشت. معمولاً اولین مخالف دولت‌ها گروه‌های موافق آن‌ها هستند. ما در ایران مستمر آفول دولت‌ها را شاهد هستیم، آن‌ها هم به خاطر مکانیزم‌های سیاسی و اجتماعی است که انتخاب کرده‌ایم. اگر گروه‌های تخصصی و فنی و حرفه‌ای به میدان بیایند، مشارکت ممکن است به کمتر از ۵۰ درصد برسد، مشارکت آرام ولی تخصصی را خواهیم داشت و جامعه از حساسیت سیاسی خارج خواهد شد و حساسیت اجتماعی و اقتصادی پیدا خواهد کرد.

- در واقع اصلی‌ترین کار تغییر گفتن است؟

بله تا آن گفتن تغییر پیدا نکند امکان ندارد ما به جایی برسیم. وقتی مردان مدافع حقوق زنان می‌شوند و مدافع تولید ثروت ملی سیاستمداران می‌شوند، نشان دهنده این است که جایی از کار می‌لنگد. وظیفه تولید ثروت بر عهده سرمایه دار است. سرمایه دار طرفدار سود کم، اما دراز مدت است.

کالبدشکافی رقابت

علی فتح‌اله‌زاده، مدیر عامل شرکت تالیران



ای برادر تو همه اندیشه ای
مابقی تو استخوان و ریشه ای
گر گل است اندیشه تو گلشنی
ور بود خاری تو همیشه گلخنی*
مولوی

مخاطب این مقاله به همان اندازه که کارآفرینان و نیروهای فعال در حوزه اقتصاد است، گردانندگان کشور و مدیران درگیر در حوزه سیاست نیز است.

۱- چرا رقابت؟

بر خلاف تبلیغات رسانه‌های شیفتگان اقتصاد لیبرال، نو لیبرال و «دست‌نارثی بازار»، رقابت اقتصادی امری قدسی نیست. در جریان رقابت است که عده‌ای ورشکست شده و هست و نیست خود را می‌بازند، عده‌ای بیکار می‌شوند، و حقوق بگیران با تهدید دایمی کاهش درآمد و قدرت خرید روبرو می‌شوند. در جریان رقابت است که در مواردی مانند مناقصات، هزینه‌های چند جانبه‌ای بر نیروهای فعال جامعه تحمیل شده و وقت و انرژی اکثر آنها به هدر می‌رود. رقابت اقتصادی، بی‌رحمی راهم گسترش می‌دهد. آنجا که ناپایند شرکتی در کانال تلویزیون عمومی کشور بزرگی مانند آمریکا در مقابل میلیون‌ها بیننده با جسارت بدون هر گونه شرم و حیائی اظهار می‌دارد «هدف شرکت من شکستن گردن رقباست» چه نامی جز بی‌رحمی می‌توان بر آن گذاشت؟ وقتی هدف، گردن شکستن باشد، استفاده از هر ترفندی مجاز خواهد بود مگر این که قوانین مانع شود. کیست که نداند این «گردن شکستن‌ها» مختص این کشور و آن کشور نیست و در اقصا نقاط جهان، صدای خرد شدن استخوان‌ها به کرات شنیده می‌شود (ر.ک. یادآوری).

کورت توخولولسکی (Kurt Tucholsky، ۱۸۹۰ - ۱۹۳۵) داستان کوتاه و زیبایی دارد با این مضمون: میلیاردی

تصادف می‌کند و یک چشمش را از دست می‌دهد و به جای آن، به صورت خیلی طبیعی، چشم مصنوعی برایش کار می‌گذارند. اولین روزی که پس از تصادف به دفتر کارش می‌رود از منشی‌اش می‌پرسد «حالا آگه می‌تونی بگو ببینم کدام چشم من شیشه‌ای به». منشی می‌گوید «چشم چپتون قربان». میلیارد در با شگفتی می‌پرسد «عجب، از کجا فهمیدی؟» منشی می‌گوید «آخه توی چشم چپتون هنوز ذره‌ای احساس دیده می‌شه!» (توخولسکی، ص ۴۴) این داستان می‌تواند وصف حال هر کسی باشد که معیارهای اخلاقی و انسانی را زیر پا گذاشته و بایی رحمی و بی‌ملاحظگی، در فضای سودجویی و منفعت‌طلبی غرق شده است.

در قرن بیستم یکی از علل سوق پیدا کردن مردم برخی جوامع به سوسیالیسم و روی آوردن آنها به برنامه‌ریزی مرکزی همین عوارض و همین آسیب‌های رقابت، و هرج و مرج ناشی از اقتصاد بازار آزاد بود. اما برنامه‌ریزی مرکزی هم در عمل موفق از آب در نیامد و موجب رکود و جمود، از بین رفتن انگیزه‌ها و خاموش شدن موتورهای محرک منافع شخصی شد و بدتر از آن در خدمت گسترش استبدادی دهشتناک و افول کرامت انسانی قرار گرفت.

پیتر سینگر (Peter Singer، ۱۹۴۶ - ...) استاد فلسفه در استرالیا و متخصص فلسفه هگل و مارکس، در مصاحبه با بریایان مگی (Bryan Magee، ۱۹۳۰ - ...) نویسنده شهیر فلسفی نویسنده انگلیسی، در خصوص چرایی شکست تجربه سوسیالیسم و منجر شدن آن به دیکتاتوری می‌گوید «تصور می‌کنم نهایتاً نظریه نادرستی که در باره طبیعت انسان وجود داشته است» عامل اختلاف نظریه و نتایج عملی بدست آمده باشد. سینگر در ادامه می‌افزاید «... مارکس معتقد بود همین که اوضاع اقتصادی را عوض کنید، طبیعت انسان را هم تغییر می‌دهید... همین که آن ساخت اقتصادی را از میان برداریم که من و شما را به رقابت در بازار سوق می‌دهد، اختلاف منافع من و شما و منافع فردی ما با منافع جامعه هم از بین می‌رود. اما بدبختانه به نظر می‌

رسد که این حرف درست نیست. می‌توانید اساس اقتصاد را تغییر دهید، اما شکاف بین عقل و خواهش نفسانی و اختلاف بین منافع من و شما یا بین فرد و جامعه از بین نمی‌رود. در واقع همین که مردم ببینند رقابت برای کسب ثروت محال یا بسیار مشکل شده است، برای کسب مقام یا قدرت شروع به رقابت می‌کنند و این به هیچ وجه بهتر از وضع قبلی نیست... بنابراین من فکر می‌کنم این اعتقاد مارکس غلط بوده که سرشت انسان تغییر می‌کند... (برایان مگی، صص ۳۳۶-۳۳۷) چنانچه از فحوای کلام پیتر سینگر بر می‌آید، در کنار علاقه باطنی انسان برای ثروت اندوزی و مالکیت، رقابت برای کسب مقام و موقعیت برتر نیز بر فهرست دل‌بستگی‌های ماندگار او اضافه می‌شود. دل‌بستگی‌های انسان به قدمت خود اوست و دل‌کندن از آن تازه اگر بشود، همتی والا و زمانی بس دراز می‌خواهد؛ در سطح فردی شاید موفقیتی قابل تصور باشد اما در گستره عموم و در بُعدی اجتماعی دست کم به این زودی‌ها نمی‌توان امیدوار بود. شاید دیدن این واقعیت‌ها بوده که حافظ را بر این داشته بگوید «غلام همت آتم که زیر چرخ کبود / زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است».

در حال حاضر و در چهارچوب شناخت فعلی بشر، هیچ جایگزین مناسبی برای رقابت اقتصادی وجود ندارد. همان‌گونه که رقابت و برد و باخت لازمه همه یا اکثر بازی‌هاست، اگر بازار آزاد را هم یک «بازی» به معنای علمی کلمه بپنداریم، چنین ویژگی لازمه بازار هم خواهد بود. فوتبال بدون دروازه همان قدر بی‌معنی خواهد بود که اقتصاد بازار بدون رقابت. بنابراین رقابت «شر ضرور» است. ما هر چقدر هم بکوشیم نمی‌توانیم ماهیت شر بودن آن را تغییر دهیم، فقط می‌توانیم با تمهیداتی «شر» آن را کم کنیم.

«عیب می‌جمله‌بگفتی هنرش نیز بگو

نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند» (حافظ)؛

رقابت اقتصادی شر ضرور است اما «شر مطلق» نیست. رقابت

رقابت

اقتصادی حسن‌های بزرگی هم دارد که در صورت اصلاح فضای کسب و کار و فضای عمومی اجتماع، جامعه می‌تواند از آن منتفع شود. رقابت می‌تواند باعث بالا رفتن کیفیت کالاها شود. البته در جوامعی مانند ایران امروز که اقتصاد بیماری دارد و با هزار درد و مرض دیگری دست به گریبان است، رقابت عملاً موجب بکارگیری انواع و اقسام تقلب‌ها شده و به کاهش کیفیت کالاها منجر می‌شود. رقابت قیمت تمام شده کالاها را کاهش می‌دهد و این اگر نه به خاطر کاربرد مصالح با کمیت یا کیفیت پایین تر و بلکه در اثر سخت‌کوشی و صرفه‌جویی حاصل شده باشد می‌تواند به سود مصرف‌کننده تمام شود و سرانجام این که رقابت باعث پیشرفت، نوآوری، کشف اصول و قوانین علمی تازه و اختراع فناوری‌های جدید می‌شود. بر باز یگران اقتصادی و سیاسی جامعه است که ویژگی‌های مثبت رقابت را تقویت و از جنبه‌های منفی آن بکاهدند.

۲- محیط و رقابت

مدعای اصلی این بخش از مقاله آن است که برغم این که رقابت امری به کل اقتصادی و اجتماعی است، مسموم بودن فضای رقابت در کشورهای توسعه نیافته اساساً علت سیاسی داشته و به معیوب بودن رابطه دولت-ملت بستگی دارد! شاید در وهله اول این ادعا عجیب به نظر برسد. اما تعجب نکنید. در جهان خود کامگی‌ها، در جهانی که مرز اختیارات و وظایف نهادها در عمل معین و تعریف شده نیست و تصمیم‌گیری‌ها قانون مند و طبق ضابطه نمی‌باشد، در جهانی که به جای شهر و نژاد دارای هویت مستقل، خودمختار، صاحب «حق»، و پرسشگر، فریدی اختیار نشده است، در جهانی که انسان، بی‌کس، یتیم، و صغیر قلمداد می‌شود، در جهانی که شناسنامه و گذرنامه منشأ «حقوق» سیاسی و اجتماعی نیست بلکه میزان وابستگی به حکومت‌ها و عوامل حکومتی تعیین می‌کند که افراد از چه درجه شهر و نژادی برخوردار است، در جهانی که رابطه مردم و قدرت و اراده و است و به جای آن که مردم قدرت

را تغذیه کند خود جیره خوار قدرت می‌باشند، در چنین جهانی حتی پدیده ساده‌ای مانند آلودگی هوا نیز می‌تواند ریشه دز سیاست داشته باشند! از کشور خودیادمان مثالی بزنم. فرض کنید شخصی بخواد علل و ریشه‌های آلودگی هوای تهران را مورد بررسی قرار دهد؛ همین که وارد موضوع می‌شود، مسأله حمل و نقل شهری مطرح می‌شود. بعد کار به متر و سبیس به تخصیص بودجه می‌رسد. لازم نیست بیشتر ادامه دهد. همین‌جا موضوع سیاسی شد! چرا بودجه کافی اختصاص داده نشده و داده نمی‌شود؟ چه کسی مسئول آن است؟ چه کسی آن مسئول را سر آن کار گمارده است؟ پولهای نفت کجا مصرف می‌شود که واجبت از سلامتی و وقت مردم پایتخت است؟ ... حالا طرف اگر بخواد از «مرز» خارج شده، سری هم به این دور و اطراف مثلاً لبنان و غزه بزند و آخر سر نتیجه بگیرد که «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است»، دیگر اگر هم کمترین شبهه ای در بی‌غرضی و برانداز بودن شخص وجود داشت، کاملاً بر طرف شده و یقین حاصل می‌گردد که خانم یا آقا قطعاً ریگی به کفشش هست و با بیگانگان، غیر خودی‌ها و نخودی‌ها و «اصحاب فتنه» سر و سرتی دارد و بر آن است که پایه‌های نظام را سست کند.

خوب وقتی معلوم شود که فلان مسأله سیاسی است، بناچار راه حل سیاسی می‌طلبد. بن بست و انسداد از همین‌جا آغاز می‌شود. در جهانی که توصیف شد، امر سیاسی خوف انگیز است. بالایی‌ها مفهوم براندازی را از آن مستفاد می‌کنند و حتی آرام‌ترین و مسالمت‌آمیزترین روش‌ها را بر نمی‌تابند و تحت عنوان «براندازی نرم» از آن یاد می‌کنند و پایینی‌ها به دلیل هزینه زیاد امر سیاسی، پاپس می‌کشند. در چنین جهانی پیشنهاد هر گونه اصلاحی به مثابه پا گذاشتن روی دمب مقامات خواهد بود و به دلیل عواقب آن، طبیعی است که خیلی‌ها از مناطق «دم گذاری شده» به قول عمران صلاحی فقید احتراز کنند. چرا که به استثنای عنصری که در دلمت، درد مهن، و درد عدالت و رفاه و آبادی کشور دارند، منافع شخصی حاکمان اصولاً در

اصلاح امور نیست چرا که درآشفته بازار، بی‌حساب و کتابی، بی‌حسابرسی و عدم شفافیت، و بی‌قانونی و قانون‌گریزی نیات آنها بهتر جامه عمل به خود می‌پوشد.

باز اگر به دنبال مصداق در کشور خودمان باشیم متوجه می‌شویم که هر چند بحران جاری حاکم بر اقتصاد و تحریم‌ها، وضع اسفناک رقابت در کشورمان را اسفناکتر کرده است اما علت اصلی مسمومیت فضای رقابت در ایران امروز، تحریم‌ها نیست. دکتر علی شریعتی که ابوذر غفاری را همچون سوسیالیستی صحرائشین تصویر می‌کرد، درجایی از قول او نوشته بود.

«وقتی فقر وارد خانه‌ای می‌شود، دین از درب دیگر خارج می‌شود». با تساهلی قابل قبول این حرف را در مورد اخلاق هم می‌توان زد. در شرایطی که شرکت‌ها در تلاش برای بقا دست و پا می‌زنند معلوم است که کسی پروای اخلاق نداشته باشد و فضای رقابت و فضای کسب و کار همین بشود که شاهدش هستیم. اما آنهایی که پیش از تحریم‌ها در کار کسب و کار بودند می‌دانند که آن موقع‌ها هم فضای رقابتی «گل و بلبل» نداشتیم.

من در زمان شاه فعالیت اقتصادی نداشتم اما از شنیده‌ها و خواننده‌ها می‌شود استنباط کرد که در آن دوره هم با مشکلات مشابهی دست به گریبان بوده ایم. دانشجو بودم که فروریختن سقف یکی از سالن‌های تازه‌ساز فرودگاه مهرآباد در صدر اخبار روزنامه‌ها قرار گرفت. دانش آموز بودم که در وسط شهر زادگاهم اهر، سیل بندی ساخته شد و دیواره‌های آن با اولین سیل نه چندان شدید فروریخت. اینها و ده‌ها نمونه دیگر به دلیل ضعف دانش و فناوری رخ نمی‌داد بلکه اغلب بدکار کردن و ساخت و پاخت با ناظر و مجری طرح و دزدیدن از مصالح علت اصلی آنها بوده است. یا بیپایانکار برای برنده شدن در مناقصه، قیمت پایین می‌داد و قیمت پایین خود را با دزدن از مشخصات فنی و کاهش کمیت و کیفیت مصالح جبران می‌کرد و یا به دلیل زیاده‌خواهی و طمعکاری، طرح را ناقص اجرا می‌کرد (ر.ک).

یادآوری ۲).

علوم اجتماعی و علوم سیاسی و تجربه کشورهای توسعه یافته ثابت می‌کند که با تفکیک قوا و استقلال واقعی آنها از یکدیگر، به رسمیت شناخته شدن حق و آزادی انتخاب شدن و انتخاب کردن برای آحاد ملت، تصویب قوانین ملی و مردمی و اجرای برابر و بدون تبعیض آنها، و وجود فرهنگ عمومی متعالی برای حفظ و حراست از این نهادها، فساد به کمترین سطح خود کاهش می‌یابد. به همان نسبت فضای رقابت نیز اصلاح شده و عاری از فساد و کنش و واکنش‌های غیر اخلاقی خواهد شد. در کنار تصویب قوانین خوب و مؤثر و اجرای بدون تنزل آنها، آزادی بیان و آزادی قلم عامل مهم دیگری است که موجب کاهش هر چه بیشتر فساد و اصلاح بیش از پیش فضای رقابت می‌شود. در کشورهایی که چنین شرایطی حاکم است تعداد نه چندان کمی از مردمان در کسوت روزنامه نگار، خبرنگار، نویسنده و محقق، از راه انتقاد از حاکمان و کنکاش بی‌گذشت در احوال قدرتمداران و افشای مفاسد و مفسده‌ها «نان» می‌خورند اما در ممالکی که دموکراسی هنوز نهادینه نشده، به جای نان، «آب خنک» نصیب روزنامه نگاران و نویسندگان می‌شود.

در اینجا، مجال آن نیست که وارد جزئیات بیشتری شده و به مصداق‌های مشخص تر پرداخته شود. همین قدر بگویم که متأسفانه قدرت موجب غرور و نخوت می‌شود و باعث می‌شود، پای صاحبش از اقیانیت فاصله گرفته و در فضای توهمات و مایخولیا سیر و سلوک کند و وقتی «پیام انقلاب را می‌شنود» که دیگر دیر شده است. تاریخ کشورهای توسعه یافته به لحاظ ایجابی و تاریخ کشورهای توسعه نیافته از لحاظ سلبی نشان می‌دهد که تنها راه اساسی مبارزه با فساد و اصلاح رادیکال و برگشت ناپذیر فضای رقابت، دگرگونی رادیکال در کیفیت قدرت و مطلوب شدن رابطه دولت - ملت می‌باشد.

۳- همبستگی و رقابت

آن روی سکه رقابت همکاری است. اما ظاهر همکاری و رقابت جمع‌زدین است. آیامی شود در جایی این دو را با هم داشت؟ به یقین پاسخ این پرسش مثبت است و گرنه این همه انجمن، سندیکا و اتحادیه‌های صنفی تشکیل نمی‌شد. علت همگرایی رقبا برغم واگرایی شدیدشان چیست؟ پاسخ روشن است. ما در عین داشتن تضاد منافع، اشتراکات زیادی با یکدیگر داریم. اما متأسفانه در جامعه نارس و در حال گذار، فرهنگ همکاری تحت الشعاع تفاوت‌ها و تضادها قرار می‌گیرد و روحیه ات‌حاد تضعیف می‌شود. فعالین یک صنف، فقط در یک جا رو در روی همند و آن هنگام فروش محصول و مناقصات است، اما در هزار جا با ردهای مشترک و با مشکلات مشترکی که دارند در کنار هم قرار می‌گیرند و باید قرار بگیرند چرا که آنها فقط با همکاری و اتحاد می‌توانند بر آن مشکلات چیره شوند.

اجتماع‌زدین تنها مختص رقابت نیست. در طبیعت و جامعه بسیار می‌توان چنین پدیده‌هایی را سراغ گرفت. اتم با وجود الکترون و پروتون با دو بار منفی و مثبت در دل آن، جمع‌زدین است. بنگاه‌های اقتصادی با ترکیب کار و سرمایه به عنوان عوامل دارای گرایش‌های متضاد جمع‌زدین است.

در طبیعت، هستی و نیستی قرین یکدیگرند. انسان خود مجموعه‌ای از خصوصیات متضاد است. به لحاظ زیستی، نه تنها مرگ همیشه در یک قدمی ما قرار دارد بلکه هر لحظه با پیر شدن و دفع سلول‌های مرده و زایش سلول‌های جدید، مرگ و زندگی سایه به سایه یکدیگر در اندام‌های ما در جریان است. از آن گذشته، ساعت ژنتیک بدن ما بی‌شبهت به بمب ساعتی نیست. این بمب با شمارش معکوس خود بی‌وقفه در حال نزدیک شدن به انفجار است.

به نظر می‌رسد همین مختصر کافی باشد که بپذیریم همکاری در بین رقبا امری منطقی و در جهت منافع آنان است.

۴- اخلاق و رقابت

در پی درج مقاله «اخلاق و کسب و کار» در شماره‌های ۶۹ و ۷۰ ویژه خرداد و تیرماه ۱۳۹۰ نشریه سستبران به قلم نگارنده و مطالبی مشابه در پاره‌ای از مجلات حرفه‌ای، اکثر خوانندگان از طرح این مسائل استقبال کرده و برخی با نوشتن مقالاتی، گوشه تاریکی از موضوع را روشن کردند. در این میان یک مقاله و یک مصاحبه وجود داشت که در آنها با دیدگاهی متفاوت به موضوع نگرسته شده بود.

در سستبران شماره ۷۲، مردادماه ۹۰، در مقاله «اخلاق کسب و کار و نظریه بازی‌ها»، آقای علیرضا اسدی اخلاق کسب و کار را از منظر پارادایم نظریه بازی‌ها (Games Theory) بررسی نموده و اظهار کرده بودند که این بحث‌ها ممکن است «کمکی به وعظ بکند، کمکی به شناخت ماجرا نخواهد کرد». ایشان با استفاده از نظریه بازی‌ها کوشیده بودند ثابت کنند که گرایش عمومی بازیکنان اقتصادی بر عدم همکاری و در نتیجه ادامه روند جاری است؛ دست آخر، با استناد به نظریه بازی‌ها، چاره برون رفت از وضعیت موجود را در تغییر شرایط بازی و نهایتاً تشکیل اتحادیه‌ها و کارتل‌ها دانسته بودند.

در ماهنامه اطاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران، شماره ۵۶، شهریورماه ۹۰، آقای دکتر سلطانی فر استاد دانشگاه و مدیر مسئول سابق روزنامه‌های تهران تایمز و صبح اقتصاد، در گفتگویی که عنوان «اخلاق با اقتصاد و رسانه نسبتی ندارد» به آن داده شده بود، در پاسخ به پرسشهای آقای فرهاد مهاجر اظهار کرده بودند «به گمان من اخلاق را از دو مقوله اقتصاد و رسانه باید جدا کرد... وقتی پای یک موضوع انتزاعی مثل اخلاق به میان می‌آید... به گمان من این موضوعات به هیچ تریبی به هم نمی‌چسبند». در ادامه مصاحبه با مطالب مشابهی روبرو می‌شویم: «نگاهی کلی به چند مصداق ساده از هر دوی این جریان... شما را به این نتیجه خواهر رساند که هیچ کدام از این دو مقوله اخلاق پذیر نیستند و اخلاق برای هیچ کدام از آنها محلی از اعراب ندارد.» و یا... سر مقاله همه رسانه‌ها پر است از صحبت درباره اخلاق ولی می‌بینیم که در عمل اولین چیزی که قربانی منافع جناحی می‌شود همین اخلاق است. در اقتصاد هم همین طور. می‌شود گفت که اقتصاد و اخلاق در عمل قابل تلفیق نیستند و نه اهالی اقتصاد و نه اهالی رسانه، گریزی از عوام فریبی ندارند.»

باید از این دو بزرگوار سپاسگزار بود که نظر خود را با شجاعت

و بدون پرده پوشی بیان نموده و موجب شدند که ما با آن روی دیگر تفکر مربوط به اخلاق و کسب و کار نیز آشنا شویم.

آقای اسدی اخلاق در کسب و کار را با همکاری در میان اهالی کسب و کار یکی پنداشته و با این فرض و با استناد در دست به نظریه بازی‌ها ثابت کرده اند که همکاری بین بازیگران اقتصادی جدا از هم میسر نیست مگر با تشکیل کارتل‌ها و تراست‌ها. به گمان اینجانب این برداشت نوعی به بیراهه رفتن از بحث اخلاقی کسب و کار است. منظور ما از اخلاقی شدن کسب و کار آن نیست که اهالی کسب و کار حتماً باید با یکدیگر همکاری کنند.

چنانچه دیدیم همکاری در میان کارآفرینان امری لازم است اما نیروی محرکه آن اخلاق نیست بلکه منافع مشترک بازیگران اقتصادی است که همکاری بین رقبا را دیکته می‌کند. اگر آنها با یکدیگر همکاری بکنند در جهت تحقق منافع جمعی و فردی خود گام برداشته‌اند و چنانچه همکاری نکنند به زیان خود عمل کرده‌اند اما کاری برخلاف اخلاق انجام نداده‌اند. شرکت تالیران اکنون عضو فعال انجمن صنفی تولیدکنندگان تابلوهای برق ایران است. فردا تشخیص می‌دهد که چنین عضویتی منافی برای این شرکت در بر ندارد و از عضویت انجمن استعفا می‌دهد. این شرکت با این عمل خود کاری غیر اخلاقی انجام نداده است. لذا هدف ما از توصیه به اخلاقی عمل کردن به معنای درخواست همکاری بین رقبا نیست بلکه هدف آن است که هر کسی آزادانه کار خودش را انجام دهد، اما لگد به دیگری نزند، زیر پای بغل دستی را خالی نکند، آن یکی را ندرزد، بر ضد منافع رقیب رشوه ندهد، و در یک کلمه «آدم» باشد و انسان وار عمل کند. در بازی فوتبال، ترویج بازی جوانمردانه به آن معنی نیست که به دروازه خودیگل بزنیم و یا در تلاش برای گل زدن به دروازه حریف کم کاری کنیم و «گذشت» به خرج دهیم، بلکه آن است که رند نباشیم، خطا نکنیم، پشت پای به حریف نگیریم، و در زمین بازی فحش و بد و بیراه به بازیکنان مقابل نثار نکنیم. آن نوع همکاری و آن نوع راه حل که از دل تئوری بازی‌ها در می‌آید خود نوعی بد اخلاقی است و ساخت و پاخت علیه منافع مصرف‌کننده تلقی می‌شود. حتی در کشوری مانند آمریکا که مهد سرمایه‌داری و مهد لیبرالیزم و محافظه کار است قوانینی علیه این گونه «همکاری»‌ها و تشکیل انحصارات و کارتل‌ها تصویب شده و اجرامی شود.

تئوری بازی‌ها می‌تواند ثابت کند که انسان‌های منفرد تصمیماتی می‌گیرند که منافع تک‌نشان را به حداقل می‌رساند. تئوری بازی‌ها اما نمی‌تواند ثابت کند که «انسان در هیچ شرایطی قادر نیست انسانی عمل کند» چرا که انسان نشان داده است که اگر شرایط اجتماعی، نه شرایط بازی، تغییر یابد، اگر سیاست خودکامگی «سیاست» شود و جای آن را آزادی و آزادگی بگیرد، او می‌تواند به درجه متعالی انسانیت صعود کند.

این‌ها شعار نیست، این‌ها تاریخ است. آیا در دنیای پیشرفته، آنها از ابتدا در مسیر درست قرار داشتند و عدم رواج اخلاقیات در کشور ما و یا به طور کلی در جهان سوم «مادر زادی» و ناشی از نوع خاص انسان این مناطق است؟ پاسخ مطلقاً منفی است. ادبیات قرن ۱۸ و ۱۹ دنیای غرب حتی اوایل قرن ۲۰، حاکی از آرزومندی و به لحاظ اخلاقی لجام

Steven J. Gold) ۳۲۲ جلد ۱ سر مایه به انگلیسی به نقل از ارائه. برای اثبات حرفان لازم نیست تا قرن نوزده عقب برویم و از اروپا مثال بیاریم. در همین کشور خودمان اگر در میان کارآفرینان آمارگیری شود، فکر می کنید چند نفر از وضعیت رقابت در شرایط فعلی ایران اظهار رضایت می کنند؟ من که در انجمن خودمان با خیلی از همکاران خود حشر و نشر دارم به جرات می توانم بگویم که اکثریت قریب به اتفاق دوستان از وضع موجود ناراضی اند. ما برای خروج از این وضعیت میثاقنامه ها و مرامنامه ها تدوین و تصویب می کنیم اما اجرائی نمی شود. چرا چنین است و این تناقض را چگونه می توان تفسیر کرد؟ (ر. ک. یادآوری ۳)

تناقض نیست فردی کارآفرینان و عملکرد جمعی آنها به عدم پشتیبانی جامعه از عملکرد صحیح آنها بر می گردد. چرا که هر کسی فکر می کند اگر در رفتار اقتصادی خود معیارهای اخلاقی را دخالت دهد، دیگران با عدم رعایت آن معیارها باعث خسران او خواهند شد. چه موقع قادر خواهیم بود این نگرانی ها را برطرف کنیم؟ وقتی که رعایت اخلاق و قانون از ناحیه همه بازیگران اقتصادی تضمین و تشویق شود. چگونه چنین چیزی ممکن است؟ وقتی که مانند مثال بانک، سیستم و ضوابطی در جهت رفع مشکلات پیاده شود.

می دانیم که در کشور ما اتحادیه در مقایسه با انجمن قدرت اجرائی و قانونی دارد. اگر عضوی ضوابط اتحادیه را رعایت نکند اتحادیه می تواند او را توبیخ یا جریمه کند. اتحادیه حتی می تواند در محل فعالیت عضو خاطی را به طور موقت پلمب و یا جواز او را ابطال کند و یا از تمدید آن جلوگیری کند. اما انجمن ها به لحاظ قانونی فاقد هر گونه اختیارات می باشند و به این دلیل جاقوی بی دسته اند. اعضای ناپایندگان آنها، می نشینند و ساعت ها بحث و گفتگو می کنند، و گهگاه به نتایج خوبی هم می رسند اما تصمیمات روی کاغذ می ماند. در همین ارتباط و برای ملموس تر شدن موضوع فکر کنید برای تنظیم

رغم میل خودم می گفتم اینجا شما هم مانند بقیه عمل کنید. یک موقع بانک ها این چنین بودند و جلوی باجه ها هر کس «ز رنگ» تر بود کارش زودتر راه می افتاد. با پیاده شدن سیستم نوبت گیری از دستگاه، به راحتی توانستند آشفتگی و بی نظمی جلوی باجه ها را حل کنند و مراجعین به صورتی متمدنانه بر روی صندلی های انتظار

می نشینند تا نوبتشان از بلندگو اعلام شود. این مثال ها دقیقاً بیانگر تأثیر محیط و سیستم بر عملکرد افراد است. ایرانی ها وقتی مهاجرت می کنند با مشکل چندان در انطباق خود با شرایط محیط جدید مواجه نمی شوند. چنانچه می دانیم ما ها در سر چهارراه ها به عنوان عابرین پیاده و قتان طلا می شود و تحمل نمی کنیم که صبر کنیم چراغ سبز شود و سپس با آسودگی خیال عبور کنیم. بیست و چند سال پیش در سنگاپور، به چهار راه خلوتی که در آن هنگام هیچ ماشینی از آن در حال عبور نبود، رسیدیم و دیدیم دو نفر ایرانی که از سر و وضعشان پیدا بود «چتر باز» اند (چتر باز به کسانی گفته می شد که به قصد فروش، جنس همراه مسافر وارد کشور می کردند)، پشت چراغ قرمز و ایستاده اند تا چراغ سبز شود و بگذرند. این عمل ساده، نتیجه بزرگی در بردارد. تغییر محیط انسان ها را به سرعت تحت تأثیر قرار می دهد.

نتیجه این که در جوامعی که اخلاق و فضای رقابتی سست و آشفته است، سیستم و محیط باید اصلاح شود تا فرد بتواند مطابق نیات خیرخواهانه خود عمل کند. زمانی موضوع ممنوعیت کار کودکان در اروپای قرن نوزده مطرح بود و مارکس در کتاب سر مایه، به مدیریت شرکتی به نام Josiah Wedgwood & Sons اشاره می کند که طرفدار تصویب قانون ممنوعیت و محدودیت کار کودکان بوده اما تا تصویب و اجرائی قانون نمی توانسته است از خیر کار کودکان بگذرد چون که دستمزدها آنها پایین تر بود و صرف نظر کردن از کار کودکان موجب تضعیف رقابت پذیری آن شرکت می شده است (ص

گسیختگی مردمان آن دوره هاست. آثار ویکتور هوگو، انوره دو بالزاک، چارلز دیکنز، مارکس و انگلس، گوته، جان اشتاین بک، جک لندن دیگر نویسندگان مطرح آن دوره ها سرشار از حکایت نامالییات و اجحاف و بی عدالتی های آن مقاطع تاریخی است. پس چه شد که آنها تغییر یافتند؟ پاسخ آن است که آنها در زمینه ای از مرفه شدن جامعه، رشد و نضج طبقه متوسط و طبقه کارگر، و گسترش باسوادی و ارتقاء فرهنگ عمومی، توانستند از طریق مبارزه با بی عدالتی، مبارزه با اجحاف، مبارزه با حق کشی، و به طور کلی مبارزه با هر گونه آثار پستی و هر گونه بی توجهی به کرامت انسانی، شرایط اجتماعی خود را تغییر دهند و نهادهایی را مستقر کنند که مروج آزادی و آزادگی و سلامت مناسبات حاکم بر جامعه باشند. همین جا لازم است خاطر نشان شود که هنوز آنها هم به وضعیت ایده آل نرسیده اند اما علی رغم ادعاهای جورواجور ما، از ماها بسیار جلو ترند.

در اکثر مواقع، افراد در سلوک انفرادی خود خوبند اما وقتی در محیط و سیستم معیوبی وارد عملی متقابل می شوند، رفتارشان غیر اخلاقی، متناقض و بلکه متضاد با اعتقادات قلبی آنها می شود. در این موارد می توان گفت «اجزایشان خوب است مرده شور ترکیشان را ببرد!» شاید شما هم با این مسأله برخورد کرده باشید. در اداره ای جایی به فکر انجام کاری هستید و یا می خواهید سوار تاکسی یا اتوبوس شوید، با خیل انبوهی از مردم مواجه می شوید که از سر و کول هم بالا می روند تا از بقیه جلو بزنند. شما که دون شأن انسان می دانید که بدین گونه عمل کنید راه خود را می کشید و می روید اما اگر راه دیگری نداشته باشید ناچار می شوید مانند بقیه عمل کنید و گر نه باید آن قدر بایندها تازیر پایتان علف سبز شود! ما بچه های خودمان را به رعایت نوبت و احترام به حقوق دیگران عادت داده بودیم. موقعی که آنها را به شهر بازی می بردیم، دیگر بچه ها نوبت را رعایت نمی کردند. بچه های ما سر در گم می شدند و به صورت مان نگاه می کردند تا تکلیفشان روشن شود. من علی





مناسبات فوتبال فیفایی وجود نمی داشت و در زمین بازی کسی مجبور به اطاعت از دستور مربی نمی بود. چه اتفاقی می افتاد؟ بازیکنان با پای خود وارد میدان می شدند و با برانکار از آن خارج می شدند. رقابت، فعالیت صنفی و فعالیت انجمن ها، هم اکنون بی شباهت به فوتبال بی فیفا نیست!

حالا شرایطی را تصور کنید که تصمیمات انجمن ها یا هر تشکل صنفی دیگر پشتوانه قانونی دارد و اجرائی شدن مصوبات آن ها از سوی مراجع قانونی تضمین شده باشد. در این صورت خیلی از بداخلاقی ها و بی ضابطه عمل کردن ها بر طرف می شد. اما هنوز موارد زیر زیرکی و پنهانی مانند ارتشاء، ممکن بود ادامه داشته باشد و قاعدتاً کشف آن ها از عهده تشکل ها خارج می بود. اینجا قوه قضائیه مستقل و پاکدست و قوه مجریه صاحب اراده مبارزه با فساد وارد عمل شده و مشت رشوه دهندگان و رشوه گیرندگان را باز می کردند.

اگر مقامات کشورهای فسادآلود و توسعه نیافته - که به راحتی می توان به لیست آنها بر اساس بررسی های سازمان های جهانی دسترسی پیدا کرد - از خودشان نگران نمی بودند و اجازه می دادند سازمان بی طرف و مستقلی مثل آوبسته به بانک مرکزی یا وزارت اقتصاد و دارائی دولتی ملی و مردمی و با پشتیبانی قوه قضائیه مستقل و عاری از فساد، حساب های بانکی و نقل و انتقال پول در سیستم بانکی را بدون تبعیض و بدون چشم پوشی از حسابهای مسئولین، کنترل می کرد و هر کسی پاسخگوی هر ریالی می بود که به حسابش وارد یا از حسابش خارج می شد. در این صورت به سادگی می شد ارتشاء را ردیابی کرد. در کشورهایی که دولت های ملی و پاسخگو بر سر کار می آیند، مردم هم به تدریج در ارتباط با مسائل مالی و مالیاتی پاسخگو تر شده و نگران کنترل حساب هایشان نمی شوند.

کنترل حساب ها و پاسخگو بودن هر کس در برابر ورودی و خروجی حساب خود، در کشورهای توسعه یافته امری معمول و از طرف عموم پذیرفته شده است. به عنوان مثال در کانادا

هر شخص حقیقی حتی کارمند، مانند آن چه شرکت ها انجام می دهند، باید سالانه اظهارنامه مالیاتی تکمیل نموده و به اداره دارائی ارائه دهد. طبعاً در جریان این اظهار نامه ها حساب های بانکی او هم می تواند مورد مذاقه و ممیزی قرار گیرد. اما در کشورهای توسعه نیافته، از آنجا که عوامل رژیم ها دست شان آلوده است، اولین مخالف شفافیت بانکی و مفهوم «از کجا آورده اید» خود حکومتیان و افراد وابسته به آنها هستند. البته به دلیل استفاده متخلفین از شگرد های مختلف پول شویی (Money laundering)، موضوع کمی پیچیده تر است، اما آن چنان پیچیده نیست که نشود خلاقان را رکنترل و تبدلات غیر قانونی را ردیابی کرد.

در اظهارات آقای دکتر سلطانی فر گفته شده بود «با اینکه اقتصاد زیر بنای نیست ولی محور و شاکله همه حرکت ها از سیاست گرفته تا مسائل فرهنگی آرا تشکیل می دهد.» و نتیجه گرفته بودند که در حوزه اقتصادی هر کاری صرفاً در جهت منفعت طلبی شخصی و یا گروهی صورت می گیرد و اخلاق را در این حوزه ها جایی نیست.

چنانچه در بالا دیدیم اخلاق با منفعت طلبی شخصی تناقضی ندارد. کارآفرینان و فعالین اقتصادی به اتفاق معترفند که اخلاقی عمل کردن به نفع همه شان می باشد. چیزی که در این میان لاینحل باقی می ماند آن است که اگر من میابم نزنم و از شگرد های «زیر میزی» و پیشنهادات «سازنده» و از «توافقات نانوشته» (gentleman agreement!)، و روش های رایج کوبیدن رقبای بلند شدن روی دست آنها استفاده نکنم، دیگران این کار را خواهند کرد و من از گردونه رقابت خارج خواهم شد. برای این که دغدغه های من نوعی بر طرف شود، چنانچه گفته شد در وهله اول باید نهادها و زیر ساخت های جامعه به گونه ای تغییر یابند که امکان تحلف از رقبای من گرفته شود. و در وهله دوم که جنبه فرهنگی و آگاهی بخشی دارد، رقبای من بفهمند که هر گونه انحراف از مسیر اخلاق و اخلاق مدارانه نه تنها منافع دراز مدت آنها و جامعه را به خطر خواهد انداخت

بلکه عقوبت قانونی نیز بر ایشان به ارمان خواهد آورد. آقای اسدی و آقای سلطانی فر هر کدام با دلایل و ادبیات مختص به خود، بحث و گفتگو در باره اخلاق را ببوده و عبث می دانند. آیا واقعاً چنین بحث هایی موعظه تو خالی و آب در هاون کوبیدن است؟ اگر پاسخ این پرسش مثبت باشد، بناچار باید نقش روشنگری را در تاریخ هیچ بینگاریم. اما هیچ کس نمی تواند بر چنین ادعایی صحه بگذارد. چرا که خلاف تجربه و پراتیک اجتماعی بشر است. حتی مارکسی واضح نظریه ماتریالیسم تاریخی، کسی که هستی اجتماعی را مقدم بر آگاهی می پندارد و اقتصاد را زیر بنا می داند، به اندازه آقای دکتر سلطانی فر تند نمی رود و می گوید «تئوری زمانی که همه گیر شود به نیروی مادی تبدیل می گردد» (نقد فلسفه حق هگل). به بیان دیگر، عینیت ذهنیت جمعی است.

شاید دوستان مزایای روشنگری به طور عام را نفی نمی کنند بلکه بحث نظری در این مورد خاص را بی فایده تلقی می کنند؟ چرا باید بحث نظری و گفتاری روشنگرانه در مورد اخلاق، تافته جدا بافته و استثنای باشد؟ فقط در صورتی می توان این استثنا بودن را توجیه کرد که بپذیریم در هر حال رعایت اخلاق با منافع کنشگر اقتصادی متضاد است و فساد و بداخلاقی در این حوزه ابدی بوده و تا «آخر الزمان» ادامه خواهد یافت. اما چنین نیست.

در بالا دیدیم که فقط در غیاب اهرم های اجتماعی مناسب و نهاد های متضمن سلامت رقابت است که اخلاق تا حدود زیادی از رقابت فاصله می گیرد و گرنه وقتی شرایط اجتماعی و سیاسی مناسب مهیا شود، این دو با یکدیگر سرآشتی خواهند داشت. شاید لازم باشد تا پیدایش شرایط اجتماعی و سیاسی مناسب، بحث و گفتگو در باره اخلاق را تعطیل کنیم، چرا که مترتب هیچ نتیجه عملی نخواهد بود؟ پاسخ باز هم منفی است. اگر این بحث ها نشود چگونه می توانیم مشکلات خود و جامعه خود را بشناسیم و راه حل هایی برای آن بیندیشیم؟ و چگونه می توانیم برای آن روزی که شرایط اجتماعی تغییر می کند از پیش آمادگی کسب کنیم؟ از همه این ها گذشته، در همین شرایط

هم عملکرد افراد با یکدیگر تفاوت دارد. آن طور نیست که افراد باید مطلقاً اخلاقی رفتار کنند و یا مطلقاً بی اخلاقانه. بین این دو مطلق، ناحیه ای خاکستری وجود دارد. این بدان معنی است که کسانی هستند که گرچه شرایط اجازه نمی دهد به طور تمام و کمال اخلاقی عمل کنند دست کم در جاهایی خود را پای بند رعایت اصولی می دانند. این گونه بحث ها می تواند تعداد این افراد را بیشتر و طیف خاکستری هارا پررنگ تر کند. دوستی در همین پیوند و در تبیین تفاوت اشخاص در تحریب رقبا و توسل جستن به ترفند های غیر اصولی در رقابت می گفت: «گاو، وقتی سیر می رود گوشه ای می خوابد، گوسفند وقتی سیر می شود سایه ای گیر می آورد و به استراحت می پردازد، اما برخی مانند گرازند، سیرمونی ندارند چه سیر باشند چه گرسنه همیشه پوزه شان به زمین است و در حال تحریب هستند». حرف آخرین که به قول سقراط بحث اخلاق بحث چگونگی زیستن است، نمی توانیم آن را دست کم بگیریم و یا تعطیلش کنیم.

۵- نتیجه گیری

از آنچه در این مقال آمد می توان نتیجه گرفت که بکار بست اخلاق و اصلاح فضای رقابت در کشورهای فساد زده و توسعه نیافته امکان پذیر است، اما در وهله اول و مقدم بر هر چیز باید جایگاه «قدرت» در آن کشورها عوض شود و قدرت از «مقابل» مردم به «کنار» آنان تغییر مکان دهد. در این صورت با کار فرهنگی و آگاهی بخشی، تدوین و تصویب و اجراء بدون تبعیض قوانین ضد فساد، و توسعه سازمان های مردم نهاد (NGO) و سپردن اختیارات و مسئولیت به آنها، از فضای رقابت سم زدائی خواهد شد. بدیهی است که تا وقوع این تحولات ریشه ای، نیروهای اجتماعی، نباید منفعل و بیکار بنشینند. بدون عزم و اراده مردم و بدون مبارزه، هیچ معجزه ای رخ نخواهد داد. آگاهی بخشی به آحاد ملت ها و حتی وارد شدن به مباحثه ای سازنده با حاکمان علی رغم روی خوش ندادن احتمالی دست کم بخشی از آنها، استقبال از اصلاحات احتمالی و هر چند اندک هیئت های حاکمه و مشارکت با آنها برای موفقیت آن اصلاحات، تلاش برای تشکیل، تقویت و گسترش سازمان های مردم نهاد و تأسیس احزاب سیاسی از جمله کارهایی است که باید در کشورهای فساد زده انجام شود.

*هیمه گلخن = هیزم آتشگاه حمام
یاد آوری:

(۱) برای آشنائی بیشتر با نتایج اقتصاد بازار، مطالعه کتاب «دکترین شوک، ظهور سرمایه داری فاجعه»، نوشته ناومی کلاین، ترجمه مهرداد شهابی و میرحمود نبوی، نشر «کتاب آه» توصیه می شود. در تحقیق این خانم کانا دایی حقایق تکان دهنده ای از جنایات جناح راست و نو محافظه کار سرمایه داری لحام گسیخته وجود دارد. اما به اعتقاد من همه نظرات خانم کلاین نمی تواند قابل دفاع باشد. چرا که او به عنوان یک بدیل در مقابل بیکه سازی شرکتها در بازار آزاد، از اصلاحات مورد نظر جان

مینارد کینز (John Maynard Keynes, ۱۸۸۳-۱۹۴۶) هم که پس از رکود بزرگ ۱۹۲۹ به مورد اجرا گذاشته شد و طی آن اهرم هایی برای کنترل بازار پیش بینی شد و از آموزش پرورش و بهداشت دولتی و تأمین اجتماعی و ... حمایت شد فراتر می رود و از اقتصاد دولتی مانند آنچه در عراق دوره صدام حسین یا کشورهای مشابه بود حمایت می کند. مادست کم در کشور خودمان نتایج منفی چنین اقتصادی را به چشم خود دیده ایم. به نظر نمی رسد تجربه دنیا هم این حد از دولتی شدن را تأیید کند.

(۲) برای کسب اطلاعات دقیقتر و جزئی تر از کم و کیف قدرت در رژیم گذشته و علل وقوع انقلاب اسلامی، مطالعه کتاب «نگاهی به شاه» عباس میلانی، نشر پرشین سپرکل - تورنتو، کانادا، به عنوان جدیدترین تحقیق علمی بی طرف و بی غرض، به ویژه برای نسل جوان مفید خواهد بود. البته کتاب های خوب دیگری مانند «ایران بین دو انقلاب» یرواند آبرامیان و کتاب دیگر او در این مایه ها، «از سید ضیاء تا بختیار» مسعود بنود، و «ایرانیان» و دیگر آثار همایون کاتوزیان هم در این زمینه وجود دارد.

(۳) برای اطلاع خوانندگان از تلاشهای به عمل آمده در جهت اخلاقی تر شدن رقابت، پیش نویس میثاقنامه انجمن صنفی تولید کنندگان تابلوهای برق ایران به عنوان تشکیلی کارفرمایی به پیوست این مقاله تقدیم می شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- کتاب «بعضی ها هیچ وقت نمی فهمن»، کورت توخولسکی، ترجمه دکتر محمد حسین عضدانلو، چاپ سوم، نشر افراز، ۱۳۸۷، ص ۴۴
- ۲- کتاب «فلاسفه بزرگ»، نوشته بریان مگی، ترجمه عزت اله فولادوند، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۹۰، صص ۳۳۶-۳۳۷
- ۳- کتاب «نقد فلسفه حق هگل»، کارل مارکس، ترجمه محمود عبدیان و حسن قاضی مرادی، تهران، انتشارات اختران.
- ۴- Steven J. Gold Ph. D. Critical Theory Games Theory and the MBA Business Ethics ۴th International Course Presented in Critical Management Studies Conference in ۲۰۰۵ Cambridge University UK July

پیوست مقاله کالبدشناسی رقابت

پیش نویس میثاقنامه اعضای انجمن صنفی تولید کنندگان تابلوهای برق ایران - مصوب کمیته حقوقی انجمن برای پاسداشت کرامت انسانی خود و دیگران و به منظور ایجاد رقابت سالم و اخلاقی و گسترش دوستی، همکاری و همیاری بین اعضا، و ایجاد وحدت رویه در عملکرد، ما اعضای انجمن صنفی تولید کنندگان تابلوهای برق ایران با تصویب این میثاقنامه در مجمع عمومی، به رعایت مفاد آن اکیداً وفادار و متعهد می گردیم.

ماده ۱- تعهدات و ضوابط برای پیشبرد رقابت سالم

- از پخش هر گونه شایعه، سم پاشی و تبلیغ منفی علیه یکدیگر خودداری می ورزیم؛
- خود را همان گونه که هستیم به مشتریان معرفی می کنیم و از ادعاهای خلاف واقع برای فریب مشتری می پرهیزیم. به عنوان مثال در ارائه اسناد فنی فقط به داشته ها و گواهی های واقعی و معتبر خود بسنده می کنیم.
- از مصاحبه با پرسنل در حال کار عضو دیگر انجمن به منظور جذب او اجتناب می کنیم.
- از جذب پرسنل اعضای دیگر خودداری می کنیم مگر این که رضایت نامه از کارفرمای قبلی خود ارائه کند و یا سه ماه از انفسال خدمت او گذشته باشد.
- برای تحصیل تکنولوژی، مالکیت معنوی، و اطلاعات فنی و بازرگانی داخلی و خاص عضو دیگر به هیچ روشی دست نمی یازیم.
- در مناقصات و استعلام ها، پس از باز شدن پاکت های قیمت و مشخصات فنی، در صورت بازنده شدن تخفیف نداده و یا دیگر شرایط پیشنهادی خود را تغییر نمی دهیم.
- قرارداد تیب پیشنهادی انجمن را تا حد امکان و بر حسب ویژگی های کارفرما، به الگوی رفتاری خود با کارفرما تبدیل می نمایم.
- ضمن تأکید بر ارائه قیمت های رقابتی و منصفانه، در پیشنهادات قیمت، به نرخ تورم، شرایط بازار و قیمت مواد اولیه، هزینه های باالاسری پروژه، و هزینه های تحقیق و توسعه به دقت توجه می نمایم و با پیشنهاد قیمت خلاف عرف و مغایر با هزینه های معمول پروژه، موجبات زیان خود و دیگران را فراهم نمی سازیم.
- ماده ۲- مرجع تصویب میثاقنامه و نظارت بر حسن اجرای آن مطابق ماده ۵ اساسنامه انجمن، مرجع تصویب میثاقنامه، مجمع عمومی بوده و نظارت بر حسن اجرای آن به عهده هیئت مدیره انجمن می باشد.
- ماده ۳- تجدید نظر در میثاقنامه متناسب با شرایط زمان و نیاز روز، این میثاق نامه می تواند اصلاح شده و مورد تجدید نظر قرار گرفته و بلافاصله پس از تصویب هیئت مدیره به مورد اجرا گذاشته شود. این گونه تغییرات لازم است در اولین مجمع عمومی تنفیذ و تصویب شود. در صورت عدم تصویب تغییرات در مجمع عمومی، تصمیمات متخذه بر مبنای متن تجدید نظر شده تا تاریخ برگزاری مجمع عمومی معتبر بوده و پس از آن مطابق مصوبه مجمع عمل می شود.
- ماده ۴- مرجع رسیدگی به شکایات و اعتراضات مطابق مواد ۵ و ۱۶ اساسنامه انجمن، مرجع رسیدگی به شکایات و اعتراضات در پیوند با عدم رعایت مفاد میثاقنامه و سایر مصوبات انجمن، هیئت داوری انجمن می باشد. هیئت داوری بر مبنای «آئین نامه داوری انجمن» که به تصویب هیئت مدیره انجمن رسیده باشد رأی خود را صادر خواهد کرد.

انتقاد جمشید پژویان رییس شورای رقابت از عملکرد اقتصادی دولت

توزیع سبد کالا اشتباه بزرگی بود

گفت و گو با جمشید پژویان، رییس سابق شورای رقابت



جمشید پژویان رییس سابق شورای رقابت است و چند وقتی بیشتر نیست که این پست را ترک گفته است. پستی که نسبت به عملکردش در دوره حضور انتقادات فراوانی وارد است؛ هر چند که خودش به شدت از عملکردش دفاع کرده و می گوید دولت او را با ترند کنار گذاشته است.

استاد ۵۸ ساله اقتصاد در سخنانش با «ستران» به عملکرد دولت انتقاد دارد و درباره توزیع سبد کالاها می گوید: «این اشتباه بزرگی است. اگر الفبای اقتصاد را بلد باشید این را می دانید که چه یارانه نقدی باشد چه جنسی باشد هیچ تأثیری در تورم ندارد. چه فرقی بین این که دولت به من و شما پول بدهد و ما در بازار تقاضای خود را بالا ببریم با این که کالایی را دولت تهیه کند و خودش تقاضا را بالا ببرد وجود دارد؟»

به گفته وی «باید شورای رقابت فعالیت جدی داشته باشد و برای این که فعالیت بهتری را از دولت شاهد باشیم، بهترین کار طراحی سیاست های اقتصادی است که با شرایط اقتصادی کشور تطبیق داشته باشد.»

دولت ها کما بیش داشته اند و این تنها شامل این دولت نمی شود. مثلاً یک سیاست بسیار مهم و کلی که همان اصلاح قیمت های

نسبی یا هدفمندی یارانه ها است در حال اجرا بود در صورتی که وقتی دولت جدید سر کار آمد به نظر رسید که هیچ برنامه خاصی برای آن ندارد و تازه می خواهد برنامه ریزی کند. بعد هم چون می خواست نشان دهد که می خواهد تغییر ایجاد کند به جای گام مثبت در جهت بهتر شدن، تغییرات منفی انجام داد و بحث سبد کالایی را اجرا کرد که هم از نظر تئوری و نظری غلط است و هم از نظر عملی. در واقع تمام متون اقتصاد با شفافیت بر این مسئله تاکید دارند که این روش غلط است. مگر در موارد خاص. ولی به هر حال این اشتباه نه تنها از لحاظ تئوری و نظری هم هزینه دولت را بالا برده است که رفاه و مطلوبیت مصرف کنندگان را کاهش داده است و حتی نحوه اجرای آن هم با یک سری مشکلات مواجه بوده است که الزاماً همه آن را نمی توان به گردن دولت انداخت. ولی به هر حال این خود نشان دهنده این است که از قبل برنامه مشخص و تعیین شده ای برای این مسئله مهم طراحی نشده بوده است.

بیش از ۶ ماه از آغاز به کار دولت گذشته است. در این مدت عملکرد اقتصادی دولت را چطور دیدید و آن را چطور ارزیابی می کنید؟

به طور کلی باید بگویم مادر شرایط اقتصادی انتظار آمیز هستیم. یعنی با توجه به این که بحث تحریم و رفع آن روی میز مذاکرات هست و از آن جایی که دولت کنونی بخش عمده ای از سرمایه گذاری اش را روی این مهم قرار داده است باید منتظر ماند و دید که این مسئله تا کجا کشیده خواهد شد؛ چه نوع منابعی آزاد خواهد شد تا بر اساس آن منابع آزاد شده و منابعی که کسب می کنیم سیاست های سرمایه گذاری و رشد را اجرا بکنیم. ولی سیاست گذاری خاصی که نتیجه یک برنامه قبلی باشد نمی توان مشاهده کرد.

به نظر شما چه اقداماتی دولت باید انجام می داده است؟ مسئله مهم این است که دولت مجموعه ای از سیاست ها از یک نقشه راه اقتصادی را اجرا بکند هر چند که این مسئله را اغلب



تأثیر سیاست‌های دولت بر کسب و کار بخش خصوصی را چگونه می‌بینید؟

سال‌هاست که در حوزه کسب و کار خصوصی صحبت می‌کنیم و تنها شعارش را می‌دهیم ولی راهکارهای درست را هم انتخاب نمی‌کنیم. ما برای اینکه به فضای کسب و کار بخش خصوصی رونق بدهیم کافی است چند آدم خبره کلیه قوانین اداری و دولتی و سازمان‌ها به خصوص آن‌هایی که مجوز صادر می‌کنند را بازنگری کنند؛ هر چیز زائد و اضافی را حذف کنند و این خود یعنی ایجاد فضای بهتر کسب و کار. در حالی که نوشتن قوانین جدید مشکلات را بیشتر می‌کند. کافی است که بخش خصوصی را به خودش واگذار کنیم و فقط جلوی انحصارات را بگیریم.

مانعت از این انحصارات چه ملزوماتی دارد؟ شورای رقابت باید فعال باشد.

و به عنوان سؤال پایانی چه پیشنهاداتی به دولت دارید تا عملکرد بهتری را از سوی آن شاهد باشیم؟
بهترین کار طراحی سیاست‌های اقتصادی است که با شرایط اقتصادی کشور تطبیق داشته باشد.

که دیده‌اند می‌خواهند آن‌ها را با کالاهای دیگری عوض کنند و در این میان عده‌ای ضرر خواهند دید و عده‌ای دیگر منفعت می‌برند. ما نتیجه چنین اقداماتی را از قبل دیده‌ایم.

با این وصف شما معتقد هستید که اگر قرار است هدفمندی یارانه‌ها ادامه پیدا کند و مرحله دوم آن هم اجرا شود باید به همان سبک و سیاق قبل و با توزیع یارانه نقدی ادامه پیدا کند؟
بله. این الفبای اقتصاد است. من خواهش می‌کنم آقایان متون کلاسیک اقتصاد در این زمینه را مطالعه کنند.

با توجه به سخنان شما اخیراً بانک جهانی گزارشی منتشر کرده مبنی بر این که در سال آینده اوضاع اقتصادی ایران در حوزه‌های مختلف مثل تورم و... بهتر خواهد شد. نظر شما در این باره چیست؟ با توجه به انتقاداتی که به عملکرد دولت داشتید آیا به نظر شما این اتفاق رخ خواهد داد؟
ما به دلیل تحریم‌ها خود به خود یک شوک تورمی داشتیم لذا اگر هیچ کاری هم نکنیم تورم پایین خواهد آمد.

نرخ رشد اقتصادی و بیکاری چگونه؟

اگر منابع ما آزاد شود و درآمدهای نفتی امان بیشتر شود انتظار داریم که سرمایه‌گذاری جدید و رشد اقتصادی صورت بگیرد و هر رشد اقتصادی در نتیجه کاهش بیکاری را به دنبال خواهد داشت.

شما از چه زاویه‌ای معتقد هستید که توزیع سبد کالایی غلط بوده است و باید نوع دیگری اقدام می‌شد؟ چون در بحث توزیع پول نقد دیدیم که به علت افزایش نقدینگی تورم افسار گسیخته‌ای داشتیم؟

این اشتباه بزرگی است. اگر الفبای اقتصاد را بلد باشید این را می‌دانید که چه یارانه نقدی باشد چه جنسی باشد هیچ تأثیری در تورم ندارد. چه فرقی بین این که دولت به من و شما پول بدهد و صادر بازار تقاضای خود را بالا ببریم با این که کالایی را دولت تهیه کند و خودش تقاضا را بالا ببرد وجود دارد؟

این جا هم بحث روانی مطرح است و هم این که وقتی دولت دست‌اندر کار باشد اصلاً چنین اتفاقی نمی‌افتد و این افزایش تقاضا محسوس نخواهد بود؟

این حرف‌ها اصلاً در اقتصاد مطرح نیست. با کمال تأسف ما هزینه نداشتن دانش اقتصاد را طی ده‌ها سال داده‌ایم و بارش بر دوش مردم است.

اما اغلب اقتصاددانان متفق القول هستند که توزیع یارانه نقدی تورم‌زاست.

یارانه کالایی برای این نوع کالاها غلط است. قبلاً پول به حساب مردم واریز می‌شد و مردم راحت و آسان خریدشان را می‌کردند. اما الان چند نفر کشته شدند؟ مردم سبد کالاهایی را دریافت کردند که حتی نمی‌دانستند داخل آن‌ها چیست. حالا

رقابت مخرب در بخش خصوصی

موریانه‌ای که به ریشه زده است

میزگرد بررسی راهکارهای مقابله با رقابت‌های مخرب

مهندس سیاسی راد:

موضوعاتی که تا امروز در نشریه سستبران مورد بررسی قرار گرفته، بیشتر ناظر بر رفتار دولت و سیستم قانونگذاری و نظام تصمیم‌گیری و وزارت نیرو بوده است. اما قصد داریم که این بار برای وضعیت داخلی شرکت‌ها و روابط آنها با یکدیگر پردازیم. چرا که به هر حال ایجاد تغییر جدی در حوزه تصمیم‌گیری در گرو بهبود روابط و ایجاد مشارکت فعال بین شرکت‌ها و اعضای خانواده صنعت برق است.

مهندس بیات:

در طول سال‌های اخیر بارها سطوح همکاری‌هایی که باید بین شرکت‌های عضو شکل می‌گرفته، به عنوان یک موضوع مهم و موثر در سندیکا مورد بحث قرار گرفته است. اما متأسفانه در این مدت به جز فعالیت‌های تشکلی که در قالب سندیکای صنعت برق، به عنوان یک نمونه قابل اتکا صورت گرفته، موفقیت چشمگیری در سطح بنگاه‌ها به دست نیامده است. تجربیات ما در صنعت برق نشان می‌دهد که لااقل در بخشی از فعالیت‌های این صنعت، ایجاد این مشارکت‌ها کاملاً امکان‌پذیر بوده و زمینه‌های آن نیز فراهم است. به عنوان مثال همیشه تعدد تولیدکنندگان تابلو در ایران به عنوان یک موضوع قابل بحث مطرح شده است. ما هم می‌توانستیم مثل بسیاری از کشورهای صاحب نام و برند در این حوزه، به جای ده‌ها شرکت کوچک با گردش مالی محدود، چند شرکت بزرگ با زمینه فعالیت گسترده داشتیم.

شاید صدها شرکت فعال در زمینه صنعت برق در ایران وجود داشته باشد اما واقعیت این است که حجم گردش مالی همه این شرکت‌ها شاید حتی توان رقابت با یک شرکت معمولی بزرگ خارجی را نداشته باشد. همین مساله هم هست که از توان رقابتی ما در بازارهای بین‌المللی کاسته است. چرا که مجموعه این فعالیت‌ها در کشورهای دیگر با یک طرز تفکر و سیاست مشخص مدیریت می‌شود، اما ما همان فعالیت را با هزاران

سمیه کاظم زاده دهکردی / بازار نقد‌های تند و تیز به عملکرد دولت‌های نهم و دهم این روزها درست مثل حال و روز اقتصادمان رو به رکود می‌رود. دوباره همگان از آنچه که در اقتصاد و صنعت کشورمان رخ داد، به آرامی می‌گذرند و چشم به عملکرد پانزدهمین دولت جمهوری اسلامی ایران می‌دوزند. اما واقعیت این است که اگر چه دولت‌ها آن‌هم با حجم و گستره وسیعشان در اقتصاد ایران، سهم بسیار بزرگی در رخدادهای اقتصادی و صنعتی کشور دارند اما بخش خصوصی علیرغم سهم اندکشان از اقتصاد هم مسئول بخشی از وقایع است. اینکه در طول هشت سال گذشته ناکارآمدی‌ها و سوء مدیریت‌ها کشور را تا مرز مخرب‌ترین بحران‌ها هم پیش برد، امری غیرقابل انکار است. حال سؤال اینجاست که آیا بخش خصوصی در طول این هشت سال، عملکردی بهتر از دولت داشته است؟

آیا فعالین این بخش و رای وابستگی‌ها و انتظارات بی‌پایانشان از دولت، راهکاری برای عبور از بحران‌های متعددی که در این سال‌ها در کشور رخ داده، تدوین و پیش‌بینی کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال منفی است. به نظر می‌رسد که بخش خصوصی هم توان و اراده انجام یک کار جمعی و مشارکت‌گروهی را ندارد، اگر چه سختی‌ها و رکودها و کمبود بودجه‌ها هم به این مساله دامن زد و رقابت مخرب را مثل آفتی به جان این حوزه انداخت.

اهمیت موضوع رقابت مخرب به عنوان یکی از مشکلات فعالین بخش خصوصی صنعت برق و نیز لزوم ارائه راهکارهایی بنیادین و عملیاتی برای حل این مساله موضوع اصلی این میزگرد است. مهندس ولی... بیات، عضو هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران، مهندس پیام باقری، نایب رئیس کمیته توسعه صادرات، مهندس مسعود سعادت، عضو هیات ریسه کمیته حقوقی و قراردادها، مهندس سیدعلی اصغر میرشکرایی، عضو هیات مدیره و دبیر سندیکا و مهندس مهدی مسائلی دبیر کمیته سازندگان پست‌های فشار قوی، میهمانان این میزگرد بودند که مشروح آن را ذیلاً می‌خوانید:

سلیقه مدیریت می‌کنیم. با این وجود چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم که این دو نوع مدیریت متفاوت، خروجی یکسانی داشته باشند؟

به علاوه نباید فراموش کنیم که ما با متفرق بودن، منافع‌ان را تفکیک کرده ایم. در حقیقت حضور صدها شرکت در یک بازار به معنای صرف هزینه برای صدها دفتر، صدها مدیر بازرگانی، مالی و نگهبان و سایر پرسنل است. در صورتی که اگر ادغام این شرکت‌ها در قالب یک یا چند مجموعه رخ دهد، بسیاری از منابع سرمایه‌ای آزاد خواهد شد و بخش قابل توجهی از هزینه‌ها حذف خواهد شد. به همین دلیل است که هزینه‌ها برای شرکتی که از طریق ادغام بزرگ شده، کاهش چشمگیری خواهد یافت.

این رویکرد می‌تواند علاوه بر کاهش حجم انبارها، در حوزه مدیریت بازرگانی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. بنابراین شاید به جرات بتوان گفت که ادغام کارآمد شرکت‌های کوچک و ایجاد مجموعه‌های بزرگ و توانمند قطعاً راه نجات نهایی و موفقیت‌جندی ما در این صنعت است. چرا که از این طریق می‌توان منابع آزاد شده را صرف فاینانس پروژه‌ها کرد و قدرت چانه‌زنی بنگاه‌های اقتصادی را افزایش داد. به علاوه متمرکز شدن سلیقه‌ها و ایجاد یک سیاست واحد هم می‌تواند زمینه را برای توسعه روزافزون این دست از شرکت‌ها فراهم کند.

از دیدگاه من پیگیری این موضوع به عنوان یک بحث ریشه‌ای باید در دستور کار سندیکا قرار بگیرد. به این ترتیب می‌توان سلیقه‌ها و نظرات مختلف را در این حوزه شناسایی و جمع‌بندی کرد و در نهایت به یک راه‌حل عملیاتی رسید که بنگاه‌های کوچک را نسبت به ادغام و ایجاد مجموعه‌های بزرگ تر ترغیب کرد.

شاید یکی از اصلی‌ترین دلایلی که سبب شده سندیکا تا امروز به این بحث وارد نشود، این است که ما کمتر تجربه موفق در حوزه فعالیت‌های گروهی داشته ایم. قطعاً همه ما بارها شاهد تقسیم شدن شرکت‌های موفق و جدا شدن شرکا پس از توفیق



برای پرداخت حقوق پرسنل خود از تسهیلات بانکی استفاده کنند هر چند آنها علیرغم همه تلاش هایشان در نهایت مجبور به تعدیل نیرو و کاهش میزان تولید شدند. اینها مشکلاتی بودند که این شرکت‌ها را به سمت ورشکستگی و کم رونق شدن هدایت کردند.

من بر این باورم یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری رقابت مخرب، رکود است. رکود، فضا را برای گرایش بنگاه‌های اقتصادی به سمت رقابت‌های مخرب مستعد می‌کند. طبیعتاً گروهی حاضرند به هر قیمتی یک پروژه را بگیرند و با پیش پرداخت آن بخشی از مشکلات خود را حل کنند. البته شاید باید این مساله را بیشتر نتیجه مسائل فرا بنگاهی بدانیم. چرا که ریشه‌های این رقابت‌های ناسالم بیشتر از آنکه در تصمیمات فردی و بنگاهی باشند، در عوامل اقتصادی کلانی است که مدیران بنگاه‌ها را ناچار به تصمیم‌گیری‌های اینچنینی می‌کند.

به عنوان مثال عواملی مانند مطالبات معوق به رقابت‌های مخرب دامن می‌زنند. طبیعتاً وقتی یک بنگاه اقتصادی مطالبات خود را به موقع از کارفرما دریافت کند، می‌تواند عملکرد مناسب‌تری در مدیریت گردش مالی و ایجاد فضای کار و ارتقای تولید داشته باشد. اما زمانی که به منابع مالی دسترسی نداشته باشد و برای تأمین نقدینگی بنگاه خود دچار مشکلات عدیده می‌شود، به ناچار تصمیمات نادرستی اتخاذ می‌کند.

مهندس مسائلی:

من فکر می‌کنم که اصلی‌ترین زیرساخت رقابت مخرب، مسائل فرهنگی ما است. مساله‌ای که آقای مهندس بیات تحت عنوان همکاری‌های بین بنگاهی به آن اشاره کردند، کاملاً قابل قبول است. اینکه ما تعداد بسیار زیادی بنگاه کوچک داریم که روابط بین آنها هنوز به درستی تعریف نشده، قطعاً می‌تواند به ایجاد

منطبق بر الگوی اقتصادی کشور ما وجود دارد که زمینه را برای بروز اینگونه رقابت‌ها بیشتر فراهم می‌کند.

با نگاهی به روند توسعه اقتصادی کشور در طول سه دهه گذشته به این نتیجه خواهیم رسید که در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و در دوره‌ای که از آن با عنوان دوره سازندگی یاد می‌شود، با پروژه‌های عمرانی متعددی تعریف شد که بعدها دولت هفتم و هشتم هم با اهتمام ویژه‌ای به اجرای پروژه‌ها و توسعه صنعت کشور همان روش را در پیش گرفت. در طول این سال‌ها، رونق اقتصادی کشور به رشد بالای ظرفیت تولید و صنعت کشور منجر شد. به همین دلیل تعداد شرکت‌های فعال در این حوزه به طرز چشمگیری افزایش یافت.

در این میان شرکت‌های متوسط به سمت بزرگ شدن سوق پیدا کردند و شرکت‌های بزرگ پروژه‌ها را به صورت EPC و GC و بیع متقابل در دست گرفتند و در کنار آنها شرکت‌های کوچک زیادی نیز تأسیس شد. رونق اقتصادی آن زمان کشور، ظرفیت بالایی برای این شرکت‌ها ایجاد کرده بود که اصلاً به آنها فرصت رقابت‌های مخرب را نمی‌داد.

اما با روی کار آمدن دولت نهم و تداوم سیاست‌های آن در دولت دهم به تدریج گرایش اقتصاد کشور به سمت تولید و صنعت کاهش یافت و در دو سه سال اخیر به حداقل خود رسید. به این ترتیب توسعه صنعت رو به رکود گذاشت و اشکالات عدیده‌ای در این مسیر ایجاد شد و ظرفیت‌های گسترده این حوزه مغفول ماند.

نتیجه این روند متضرر شدن سرمایه‌گذاران و صنعتگرانی بود که سال‌ها در این عرصه کار کرده و زحمت کشیده بودند و در نهایت با معوقات بانکی و رکود قابل توجه در اقتصاد مواجه شدند. در حقیقت فشارهای ناشی از کمبود بودجه و عدم پرداخت مطالبات از سوی دولت، صنعتگران را ناگزیر کرد که

مجموعه هایشان بوده ایم، اما کمتر شنیده ایم که در کشورمان گروهی در زمینه ادغام شرکت هایشان توفیق بزرگی کسب کرده باشند.

به نظر می‌رسد که ما هنوز این مساله را به خوبی فراموش کرده ایم که برای توفیق ادغام‌ها باید منافع هر صنعت را علیرغم کوچک‌تر بودن و محدودتر بودن فعالیتشان به رسمیت بشناسیم. اینکه فکر کنیم یک شرکت بزرگ از مشارکت با مجموعه‌های کوچک‌تر کاملاً بی‌نیاز است و می‌تواند منافع آنها را نادیده بگیرد، تفکری نادرست است. ما تنها زمانی می‌توانیم مشارکت‌ها و ادغام‌های موفق را در کشورمان تجربه کنیم که به این باور برسیم که یک مجموعه بسیار کوچک می‌تواند در کنار یک شرکت بسیار بزرگ به راحتی، با آرامش و بدون دغدغه فعالیت کرده و منافع خود را دنبال کند. لذا به نظر می‌رسد پیش از هر چیز شرکت‌های بزرگ باید به مجموعه‌های کوچک اطمینان دهند که پس از ادغام هم می‌توانند همان تعداد تولید را داشته باشند و موجودیتشان به هیچ عنوان به خطر نمی‌افتد.

مهندس باقری:

فکر می‌کنم بهتر است در ابتدا به موضوع رقابت مخرب بپردازیم چرا که به هر حال این موضوع در دنیا امری مذموم محسوب می‌شود. رقابت مخرب حذف رقبا از عرصه تجارت و صنعت به هر قیمتی است که دامپینگ حتی به قیمت متحمل شدن ضرر هم بخشی از آن تلقی می‌شود. برخی از شرکت‌ها رقبای خود را با این روش از عرصه رقابت حذف می‌کنند و به همین دلیل در اکثر کشورها برای مواجهه با این مساله کمیته‌های ضد دامپینگ ایجاد شده است.

جهت‌گیری شرکت‌ها به سمت حذف رقبایشان با هر قیمتی، اصلی‌ترین ریشه رقابت مخرب است. افزون بر آن عواملی

فضای رقابتی ناسالمی منجر شود.

از دیدگاه من دلیل اصلی این مشکلات به رسمیت نشناختن حقوق مالکیت است. به علاوه ما مدیریت درستی بر روی پرسنلمان نداریم و آنها را جدی نمی‌گیریم. اما واقعیت این است. وقتی هر یک از پرسنل یک مجموعه خواسته‌های دارند که بنا به دلایلی توسط سیستم آن شرکت مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد، تلاش می‌کنند پس از کسب تجربه و دانش لازم از مجموعه جدا شده و برای خودش کسب و کاری راه بیندازد. به این ترتیب است که ما از درون برای خودمان رقیب ایجاد می‌کنیم.

ما بارها شاهد بوده‌ایم که بعضا در شرکت‌های بزرگ خدماتی، برخی از پرسنل پس از اینکه با چم و خم کار آشنا شدند، سعی می‌کنند شرکت را دور بزنند و این خدمات را خودشان به صورت مستقل به مشتریان ارائه دهند. این موارد نشان می‌دهد که ما اصولاً عادت نکرده‌ایم حرف‌های یکدیگر را به درستی بشنویم و همین مساله به تدریج جایگاه ما را در اقتصاد به جایی رسانده که امروز در آن قرار داریم.

فیلم «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند» شاید مصداق مشخصی برای این ضعف فرهنگی ما باشد. اگر چه در این فیلم این موضوع در مورد خانم‌ها مطرح شده بود، اما این مساله دقیقاً در همه لایه‌های جامعه قابل بسط است. من در طرحی با عنوان «هیس! پیمانکاران فریاد نمی‌زنند» مصداق عینی این موضوع را در حوزه فعالیت پیمانکاری تشریح کرده‌ام. وقتی ما به حرف کارمندانمان به درستی گوش نمی‌کنیم و آنها را درک نمی‌کنیم، قطعاً به چنین شرایطی خواهیم رسید.

به علاوه وقتی یک شرکت بزرگ خدماتی و پیمانکاری به جای اینکه برای اجرای پروژه‌هایش یک یا چند شرکت کوچک را زیر پر و بال خودش بگیرد، در درون خود مجموعه‌های جدیدی ایجاد می‌کند، قطعاً نتیجه‌ای جز ایجاد رقابت‌های مخرب و فضای ناسالم در حوزه اقتصاد به دنبال نخواهد داشت.

در کتاب «برندهای برتر» شرکت‌هایی معرفی شده‌اند که در اصل مجموعه‌های کوچکی بوده‌اند که وقتی موفق عمل کرده‌اند، توسط شرکت‌های بزرگ خریداری شده‌اند اما در ایران هیچ شرکت بزرگی حاضر نیست که بخشی از پروژه‌های خود را با مجموعه‌های کوچک به مشارکت گذاشته و آنها را زیر چتر خود بگیرد. در حقیقت شرکت‌های بزرگ ایرانی در غالب موارد به دنبال انحصار بوده و تلاش می‌کنند که از درون خود زایش کنند تا از وابستگی به مجموعه‌های دیگر جلوگیری کنند.

به این ترتیب شرکت‌ها ناگزیر می‌شوند برای حفظ موجودیت خود وارد رقابت‌هایی گاه‌نا سالم شوند. این مسائل کاملاً وابسته به شاخصه‌های فرهنگی ما است که باید به صورت جدی روی آنها کار شود.

نکته دیگری که در خصوص رقابت‌های مخرب باید به آن اشاره کنم این است که به عنوان مثال ما در حوزه پیمانکاری تعریف صحیحی از پیمانکار نداریم. به همین دلیل است که در برخی از مناقصات شرکت‌های سازنده هم حضور دارند و یا در مناقصه دیگری که سازندگان باید حضور داشته باشند، شرکت‌های پیمانکار هم حضور یافته‌اند. مساله این است که ما نمی‌دانیم

کجا باید با هم رقابت کنیم. در حقیقت ما بسترهای اصلی فعالیتان را نمی‌شناسیم. شاید اصلی‌ترین دلیل این امر این است که آینده مشخصی برای خودمان متصور نیستیم و نمی‌دانیم در صورتی که این کار را انجام ندهیم، آیا تضمینی برای ادامه بقای ما وجود دارد یا خیر؟

یکی از مباحثی که ما در اتاق بازرگانی اصفهان در حال پیگیری آن هستیم، جلوگیری از ثبت شرکت‌های جدید در حوزه‌هایی است که بازار آنها اشباع شده است. من برای پیگیری این موضوع به اداره ثبت شرکت‌های استان اصفهان مراجعه کردم و به عنوان نماینده سندیکا صنعت برق ایران از آنها درخواست کردم که لیست شرکت‌های برقی ثبت شده را در اختیار من بگذارند. اما پاسخ آنها این بود که ما هیچ فهرستی از شرکت‌های ثبت شده نداریم و فقط کار ثبت این شرکت‌ها را انجام می‌دهیم.

بسیاری از شرکت‌های ثبت شده اصطلاحاً زیرپله‌ای نامیده می‌شوند و بسیاری بر این باورند که وجود آنها به ساختار اقتصاد



مهندس ولی اله بیات: شاید به جرات بتوان گفت که ادغام کارآمد شرکت‌های کوچک و ایجاد مجموعه‌های بزرگ و توانمند قطعاً راه نجات نهایی و موفقیت‌آمیزی است. چرا که از این طریق می‌توان منابع آزاد شده را صرف فاینانس پروژه‌ها کرد و قدرت چانه‌زنی بنگاه‌های اقتصادی را افزایش داد

آسیب می‌رساند. حال سؤال این است که اگر این دست از شرکت‌ها برای حوزه کسب و کار مضر هستند، چرا به آنها مجوز فعالیت داده می‌شود؟ و سؤال دوم این است که حالا که باخیل وسیعی از این شرکت‌ها مواجهیم، چرا کاری برای ساماندهی آنها انجام نمی‌شود؟

موضوع اصلی این میزگرد این است که چرا و چگونه رقابت ناسالم در اقتصاد شکل می‌گیرد؟ من فکر می‌کنم که پاسخ این سؤال به صورت خلاصه این است که ما هنوز هم مفهوم رقابت را به درستی نمی‌دانیم و همین مساله در شرایطی که شرکت‌ها در دسته‌های مختلف و مشخص سازماندهی نمی‌شوند، به ایجاد رقابت‌های ناسالم منجر می‌شود.

به عنوان مثال در حوزه پیمانکاری وقتی تعریف مشخصی از پیمانکار وجود ندارد، لذا قطعاً مرجع و ارگانی که قرار است بنگاه‌های فعال این حوزه را سازماندهی کند، نیز نامعلوم خواهد بود. همانطور که مستحضرید چند وقت پیش معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری آیین‌نامه انضباطی پیمانکاران را ابلاغ کرد. با مطالعه این آیین‌نامه به این نتیجه خواهید رسید که پیمانکار به گونه‌ای تبیین شده که گویی ممکن است هر جنابیتی از پیمانکار سر بزند.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری متولی پیمانکاران است، به این دلیل که قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با این حوزه در این معاونت تدوین می‌شوند. سؤال این است که آیا معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری برای سازماندهی پیمانکاران فقط بحث رتبه‌بندی و آیین‌نامه‌های تعزیری را دارد. چه چیزی باید داشته باشد که این حوزه سازماندهی پیدا کند و رده‌بندی شوند و به بقای خود در عرصه رقابت امید داشته باشند و با یکدیگر وارد تنازع بقا نشوند؟

مهندس سیاسی راد:

اتفاقاً به نظر می‌رسد منطق تنازع بقا در همکاری با یکدیگر است. یعنی فعالین اقتصادی باید تحت فشار ناشی از شرایط بازار و رفتار دولت، میزان همکاری‌های خود را با یکدیگر افزایش دهند نه اینکه به سمت کاهش مشارکت‌ها حرکت کنند. به عنوان مثال به هنگام بروز بلایای طبیعی و یا مسائل اجتماعی، مردم این مساله را به خوبی درک می‌کنند که برای نجات جان خود و دیگران باید در کنار هم قرار بگیرند، ولی در صنایع علیرغم مشکلات عدیده‌ای که ایجاد شده، هنوز هم نتوانسته‌ایم تصمیم درستی اتخاذ کنیم. مدیریت سیستم‌های حکم می‌کند که واکنش درست نسبت به مشکلات محیطی ادغام است. اما اینکه چرا ما به جای ادغام، تفکیک را به عنوان یک روش در پیش گرفته‌ایم، مساله‌ای است که نمی‌توان آن را به درستی توجیه کرد.

به هر حال واقعیت این است که ما دائماً در حال جدا شدن از همدیگر هستیم و برای آسیب‌شناسی این مساله، پیش از هر چیز باید واکنش‌های بخش خصوصی را بررسی کنیم. اگر چه این مساله قابل قبول است که در سیاست‌گذاری‌های دولت هم مشکلاتی وجود دارد، اما باید دید عکس‌العمل ما در برابر این مشکلات چه بوده است و همین عکس‌العمل‌ها است که کاملاً قابل بحث به نظر می‌رسند.

مهندس مسائلی:

اتفاقاً این موضوعی بود که ما در استان اصفهان آن را به صورت جدی دنبال کردیم. در حقیقت ما به دنبال آن بودیم که زمینه را برای جوینت شدن شرکت‌های کوچک با مجموعه‌های فراهم کنیم. بر همین اساس توانایی‌ها و برنامه‌های خود را اعلام کرده و پیشنهاد کردیم که در فاز تولید و پیمانکاری با هم مشارکت کنیم. هدف این بود که شرکت‌های بزرگ با توجه به توانایی‌های مجموعه‌های کوچکتر می‌توانند بخشی از کار خود را به آنها واگذار کنند. در مقابل در این شرکت‌های کوچک ایده‌هایی برای ساخت یا ارائه خدمات وجود دارد که می‌تواند با اتکا به توانایی مالی شرکت‌های بزرگ به ایجاد جهش‌هایی در تولید منجر شود.

اما متأسفانه هیچ‌یک از پیگیری‌های ما به نتیجه نرسید. درباره اینکه این موضوع ناشی از خصوصیات استانی ما است و یا ریشه در مسائل فرهنگی ما ایرانی‌ها دارد، نمی‌توان قضاوت درستی داشت. اما به هر حال در نهایت ما به این نتیجه رسیدیم

که شرکت های بزرگ حاضر نیستند مشارکت مستمری با شرکت های کوچک و یا متوسط داشته باشند.

البته شاید آنها تمایلی نداشتند که اطلاعات داخلی شرکت هایشان را با افرادی خارج از سازمانشان به اشتراک بگذارند. اینگونه به نظر می رسد که برای بنگاه های بزرگ نبود شرکت های کوچک تر بهتر از بودنشان است. به این دلیل که ممکن است همین شرکت کوچک پس از مدتی به یک مجموعه و البته رقیب بزرگ برای آنها تبدیل شود. من بر این باورم که همه این مسائل ناشی از نبود اعتماد در فضای کسب و کار ما است. به عنوان مثال در اتاق بازرگانی اصفهان کمیته ای به نام کنسر سیوم ها فعال است. در عمده جلسات این کمیته صحبت های بسیار خوبی رد و بدل می شود اما هیچ کدام از آنها عملیاتی نمی شود. چرا که فعالین بخش خصوصی بیشتر به دنبال بزرگ شدن و انحصار هستند و تلاش می کنند به جای مشارکت با سایرین، به آنها اجازه ندهند که به درون این سیستم نفوذ کنند.

لذا به باور من مشکل اساسی نبود اعتماد بین صاحبان بخش خصوصی است. قطعاً امروز این مساله قابل انکار نیست که ما برای گذر از این بحران نیاز به مشارکت با یکدیگر داریم و باید به هم ببینیم، اما متأسفانه می بینیم که به دلیل نبود اعتماد این اتفاق حتی در بحرانی ترین شرایط هم رخ نمی دهد. حال سؤال این است که این اعتماد چطور به وجود می آید؟ من فکر می کنم که این تشکل ها هستند که می توانند زمینه مشارکت شرکت ها و بنگاه های عضو خود را با یکدیگر فراهم کرده و اعتماد را بین اعضای خود به وجود آورند.

مهندس سعادت:

در اینجا دو بحث مطرح شد؛ یکی تجمیع و کار گروهی مشترک و دیگری رقابت مخرب. از دیدگاه من عواملی که در بحث تجمیع و مشارکت تاثیر گذار است، غالباً مسائل فرهنگی و اجتماعی است. ما به وضوح می بینیم که ما برای ورود کودکان به اجتماع، هیچ آموزش اجتماعی مناسبی به او نمی دهیم. به همین دلیل هم آنها از همان کودکی نمی دانند که چه کارهایی را باید به عنوان و وظیفه انجام دهند و یا برای حضور موفق در اجتماع از چه کارهایی باید حذر کنند.

پس از آن وقتی کودکان وارد مدرسه می شوند، هم این روال ادامه پیدا می کند. آنها در جدی ترین و مهمترین اجتماع خود، روی صندلی هایی به صورت تک به تک و روبروی معلم می نشینند و تمام طول دوران مدرسه را به همین صورت پشت سر می گذارند. این روش در دانشگاه هم با کمی تغییرات پیاده می شود و در نهایت دانشجویان در تمام طول تحصیل خود هرگز کار گروهی را به خوبی نمی کنند.

شاید به همین دلیل است که وقتی گروهی در کنار هم قرار می گیرند و کاری را شروع می کنند، به محض اینکه کمی رشد می کنند، انشقاق آغاز می شود. فقط هم این نیست که پرسنل جدا شوند و از فعالیت آن شرکت کپی برداری کنند. من در مجموعه ای کار می کنم که از آن دو انشقاق از بین شرکا و سهامداران ایجاد شده است.

عمده این مساله ناشی از مباحث فرهنگی است و برای ریشه یابی آن باید جنبه های فرهنگی و اجتماعی این موضوع را بررسی کنیم و برای آنها برنامه ریزی کنیم. البته باید این مساله را هم در نظر بگیریم که این موضوع در کوتاه مدت قابل حل نیست.

موضوع دیگری که باید مد نظر قرار دهیم این است که متأسفانه اقتصاد کشور ما دچار بی ثباتی است. وقتی نفت به بهای بالایی فروخته می شود و درآمدهای دولت از این محل افزایش می یابد، پروژه های زیادی تعریف می شود و در نتیجه فعالین اقتصادی تلاش می کنند که بخشی از این درآمدها را با تعریف فعالیت هایی از آن خود کنند. در این دوره رشد بنگاه های اقتصادی اوج می گیرد و تفاوت ما با کشورهای توسعه یافته در همین است.

به عنوان مثال در یک کشور ممکن است یک کمپانی با سابقه ۱۵۰ ساله، رشد متوسط ۳ درصد در سال داشته باشد. این شرکت با این رشد بعد از این زمان طولانی به ابعاد یک شرکت



مهندس پیام باقری: یکی از عوامل اصلی شکل گیری رقابت مخرب، رکود است. رکود، فضا را برای گرایش بنگاه های اقتصادی به سمت رقابت های مخرب مستعد می کند. طبیعتاً گروهی حاضرند به هر قیمتی یک پروژه را بگیرند و با پیش پرداخت آن بخشی از مشکلات خود را حل کنند

بسیار بزرگ و قدرتمند رسیده است. ولی در ایران در شرایط متفاوت اقتصادی و با سیاست های مختلفی که دولت مردان اتخاذ می کنند، ممکن است در طول یک سال گردش مالی یک شرکت ده ها برابر شود و به فاصله اندکی همان شرکت ناگهان دچار زیاندهی شود.

به عنوان مثال پروژه های پارس جنوبی علیرغم اینکه به توانمندسازی شرکت های ایرانی منجر شد، اما در این میان شرکت هایی بودند که از این فرصت به عنوان یک سکوی پرتاب استفاده کردند و ره صد ساله را یک شبه پیمودند. مثلاً شرکت هایی بودند که تا پیش از آن به عنوان مشاور فعالیت می کردند، اما در پارس جنوبی در جایگاه یک پیمانکار EPC وارد کار شدند و سود خود را به ارقامی میلیارد دلاری رساندند.

در حقیقت در کشور ما به دلیل نبود یک ثبات مشخص اقتصادی، ساختار سازمان یافته ای هم در شرکت های ایران ایجاد نمی شود و به همین دلیل است که بزرگ شدن شرکت ها اصطلاحاً با دکنکی است. به علاوه موضوع تداخل مدیریت و مالکیت هم یکی از اصلی ترین آفت های صنعت کشور است. به این ترتیب که یک شخص شرکتی را تأسیس می کند که پس از مدتی توانمند شده و عملکرد موثقی از خود نشان می دهد.

مساله این جاست که وقتی این شرکت رشد کرد، فرد موسس انتظار دارد که پس از خودش کار مدیریت به دست یکی از نزدیکانش واگذار شود. همین مساله به ایجاد نوعی بی انگیزگی در بین پرسنلی که انتظار دارند پس از مدتی در آنجا رشد کنند، می شود. در نهایت پرسنل به این نتیجه می رسند که علیرغم رشد شرکت، آنها فرصتی برای رشد به دست نیآورده اند. به همین دلیل ترجیح می دهند با چند نفر دیگر از شرکت جدا شده و مجموعه ای مستقل را تأسیس کنند و درست به همان فعالیتی بپردازند که شرکت مزبور به آن مشغول بوده است.

یکی دیگر از مسائلی که به ایجاد رقابت مخرب در اقتصاد کشور منجر می شود، نبود ضوابط مشخص برای تشخیص صلاحیت و ارزیابی شرکت ها است. نبود چنین مکانیزمی باعث شده که شرکت های کوچک به راحتی بتوانند وارد پروژه هایی شوند که شاید حتی از لحاظ مالی هم استطاعت اجرای آن را نداشته باشند. باز هم تأکید می کنم که باید ریشه های رقابت مخرب را در شاخصه ها و عادت های فرهنگی و اجتماعی خود جستجو کنیم و این مساله را در نظر بگیریم که این موضوع در همه شئون زندگی ما قابل مشاهده است و تنها مختص اقتصاد نیست. دیدگاه و فرهنگ ما به گونه ای است که وقتی از نبود سیستم نظارتی آسوده خاطر باشیم، به راحتی قانون را زیر پا می گذاریم تا حتی به امتیازات کوچک و بی ارزش دست پیدا کنیم. به نظر من این مسائل ناشی از یک ضعف فرهنگی است که باید بر روی آن به صورت جدی کار شود. این ادعا که ما به دلیل تاریخ ۲۵۰۰ ساله کشورمان، فرهنگ بالایی داریم، تعبیر نادرستی است که رفتارهای اشتباه ما کاملاً مویذ آن است. این دو لزوماً با مکمل هم دیگر نیستند، بدین معنا که کشورهایی وجود دارد که تاریخی بسیار کوتاهتر از ما دارند ولی به فرهنگ اجتماعی بسیار بالاتری دست یافته اند.

به جرات می توان گفت که یکی از عادت های فرهنگی ما این است که وقتی خیالمان بابت برداشته نشدن نقابی که بر چهره داریم، راحت باشد، خود را مجاز به انجام هر کاری می دانیم. می بینید که تنها نگرانی ما این است که این نقاب برداشته شود. به علاوه با توجه به سیستم نظارتی و بازرسی ضعیفی که در کشور وجود دارد، این نقاب هم به این راحتی ها برداشته نمی شود و به همین دلیل ما به راحتی به روند رقابت مخرب ادامه می دهیم.

در حوزه فعالیت های اقتصادی هم عملکردی مشابه داریم. عمدتاً در جمع حرف های خیلی خوب می زنیم، اما کاملاً متفاوت عمل می کنیم. ما بارها این مساله را در سندیکا تجربه کرده ایم، متن های بسیار خوبی تهیه کرده و امضا می کنیم، اما در زمان عمل اگر احساس کنیم که اعضای آن گروه متوجه نمی شوند که به تعهدات خود پایبند نبوده ایم، برای دستیابی به یک منفعت عالی و زودگذر همه مفاد تعهد نامه را زیر پا خواهیم گذاشت.

البته من بر این باورم که شرایط غیر پایدار و متغیر اقتصادی هم به این ضعف های فرهنگی افزوده می شود و این بحران را تشدید می کند. شاید اگر کشوری با یک رشد ثابت سه یا چهار درصدی داشتیم، شرکت های ما هم طبیعتاً خودشان را با همین

رشد تطبیق می دادند و طبق یک برنامه ریزی مشخص و با انجام پیش بینی های لازم زمینه را برای توسعه پایدار خود فراهم می کردند. اما به این دلیل که ما این ثبات را در کشور نداریم شرکت ها از یک حد مشخص بزرگتر نمی شوند.

در اقتصاد بی ثبات کشور ما، شرکت ها در یک دوره رشد می کنند و پس از آن در یک دوران رکود، تمام آنچه که تا آن روز ساخته اند از بین می رود. البته اجرایی شدن درست و کامل قانون کپی رایت و مالکیت معنوی هم در این حوزه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. وقتی این حقوق مشخص نباشد، طبیعی است که یک ایده بارها بدون اجازه صاحب آن کپی می شود. در حقیقت به دلیل بالا بودن هزینه نوآوری و ملحوظ نشدن حق کپی رایت، کسی به دنبال نوآوری نمی رود و همه تلاش می کنند به دنبال کارهایی باشند که پیشتر توسط کسان دیگری انجام شده باشد و نتیجه آن مشخص باشد.

مهندس بیات:

بهبود رقابت بین نگاه ها بیش از هر چیز در گرو رسیدن به این جمع بندی است که باید چارچوب های قانون را رعایت کنیم. ما اغلب اوقات ضربه را از کسانی خورده ایم که در کار قانون را رعایت نکرده اند. لذا اگر قانع شویم که قانون را علیرغم نقاط ضعف و قوت آن رعایت کرده و تلاش کنیم ضعف های قانونی موجود را اصلاح کنیم، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. از دیدگاه من دلایلی که برای رقابت مخرب مطرح شد، گویای این است که ما باید به سمت ادغام پیش برویم. وجود مطالبات معوق، توانمندی پرسنل که می توانند موجب انشقاق شوند، عدم تعریف فعالیت ها و مواردی از این دست می تواند به مواعی برای ادغام تبدیل شود.

البته در برخی موارد هم تعدادی از پرسنل که در رده های تخصصی متفاوت کار می کردند، علیرغم اینکه از مزایای خود ناراضی نبودند از مجموعه جدا می شدند. می گفتند که ما صدافانه تلاش می کنیم تا پس از مدت ها به نتیجه ای برسیم که یک فعال حوزه دلالی در کوتاه مدت به آن دست می یابد. بنابراین وجود رانت یکی از عللی است که نیروهای کارشناسی را از مجموعه حذف می کند.

باز هم تاکید می کنم که تکثر شرکت های کوچک در حوزه فعالیت های صنعت برق یکی از عوامل تضعیف بخش خصوصی در این صنعت است. در صورتی که با ادغام این شرکت ها می توانستیم زمینه ساز توسعه پایدار آن باشیم.

به عنوان مثال یکی از دلایل معوق ماندن مطالبات ما این بود که غالب شرکت ها کوچک بودند و قدرت چانه زنی نداشتند و به این ترتیب کارفرمایان به راحتی می توانستند ما را دور بزنند. بنابراین آنچه ما به دلیل کثرت و تعدد شرکت ها عملکرد ضعیفی داشتیم. در حقیقت اگر ادغام می شدیم و شرکت های بزرگتر و قدرتمندتری را ایجاد می کردیم، می توانستیم این فشار مالی را تحمل کرده و به دولت کمک کنیم تا از بحران نقدینگی عبور کند و در مقابل این توانایی و نفوذ را هم داشتیم که در مقابل این تحمل فشار از دولت بخواهیم هزینه هایی را که به ما تحمیل می شد را جبران کند و البته این قدرت چانه زنی را هم

داشتیم که مطالباتمان را از دولت بگیریم.

اما دیدیم که کارفرما از متفرق بودن ما استفاده کرد و توانست ما را تحت این شرایط قرار دهد. ما در حالی که خودمان به عنوان بدهکاران به سیستم بانکی سود تسهیلات و جراتم را به بانک پرداخت کردیم، متأسفانه توانستیم هزینه مالی مطالبات معوق خود را بگیریم. به همین دلیل است که هنوز هم در بسیاری از موارد کارفرمایانمان حتی به خود اجازه نمی دهند به این مساله اعتراف کنند که حقی از ما ضایع شده است. اما بر این باورم که اگر ما قدرت چانه زنی داشتیم، قطعاً این شرایط به گونه دیگری رقم می خورد.

شاید ریشه این مشکلات تا حدی ناشی از نبود مدیران آینده نگر در صنعت برق باشد و شاید هم مشکلات و مشغله فکری به آنها اجازه نمی دهد که نگاهی دقیق و جدی به آینده داشته باشند. روزی مدیران صنعت برق کشورمان ایجاد و استقرار صنایع برق را در دستور کار خود قرار دادند. در حالی که در سال های پیش از انقلاب، ایران، ایالت پنجاه و دوم آمریکا محسوب می شد. به



مهندس مهدی مساللی: شرکت های بزرگ ایرانی در غالب موارد به دنبال انحصار بوده و تلاش می کنند که از درون خود زایش کنند تا از وابستگی به مجموعه های دیگر جلوگیری کنند. به این ترتیب شرکت ها ناگزیر می شوند برای حفظ موجودیت خود وارد رقابت هایی گاه ناسالم شوند

دلیل وفور دلارهای هفت تومانی، اصلا کسی متصور نبود که ممکن است محدودیتی ایجاد شود. اما باز هم با این حال در آن زمان مدیران صنعت برق به فکر ایجاد ظرفیت های تولید داخلی برای این صنعت افتادند.

به این ترتیب همان مدیران آینده نگر پایه بعضی از صنایع شدند و اولین هسته های واحدهای تولیدی صنعت برق قبل از انقلاب شکل گرفت. در دست در زمانی که ما اصلا برای ایجاد صنایع جدید احساس نیاز نمی کردیم و اصلا دلیلی نداشت که کسی با وجود دلار ارزان قیمت و واردات گسترده خودش را برای تولید به در دسر بیاندازند، تولید به عنوان یکی از دغدغه های مهندسین ایرانی مد نظر قرار گرفت، آن هم در حالی که می توانستند کار و ادواتی استاندارد را با سود بیشتری به فروش برسانند.

ولی به هر صورت آینده نگری آن مدیران به نحوی بود که هسته اصلی این صنعت را پایه گذاری کردند. در سال های پس از جنگ و در دهه هفتاد، باز هم استمرار همان آینده نگری موجب استقرار هسته های بسیار بزرگتری شد و به جرات می توان گفت که اصلی ترین دلیل توسعه صنعت برق در همان سال ها پایه گذاری شد.

پس از آن کشور هم از نظر سیاسی و اقتصادی به سمتی پیش رفت که تحمل آن برای جامعه جهانی سخت شد و به تدریج محدودیت هایی به اقتصاد کشورمان تحمیل شد. من بر این باورم که اگر آن تفکر و آینده نگری بر صنعت برق و ذهن مدیران این صنعت حاکم بود، باید ضمن استمرار حمایت از صنعت و ایجاد شرکت های جدید، از شرکت های فعال هم حمایت می کردند. ولی دیدیم که در چهار سال گذشته دولت عملکردی برعکس داشت، یعنی تحمل توانمندی های صنایع موجود برای مدیران سخت شد و بعضاً شنیده می شد که مطالبات برخی از شرکت های موفق را با این استدلال که سود زیادی داشته، پرداخت نمی کردند. یعنی به جای اینکه موفقیات یک مجموعه و سودآوری آن را باعث افتخار خود بدانند تحمل موفقیات های آن برایشان سخت شده بود.

شاید بهتر بود برای بهبود شرایط ناسالم و انحصاری برخی از شرکت ها، برای آنها رقیب ایجاد کنیم. این راهی است که پیشتر هم تجربه شده و جواب داده است. شاید اگر تنها یک جمله رییس انجمن صنعت برق کره که در سندیکا حضور پیدا کرده بود را رعایت می کردیم، کافی بود. وی به این نکته اشاره کرد که دولت این کشور ۴۵ سال پیش واردات کالای خارجی برای پروژه های دولتی و مردمی را ممنوع کرده اما به همه علاقمندان به حضور در صنایع مختلف کشور کره این اجازه را داده است که با انتخاب یک پارتنر داخلی، خط تولید آن محصول را در داخل کشور ایجاد کنند و از آن محل در پروژه ها حضور داشته باشند. با این روش ما می توانستیم در هر صنعتی که فکر می کنیم به خاطر انحصار تاخت و تاز می کند، رقبایی جدید و قدرتمند ایجاد کرده و مسیر اقتصاد و صنعت کشور را اصلاح کنیم. به هر حال من بر این باورم که تنها با تغییر دیدگاه مدیران ارشد و سیاستگذاران کشور می توانیم به این نقطه برسیم.

اگر سیاستگذاران و مدیران ارشد امروز بر اساس روش کارآفرینانی که از ابتدا در استقرار این صنعت نقش کلیدی داشتند، فعالیت می کردند، امروز باید پیش از هر چیز به ادغام شرکت ها کمک کرده و پروژه ها را برای اشکال های بزرگتر تعریف می کردند. اگر این اتفاق رخ می داد قطعاً باید چارچوبی تعریف می شد تا شرکت های کوچک در کنار مجموعه های بزرگ احساس امنیت کنند. شاید تصور این مساله مشکل باشد ولی اگر لازم باشد می توان الگویی برای این کار ترسیم کرد.

تاکید من بر این است که امروز روش هایی تدوین شده تا فعالین اقتصادی بسیار کوچک در کنار مجموعه های بسیار بزرگ با احساس امنیت کامل حضور داشته باشند. البته شاید این سؤال مطرح شود که در این میان رقابت ها چگونه ایجاد می شود؟ در پاسخ باید بگویم همیشه رقیب خارجی و چینی در کنارمان داریم، پس چرا باید نگران کاهش سطح رقابت ها باشیم. اگر بتوانیم به سمت ادغام شرکت های کوچک حرکت کنیم، می توانیم زمینه تشکیل مجموعه های بزرگی را فراهم کنیم که نمونه های آنها در اروپا تحت عنوان زمینس و ABB در حال فعالیت هستند.

حتی اگر فعالیت این شرکت های کوچک متعدد در قالب یک شرکت بسیار بزرگ دنبال شود، باز هم شرکت های چینی،



همه شرکت‌های ما نباید همین راه دوم را که راحت‌تر هم هست در پیش بگیرند. همیشه نمی‌توان اخلاقیات را معیار کار قرار داد.

مهندس باقری:

بہتر است سؤال را به این شکل مطرح کنیم که چرا به این نقطه رسیدیم که می‌توان چنین مسالہ‌ای را مطرح کرد. ما در طول سال‌های رونق اقتصادی مازاد بر ظرفیت و حداقل در حد ظرفیت بنگاہ‌هاییمان استطاعت و استعداد ایجاد کردیم. اما در طول ۷ تا ۸ سال گذشته با رکودی مواجه شدیم که عوامل آن خارج از اختیار بنگاہ‌ها بوده است. در این میان گروهی هستند که تلاش می‌کنند به هر قیمتی ساختار و سازمان خود را حفظ کنند و گروه دیگری هم این سختی را تحمل می‌کنند، مزیت رقابتی جدید ایجاد می‌کند و با هم تشکل ایجاد می‌کنند و یا جوینت می‌شوند و توانمندی‌های خود را در قالب شرکت‌های بزرگتر تقویت می‌کنند. در این میان قطعاً سندیکامی تواند نقشی بسیار کلیدی را در راستای ایجاد این مشارکت‌ها ایفا کند. نمی‌توان به مسالہ ظرفیت مغفولی که به وجود آمده و مواجه شدن شرکت‌ها با رکود، بیکاری و تعدیل گسترده نیروی کار و کاهش ضرابه‌نگ تولید تک بعدی نگاه کرد و آن را ناشی از نوع مدیریت بنگاہ‌ها دانست.

البته من فرمایشات همه دوستان را تایید می‌کنم، اما بر این باورم که باید شرایط بیرون از بنگاہ‌ها را هم در نظر گرفت. من معتقدم مسائل بیرون بنگاہی بسیار جدی‌تر از مشکلات داخلی بنگاہ‌ها است. به عنوان مثال ما امروز جلسه‌ای داشتیم در خصوص قانون حداکثر استفاده از توان ساخت داخل، این قانون در سال ۷۵ تدوین شده و در سال ۹۱ اصلاحیه‌ای داشته است. وقتی مفاد این قانون را بررسی کنید خواهید دید که همه بندهای آن حمایتی است و برای توسعه صنعت کشور و حمایت از تولید بسیار مستعد است. اما سؤال این است که این قانون چرا تا

دیکتاتورها ما منافعهشان را درست تشخیص می‌دهند. پس سؤال اینجاست که چرا عملکرد مدیران ما به این شکل است؟

مهندس باقری:

کاملاً درست است. بی‌شک فرهنگ همه مسالہ ما نیست، تنها بخشی از این مشکل به مسائل فرهنگی برمی‌گردد. اینکه مدیران بنگاہی ما انحصار طلب هستند و برای جبران عقب افتادگی از رقبا به جای تجهیز کردن و ارتقای سیستم کیفی خود، حاضرند دست به هر حرکتی بزنند. ما تولیدکنندگانی داریم که کالای نامرغوب تولید می‌کنند و در نهایت از طریق لابی‌کردن و حتی در بعضی موارد رشوه دادن، کالای خود را می‌فروشند. تمام این موارد ریشه در فرهنگ کار ما دارد.

مهندس سیاسی‌راد:

عامل اصلی همه مواردی که شما به آن اشاره کردید، فساد است. ما این مسالہ را قبول داریم که در این سیستم گروهی با استفاده از رانت و یا دور زدن قانون و انجام ندادن الزامات قانونی و یا حتی دلالتی غیر استاندارد به سود بادآورده‌ای می‌رسند. اگر چه تلاش می‌کنیم این بحث را به نوع روابط بان یا یکدیگر ربط دهیم، اما باز هم در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که ریشه همه این مشکلات به فساد برمی‌گردد.

افراد تلاش می‌کنند در حوزه ارائه خدماتی فعالیت کنند که هزینه آنها کمتر است، بنابراین وقتی با فساد هزینه تمام شده محصول یا خدمتشان کاهش می‌یابد، از آن استفاده می‌کنند. به این ترتیب علیرغم اینکه در سندیکا کار گروهی انجام می‌شود و با تلاش گسترده تلاش می‌شود قانون نادرستی تغییر پیدا کند تا از آن محل تجارت و تولید خود را در شرایط بهتری قرار دهند، اما ممکن است در این میان یک شرکت مشکل خود را با پرداخت رشوه به یک کارشناس دولتی حل کند. سؤال این است که چرا

هندی، ترک و سایرین وجود دارند و زمینه برای رقابت همچنان باقی می‌ماند. بنابراین بزرگتر شدن ما منجر به ایجاد انحصار نخواهد شد.

شرایط کنونی ما به گونه‌ای است که ناگزیریم برای جذب سرمایه‌های خارجی تلاش بسیاری صرف کنیم. اما اگر زمینه مساعدی را برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور فراهم کنیم، قطعاً این معادله برعکس خواهد شد و این سرمایه‌گذاران خارجی هستند که برای حضور در بازار کشورمان تلاش می‌کنند.

لذا به نظر من برای رسیدن به این موقعیت باید به جای توجه به شرکت‌های ناپایداری و واردکنندگان، تمام توجه و توان خود را معطوف به حوزه ساخت کنیم. البته فعالین این حوزه هم باید همین فعالیت خود را ادامه دهند، ولی با شرط اینکه بتوانند پارتنر خود را برای سرمایه‌گذاری در کشور، ترغیب و توجیه کنند. من اطمینان دارم که در یک دوره انتقالی قابل قبول همین گروه می‌توانند فعالیت‌های تجاری خود را حتی در راستای صادرات هم برنامه‌ریزی کنند. ولی مهم این است که مدیران تصمیم‌گیر دولتی ما به این جمع‌بندی برسند و به شرکت‌های بزرگ به عنوان یک خطر و یا تهدید نگاه نکنند.

در این صورت قطعاً سیاستگذاران و تصمیم‌سازان کشور هم بستر گسترش چنین مجموعه‌هایی را در کشور فراهم خواهند کرد، مهم این است که این باور وجود داشته باشد که همه بنگاہ‌های به دنبال افزایش فعالیت‌ها و میزان سود خود هستند. این سود از طریق حذف رقیب و بزرگ بازار امکان‌پذیر است. حذف رقیب بنگاہ‌ها را به بازار محدودتری می‌رساند ولی با بزرگ‌تر شدن بازار به منابع نامحدودتری می‌رسند. لذا باز هم تاکید می‌کنم که اگر فعالین اقتصادی ما کمی تحمل داشته باشند، راهکار ادغام قطعاً منجر به موفقیت و عملی خواهد بود.

مهندس باقری:

دوستان به نکات کاملاً درستی اشاره کردند. اگر بخواهیم عوامل شکل‌گیری رقابت مخرب را بررسی کنیم، قطعاً می‌توان آنها را در دو گروه درون بنگاہی و بیرون بنگاہی تقسیم بندی کرد. عوامل درون بنگاہی ۱۰۰ درصد به ریشه مشکلات فرهنگی برمی‌گردد که پیشتر هم به آن اشاره شد. وقتی از همان ابتدا کودکان را در خانواده‌ها دیکتاتور بار می‌آوریم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بعد وقتی این فرد می‌خواهد وارد عرصه کار و فعالیت شود به گونه دیگری رفتار کند.

مهندس سیاسی‌راد:

واقعیت این است که اصل این بحث به این دلیل مطرح شده که الزامات اداره یک بنگاہ موفق با رفتاری که مدیران بنگاہی ما دارند متناسب نیست و این با قواعد بنگاہ‌داری متفاوت است. بنگاہ‌ها به دنبال دستیابی به سود بیشتر هستند، چرا که قطعاً در غیر این صورت بنگاہ اقتصادی متلاشی خواهد شد.

ولی این سازمان‌ها در ایران عملکرد متفاوتی دارد. نمی‌توانیم این مسالہ را کاملاً مرتبط با مسائل فرهنگی و تربیتی و یا خصلت‌های دیکتاتور ما بمانان ایرانی‌ها نسبت داد. چرا که

امروز به درستی اجرا نشده است؟

به این دلیل که دولت ما به دنبال کار حاکمیتی نیست، بلکه دنبال تصدی گری است. اقتصاد نفتی، باعث شده که دولت به سمت محدود کردن رقابت حرکت کند. اصلی ترین مساله ما این است که اقتصاد رقابتی نداریم. کافی است حیطه فعالیت شرکت های بزرگ دولتی را در نظر بگیرید آنگاه به این نتیجه خواهید رسید که اینها اشکالات اساسی است که نمی توانیم از آنها گذر کنیم. به علاوه تاکید می کنم که ریشه بسیاری از این مشکلات عدم اعتدال دولت به بخش خصوصی است. فراموش نکنید که ما در حوزه آزادی های اقتصادی رتبه بسیار پایینی داریم و در شاخص های بهبود محیط کسب و کار هرگز نتوانسته ایم رتبه های خوبی به دست بیاوریم. این مساله بیش از هر چیز ناشی از این است که دولت ما به دلیل وابستگی بیش از حد به نفت و علاقه به تصدی گری، اقتصاد را رقابتی نکرده است.

اقتصاد ما رقابتی نیست دولت به جای اینکه کیک اقتصاد را بزرگتر کند، کیک موجود را تقسیم می کند. این روش اشتباه است. این در حالی است که دولت باید فضای رقابت را مستعد کند تا شرکت ها بتوانند رقابت سالم داشته باشند. در چنین شرایطی شرکت ها دست به هر کاری می زنند و ضعف های فرهنگی بروز پیدا می کند و عدم حضور تشکل ها و عدم ساختار سازی و فرهنگ سازی صحیح به شکل گسترده ای خودش را نشان می دهد و عدم ترویج کار گروهی توسط تشکل ها به عنوان یک ضعف عیدیه بروز پیدا می کند.

اگر بخواهیم به عوامل درون بنگاهی ورود پیدا کنیم، نباید از عوامل بیرونی غافل باشیم، چرا که به هر حال این عوامل بیرونی هستند که زمینه را برای بروز و ظهور عوامل داخلی مساعد می کند. چرا ما در فاصله سال های دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد با این مسائل مواجه نبودیم؟ پاسخ کاملا روشن است، در آن زمان به دلیل رونق اقتصادی شرکت ها اصلا زمانی برای پرداختن به رقابت مخرب نداشتند.

همه کار داشتند و به همین دلیل هیچ دلیلی برای ایجاد فساد نبود. وقتی که کار هست و فضای کار مستعد است و نقدینگی و بودجه لازم وجود دارد، شرکت ها اصلا نیازی نمی بینند که به بحث رقابت مخرب ورود کنند. بحث زایش هم که به آن اشاره شد، خاصیت تولید است که شرکت ها هر چه بزرگتر می شوند انشعاب و انشقاق هم از داخل آن کاملا طبیعی است. اما اینکه اینها چگونه می توانند با هم تعامل داشته باشند مسائلی است که ریشه فرهنگی دارد.

مهندس بیات:

در سال ۸۵ شرکت ABB که تا آن روز این شرکت به مشتریان خود یک خدمات مشخص ارائه می داد، اعلام کرد که ما برای رعایت سلامت اداری از این پس سرویس خاصی ارائه نمی دهیم و هزینه آن را در قالب کاهش قیمت به مشتری ارائه می دهیم. این کار زمانی انجام شد که این شرکت به اندازه کافی بزرگ شده بود. الان در اروپا شاید شرکت های کوچک همان

سرویس هایی را به مشتریان بدهند که پیش از آن توسط ABB ارائه می شد و می تواند منشاء فسادهایی باشد. تاکید من بر این است که بزرگتر شدن شرکت ها می تواند برای این فساد هم پیک مانع باشد.

مهندس میرشکری:

به نظر من کشور ما شرایط و اقتضات خاص خودش را دارد. به عنوان مثال خاستگاه علم فناوری در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نیست و وقتی که این فناوری ها به این کشورها وارد می شود، توسعه آنها نیازمند تامین الزاماتی است که در هر یک از این کشورها ممکن است، متفاوت باشد.

به هر حال ما پس از گذر یک دوره تقریباً بیست ساله به اندازه ای از ثبات در حوزه فناوری رسیدیم و صنایع در حد توان خود رشد کردند. در طول این سال ها صنعت احداث در کشور توسعه یافت و به ثبات رسید. بسیاری از کسانی که به این حوزه وارد شدند، غالباً زمانی کار خود را آغاز کردند که تنها با الفبای



مهندس مسعود سعادتی: در کشور ما به دلیل نبود یک ثبات مشخص اقتصادی، ساختار سازمان یافته ای هم در شرکت هایمان ایجاد نمی شود و به همین دلیل است که بزرگ شدن شرکت ها اصطلاحاً با دکنگی است. به علاوه موضوع تداخل مدیریت و مالکیت هم یکی از اصلی ترین آفت های صنعت کشور است

کار آشنا بودند. به این ترتیب آنها پیش از آنکه با الزامات حوزه فعالیت خود آشنا شوند، به فعالین اقتصادی آن تبدیل شده بودند که همین مساله خود پیامد هایی داشت.

به هر حال این بخش ها با شرایطی که به آن اشاره کردم تشکیل شدند. در شرایط نسبتاً پایدار اقتصاد کشور، همه این شرکت ها به تناسب اندازه خود بزرگ شدند. نفس تشکیل این سندیکا به گونه ای گوشه ای از این سیر رشد را نشان می داد. سندیکا زمانی تشکیل شد که بنگاه های فعال صنعت برق به یک توسعه متوازن دست یافتند و به این نتیجه رسیدند که می توانند در قالب یک تشکل اهداف و برنامه های خود را دنبال کرده و با هم کار کنند.

این فعالین اقتصادی اطلاعاتی درباره کار تشکلی داشتند و در حد وسع خود در این زمینه هم فعالیت می کردند. بودن در این تشکل شرایط رشد و ارتقای فرهنگی را به خودی خود ایجاد می کند هر چند که ما استعداد فرهنگی خوبی نداریم اما به هر حال تشکل ها می توانند نوعی ارتقای فرهنگی برای افراد ایجاد می کند. اگر این شرایط نسبتاً پایدار اقتصادی وجود داشت ما به حدی از رشد می رسیدیم در آن زمان می توانستیم مسائل

جدیدی را مطرح کنیم در آن شرایط ذهنیت ها این آمادگی را داشت که ما در مورد ادغام شرکت ها و مشارکت آنها با یکدیگر به عنوان راهکاری برای توسعه و گذر از مشکلات صحبت کنیم.

اما متأسفانه در چند سال اخیر وضعیت به طور کلی دگرگون شد. شرایط کنونی ما درست مثل این است که همه در یک ساختمان مشغول کارند و ناگهان این ساختمان آتش می گیرد. نمی توانیم انتظار داشته باشیم در این شرایط که افراد به جز جان خودشان به فکر چیز دیگری باشد.

این وضعیتی که امروز برای صنعت ما پیش آمده، آن جنبه های رشد نیافتگی را بروز داد. آنچه که امروز ما می بینیم ناشی از شرایط سختی است که شرکت ها در آن قرار گرفته اند. قبل از آنکه فرصتی فراهم شود که ما به آن حد از رشد برسیم که قواعد و الزاماتی که لازمه توسعه فناوری است را درک کنیم، این شرایط دشوار برای صنعت کشور ایجاد شد و در نهایت به وضعیتی منجر شد که امروز در آن قرار داریم.

مهندس مسافتی:

من به همان بحث رقابت مخرب برمی گردم. در بحث رقابت های ناسالم بین کارکنان اصلی ترین علت را عدم ساماندهی می دانم. این مساله هم درونی است و هم بیرونی. تاریخچه آن از زمان ایجاد شرکت ها است و مساله بعدی اینکه متولی خاصی این کسب و کار برای خودش ندارد و مسئولیت درآمد آن را کسی عهده دار نیست.

مساله اصلی ما این است که یک شرکت پیمانکاری می تواند بدون هیچ پیش نیازی فعالیت خود را آغاز کند. هیچ تشکیلاتی وجود ندارد که پتانسیل های این شرکت ها را ارزیابی کرده و صلاحیت آن را بسنجد. اگر یک ارگان مشخص مسئول بررسی فعالیت ها و وضعیت شرکت های پیمانکاری بود، قطعاً این حوزه شرایط بهتری داشت.

مهندس سعادتی:

همه جای دنیا به همین شکل است. در اقتصاد آزاد افراد نباید برای ثبت شرکت ها زمان زیادی صرف کنند.

مهندس سیاسی راد:

من به صورت جدی با این دیدگاه مخالفم. به این دلیل که همه تلاش بخش خصوصی در ایران در طول این سال ها برای این بوده که دولت دخالت کمتری در حوزه فعالیت آنها داشته باشد. هر فرد برای ثبت یک کارخانه باید به وزارت صنایع و معادن مراجعه کند و متأسفانه با انواع و اقسام فساد مواجه شود، تا بتواند مجوز تولید بگیرد و این روند کم و بیش به همین شکل ادامه دارد.

کسی که قصد دارد کار اقتصادی انجام دهد، قطعاً این دانش و آگاهی را دارد که بتواند منافع خود را تشخیص دهد و برای حوزه فعالیت خود تمهیدات حقوقی ببیند. قرار نیست که دولت جای او تصمیم بگیرد.

مهندس باقری:

من فکر می‌کنم که منظور آقای مهندس مسائلی این است که ما نمی‌توانیم با ایجاد شرکت‌ها مخالفت کنیم. به علاوه نمی‌توانیم این تصور اولیه را داشته باشیم که وقتی یک شرکت جدید ایجاد می‌شود لزوماً وارد رقابت ناسالم می‌شود. پس شرکت ایجاد می‌شود. بحث اصلی بحث ساماندهی شرکت‌هایی است که ایجاد می‌شود. مهم این است که این شرکت‌ها در چه مسیری قرار می‌گیرند و چگونه به رقابت می‌پردازند.

مهندس مسائلی:

منظور من دقیقاً این است که هر یک از شرکت‌های تأسیس شده به یک و آنگن قطار تبدیل می‌شوند که قرار است در ریلی به نام کسب و کار قرار بگیرند. مساله این است که همینجا نقطه آغاز رقابت ناسالم است. شرکتی با زمینه پیمانکاری، سر از حوزه تابلو سازی در می‌آورد و یا شرکتی که در حوزه ساخت فعالیت می‌کرده، پیمانکاری می‌شود. اینها است که باید ساماندهی شده و قالب پیدا کنند.

مهندس سیاسی‌راد:

از نظر من این مساله هم اصلاً اشکالی ندارد. این که یک شرکت احساس کند در حوزه دیگری از صنعت فضا و ظرفیت خالی برای فعالیت وجود دارد و وارد آن حوزه شود، اساساً ایراد خاصی ندارد.

مهندس سعادت:

در حال حاضر ما با سازمان برنامه دربارهمین ارزیابی‌ها و رتبه بندی‌ها مساله داریم. یعنی وقتی آنها دخالت می‌کنند، ما گرفتارتری می‌شویم و لذا نمی‌توان آسوده خاطر بود که دخالت دولت لزوماً می‌تواند گرهی از مشکلات ما باز کند.

مهندس باقری:

یکی از دلایل اصلی شکل گیری رقابت‌های مخرب، شاید بزرگ شدن شرکت‌ها باشد. به نظر می‌رسد هر چه اندازه شرکت‌ها بزرگ‌تر می‌شود رقابت مخرب هم در بین آنها بیشتر دیده می‌شود. این مساله ناشی از آن است که شرکت‌ها همزمان با گسترش و توسعه خود، انحصار طلب می‌شوند و دوست دارند که سهم بازار خود را با کسی تقسیم نکرده و بر سهم خود از بازار بیفزایند.

مهندس سیاسی‌راد:

آیا شما منطق تولید سود را برای یک بنگاه به رسمیت می‌شناسید؟ قاعدتاً منطق یک شرکت بزرگ هم حکم می‌کند که بازارش را توسعه دهد. اصلاً انحصار به این معنا که یک شرکت اجازه ندهد دیگران وارد یک حوزه شوند، فقط در سطح شرکت‌های دولتی می‌تواند اتفاق بیفتد. یعنی مثلاً دولت اعلام می‌کند که خدمات و یا کالاهایی را فقط یک سری شرکت‌های خاص می‌توانند ارائه کنند. آنجا انحصار شکل می‌گیرد.

اما در مورد مابقی صنایع که هر فردی می‌تواند وارد آن شده و شرکت راه اندازی کند، مساله کاملاً متفاوت است. البته در این حوزه مسائل بسیار دیگری مطرح است که فناوری، میزان سرمایه گذاری و... مطرح است. اگر یک شرکت بتواند ۳۰ درصد سهم یک بازار را در اختیار بگیرد، قادر است بازار را کنترل کند. این مساله در همه جای دنیا صادق است و نمی‌توان آن را مویذ رقابت ناسالم دانست.

مهندس مسائلی:

یکی از مشکلاتی که ما در زمینه رقابت ناسالم داریم این است که مشخص نیست مدیران بنگاه‌های اقتصادی تا چه اندازه توان مدیریت کردن دارند و اصولاً چه ویژگی خاصی آنها را نسبت به سایرین متمایز می‌کند. اینها نکات زیرساختی است که می‌تواند زمینه ساز رقابت‌های ناسالم باشد.

من اعتقاد دارم که ما باید یکسری بررسی‌ها و واکاوی‌های درونی باید داشته باشیم تا عوامل ایجاد رقابت‌های ناسالم را



مهندس میرشکرایی: شرایط کنونی ما درست مثل این است که همه در یک ساختمان مشغول کارند و ناگهان این ساختمان آتش می‌گیرد. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم در این شرایط افراد به جز جان خودشان به فکر چیز دیگری باشند. این وضعیتی که امروز برای صنعت ما پیش آمده، آن جنبه‌های رشد نیافتگی را بروز داد

شناسایی کنیم. وقتی شرکت پیمانکاری ایجاد می‌شود که در نهایت به فاکتور فروشی و قراردادهای صوری رو می‌آورد، چگونه نباید حاکمیت را مسئول بدانیم؟

شاید اگر به جای خصوصی سازی، بهبود محیط کسب و کار را در دستور کار خود قرار داده بودیم، امروز شرایط بهتری داشتیم. به هر حال حل این مشکلات باید از یکجا شروع شود. اینکه ضعف فرهنگی داریم و کار تیمی انجام نداده ایم. من معتقدم تشکلهایی مانند سندیکا و اتاق بازرگانی که امیدواریم کارهای موازی انجام ندهند، با مدارس و آموزش و پرورش رابطه‌ای برقرار کنند و از امروز ما به آدم سازی برای آینده کشور پردازیم.

واقعیت این است که با ابزارهایی که امروز در دست داریم، شرایط کنونی برایمان حاصل شده است. لذا رابطه با مدارس باید در دستور کار تشکلهای قرار بگیرد. همین مشکلاتی که امروز وجود دارد را شناسایی کرده و از الان بچه‌ها را برای حل مشکلات کشور تربیت کنیم.

مشکل دیگر ما این است که نمی‌دانیم تفکر سرمایه داری را دنبال می‌کنیم و یا سیستم سوسیالیستی و یا به دنبال اقتصاد آزاد هستیم.

پیشنهاد من این است که در ایران در شرایط کنونی، سیاست سوسیالیستی ممکن است جوابگو باشد ما باید برای خارج کردن کشور از این حالت رکود این کار را انجام دهیم و بعد از آن وارد فضای رقابتی شویم. الان رقابت‌ها جواب نمی‌دهد چرا که اقتصاد ما کوچک شده و با رکود مواجه بوده و رشد اقتصادی منفی داشته‌ایم و به طور ساده می‌توان گفت که در اقتصاد ما همه ضرر کرده‌اند.

مهندس سیاسی‌راد:

منظور شما این است که ابتکار عملی که امروز در دست ماست را به دست دولت بدهیم.

مهندس سعادت:

من فکر می‌کنم که اتفاقاً الان که اقتصاد در شرایط رکود به سر می‌برد، شاید بهتر بتوانیم به سمت اقتصاد آزاد حرکت کرد. به نظر من ما اگر دوباره سیاست سوسیالیستی را بر اقتصاد کشور حاکم کنیم، دوباره ده سال دیگر باید همین مسیر را برای بازگشت به اقتصاد آزاد دنبال کنیم. حالا که بخشی از مسیر را آمده‌ایم، بهتر است که بازگشت به عقب نداشته باشیم و راه را رو به جلو ادامه دهیم.

مهندس مسائلی:

بایستی بر اساس واقعیات فکر کرد، رویکرد عقلایی بجای رویکرد احساسی.

در طول سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ سهم دولت در اقتصاد کشور نه تنها کم نشده که زیاد هم شده است. یعنی در طی سالهایی که شعار خصوصی سازی رونق داشته است، سهم دولت و شرکت‌های دولتی در اقتصاد بطور متوسط رشد داشته است و این یعنی بخش خصوصی در این کشور به رسمیت شناخته نشده است.

نمود به رسمیت شناخته شدن بخش خصوصی، افزایش سهم این بخش در اقتصاد کشور است که البته آمار این را تایید نمی‌کند. اثبات این مدعی که اقتصاد کاملاً در دست دولت است و بخش خصوصی قدرتی ندارد این است که در طول سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ که دوران رکود بود، دولت با عدم تعریف کار و عدم پرداخت مطالبات بخش خصوصی را تضعیف و به مرحله هلاکت رساند.

در این سبک اقتصاد که مولفه‌های آن تماماً توسط دولت تعیین شده و یا دولت بر آنها موثر است بخش خصوصی کارمند غیر رسمی دولت محسوب می‌شود.

یکی از ویژگی‌های کارمند غیر رسمی، عدم تعهد کارفرما در برابر او است. رویکرد کارفرمایان دولتی در طی ۸ سال گذشته خصوصاً در صنعت برق به نوعی این ادعا را اثبات می‌کند. چنین وضعیتی زمینه ساز رقابت ناسالم و زمینه ساز عدم اطمینان به فردا است که می‌تواند باعث رقابت ناسالم شود.

کارفرمای دولتی که قیمت محور است باعث رخداد رقابت ناسالم می‌شود. در محیط کسب و کاری که ساز و کار رقابت تعریف نشده است، مولفه‌های رقابت نامشخص است،



فیلترینگ به طور تعریف نشده ای انجام می شود، اشخاص حقیقی و حقوقی در مقابل هم قرار داده می شوند تا دولت به مقاصد خود برسد نتیجه ای جز رقابت ناسالم را باعث نمی شود.

اینکه دولت و کارفرمایان دولتی عامدانه درک نمی کنند که اشخاص حقوقی و اشخاص حقیقی بلحاظ هزینه ها و بالاسری زیر یک سقف نمی گنجد نشان دهنده علاقه حاکمیت به وجود بخش خصوصی سامان نایافته است. اما اینکه بخش خصوصی توسط دولت به حساب نیامده است دو دلیل دارد، یکی اقتدارگرایی حاکمیت نفت محور است و دوماً عدم اتحاد بخش خصوصی و چندصدایی این بخش بوده است. این مساله خود ریشه در ناکارآمدی تشکل های صنفی بخش خصوصی و تعدد این تشکل ها دارد.

من بر این باورم که تشکلی که منفعتی برای دولت نداشته باشد، قدرتمند نخواهد شد. به علاوه در شرایطی که مفهوم تشکل برای اعضای تشکل و هیات مدیره تشکل ها با شرکت خلط می شود و یا اعضا بیشتر از اینکه به دنبال مستند سازی و کارشناسی باشند تا بر اساس آن بتوانند با حاکمیت مذاکره کنند، اوقات خود را با حرف و درد و دل طی می کنند، نمی توان انتظار تشکلی قدرتمند را داشت.

مشکل دیگر تشکل های این است که پرسنلشان عمدتاً از نظر کارشناسی قوی نیستند و لذا قدرت چانه زنی تشکل و در نتیجه اعضای آن تشکل را در برابر دولت کاهش خواهد یافت. بنابراین تشکل ها که قرار است نقطه کانونی اعضا به منظور همگرایی و وحدت بخش خصوصی شوند، به دلایل فوق و تعدد (عدم اتحاد در تشکل ها) خود باعث چندصدایی می شوند چیزی که دولت مقتدر از آن به نفع خود استفاده می کند.

تشکل های بخش خصوصی در طول سالهای ۸۶ به بعد سه محور را سرلوحه خود قرار داده اند که شامل خصوصی سازی، تولید محور بودن و در نهایت حمایت از صادرات بود که البته به هیچکدام بصورت بنیادین پرداخته نشد چرا که زیر ساخت های هیچکدام فراهم نبود و دولت هم از هر کدام از آنها سهم خود را

طلب می کرد.

چه باور کنیم و چه نکنیم دولت بزرگ است و مقتدر و طی ۸ سال گذشته هم بیش از پیش دستوری بودن اقتصاد کشور آشکار شد. به عنوان نمونه نرخ ارز، قراردادهای یکطرفه کارفرمایان دولتی با بخش خصوصی، قانون کار، حقوق و دستمزد دستوری و مواردی از این دست نمایانگر یک اقتصاد دستوری است حال در این اقتصاد بخش خصوصی چگونه رشد می یابد؟ در چنین اقتصادی با رقابت سالم می توان به بقای خود امیدوار بود؟

بدهی وزارت نیرو در بخش برق ۱۶۰۰۰ میلیارد تومان است ترجمه این مبلغ بدهی از نگاه بنده بدین شرح است که اولاً "خرج که از کیسه مهمان بود حاتم طائی بودن آسان بود" به عبارتی کارفرمای دولتی به پروژه خود برسد حالا پول پیمانکار یا سازنده پرداخت شد یا نشد و یا کی پرداخت خواهد شد اهمیتی ندارد! ثانیاً این بدهی در طول یک سال بوجود نیامده است و مشمول مرور زمان شده است که خود زمینه ساز رقابت ناسالم گشته و می گردد.

اگر اقتصاد سالم بود و اگر اعتماد از بالا به پایین جاری می شد محیط کسب و کار اینگونه نبود. ملاحظه بفرمایید که هر نگاه های اقتصادی کوچک و بزرگ برای اداره پروژه های خود نیاز به سرمایه در گردش دارند که در سیستم بانک محور ایران راهی جز اخذ پول در قالب وام از بانک های تجاری نمی باشد.

در این راستا چند مشکل جدید آشکار می شود. به عنوان مثال گرفتن وام از بانک ها کار آسانی نیست. به علاوه وام های بانکی گران است یعنی نرخ بهره بانکی با سود پروژه ها و دیرکرد پرداخت مطالبات آن همخوانی ندارد. مساله دیگر این است که بانک در زمان مقرر اصل و سود پول خود را می خواهد چرا که کار بانک های تجاری پول فروشی و تجارت پول است این در حالیست که کارفرمای دولتی در نگاه کلان خود را موظف به پرداخت مطالبات پیمانکاران بخش خصوصی در زمان مقرر نمی داند.

من بر این باورم که خصوصی شدن بانک ها خود مانع جدیدی در محیط کسب و کار ایجاد نمود- اگر چه خصوصی شدن بانکها محاسنی هم داشت. وام های بانکی در چنین ساز و کار اقتدارگرایانه کار فرمایان دولتی و عدم تعهد آنها به بازپرداخت مطالبات، تبدیل به دام می شوند.

خلاصه اینکه خصوصی سازی با این روش با وجود دولت های بزرگ نفت محور و عدم وجود زیر ساخت های لازم شعاری بیش نخواهد بود. توجه داشته باشیم که در شوروی سابق خصوصی سازی باعث تشدید فقر در آن کشور شد و در کشور چین خصوصی سازی نشد بلکه بهبود محیط کسب و کار انجام شد و این یعنی نسخه یک اقتصاد اگر درست پیچیده نشود نتیجه آن ممکن است خسران باشد.

شرکت های توزیع برق با برچسب "سهامی خاص" شناخته می شوند، برخی اعضای بزرگ تشکل ها هم با همین برچسب شناخته می شوند. نتیجه اینکه بخش خصوصی بجای اینکه محیط و بستری باشد که مولد بازوهای توانا برای دولت باشد بیشتر برچسبی پوششی به نظر می رسد.

امید که مفهوم بخش خصوصی علاوه بر تبیین درست به شیوه ای صحیح نیز عملیاتی شود در غیر اینصورت تنازع بقا در قالب رقابت های ناسالم نمود می یابد. رئوس مثلث رقابت ناسالم عبارتند از حاکمیت، بانکها و بخش خصوصی که عیار خصوصی بودن آن صفر تا ۱۰۰ است. چنین محیط کسب و کار واگرایی، محکوم به فنا خواهد بود.

ساز و کار اقتصاد دولتی ایران باید بطور شفاف معلوم شود، بر اساس جایگاه واقعی و نه جایگاه شعاری دولت در اقتصاد باید تکلیف بخش خصوصی واقعی و خالص، عاری از هرگونه آثار دولتی مستقیم و غیر مستقیم، معین شود. تشکل های صنفی بخش خصوصی هم که ان شاء... قرار است خصوصی فکر کنند، نباید برای اعضای خود سراب در دست کنند و بایستی به شفاف سازی بپردازند.

یادمان باشد با یک قاشق شکر دریا شیرین نمی شود.

چگونه ادغام با شرکتی دیگر کسب و کار را دگرگون می کند؟

مترجم: مریم رضایی

مکانی مشخص خدمت می کردند. بدون شك، تفاوت های زیادی بین ما وجود داشت؛ اما هر چه بیشتر در مورد پتانسیل های این قرارداد گفت و گو می کردیم، بیشتر واضح می شد که باید برای به نتیجه رساندن آن اقدام کنیم. تقریباً کلیه مدیران مستقل شرکت با این مسأله موافق بودند. بنابراین با مالک و نگار د تماس تلفنی برقرار کردیم و آنها از اینکه کل مبلغ قرارداد را به صورت نقدی پرداخت کنیم، استقبال کردند. بنابراین، خیلی سریع مبلغی حدود سه میلیارد دلار از منابع سرمایه گذاری شده را فراهم کردیم.

ادغام و تملک به این شیوه کار بسیار سختی است. شرکت های زیادی در این کار شکست می خورند و حتی وقتی ادغام با شرکتی دیگر موفقیت آمیز است، شرکت ادغام شده این حس را دارد که محو یا مغلوب شده است، اما در مورد ونگارد ما از همان ابتدا سخت کار کردیم تا ادغامی اندیشمندانه و محترمانه داشته باشیم.

ما قصد داشتیم بیشترین اطلاعات را از برندهای شرکت به دست آوریم، نه اینکه سیستم و متدهای خودمان را در هر مرحله از کار به آنها تحمیل کنیم. در ظاهر، هدف این قرارداد ارتقای موقعیت Enterprise در فرودگاه ها بود که البته این هدف محقق شد، اما در این فرآیند، چیزهای زیادی در مورد خودمان فهمیدیم و روش مان را به شیوه هایی که ما را برای رشد سریع تر در سطح جهانی آماده می کرد، تغییر دادیم.

تلفیق فرهنگ ها و ارزش ها

بعد از انعقاد قرارداد، در تابستان سال ۲۰۰۷ روند ادغام دقیق دو شرکت را شروع کردیم. برای ما مهم تر از سرعت کار، درست انجام دادن کار بود. ما استطاعت آن را داشتیم که رویکردی متفکرانه اتخاذ کنیم، نه به این دلیل که مالکیت خصوصی شرکت فشارهای مالی کوتاه مدت را از ما دور می کرد، بلکه به این خاطر که توانسته بودیم ونگارد را به قیمت نسبتاً خوبی خریداری کنیم. من می دانستم که ریسک جدی ای Enterprise را تهدید

می شد. بنابراین گفت و گوی اضطراری را شروع کردیم و به این نتیجه رسیدیم که آیا می توانیم برای خرید ونگارد قیمتی پیشنهاد بدهیم؟

چنین قراردادی جذابیت هایی بدیهی برای ما داشت. هر دو شرکت نشنال و آلامو در نزدیکی فرودگاه قرار داشتند و این در حالی بود که ما هنوز برای به دست آوردن مکانی مناسب در تاسیسات اصلی در کشمکش بودیم. همچنین به نظر می رسید برندهای ما مکمل یکدیگر باشند: اگر چه Enterprise با خدمات ارزان قیمتش معروف بود، اما تخفیف هایی که آلامو ارائه می کرد، مشتریان حساس به قیمت را جذب می کرد و نشنال بیشتر به دنبال مسافران تجاری بود. به علاوه، نه آلامو و نه نشنال در کرایه اتومبیل خارج از فرودگاه رقبای بزرگی نبودند که یعنی ما هیچ اشتراکی با تاسیسات، تکنولوژی و پرسنل ونگارد نداشتیم.

اما مهم این بود که تاکنون قراردادی به این بزرگی با هیچ شرکتی امضا نکرده بودیم و من می دانستم که تیم مدیریتی شرکت ما با این مسأله آشنایی چندانی ندارد. سوال برخی از آنها این بود که چرا باید با رقبایی که از آنها پیشرفته تر هستیم، ادغام شویم. همچنین اختلافات عملیاتی و فرهنگی زیادی هم بین شرکت ها وجود داشت. بیشتر شعبه های Enterprise در مکان های مجاور شرکت بودند که تیم کوچکی از کارمندان ما حدود ۱۰۰ خودرو و راجت پوشش داشتند، اما شعبه های فرودگاه نشنال و آلامو بزرگ تر بودند. فرهنگ Enterprise بر رضایت مشتری و ارتقا از سیاست های داخلی به عنوان مسیری به سوی موفقیت کسب و کار متمرکز بود، در حالی که فرهنگ ونگارد بر بازدهی عملیاتی تاکید می کرد.

شرکت ما مالکیت ۱۰۰ درصدی شعبه هایش را داشت، اما ونگارد هم شعبه های شرکتی داشت و هم شعبه های مستقل. ما برای شعبه های شرکت فقط فارغ التحصیلان دانشگاه را استخدام کرده بودیم تا شرکت را ارتقا دهند، اما پرسنل شعبه های ونگارد شامل تعداد زیادی کارمند معمولی بود که در

وقتی شرکت کرایه اتومبیل Enterprise Rent A Car تملک برندهای آلامو (Alamo) و نشنال (National) را به دست آورد، سعی کرد مسیری را به تدریج بپیاید و از عملکرد برندهای جدید درس بگیرد. اندرو تیلور در مورد نحوه اداره شرکت بعد از این ادغام توضیح می دهد:

در سال Enterprise 2007 پنجاهمین سالگرد تاسیساتش را جشن می گرفت. ما با بیش از ۹ میلیارد دلار درآمد جهانی، بزرگ ترین شرکت کرایه اتومبیل در جهان بودیم و یکی از بزرگ ترین شرکت های خانوادگی در آمریکا محسوب می شدیم؛ چون ما پیشتاز صنعتی بودیم که در آن فعالیت می کردیم، فرصت های زیادی برای تملک شرکت های دیگر برای ما به وجود می آمد. به خصوص بعد از اینکه تعدادی از رقبای ما در اواسط دهه ۹۰ ادغام شده یا تغییر مالکیت داده بودند. به هر حال، در حالی که بزرگ ترین رقبای ما همیشه بر کرایه اتومبیل در فرودگاه ها متمرکز بودند، شرکت ما در سطح شهر فعالیت می کرد و بیشتر کسب و کار ما با تقاضای افرادی اداره می شد که تا زمان تعمیر ماشین های خودشان به یک خودرو و احتیاج داشتند. بنابراین ما هیچ وقت و سوسه نمی شدیم و به طور اساسی و یکنواخت با فعالیت در مناطق محلی و فرودگاه ها رشد می کردیم. ما شدیداً به فرهنگ «خودتکایی» اعتقاد داشتیم و تمایلی نداشتیم روند خوبی را که طی می کردیم، تغییر دهیم.

اما همه چیز در اوایل سال ۲۰۰۷ تغییر کرد. در یکی از روزهای ماه فوریه، روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی اعلام کرد که دو شرکت بزرگ رقیب فرودگاهی ما، یعنی ونگارد (که مالکیت شرکت های کرایه خودروی آلامو و نشنال را داشت) و Dollar Thrifty در آستانه توافق برای ادغام با یکدیگر به ارزش ۳ میلیارد دلار هستند. ما فوراً به این نتیجه رسیدیم که این ادغام می تواند برای Enterprise خبر بدی باشد. برای ادامه رشد، ما باید سهم مان را در کرایه خودرو در فرودگاه افزایش می دادیم؛ اگر چند برنده رقیب با هم ادغام می شدند و به یک رقیب بزرگ تبدیل می شدند، مسیر پیشرفت ما دشوارتر

نمی‌کند؛ حتی اگر قرارداد جدید به نتایج خوبی منجر نشود. اگر چه برای ادغام‌های بزرگ تجربه کافی نداشتیم، اما در جهتی که به نظرمان درست می‌رسید پیش رفتیم.

اول از همه با استفاده از یک پیام ساده و تعدادی نهاد قدرتمند، بر فرهنگ دو شرکت متمرکز شدیم. در اول اوت، بعد از نهایی کردن قرارداد به همراه خانواده و تیم مدیریتی شرکت به اوکلاهما سفر کردیم تا جلسه‌ای در دفتر مرکزی و نگار داشته باشیم. در این جلسه خود و خانواده‌ام را معرفی و بر تعهد شرکت برای عملی کردن این ادغام در بلندمدت تاکید کردم. من متقاعد شدم که فلسفه کسب و کار مشابهی که عامل رشد ما بود، Enterprise و نگار در در کنار یکدیگر به جلو خواهد راند. در آن جلسه اعلام کردم «کارمندان هر دو طرف معامله اکنون بخشی از یک شرکت هستند که وقف سه چیز شده است: گوش دادن و راضی نگه داشتن مشتری، ایجاد فرصت‌هایی برای کارمندان و دستیابی به رشد پایدار و بلندمدت.»

این پیام من در بین مخاطبین سر و صدای زیادی به پا کرد. من تاکید کردم که به عنوان یک سازمان خانوادگی، هدف ما آوردن ثبات و پیوستگی به نگار است. در شرکتی که مجموعه تغییرات مالکیتی و مدیریتی زیادی طی دهه گذشته نابسامانی‌هایی را بین کارمندان ایجاد کرده بود، این جمله با استقبال زیادی روبه‌رو شد. همچنین اعلام کردم و نگار در به عنوان بخشی از فرآیند ادغام یکنواخت و سنجیده شده، می‌تواند حداقل یک سال به عنوان شرکت فرعی مستقل فعالیت کند.

همچنین برای کارمندان و نگار تصریح کردیم که قرار نیست کارمندان Enterprise به شرکت آنها سرزیر شوند. و نگار در اقدامات فرودگاهی قابلیت‌های زیادی داشت که می‌توانستیم از آن درس بگیریم. سیستم‌ها و فرآیندهای شرکت‌های نشنال و آلامو در سطحی بسیار گسترده‌تر از ما انجام می‌گرفت. همچنین فرآیند تضمین کیفیت آنها به طور خاص برای جلوگیری از مشکلات احتمالی طراحی شده بود. در نهایت، ما این برنامه را در حوزه‌های فرودگاهی Enterprise به کار گرفتیم.

تکه‌ای بزرگ‌تر از یک کیک بزرگ‌تر

یک سال اول علاوه بر گوش کردن و یاد گرفتن، صرف به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و فعالیت‌هاییان شد. از همان ابتدای کار مشخص شد که باید در مورد حفظ رضایت مشتری آموزش گسترده‌ای داشته باشیم. در دهه ۹۰ شاخصی را به نام شاخص کیفیت خدمات (Enterprise ESQi) به منظور سنجش و مدیریت این موضوع مشخص کرده بودیم. این شاخص تایید می‌کرد احتمال اینکه مشتریانی که به طور کامل از خدمات ما راضی بودند دوباره از ما ماشین کرایه کنند، سه برابر بود. شماره ESQi برای مدیران، فاکتور مهمی در تعیین پاداش و پیشرفت‌های آنها محسوب می‌شد. و نگار در به سرعت استفاده از این شاخص را برای آلامو و نشنال به کار گرفت. البته شش ماه قبل از اجرای کامل، نتایج آن را به طور غیررسمی دنبال می‌کرد.

سه شخصیت متباین

طی دوره انجام مراحل ادغام، کمیته مخصوص این اقدام در

enterprise rent-a-car

برندی بسیار گفت‌وگو کردیم و هر چه بیشتر آن را بررسی کردیم، بیشتر به مزایای استفاده از ساختار منطقه‌ای پی بردیم. این تصمیم به آن معنی بود که بسیاری از مدیران Enterprise باید بر عملیات گسترده‌ای که در فرودگاه‌ها انجام می‌شد نظارت، بخش‌های گسسته بازار را مدیریت و در ارتقای هر سه برند تعادل درستی ایجاد می‌کردند. هم‌زمان بیشتر کارمندان و نگار نیز به درک بهتری از بازار درون شهری (غیر از امور فرودگاه) می‌رسیدند.

همین‌جا بود که به مزیت دیگری از تلفیق شرکت‌ها پی بردیم. به منظور تجهیز مدیران کل برای انجام کاری بزرگ‌تر و شناخت و آماده‌سازی مدیران و نگار در راستای ساختار جدید، زمان کافی ایجاد کردیم.

تغییر برای آینده بهتر

اکنون بیش از شش سال از روزی که آن گزارش را در نیویورک تایمز مشاهده کردیم، می‌گذرد. بدون شک، قراردادی که منعقد کردیم از تمام جهات به نفع ما بوده و در حقیقت، کمتر از سه سال توانست پولی را که بابت انعقاد آن داده بودیم، جبران کند. درآمد کلی سه برند ما اکنون از ۱۵ میلیارد دلار بیشتر شده که نشان‌دهنده رشد سالم در شرایط سخت اقتصادی، به خصوص برای صنعت توریسم و مسافرت است. در ضمن، از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ کل سهم بازار در فرودگاه‌ها برای هر سه برند از حدود ۲۸ درصد به بیش از ۳۳ درصد افزایش یافته است.

* بر گرفته از روزنامه دنیای اقتصاد

دفاتر مرکزی شرکت مسایل مختلف از جمله پرتفوی برند، ساختار کلی مدیریت و مساله و انذار امی امتیاز انحصاری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. یکی از سوالات کلیدی مطرح شده این بود که باید هر سه برند را به طور جداگانه حفظ کنیم یا بهتر است Enterprise و آلامو را با هم ترکیب کنیم. وقتی در مورد قرارداد تملیک گفت‌وگو می‌کردیم، پاسخ این سوال مشخص نبود. اما بعد از اینکه اقدامات و بازاریابی‌های و نگار را مورد مطالعه قرار دادیم، به این نتیجه رسیدیم که هر یک از سه برند نشنال، آلامو و Enterprise می‌توانند به طور جداگانه عملکرد خوبی داشته باشند و خدماتی به مشتریان خود ارایه کنند که برای آنها اهمیت بیشتری دارد. بنابراین تصمیم گرفتیم شخصیت مجزایی به هر یک از برندها بدهیم.

اقدامات اداری ما داستان کاملاً متفاوتی داشت. ما به دنبال یافتن روش‌های عملیاتی برای ارتقای مالکیت مشترک شرکت‌ها بودیم. چون تاسیسات آلامو و نشنال در فرودگاه‌ها مستقر بود، تلاش کردیم Enterprise را تا حد ممکن به آنها نزدیک کنیم و علامت شناسایی برند را از خودروها برداشتیم تا شرکت‌ها بتوانند در مواقع لزوم از خودروهای هم استفاده کنند. این رویکرد مدیریتی انعطاف‌پذیری کار ما را افزایش و هزینه‌ها را کاهش داد.

پس از آن باید در مورد یک ساختار سازمانی تصمیم‌گیری می‌کردیم. Enterprise به شدت غیر متمرکز است و بیشتر از طریق شعبه‌های محلی خود که مدیران آن مسئولیت کامل سود و زیان شعبه را در اختیار دارند و در نهایت به مدیران کل شرکت گزارش می‌دهند، اداره می‌شود. اما در نگار کل تصمیم‌های مدیریتی در دفتر مرکزی اتخاذ می‌شود.

ما در مورد بهترین شیوه مدیریت یک عملیات فرودگاهی چند

تقویت بخش خصوصی

لازمه رقابت در بازارهای جهانی

تقویت بخش خصوصی و کاهش نقش دولت در تولید، منجر به ایجاد فرصتی مناسب برای ورود کالا و خدمات صادرکنندگان کشور به بازارهای جهانی به صورت رقابتی می‌شود. در چنین شرایطی، کارشناسان اقتصادی معتقدند که یکی از راهکارهای تقویت بخش خصوصی، ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری است، به طوری که برای انجام سرمایه‌گذاری و مشارکت گسترده بخش خصوصی می‌بایست فضایی انگیزشی و مناسب به وجود آورد و لازمه این کار، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های صحیح است... در بخش تریبون آزاد این شماره از ماهنامه ستیران که اکنون پیش روی دارید، سعی شده تا با طرح سؤالات متعدد درباره فضای رقابتی در بخش خصوصی و تأثیر خصوصی سازی در ایجاد رقابت در بازارهای بین‌المللی، به ارزیابی موانع شکل‌گیری همکاری‌های بین‌شرکتی و راهکارهای توسعه رقابت در بخش خصوصی بپردازیم. لازم به ذکر است این گفت‌وگو هاد قالب پرسش و پاسخی مکتوب با مدیران شرکت‌های عضو سندیکا پدست آمده است که در ادامه می‌خوانید:

رفتارهای غیرحرفه‌ای موجب حذف رقبا در بخش تولید می‌شود

فرهاد شیخی شوشتری، رئیس هیات مدیره شرکت بنیادپوشش



شرکت‌های بخش خصوصی در رقابت با یکدیگر چگونه رفتار می‌کنند؟

در پاسخ به سوال مطرح شده ذکر این نکته ضروری است که آنچه باعث پیشرفت این صنعت خواهد شد، رقابت سالم و به دور از تنش‌های کنونی می‌باشد؛ لکن اخیراً مشاهده شده است برخی از همکاران بعضاً با رفتارهای نادرست و غیر حرفه‌ای موجب حذف رقبا از صحنه رقابت در بخش تولید می‌شوند. شایسته است کلیه همکاران صداقت و درستی، کسب و کار و رقابت سالم را سر لوحه رفتارهای خویش قرار داده تا نیل به اهداف عالی در سایه حمایت‌های دولت خدمتگزار صورت گیرد.

به نظر جنابعالی تاکنون رقابت بین شرکت‌های خصوصی صنعت برق در حوزه فعالیت شما سازنده و مفید بوده است؟

در برهه‌ای از زمان در گذشته این رقابت در بین شرکت‌های نیمه دولتی یا خصوصی صنعت برق در حوزه تولید برج‌های انتقال نیرو سازنده و مفید بوده و دلیل آن نیز رقابت سالم بین شرکت‌های همکار بوده است؛ لکن چنانچه در پاسخ به سوال قبلی مطرح شده است، اخیراً این رقابت در فضایی ناسالم صورت می‌گیرد و بعضاً در پاره‌ای موارد عدم وجود فضای رقابتی نیز مشاهده می‌شود.

آیا با گسترش خصوصی سازی، رویه و سیاست بخش خصوصی در رقابت تغییری پیدا کرد؟

آنچه مسلم است با گسترش خصوصی سازی علاوه بر کاهش هزینه‌های جاری دولت، فضای رقابتی میان کلیه بنگاه‌های اقتصادی شکل گرفته و با تلاش‌های این تشکل‌ها نه تنها دانش فنی بلکه کیفیت اجرای پروژه‌ها نیز ارتقاء می‌یابد.

رقابت تجار و شرکت‌های خصوصی در تجارت خارجی و بازارهای بین‌المللی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا شرکت‌های خصوصی در بازارهای خارجی، رقابت‌سالمی با هم دارند؟

در حال حاضر بدلیل عدم حمایت از شرکت‌های خصوصی و مشکلات اقتصادی اخیر و

کمبود نقدینگی، اغلب این گونه شرکت‌ها توان رقابت در بازارهای بین‌المللی را ندارند؛ لازم است بمنظور ایجاد فضای رقابتی سالم در تجارت خارجی و امکان حضور هر چه بیشتر بنگاه‌های اقتصادی در این زمینه، حمایت‌های دولت از صادرکنندگان و شرکت‌های فعال بیش از پیش صورت پذیرد.

مهمترین موانع شکل‌گیری انواع همکاری‌های بین‌شرکتی میان بنگاه‌های اقتصادی را چه می‌دانید؟

یکی از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری همکاری مذکور، مطالبات بنگاه‌های اقتصادی در قراردادهای فی‌ما بین است، که ناشی از عدم پرداخت یا تاخیر در پرداخت در قراردادهای اصلی با کارفرمایان دولتی در چند سال اخیر بوده است. به طبع این امر، گاهی موجب کدورت و حتی قطع همکاری بین همکاران در بخش‌های تولیدی و اجرایی شده است.

نکات پایانی:

در پایان ذکر این نکته را لازم می‌دانم که با توجه به ماهیت یک طرفه بودن قراردادهای پیمانکاران با کارفرمایان مرتبط با وزارت نیرو و عدم پرداخت یا تاخیر در پرداخت مطالبات پروژه‌ها، زیانهای فراوانی به پیمانکاران و تولیدکنندگان وارد شده و در برخی موارد نیز موجب ورشکستگی و تعطیلی کارخانجات واحد‌های صنعتی شده است.

در شرایط اقتصادی کنونی جامعه و اعمال تحریم‌های خارجی، متأسفانه نه تنها کارفرمایان حمایتی از پیمانکاران در قراردادهای نمی‌کنند، بلکه با اعمال فشارهای مضاعف حتی بعضاً اقدام به برکناری آنها در پروژه‌ها می‌کنند؛ که با ادامه این روند و با توجه به عدم وجود مراجع ذیصلاح جهت دادرسی به پیمانکاران، نه تنها ضرر و زیان‌های زیادی به تولیدکنندگان وارد شده بلکه منابع مالی خویش را نیز صرف به ثمر رساندن پروژه‌هایی نمودند که هیچ سودی برای آنها نداشته است.

در پایان از کلیه مسئولان ذیربط در صنعت برق خواستار بررسی مشکلات پیمانکاران در قراردادهای قدیمی هستیم تا شاهد تعطیلی اندک تولیدکنندگان موجود در این صنعت نباشیم.

دیدگاه‌های سلیقه‌ای مدیران دولتی مانع بزرگ رقابت‌های بین‌شرکتی

مهندس عزت‌الله صالحی رهبر، مدیرعامل شرکت پیمان غرب



شرکت‌های بخش خصوصی در رقابت با یکدیگر چگونه رفتار می‌کنند؟ شرکت‌های خصوصی با توجه به عدم هماهنگی فی مابین آنها در کل صنعت کشور رقابت‌سازنده و خوبی ندارند زیرا سازمان‌های دولتی اکثریت را تشکیل می‌دهند و بخش خصوصی وابستگی به دیدگاه بخش دولتی دارد به همین خاطر تفرقه بین شرکت‌های خصوصی بر اساس

صداقت و تعهد خاصی نمی‌باشد.

به نظر جنابعالی تاکنون رقابت بین شرکت‌های خصوصی صنعت برق در حوزه فعالیت شما سازنده و مفید بوده است؟

رقابت بین شرکت‌های بخش خصوصی اگر بدون دخالت بخش‌های دولتی باشد و غالب آنها تصمیم‌گیر نباشند خیلی خوب و سازنده است. ولی با این روند نه تنها بخش خصوصی سازندگی ندارد، بلکه روز به روز تضعیف شرکت‌های خصوصی تقویت و آینده آنها و رشکستگی را بدنبال خواهد داشت.

آیا با گسترش خصوصی‌سازی، رویه و سیاست بخش خصوصی در رقابت تغییری پیدا کرد؟ حتماً و نباید به این موضوع شک داشت.

رقابت تجار و شرکت‌های خصوصی در تجارت خارجی و بازارهای بین‌المللی را چگونه

ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به دیدگاه دولتها رقابت بخش خصوصی در کشورهای دیگر موفقیت‌هایی را بدنبال داشته که دنیا شاهد روند گسترش و موفقیت بخش خصوصی آنها می‌باشد و آنها رقابت‌های سالمی را دارند زیرا دولت خود باعث تضعیف این بخش نخواهد بود بلکه به دنبال تقویت بخش خصوصی است.

مهمترین موانع شکل‌گیری انواع همکاری‌های بین‌شرکتی میان بنگاه‌های اقتصادی را چه می‌دانید؟

مهمترین موانع شکل‌گیری بین شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دیدگاه‌های شخصی و سلیقه‌ای بخش دولتی و مدیران دولتی است.

نکات پایانی:

چنانچه سندی‌کای هر بخش از کشور موفقیت‌ور و ندر و به رشد را بدنبال داشته باشد باید بخش دولتی کوچک و بخش خصوصی غالب شود تا در آینده بتوان رقابت و گسترش شرکت‌ها و نیز شکوفایی مغزها و نوآوری کارشناسان را مشاهده کرد.

چنانچه بخش دولتی بدون توجه به دیدگاه‌های بخش خصوصی پیش برود این روند فقط بازی با الفاظ است و آینده خوبی برای بخش خصوصی نمی‌شود پیش بینی کرد.

رقابت در بازارهای خارجی مطلوب نیست

مهندس سیدعلی عاملی، مدیرعامل شرکت کنتورسازی ایران

شرکت‌های بخش خصوصی در رقابت با یکدیگر چگونه رفتار می‌کنند؟

با توجه به عدم وجود تعاریف دقیق و کاربردی از توانمندی‌های شرکت‌ها در زمینه‌های فنی و بازرگانی و همچنین ارائه خدمات پس از فروش، بازار با یک هرج و مرج مزمن مواجه بوده و شرکت‌های همکار (رقیب) بعضی تلاش در جهت اصلاح روندهای معیوب و ارتقاء کمی و کیفی محصولات خود در یک رقابت ناسالم و خودمحور - هر چند خاموش - فعالیت می‌کنند، همچنین عدم تعامل جدی و مناسب رقبا به منظور همفکری و هم‌افزایی با یکدیگر از عوامل تشدیدکننده وضع موجود است.

به نظر جنابعالی تاکنون رقابت بین شرکت‌های خصوصی صنعت برق در حوزه فعالیت شما سازنده و مفید بوده است؟

با توجه به توضیحات بند ۱ پاسخ منفی است.

آیا با گسترش خصوصی‌سازی، رویه و سیاست بخش خصوصی در رقابت تغییری پیدا کرد؟ متأسفانه خیر، زیرا عوامل تأثیرگذار در روندهای معیوب بازار یکسان جاری است.

رقابت تجار و شرکت‌های خصوصی در تجارت خارجی و بازارهای بین‌المللی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا شرکت‌های خصوصی در بازارهای خارجی، رقابت‌سالی با هم دارند؟ هر چند تلاش می‌شود تا حداقل در بازارهای خارجی رفتارهای محتاطانه‌تری در پیش گرفته شود ولی توجه به منافع کوتاه‌مدت و تضاد منافع شرکت‌ها، در این زمینه نیز شرایط چندانی

مطلوب نیست.

مهمترین موانع شکل‌گیری انواع همکاری‌های بین‌شرکتی میان بنگاه‌های اقتصادی را چه می‌دانید؟

عدم تعریف کامل و تلاش برای شفافیت محیط کسب و کار از جمله:

- در نحوه ارائه محصولات تولیدی و دفاع از آن بدون تحریب رقبا

- در رفتارهای مشتری (وزارت نیرو - توانیر)

- با توجه به تک‌مشتری بودن برخی محصولات عملاً بازاریابی در یک دایره بسته تعریف شده و شرکت‌ها تمامی تلاششان کسب حداکثر سهم از این بازار یگانه می‌باشد.

- عدم پایبندی توانیر به تعهدات خود بخصوص مسایل مالی که بطور یکطرفه و خودخواهانه نیز هست شرایط بدتر و بی‌ثبات‌تری را ایجاد می‌کند.

نکات پایانی:

ایجاد تشکلهای تخصصی بشرط وجود تعاریف دقیق و منصفانه و تلاش جدی و سخت‌گیرانه در اجرای آنها و همچنین ترغیب برای همدلی و جلوگیری از اقدامات خودخواهانه و منفعت‌طلبانه بنظر مؤثر خواهد بود. البته وجود سوابق نامأنوس گذشته در این خصوص در عملی شدن چنین پیشنهادهایی تردید جدی را بوجود می‌آورد.

رقابت شرکت های بخش خصوصی منصفانه نیست

مهندس غلامرضا ابراهیمیان، مدیر عامل شرکت تولیدی سیم و کابل مغان



شرکت های بخش خصوصی چگونه با یکدیگر رفتار می کنند؟ خارج از بحث های تئوریک که رقابت شرکت ها در یک بازار آزاد سالم چگونه باید باشد، متأسفانه باید اذعان کرد که رقابت شرکت های بخش خصوصی حداقل در حرفه صنعت سیم و کابل به دلیل متأثر بودن از شرایط رکود حاکم بر پروژه ها، به هیچ عنوان بر پایه یک رقابت آزاد، سالم و منصفانه نیست. رقابت سالم یعنی این که آگاه بودن مصرف کنندگان از برندها، توانمندی ها، کیفیت جایگاه برندها و انتخاب شایسته بر اساس معیارهای صحیح کیفیت، قیمت و خدمات پس از فروش بهتر که متأسفانه در حرفه فعلی ما این شرایط حاکم نیست. به نظر جنابعالی تا کنون رقابت بین شرکت های خصوصی صنعت برق در حوزه فعالیت شما سازنده و مفید بوده است؟

همانگونه که در پاسخ به سؤال قبل اشاره شد، متأسفانه خیر. بدلیل این که وجه غالب رقابت، گرایش تحریبی است تا سازنده. البته در دهه شصت و هفتاد حتی نیمه اول دهه هشتاد وجه غالب رقابت سازنده بود ولی چند سالی است که رقابت اقتصادی از مسیر صحیح و سازنده خود خارج شده است.

آیا با گسترش خصوصی سازی، رویه و سیاست بخش خصوصی در رقابت تغییری پیدا کرد؟

با ایجاد و گسترش خصوصی سازی به سبک فعلی که معیارهای صحیح و انگذاری کار و امور اقتصادی به مردم و سرمایه های کوچک و بزرگ در بخش خصوصی رعایت نشده است، خصوصی سازی نه تنها هیچ کمکی به بهبود اقتصاد کشور نکرده است، بلکه خود سدی است در برابر واحدهای خصوصی که با معیارهای اصیل خصوصی سازی پدید آمده اند و

سعی می کنند در شرایط دشوار کنونی بقاء خود را حفظ کنند. رقابت تجار و شرکت های خصوصی در تجارت خارجی و بازارهای بین المللی را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا شرکت های خصوصی در بازارهای خارجی، رقابت سالمی با هم دارند؟

شرکت های خصوصی در خارج که با پشتوانه حمایت دولتی فعالیت می کنند، موفقترند. برای مثال صادر کنندگان ترکیه که رقیب اصلی این شرکت در بازارهای منطقه هستند با حمایت و تشویق سیاسی، بازرگانی، تعرفه ای و بانکی دولت خود که بطور جدی از آنها حمایت می کنند روبر هستند و ما متأسفانه از هیچ کدام یک از حمایت های دولتی برخوردار نیستیم. ما حتی در حمل بارهای خود به کشور عراق با مشکل مواجه هستیم و محموله های صادراتی در مرز با تخلیه و بارگیری مجدد هزینه مضاعف را بر ما وارد می کنند. بنابراین رقابت با تولید کنندگان خارجی برای ما یک رقابت نابرابر است. (بدلیل شرایط فعلی حاکم بر اقتصاد کشور ما)

مهمترین موانع شکل گیری انواع همکاری های بین شرکتی میان بنگاه های اقتصادی را چه می دانید؟

نبود یک اتحادیه قوی صنفی برای حمایت مؤثر از منافع تولید کنندگان واقعی کشور و گرایش اطلاعات جاری صحیح، وضع نابسامان فعلی حاکم بر اقتصاد کشور، رقابت های ناسالم و تحریبی و همچنین ضعف نگاه مشارکتی در مدیران و دست اندر کاران صنعت و بنگاه های اقتصادی برای غلبه بر مشکلات از مهمترین موانع برای گسترش همکاری های بین شرکتی به شمار می روند.

حمایت از بنگاه های اقتصادی کوچک تر لازمه بهبود فضای رقابتی

مهندس حامد گرشاسبی، قائم مقام مدیر عامل شرکت رهشاد الکتریک



شرکت های بخش خصوصی در رقابت با یکدیگر چگونه رفتار می کنند؟

با نگاه به شرکت های بخش خصوصی در حوزه صنعت برق، به خوبی می توان فضای رقابتی را رصد کرد زیرا که الزامات و ویژگی های صنعت برق، موجب می شود تا فضای رقابتی آهنگ صعودی داشته باشد. اینکه فضای مذکور فضای سالمی است یا خیر، در درجه بعدی اهمیت است. با گذشت زمان، فضای رقابتی موجب حذف و تقویت عاملان و حاضران در این فضای می شود. در صورتی که دولت، متوجه اثرات مفید وجود این فضا باشد و به بنگاه های اقتصادی کوچک تر حمایت های لازم را برساند، روند بهبودی در این فضا حاصل می شود که نتایج آن برد-برد خواهد بود.

به نظر جنابعالی تا کنون رقابت بین شرکت های خصوصی صنعت برق در حوزه فعالیت شما سازنده و مفید بوده است؟

دو نوع نگاه متفاوت در پاسخ به این سؤال وجود دارد. یکی نگاه مثبت که در حوزه فعالیت ما شامل بروز شدن فناوری ساخت و تولید، مطابقت استانداردی و کیفیتی محصولات با تولیدات بازارهای جهانی و نیز توسعه سبک محصول به رغم وجود نامالیات سیاسی و اقتصادی و در راستای بقاء ادامه فعالیت است.

دوم، نگاه منفی که در این حوزه علاوه بر آنکه موجب از بین رفتن بنگاه های اقتصادی کوچک در خلل این فضای رقابتی و استیثار عناصر بالادستی زنجیره تأمین به لایه های پایین تر به سبب قدرت مالی و نقدینگی بیشتر می شود، باعث ایجاد مسابقه قیمتی می شود که این خود منجر به تضعیف بخش خصوصی و کاهش کیفیت و در نتیجه تخریب زیر ساخت های شبکه می شود. آیا با گسترش خصوصی سازی، رویه و سیاست بخش خصوصی در رقابت تغییری پیدا کرد؟

با توجه به این که گسترش خصوصی سازی به معنای واقعی خود صورت پذیرفته است، کماکان با عناصر شبه دولتی در فضای رقابتی (مانند بنگاه های دولتی) طرف هستیم، زمانی که شما به ترکیب اعضای هیأت مدیره این شرکت ها دقت می کنید، متوجه می شوید که عمدتاً این فرآیندهای خصوصی سازی بطور اسمی صورت پذیرفته است، در صورتی که منویات مقام معظم رهبری و اصل ۴۴ قانون اساسی بیانگر گسترش تمام و کامل بدنه قابل انتقال دولت است. لذا رویه ها و سیاست ها در حوزه فعالیت شرکت رهشاد تغییری پیدا نکرده است.

رقابت تجار و شرکت های خصوصی در تجارت خارجی و بازارهای بین المللی را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا شرکت های خصوصی در بازارهای خارجی، رقابت سالمی با هم دارند؟

بله. بنده اعتقاد دارم که بخش خصوصی در فضای خارج رقابت سالم تری نسبت به فضای داخلی دارد که این متأثر از افزایش قیمت ارز و حاشیه سود بخش خصوصی، فضای حاکم بر رقابت در بازارهای خارج و ضوابط شفاف در مناقصات، مزایدهات و کسب و کار بازارهای

خارجی است.

مهمترین موانع شکل‌گیری انواع همکاری‌های بین‌شرکتی میان بنگاه‌های اقتصادی را چه می‌دانید؟

در مجموع می‌توان گفت موانع متعددی در شکل‌گیری همکاری بین شرکت‌های بخش خصوصی وجود دارد که در اکثر موارد، نبود فضای اطمینان‌بخشی از آنها به شمار می‌رود.

رفتارهای شرکت‌های زیرمجموعه دولت و توانیر در برخورد با بخش‌های خصوصی نیز می‌تواند مسبب عدم شکل‌گیری وحدت و همکاری میان بنگاه‌های اقتصادی شود.

علاوه بر اینها فقدان مشتری در چارچوب یک بازار شناور مانند بورس برق و انرژی و در بعضی موارد نیز عدم شناخت مدیران بخش خصوصی نسبت به فواید همکاری‌های بین‌شرکتی مانع مهمی در شکل‌گیری همکاری بین شرکت‌های بخش خصوصی است.

تقویت فرهنگ همکاری لازمه گسترش رقابت

دکتر سعید احمدی، رییس کمیته سازندگان لوازم و تجهیزات جانبی سیستم‌های برقی سندیکا



شرکت‌های بخش خصوصی در رقابت با یکدیگر چگونه رفتار می‌کنند؟

از آنجایی که اعضای کمیته سازندگان لوازم و تجهیزات جانبی سیستم‌های برقی از تولیدکنندگان داخلی می‌باشند، لذا بهتر است که در خصوص چگونگی رقابت تولیدکنندگان داخلی در این زمینه صحبت شود. مسأله اصلی این است که گاهی شرکت‌های تجاری و واردکنندگان تجهیزات برقی با شکل و شباهت ظاهری تولیدکننده داخلی وارد رقابت ناسالم و غیرمنطقی و غیراصولی با تولیدکنندگان واقعی می‌شوند و با ارائه محصولاتی که از نظر فنی بمراتب در رده پایین‌تری نسبت به تولیدات داخلی است، با عنوان جعلی و دروغین تولیدکننده داخلی شروع به رقابت با تولیدکننده واقعی داخلی می‌کنند که دارای محصولاتی با کیفیت مناسب و استانداردهای مورد قبول و تایید تست‌های معتبر جهانی هستند. این امر از نظر اصول حرفه‌ای غیرقابل قبول بوده و از سندیکا انتظار می‌رود که با ورود به این حوزه و از طریق رتبه‌بندی دقیق و معقول تولیدکنندگان واقعی را از غیر واقعی داخلی تفکیک کند.

به نظر جنابعالی تاکنون رقابت بین شرکت‌های خصوصی صنعت برق در حوزه فعالیت شما سازنده و مفید بوده است؟

اگر رقابت سالم بین تولیدکنندگان واقعی در بخش خصوصی باشد، مسلماً سازنده خواهد بود و موجب پیشرفت همه دست‌اندرکاران و تولیدکنندگان خواهد شد ولی اگر این رقابت به صورتی که در بالا ذکر شد به سوی ناسالمتی سوق کند، نه فقط موجب رشد سازنده نشده بلکه گاه موجب افت کاهش کیفیت موجود سازندگان واقعی داخلی خواهد بود که مجبورند در رقابتی نامتعادل، نابرابر و ناسالم با تولیدکنندگان ظاهری (نه واقعی) به رقابت پرداخته و از کیفیت محصولات خود کاسته تا به حد کیفیت ارائه شده از سوی واردکنندگان رسیده بتوانند برای جلوگیری از ورشکستگی به هر صورت ممکن بخشی از بازار کار را بدست آورند.

در رقابت بخش خصوصی قبلاً نکات فنی بسیار شاخص و مطرح بود که این امر می‌توانست تفکیک منطقی و مناسبی را در بین سازندگان بوجود آورد.

اختصاص امتیاز فنی به هر یک از محصولات با توجه به مشخصات دقیق فنی محصول و تجهیز انجام می‌گرفت که در نهایت با در نظر گرفتن توأم ضریب فنی و قیمت، حاصل منجر به رده‌بندی پیشنهادات ارائه شده می‌شد که توجه قیمت بالاتر برای کیفیت بهتر را در خود ملحوظ کرده بود.

متأسفانه در حال حاضر در بسیاری از موارد با حذف امتیاز فنی امکان مقایسه جامع فنی از بین رفته و کمیته‌های تصمیم‌گیر خرید محصولات و تجهیزات فقط و فقط قیمت پایین‌تر را مناسب دانسته و بدین ترتیب، عامل کیفیت که در صنعت برق یکی از مهمترین عوامل است را نادیده گرفته و بتدریج موجب افت چشم‌گیر کیفیت صنعت برق ایران خواهد بود و با رویکردی نامناسب اقدام با کیفیت پایین چینی یا مشابه آن جایگزین محصولات با کیفیت و استانداردهای جهانی خواهد شد که مسلماً در آینده‌ای نه چندان دور موجب کاهش عملکرد

کیفی صنعت برق در کل کشور خواهد شد که در آن زمان دست‌اندرکاران مسلماً پشیمانند که دیگر سودی ندارد و بایستی چندین برابر هزینه تعویض و ارتقاء کیفیت صنعت از بیت‌المال پرداخت شود.

لذا، این وظیفه حرفه‌ای سندیکای صنعت برق ایران است که در این مورد اقدامی مؤثر کند و دست‌اندرکاران را به هر صورت که صلاح باشد هوشیار و آگاه و از بروز این فاجعه جلوگیری کند با گسترش خصوصی سازی، امید می‌رود که اخلاق و رفتارهای مربوطه نیز به سوی هر چه بیشتر حرفه‌ای شدن پیش برود و روش‌های شناخته‌شده و منطقی و حرفه‌ای در فضای رقابتی سالم بکار رود تا بتوان در این فضای ایجاد شده به ارتقاء هر چه بیشتر کیفیت پرداخت و زمینه‌های رقابت جهانی را فراهم آورد که مسلماً موجب ورود قدرتمند به بازارهای جهانی خواهد شد.

رقابت تجار و شرکت‌های خصوصی در تجارت خارجی و بازارهای بین‌المللی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا شرکت‌های خصوصی در بازارهای خارجی، رقابت سالمی با هم دارند؟

اصولاً ورود به بازارهای بین‌المللی نیاز به پیش‌شرایط خاصی دارد که بایستی تولیدکنندگان و شرکت‌های داخلی قبلاً آنها را بدست آورند بحث تحریم‌ها برای مدت مدیدی از ورود سازندگان و تجار ایرانی به بازارهای بین‌المللی جلوگیری بعمل آورد و شرایط را بسیار دشوار کرد و حتی برای شرکت‌هایی که قبلاً دارای بازارهای تثبیت شده صادراتی بودند نیز مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرد. در حال حاضر و با توجه به رفع تدریجی تحریم‌ها امید می‌رود که با تلاش مجددی بتوان زمینه صدور کالا و خدمات را فراهم آورد و در این زمینه امید می‌رود که رقابت ورود به این بازار بزرگ با تعامل و همبستگی ملی بین سازندگان داخلی، زمینه رشد صادرات جمعی را فراهم آورد که در این زمینه بحث منافع ملی بجای منافع فردی و گروهی مطرح است و امید می‌رود که توسط همه دست‌اندرکاران این اصل مهم رعایت شود.

مهمترین موانع شکل‌گیری انواع همکاری‌های بین‌شرکتی میان بنگاه‌های اقتصادی را چه می‌دانید؟

جهت شکل‌گیری همکاری بین تولیدکنندگان تجهیزات و سایر بنگاه‌های اقتصادی در ابتدا بایستی فرهنگ همکاری و همیاری با دیدگاه "برد-برد" تقویت شود و اینگونه همکاری‌ها را از نگاه "برد" برای همه اعضای گروه‌های همکاری نگر نیست تنها با این نگرش است که می‌توان زمینه همکاری‌های وسیعی را بوجود آورد که در مجموعه همگی مکمل یکدیگر شده و از نقاط قوت یکدیگر بفرصت استفاده بهره‌بردار می‌کند و اجازه دهند که همه شرکت‌های دست‌اندرکار از این همکاری منتفع شده و در کارهای گروهی موفق شوند.

امید است که در سندیکا این فرهنگ و تفکر تقویت شده و بخصوص اینکه عملیاتی شود تا الگویی برای سایر تشکلهای کشور فراهم آید.

پرونده دوم

[صنعت برق در سال ۹۳]

آینده پژوهی صنعت برق ایران

علیرضا اسدی، مدیر آموزش و پژوهش سندیکای صنعت برق ایران

صنعت برق به عنوان یکی از صنایع زیر ساختی کشور حدود ۳ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می دهد و به دلیل ویژگی هایش، در توسعه سایر صنایع نقش حیاتی دارد. این ویژگی ها که در سه بخش مالی، فنی و زیر ساختی دسته بندی می شود، موجب شده اند که مطالعه آینده این صنعت نه تنها برای فعالان و سیاستگذاران این صنعت اهمیت یابد بلکه به دلیل تأثیر آن بر سر نوشت سایر بخش های اقتصادی، مورد توجه مدیران و کارآفرینان مختلف اقتصادی است.

در واقع برق چیزی بیش از نوعی از انرژی است، به نحوی که در قرن گذشته برق سرچشمه بسیاری از نوآوری های فنی و محرکی برای ایجاد صنایع، مشاغل و خدمات جدید بوده است. تأثیر برق چنان اهمیت داشته است که آکادمی ملی مهندسی امریکا «برق دار شدن» را به عنوان بزرگترین پیشرفت مهندسی قرن بیستم به حساب آورده است، به این معنی که «برق دار شدن» را به دلیل تأثیر مثبتش در کیفیت زندگی در جایگاهی بالاتر از اتومبیل سازی، مخابرات، کامپیوتر قرار گرفته است. مطابق یکی از گزارش های آینده پژوهی انرژی، جهان ما جهان الکترونیکی است و این جهان در آینده نیز الکترونیکی خواهد بود و اساس تحولات آینده، انرژی و به ویژه برق خواهد بود. همچنین دسترسی به برق به اندازه ای اهمیت دارد که بانک جهانی در ارزیابی محیط کسب و کار، شاخص دسترسی به برق را به عنوان یکی از شاخص های سهولت کسب و کار تعریف کرده است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه احداث تأسیسات نیروگاهی و انتقال نیرو نیازمند سطح بالای فناوری است و بهره برداری و نگهداری این تأسیسات به دانش و تخصص هایی بالایی نیاز دارد، لذا برای طراحی و اجرای پروژه های ساخت و توسعه در صنعت برق به شرکت های مهندسی مشاور و پیمانکار و سازنده تجهیزاتی نیاز است که دارای ظرفیت بالای مهندسی و فناوری باشند که بتوانند تأمین و عرضه برق را به انجام رسانند؛ این توان مهندسی به تدریج و با صرف زمان زیادی ایجاد می شود و حفظ آن نیز نیازمند بستری است که مبتنی بر دور نگری و آینده نگری باشد.

از این رو می توان گفت آینده نگری در صنعت برق بسیار حیاتی و ضروری است و ذینفعان این حوزه اعم از مدیران دستگاه های دولتی که سیاستگذار و متولی تأمین برق هستند و هم شرکت ها و بنگاه های بخش خصوصی که متصدی اجرای پروژه های تأمین و توسعه صنعت برق هستند، نیاز دارند در چهارچوب یک آینده نگری علمی و کارشناسی به تعریف مسائل امروز خود بپردازند و تصمیمات امروز را بر اساس

برآوردهایی که از آینده این صنعت دارند، اتخاذ کنند.

در واقع هر نوع برنامه ریزی استراتژیک و تصمیم گیری اثربخش و کارآمد نیازمند شناخت محیط و پیشینی آینده است و ضروری است که سازمان ها و بنگاه ها در هر صنعتی به گزارش های مطالعات آینده که بیانگر روندهای پیش رو و تغییرات محتمل آینده هستند، دسترسی داشته باشند تا بتوانند استراتژی مناسبی را انتخاب کنند و به اجرا در آورند. همچنین با در نظر گرفتن شرایط محیطی ایران که سرعت تغییرات آن بسیار زیاد است و با چالش های جدی در حوزه های فناوری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند طرح هدفمندی یارانه، تورم بالا، تحریم های بین المللی، تغییرات منطقه ای و نظام تجاری جهانی مواجه است که باعث افزایش عدم قطعیت ها در تصمیم گیری های راهبردی در حوزه های تولید و سرمایه گذاری شده است؛ در نتیجه انجام مطالعاتی درباره آینده برای بازیگران اقتصادی و صنعتی کشور حیاتی گشته است.

هر چند که آینده به طور دقیق و کامل قابل پیش بینی نیست چرا که همواره امکان ظهور پدیده های جدید و رویدادهای شگفت انگیزی وجود دارد که روندهای موجود را می شکنند و آن را غیر قابل پیش بینی می سازند. بنابراین کسی نمی تواند ادعا کند آینده را می داند. آینده باز است و مداخله بازیگران و نیروهای مختلف آن را شکل می دهند و آینده های بدیلی را به وجود می آورند. بنابراین در پارادایم نوین مطالعه آینده، آینده پژوهی در برگیرنده مجموعه مطالعات منظم و سیستماتیک است که با بهره گیری از تکنیک ها و روش های مختلف کمی و کیفی، به جای یک آینده، آینده های متنوع و بدیل را ارزیابی می کند. در این پارادایم آینده های بدیل می توانند وجود داشته باشند که هر یک از آنها به صورت یک سناریو تعریف می شوند. بنابراین آنچه که برای کنشگران اهمیت دارد، شناخت و یا پیش بینی یک آینده نیست، بلکه آمادگی پیدا کردن برای هر یک از آینده های باور کردنی، ممکن و محتمل است.

آینده پژوهی مجموعه ای از روش ها و تکنیک های مختلف کمی و کیفی را به کار می بندد تا بتواند طیفی از آینده های باور کردنی، ممکن، محتمل و مطلوب را ترسیم کند و تصمیم سازان را برای مواجهه با این آینده ها یاری دهد.

هنگامی که برنامه ریزی فقط مبتنی بر یک آینده پیش بینی شده طراحی می شود بسیار شکننده است و هنگامی که با تغییراتی روبرو می شود که هم راستا با مفروضات پیش بینی صورت گرفته نیست، دچار غافلگیری می شود و آمادگی لازم را برای

سناریوهای رقیب نخواهد داشت. لذا مطالعات آینده پژوهی به دنبال این است که از طریق برآورد هر یک از آینده های بدیل، به تصمیم گیران و سیاستگذاران کمک کند تا درباره آینده ها به شکل نظام مند و جامع تفکر کنند.

آینده پژوهان مطالعات خود را بر اساس مفروضاتی انجام می دهند که بهترین آنها عبارتند:

۱- کسی آینده را نمی داند اما طیفی از آینده های ممکن قابل شناخت است
۲- احتمال هر یک از رویدادها یا شرایط آینده با تغییر سیاست ها، می تواند تغییر کند و این سیاست ها قابل پیش بینی هستند
۳- پیش آگاهی از روندهای تدریجی و احتمالات قابل دستیابی است.

۴- هیچ تکنیکی به تنهایی قابل اعتماد نیست، از این رو تکنیک های متقاطع و ترکیبی باید استفاده شود.

با توجه به مبانی نظری و اصول اساسی مطالعات آینده پژوهی، طیف متنوعی از روش ها و تکنیک های آینده پژوهی ابداع و توسعه یافته است که شناختی از آینده های ممکن و محتمل را ارائه می کند. این مطالعات به عنوان ابزار هوشمند استراتژیک، مدیران و کارآفرینان این صنعت را در اتخاذ استراتژی های مناسب آینده های بدیل یاری رساند.

لذا با توجه به ضرورت ها و کابردهایی که در اینجا به آن اشاره شد، مرکز مطالعات و بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن ایران با همکاری واحد آموزش و پژوهش سندیکای صنعت برق طرح پژوهشی «آینده نگری صنعت برق» را به انجام رساند. در این طرح پژوهشی که برای اولین بار مطالعه آینده صنعت برق توسط بخش خصوصی انجام می گرفت، با مجموعه ای از تکنیک ها و ابزارهای متعدد آینده پژوهی، روندهای مهم صنعت تحلیل شده و به صورت کمی پیش بینی شد. همچنین بر اساس داده های کیفی به دست آمده از مصاحبه با خبرگان صنعت و کارگاه های هم اندیشی، نیروهای پیشران و دگرگون سازهای صنعت شناسایی شد و نهایتاً سناریوهای صنعت برق ایران تدوین شد. این گزارش در آینده از سوی اتاق بازرگانی تهران در اختیار فعالان قرار خواهد گرفت.

همچنین مطالعه علاوه بر خروجی اصلی طرح که سند گزارش آینده پژوهی صنعت برق است، برخی از مصاحبه های انجام شده امکان انتشار در رسانه ها را داشتند، از این رو تعدادی از این مصاحبه ها جهت درج در مجله سبتران و مطالعه مخاطبان نشریه، در اختیار نشریه سبتران قرار گرفت.

آینده پژوهی صنعت برق ایران از نگاه نخبگان

واحد آموزش و پژوهش سندیکای صنعت برق ایران چندی پیش با مشارکت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران طرحی را با عنوان آینده پژوهی صنعت برق کشور، در دستور کار خود قرار داد.

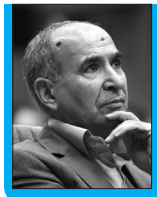
یکی از محورهای اصلی این طرح که با هدف شناسایی مشکلات و راهکارهای صنعت برق و تعیین چشم انداز پیش روی این صنعت زیر ساختی کلید خورده بود، جمع آوری نظرات و دیدگاه های نخبگان این صنعت بود.

به همین دلیل واحد آموزش و پژوهش سندیکای صنعت برق ایران و در راس آن دکتر علیرضا اسدی، مدیر این واحد، گفتگوهای متعددی را با پیشکسوتان و نخبگان صنعت ترتیب دادند که گزیده ای از این مصاحبه ها در این پرونده گنجانده شده است.

البته نتایج این پژوهش و جمع بندی گفتگوهای انجام شده به زودی توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران منتشر خواهد شد.



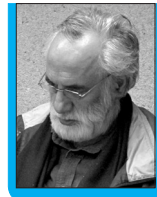
مهندس بارزی



مهندس بیات



مهندس پارسا



مهندس سلطانزاده

پلی برای واردات نشویم، راه توسعه هموار است

گفتگو با مهندس ولی اله بیات؛ مدیر عامل شرکت پارس سوئیچ

”

**با تدبیر و باور به توانمندی های داخلی
و همدلی مسئولان دولتی و بخش
خصوصی تمام این نگرانی ها می توانند
به فرصت تبدیل و به رشد و رونق
فعالیت های اقتصادی داخلی بیانجامند**

دولت می تواند بانگرشی منطقی حتی فاینانس را از شرکت های خصوصی داخلی بخواهد و پروژه ها را با بازپرداخت ۳ یا ۴ ساله ولی با تحویل اوراق مشارکت که به عنوان وثیقه برای بانک ها قابل قبول باشد، بخواهد. در چنین شرایطی هم پروژه های دولتی با سیستم فاینانس فعال می شود و هم شرکت های داخلی کار خواهند داشت و بخش خصوصی با وثیقه گذاشتن اوراق مشارکت دریافتی، می تواند منابع مالی را از سیستم بانکی در داخل یا خارج تامین کنند.

فرصت های صنعت برق:

وجود تحریم ها، شعار های حمایتی سالانه که از طرف رهبر انقلاب در ابتدای سال تعریف می شود، مشکل اشتغال کشور که تنها با فعال شدن پروژه ها و واحدهای تولید کاهش پیدا می کند، ضرورت رونق کسب و کار و انشاالله عدم فراموشی تولیدکنندگان از سوی مسئولان در تحریم کشور می تواند نقاط قوت و فرصت های این صنعت باشند تا مسئولان با یادآوری پیوسته این تجارب و احتمال مجدد و حتی تشدید آنها، صنایع داخلی را به خاطر آینده کشور مان حمایت کرده و باور کنند که در روزهای سخت، توانا بودن تولیدکنندگان داخلی می تواند به مقاومت در مقابل زورگویی بیانجامد.

چالش های صنعت برق:

فراموشی فوری تحریم ها، فرصت فاینانس پروژه ها، انگیزه استفاده از تجهیزات برند های معروف (بدون توجه به شیوه برخورد آنها در شرایط تحریم)، پل واردات قرار گرفتن برخی متخصصین و شرکت ها (با اخذ نمایندگی)، غیر رقابتی بودن هزینه تولید داخل با رقبا در سایه حمایت دولت از نرخ ارز (با تزریق ارز حاصل از صادرات نفت)، نادیده گرفتن تاثیر برخی مفاد قانون کار در تامین کیفیت و قیمت تمام شده، تناقض در بخشنامه ها، عدم اصلاح قانون مناقصات و متن قرار دادهای دولتی که حقوق پیمانکار و سازنده داخلی را نمی می کند، جهت است همانند سایر کشورها شرایط اینکو ترمز در روابط قراردادی بین دولتی ها و خصوصی ها حاکم باشد) اصلی ترین چالش های صنعت برق هستند.

البته می توان عدم شناخت دولتمردان از چگونگی حمایت از صنایع در کشورهایی که به تدریج توسعه یافته می شوند مانند کره، چین، ترکیه و... را نیز به این فهرست افزود.

مناقصه، به نظر می رسد، فعالیت اندک تولیدکنندگان موجود نیز به خارجیان به خصوص چینی ها و اگذار خواهد شد.

فشار بر صنایع و کاهش توانمندی های داخلی

مسئولان تصمیم گیر، تحت فشار کمبود منابع مالی و ایجاد روزه فاینانس برای اجرای طرح ها، پتانسیل داخلی را (احتمالاً) فراموش خواهند کرد و اثربخشی منفی این اقدام در سال های آینده نشان خواهد داد که در خدمات پس از فروش و افزایش هزینه ها در سایه کاهش توانمندی های داخلی، با مشکل احتمالی مواجه خواهند شد.

عوامل فناوری مؤثر بر آینده صنعت برق ایران کدامند؟

تاثیر تحریم ها بر فناوری؛

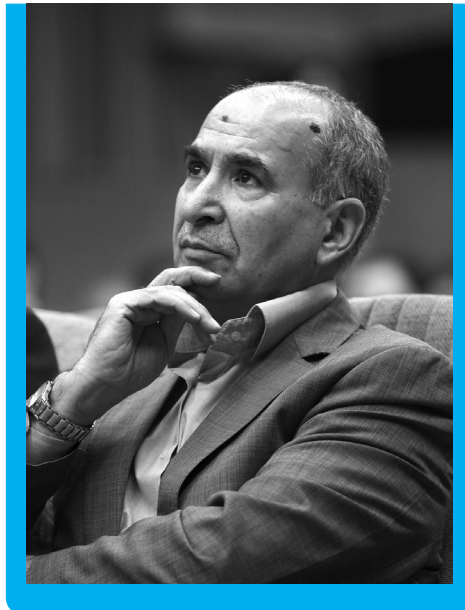
به دلیل وجود تحریم امکان ارتباط برای تبادل دانش فنی را محدود کرده است.

آینده صنعت برق را چگونه برآورد می کنید؟

توسعه صنعت برق

احتمال توسعه در صنعت برق وجود دارد و این احتمال که با استفاده از منابع خارجیان به این تصمیم عمل شود، نیز ملموس است.

به نظر می رسد در کوتاه مدت، رکود ولی در بلندمدت رشد داشته باشیم. البته استمرار رویه فعلی مسئولان بیانگر این استنباط است. با تدبیر و باور به توانمندی های داخلی و همدلی مسئولان دولتی و بخش خصوصی تمام این نگرانی ها می توانند به فرصت تبدیل و به رشد و رونق فعالیت های اقتصادی داخلی بیانجامند.



مهم ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر آینده صنعت برق ایران کدامند؟

واقعی نبودن قیمت برق

اگر حداقل وزارت نیرو و دولت می توانستند در خرید و فروش انرژی با نرخ های واقعی معامله داشته باشند و دولت انرژی مصرفی خود را از بازار انرژی تهیه می کرد و با پرداخت سوبسید به مردم تحویل می داد وزارت نیرو می توانست برنامه ریزی اقتصادی رقابتی برای تامین پایدار انرژی برق را داشته داشته باشد.

مشکل قانون کار؛

مشکل قانون کار می تواند با بخشنامه هایی برای حمایت از کارگران و فعالان دلسوز، افرادی بی احساس مسئولیت را تفکیک کرد و به جامعه شناسانده و آنها را به اصلاح تشویق کند.

ورود شرکت های خارجی عمدتاً چینی به صنعت برق از طریق فاینانس

بحث تصمیم به توسعه و تامین نیاز های وزارت نیرو از طریق فاینانس (عمدتاً کشور چین) که به جهت نداشتن برنامه ای در لحاظ کردن استفاده از پتانسیل های داخل کشور در اسناد

اصلاح اقتصاد صنعت برق

در سایه بهبود شرایط اقتصاد کلان

گفتگو با مهندس محمد پارسا، عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران



تأثیر خود را در جهش ناگهانی نرخ ارز نشان داد.

نرخ ارز و صادرات

اگر بخواهیم اقتصاد و البته صنعت برق رونق بگیرد، باید نرخ ارز به صورت سالیانه به نسبت تورم داخلی منهای تورم خارجی تعدیل شود و به هیچ وجه به تولید کنندگان خارجی رانت ندهد. قطعاً انتظار ما برای داشتن یک کشور صادرات محور، مانند کشورهای چین و هند ارزش پول ملی را به صورت غیر واقعی تضعیف نخواهیم کرد اما انتظار داریم حداقل نرخ برابری ارز واقعی محاسبه شود و حتی اگر در تفسیر واقعی بودن نرخ ارز بین کارشناسان اختلاف نظر وجود دارد، دولت حد بالا را مبنای قرار دهد.

درآمد تعدیل ارز

این سیاست ارزی غلط، دولت را از یک درآمد ۲۶۰ هزار میلیارد تومانی ظرف ۱۰ سال اخیر محروم کرد. اگر نرخ ارز هر ساله حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد تعدیل می‌شود، درآمد دولت حدود ۲۶ هزار میلیارد تومان در سال بیشتر بود و نیازی به استقرار از بانک مرکزی نداشت. الان دولت ۲۰۰ هزار

بانک مرکزی ریال منتشر کند و دولت از این منابع استقراض کند، حجم نقدینگی بالا می‌رود. این افزایش حجم نقدینگی باعث تشدید تورم می‌شود و در نهایت اقتصاد کشور ثبات خود را تحت تأثیر تورم از دست می‌دهد. در نتیجه تولید رونق نمی‌گیرد و اشتغال ایجاد نخواهد شد و سلسله زنجیره سیاست‌های بد پشت سر هم رخ خواهد داد. درست مانند اتفاقی که در دولت قبلی افتاد؛

متأسفانه اتفاقی که در دولت نهم و دهم رخ داد، این بود که دولت ریال از بانک استقراض می‌کرد و به مسکن مهر اختصاص می‌داد. به این ترتیب ۴۰ میلیارد دلار از بانک مسکن وام گرفته شد و با هدف تامین مسکن برای دو میلیون نفر، ارزش پول ملی به یک سوم ابتدای دوره رساند. در نتیجه همین سیاست‌ها تمام اقشار کشور اعم از کارمندان و کارگران یک سوم فقیرتر شدند. بنابراین دیدیم که علیرغم اینکه شعار دولت عدالت اجتماعی بود و اصلی‌ترین هدف آن حل مشکلات طبقات ضعیف و فقیر جامعه با پول بود، اما حتی این نیت خیر هم در عمل نتیجه‌ای معکوس داشت. به نحوی که در سال پایانی فعالیت دولت دهم، تورم به ۴۰ درصد رسید و نقدینگی ۷۰ هزار میلیارد تومانی ما تا مرز ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رشد کرد و ۷ برابر شد.

اگر نرخ ارز تعدیل می‌شد

نتیجه عدم تعدیل سالانه نرخ ارز، این شد که به هنگام نیاز بازار به ارز، نرخ ارز به ناگهان رشد کرد و حتی بالاتر از نرخ تورم داخلی منهای تورم خارجی شد. حالا که ثبات به سیاست خارجی و اقتصاد باز گشته است، نرخ ارز باید به همان عددی نزدیک شود که اگر دولت به طور سالیانه آن را تعدیل می‌کرد، تا امروز برای ارز به دست آمده بود. از دیدگاه من این رقم می‌توانست حدود ۲۹۰۰ تا ۳۰۰۰ تومان باشد. هر چند شاید اگر نرخ ارز تعدیل می‌شد و واردات تا این اندازه افزایش نمی‌یافت، تولید داخلی رونق می‌گرفت و سالانه ۱۵ درصد ظرفیت رقابتی‌اش را از دست نمی‌داد، الان نرخ دلار حدود ۲۰۰۰ تومان بود. اما به هر حال این سیاست در دولت گذشته دنبال نشد و همین مساله به ایجاد فشارهای مضاعف بر پیکره تولید و از بین رفتن رونق این بخش و البته دادن رانت به تولید کنندگان خارجی منجر شد و در بخش دیگری از اقتصاد

مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر آینده صنعت برق ایران کدامند؟

اقتصاد کلان و اقتصاد صنعت برق

مساله اصلی این است که دولت در مسائل اصلی اقتصاد کلان اشتباه نکند. مسائل اصلی اقتصاد کلان عبارتند از: ۱- نرخ برابری ارز ۲- نرخ بهره ۳- حجم نقدینگی نسبت به نرخ تورم. اتخاذ سیاست‌های صحیح کلان اقتصادی منجر به رونق تولید می‌شود. بنابراین اگر این سه شاخص اصلی اقتصاد به درستی در اقتصاد کلان شکل بگیرد، ما می‌توانیم وارد اقتصاد برق بشویم. تأثیر هر یک از این شاخص‌های اقتصاد کلان را باید بررسی کرد:

نرخ برابری ارز

در ۸ سال گذشته قرار بود بر اساس برنامه سوم و چهارم، نرخ برابری ارز با توجه به تورم داخلی منهای تورم خارجی سالیانه تعدیل شود که از ۸۲ تا ۹۲ این اتفاق نیفتاد. در نتیجه به جای تعدیل سالیانه ۱۰ تا ۱۵ درصد نرخ ارزی، سالی ۲ یا ۳ درصد تعدیل داشته است، در نتیجه واردات کشور از ۲۸ میلیارد دلار زمان دولت هفتم، هشتم به ۹۰ میلیارد دلار در دولت نهم و دهم رسید. به دلیل اینکه واردات تجهیزات و ادوات از خارج ارزان‌تر از تولیدات داخلی بود، به همین دلیل علیرغم تعرفه‌های نسبت بالای صنعت بر برخی تجهیزات صنعت برق مثل تابلوی برق و ترانسفورماتور، در سه سال آخر دولت دهم ۲۰۰ میلیون دلار ترانس و ۲۰۰ میلیون دلار تابلو از خارج وارد شد. این ۲۰۰ میلیون دلار با نرخ فعلی، می‌توانست ظرفیت سی شرکت تابلو ساز داخلی را پر کند. ولی متأسفانه تابلو سازی ما با ظرفیت کمتر از ۳۰ درصد کار کرد و این مساله در سایر بخش‌های صنعت هم تکرار شد، به طوری که در نهایت کالاها در تمام زمینه‌ها از خارج وارد شد. همه اتفاقات فقط به این دلیل رخ داد که دولت با عدم تعدیل نرخ ارز، دولت به تولید کنندگان هندی و چینی و اروپایی یارانه می‌داد.

نرخ ارز و تورم

بنابراین اگر بار دیگر درآمد نفتی افزایش پیدا کند و دوباره دولت بخواهد سر مست از درآمدهای نفتی، ارز فراوانی را در بازار عرضه کند و یا واردات زیادی انجام دهد که در برابر آن

میلیارد تومان بدهی دارد، در حالیکه می توانست با اتخاذ یک سیاست ارزی صحیح از ایجاد این بدهی جلوگیری کند و به یک دولت بدهکار تبدیل نشود.

رشد نقدینگی

عامل دوم رکود اقتصادی، رشد نقدینگی است. رشد نقدینگی باید کمتر از میزان رشد تورم باشد، در این صورت تورم هم با حمایت از تولید و رونق این بخش به تدریج کاهش پیدا خواهد کرد. بنابراین در سیاست های پولی همواره باید این اصل مد نظر قرار گیرد مهار تورم در گرو پایین تر بودن رشد نقدینگی نسبت به رشد تورم است.

نرخ بهره

عامل سوم نرخ بهره است، نرخ بهره هم باید معادل نرخ تورم باشد در غیر این صورت سپرده ها به جای جذب شدن در بانک ها به سمت بازار های سوداگری و دلالتی هدایت شده و صرف خرید و فروش سکه و ارز می شود. فراموش نکنید که وقتی سرمایه ها جذب هر منبعی به جز بانک و بازار سرمایه شود، در نهایت به ایجاد اختلال در اقتصاد منجر می شود. بنابراین لازم است که نرخ بهره معادل نرخ تورم تغییر کند، همانطور که نرخ ارز باید معادل نرخ تورم داخلی منهای تورم خارجی تعدیل شود. بنابراین اگر این سه شاخص اصلی اقتصاد به درستی در اقتصاد کلان شکل بگیرد، ما می توانیم وارد اقتصاد برق شویم.

سیاست تثبیت قیمت برق

در اقتصاد صنعت برق علاوه بر رعایت این سه اصل اقتصادی، واقعی کردن قیمت برق و آب یکی از ضروریاتی است که باید شکل می گرفت. البته این ضرورت هم به دلیل اشتباه تاریخی مجلس هفتم و با تصویب قانون تثبیت قیمت حامل های انرژی نادیده انگاشته شد. به این ترتیب با تثبیت قیمت ها، به اقتصاد فشار نامطلوبی وارد شد و بین قیمت واقعی و قیمت مصوب حامل های انرژی فاصله ای ایجاد کرد که معلوم نیست چگونه می توانیم آن را جبران کنیم.

در طول این هشت سال، علیرغم ثابت ماندن های آب و برق و همچنین یارانه پرداختی به وزارت نیرو، تورم افزایشی افسار گسیخته داشت بالا رفت و در نتیجه فاصله بین قیمت واقعی و قیمت مصوب افزایش پیدا کرد. دولت تا پیش از این حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان بابت مابه التفاوت قیمت تمام شده و بهای تکلیفی برق به وزارت نیرو اختصاص می داد و حالا باید ۳۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه دهد. یعنی به جای آنکه یارانه پرداختی دولت حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان ثابت باشد، امروز ناگزیر است دو برابر رقم بودجه سالانه خود را به مردم یارانه دهد.

اگر قیمت برق تعدیل می شد

اگر نرخ آب و برق را به تدریج معادل نرخ تورم افزایش می یافت، تا امروز بهای این کالاها واقعی شده بود و دولت در این ده سال مجموعاً حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد از محل هدفمندی یارانه آب و برق داشت. نکته جالب این است که اگر

قیمت ها را واقعی کرده بودیم، مالیات بر عملکرد و مالیات ارزش افزوده، به جای ۵۰ هزار میلیارد تومان، به حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان، می رسید و به این ترتیب بودجه دولت به طور کامل از محل مالیات تامین می شد و وابستگی دولت به نفت از بین می رفت و نیازی به فروش نفت نداشت.

واقعی شدن قیمت ها و تبدیل ایران به هاب انرژی

شکل گیری اقتصاد برق در آینده بیش از هر چیز نیازمند واقعی شدن قیمت های آب و برق و رونق سرمایه گذاری در بخش تولید برق، شبکه ها و خطوط انتقال و توزیع و البته بازار سرمایه است. در این صورت بخش خصوصی می تواند در بخش های تولید و خطوط انتقال سرمایه گذاری کرده و کشور را به هاب انرژی و برق منطقه تبدیل کند. بنابراین باید تا آنجا که می توانیم از گاز های میادین مشترکی که قطری ها و عراقی در حال تخلیه آنها هستند، استخراج کنیم و زمینه را برای تبدیل گاز به برق فراهم آوریم. در نهایت می توانیم برق تولیدی را به کشورهای همسایه صادر کنیم و تعیین کننده قیمت برق در این منطقه باشیم. برای این کار باید دولت قانونی را در مجلس تصویب کند، که بر اساس آن بتواند میادین مشترک گازی جهت استخراج را از ابتدا در اختیار سرمایه گذار بخش خصوصی بگذارد، بخشی را به ارزش افزوده بالاتر تبدیل و بخش دیگری را صادر کند. البته بخشی از گاز استخراج شده هم به برق تبدیل و صادر می شود. برای دستیابی به این مهم حتی اگر لازم باشد، باید در قانون اساسی هم بازنگری شود تا حداقل سرمایه گذاران بخش خصوصی بتوانند برای میادین مشترک کاری کنند تا سهم مادر این میادین از بین نرود.

عدم تکرار اشتباهات دولت قبلی در اقتصاد

عموم وزرا و مدیران فعلی دولت این مسائل را می دانند و به اشتباهات صورت گرفته در این ۸ ساله آگاه هستند. لذا انتظار می رود که این اشتباهات را تکرار نکنند و تکرار نخواهند کرد، مگر اینکه از سوی مجلس تحت فشار قرار گیرند. بنابراین باید مراقب باشیم که مجلس و مرکز پژوهش ها بدون مشورت با خبرگان اقتصادی و بدون نظر کارشناسی موضوعی را به دولت تحمیل نکنند، مثل کاری که مجلس هفتم در موضوع تثبیت قیمت ها کرد. اگر نمایندگان بدون توجه به نظرات اقتصاددانان و تجربیات چند سال گذشته، امری را بر دولت تحمیل کنند که به کشور ضرر بزند، به خودشان و مملکتشان خیانت کرده اند.

بدهی دولت به صنعت برق بیشتر از سایر صنایع

چرا صنعتی که در قراردادهاش تعدیل ندارد، باید بزرگترین طلبکار دولت باشد. سهم مطالبات صنعت برق از دولت نسبت به بخش های دیگر بیشتر است. از مجموع ۵۵ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به پیمانکاران بخش خصوصی، ۲۲ هزار میلیارد تومان آن مربوط به نیروگاه ها و پیمانکاران و سازندگان حوزه نیرو (برق و آب) است. اگر قرار بود که این بدهی ها به طور متوازن در بخش های مختلف توزیع شود، سهم نیرو نباید بیش از ۱۵ درصد می شد. اینکه امروز قریب به ۳۰ درصد بدهی های دولت به بخش نیرو است، نشان می دهد که

دولت سابق ظلم مضاعفی به صنعت برق کرده است.

چه عوامل اجتماعی - فرهنگی بر آینده صنعت برق تاثیر گذارند؟

تغییر مصرف گرایی در برق

دولت و نهادهای مردمی باید به صورت جدی به مقوله مصرف گرایی پرداخته و با آن مبارزه کنند. متوسط مصرف برق ماسه برابر متوسط مصرف برق دنیا است. مردم باید بپذیرند که نباید در مصرف برق ارزانی که به آنها ارائه می شود، تا این اندازه اصراف کنند. هزینه سازی مصرف انرژی نیازمند کارهای گسترده فرهنگی و البته استفاده از تجهیزاتی با مصرف کم انرژی است. در این صورت مردم توان پرداخت هزینه برق مصرفی خود را در زمان واقعی کردن قیمت برق خواهند داشت. اگر هر یک از مشترکین مصرف برق را با بهره گیری از لامپ های کم مصرف، کولر و آبگرمکن خورشیدی و تجهیزاتی از این دست، تا مرز یک سوم کاهش دهند، قطعاً توان پرداخت قیمت واقعی برق را پیدا می کنند. این مساله در مورد مشترکین صنعتی هم صدق می کند.

عوامل فناوری تاثیر گذار بر آینده برق کدامند؟

هوشمند سازی شبکه و کاهش تلفات

اگر شبکه های توزیع و انتقال را هوشمند کنیم و تلفات را کاهش دادیم از این ۱۵ هزار مگاواتی که در شبکه ها تلف می شود، می تواند به ۵ میلیارد دلار صادرات تبدیل شود بنابراین روی شبکه های برق باید سرمایه گذاری شود و نوسازی شود تا تلفات برق در این شبکه ها به استاندارد پایینی برسد. فناوری برق هوشمند در ایران وجود دارد یعنی هم به صورت انتقال فناوری و هم بصورت توسعه و ابداعی، وجود دارد، اما مسئله اصلی سیاستگذاری دولت است که هم وزات نیرو و به سمت واقعی کردن قیمت برود و هم دولت از آن حمایت کند.

اصلاح مصرف با هوشمند سازی شبکه

با هوشمند سازی شبکه ها و استفاده از کنتور های چند تعرفه ای می توانیم روی مصرف تاثیر گذار باشیم. یعنی تعرفه برق با توجه به ساعات پیک برق تغییر می کند و در ساعاتی از شبانه روز که برق مازاد وجود دارد، برق ارزان تر می شود و مصرف کننده می تواند برق را با قیمت ارزان تری خریداری کند. حتی نحوه خواب و زندگی ما به نحوی تغییر می کند که اقتصادی تر باشد.

وضعیت آینده صنعت برق را چگونه ارزیابی می کنید؟

جبران عقب ماندگی رشد صنعت برق

چون صنعت آب و برق زیر ساخت های رشد صنعتی هستند، اگر وزارت نیرو و زودتر از بخش های دیگر رشد پیدا کنند، این بخش ها هم در روند توسعه خود با مانع مواجه می شوند. بنابراین باید عقب افتادگی این چند ساله در صنعت برق را سرعاً جبران کنیم. طبق برنامه ها قرار بوده، ما سالی ۸ درصد رشد در حوزه تولید برق داشته باشیم اما متأسفانه در سال های اخیر رشدی معادل ۳ تا ۵ درصد داشته ایم. عدم بروز خاموشی

بنگاه مداخله نکنند، قطعاً می‌توانند زمینه‌ساز توسعه شرکت‌ها شوند.

مخالفت با حضور نهادهای شبه دولتی در اقتصاد به خاطر مالکیت ۴۰ یا ۵۰ درصد آنها در بنگاه‌ها است که غالب موارد منجر به مدیریت ناکارآمد می‌شود. این نوع نهادها در همه کشورهای از قدمت بسیاری برخوردارند. اما قانونگذار باید قانون را به گونه‌ای اصلاح کند که سهام این نهادها محدود شود و منابع حاصل از واگذاری سهام خود را به صورت تامین فاینانس و وام در تامین منابع مالی سایر بنگاه‌ها به مشارکت بگذارند و از منافع آن هم بهره‌مند نشوند. بنابراین دعوی بخش خصوصی و شبه دولتی باید از بین برود و شان این نهادها حفظ شود. به همین منظور باید از تجربه‌های موفق دنیا استفاده کنیم و برای حضور نهادهای عمومی در فعالیت‌های اقتصادی ضابطه‌های مشخصی تدوین شده و از منافع آن برای رشد صنعت و اقتصاد کشور استفاده شود. به عنوان مثال در حال حاضر بیشترین نقش در تامین منابع مالی کشورهای چین و برزیل را صندوق‌های بازنشتی آمریکا ایفا می‌کنند.

رشد تدریجی در اقتصاد و صنعت برق

امیدواریم که شرایط صنعت نسبت به ۸ سال پیش بهبود پیدا کند. البته فکر می‌کنم با توجه طیفی که الان درباره رشد اقتصادی کشور فکر و تصمیم‌گیری می‌کنند، می‌توانیم منتظر بهبود شرایط باشیم. ما حق نداریم بیش از ۸ سال خطا کنیم و در رکود و سرازیری باشیم، چرا که ادامه این روند به نابودی اقتصاد کشور منجر خواهد شد. بنابراین هر طور شده باید شرایط ۴ سال آینده را بهتر کنیم و همین باید باشد که امید همه را برای بهتر شدن شرایط ظرف چهار سال آینده پررنگ کرده است.

تکرار دوران طلایی رشد ۸ درصدی بعد از ۸ سال

در کل فکر می‌کنم در ۴ سال آینده یعنی در انتهای دولت یازدهم به رشد ۳ تا ۴ درصد برسیم. تا ماه به وضعیت عادی بازگردیم و خرابی‌های ۸ سال قبل را جبران کنیم و از رشد ۵/۸- درصد به رشد صفر در امسال یا سال آینده برسیم و هر سال رشد اقتصادی کشور را یک درصد افزایش دهیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که در دوره بعد به رشد ۷ یا ۸ درصد می‌رسیم. بنابراین اگر سیاست‌ها به همین ترتیب ادامه یابد، دوران طلایی صنعت برق بین ۸ تا ۱۲ سال آینده می‌تواند تکرار شود، اما اگر سیاست‌ها دوباره تغییر کند، مشکلات باز می‌گردد.

باید بیشتر در تولید و توزیع و حتی انتقال سرمایه‌گذاری کند و منابع مالی را از بازار سرمایه داخلی و خارجی و منابع بانکی تامین کند. بازار سرمایه الان نقش بسیار کمی در تامین منابع مالی صنعت برق دارد. ما باید نقش آن را به حد اکثر رسانده و از طریق بورس و فرابورس منابع مالی مردم را جذب کنیم. به این ترتیب می‌توانیم به جایی برسیم که مثلاً تا ۵۰ درصد سهام نیروگاه را توسط مردم تامین شود. این امر زمانی محقق می‌شود که نیروگاه مطالباتی نداشته باشد و بتواند درآمد حاصل از فروش برق تولیدی خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن کسب کند. البته قیمت‌ها هم باید واقعی باشند تا نیروگاه‌ها به بنگاه‌هایی سودآور تبدیل شده و بتوانند بهره‌وری خود را افزایش دهند. در این صورت قادر خواهند بود از محل درآمد‌های حاصل از فروش یا صادرات برق سود صاحبان سهام را پرداخت کنند.

تغییر نقش نهادهای مالی شبه دولتی در آینده

اگر دولت بتواند در فرایند خصوصی‌سازی سرمایه‌های صندوق‌های بازنشتی، شهرداری‌ها، نهادهای تعاونی و هر آنچه که به عنوان نهادهای شبه دولتی شناخته می‌شوند، به



چرا صنعتی که در قراردادهاش تعدیل ندارد، باید بزرگترین طلبکار دولت باشد. سهم مطالبات صنعت برق از دولت نسبت به بخش‌های دیگر بیشتر است. از مجموع ۵۵ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به پیمانکاران بخش خصوصی، ۲۲ هزار میلیارد تومان آن مربوط به نیروگاه‌ها و پیمانکاران و سازندگان حوزه نیرو است

نقش‌های مالی و سرمایه‌گذاری محدود کند و آنها را در مدیریت مداخله ندهد و به تامین‌کننده منابع مالی فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی تبدیل کند، قطعاً یک اتفاق بزرگ و مبارک را در این مملکت رقم زده است.

در این صورت می‌توانیم از منابع مالی نهادهای شبه دولتی استفاده مینمائیم. از یک سو آنها منابع خود را در جایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که بیشترین سود را برایشان به دنبال دارد و از سوی دیگر به این دلیل که نقش مدیریتی برای این نهادها تعریف نشده، صاحبان بخش خصوصی به عنوان متخصصین این حوزه می‌توانند این بنگاه‌ها را به درستی هدایت کنند. در بسیاری از کشورهای دنیا میزان سهام نهادهای عمومی تا ۲۰ درصد باشد و با این میزان سهام، آنها می‌توانند در هیأت مدیره حضور داشته باشند تا منافع خود را کنترل و بر کارها نظارت کنند. اما مدیریت بنگاه به شرکای بخش خصوصی داده می‌شود تا آنها بیشترین منافع را کسب کنند.

نباید سرمایه‌های شرکت‌های شبه دولتی نادیده گرفته شود. این شرکت‌ها عمدتاً منابع فراوانی دارند که می‌تواند به موتور رشد اقتصادی کشور تبدیل شود. در صورتی که دخالت آنها در بنگاه‌های واگذار شده، بیش از ۲۰ درصد نباشد و در مدیریت

هائو ناشی از کاهش رشد صنعتی و رکود صنایع در طول این سال‌ها بوده است. بنابراین اگر به دنبال توسعه صنعتی هستیم، پیش از هر چیز باید ۴ یا ۵ درصد کمبود رشد را در آینده جبران کرده و به جای ۸ درصد، هر ساله ۱۲ درصد رشد در تولید برق داشته باشیم تا بتوانیم زمینه‌ساز رشد ۷ یا ۸ درصدی سایر صنایع باشیم.

میزان رشد برای تبدیل شدن به هاب انرژی

من فکر می‌کنم ما می‌توانیم هاب انرژی منطقه باشیم و برای اینکار باید سالانه ۱۴ هزار مگاوات برق وارد مدار کنیم. تا به این ترتیب علاوه بر پوشش دادن سالانه ۷ هزار مگاوات رشد مصرف داخلی، ۷ هزار مگاوات را به صادرات تخصیص دهیم و بر میزان تاثیرگذاری کشور در قیمت منطقه‌ای برق بیفزاییم.

تغییر ساختار در صنعت برق برای آینده

صنعت برق نیازمند اصلاح ساختار است. چرا که قانون مالیات بر منوآکسید کربن از سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ اجرایی خواهد شد و ما باید برای منوآکسید کربن حاصل از سوخت‌های فسیلی و آلودگی محیط زیست ناشی از آن مالیات بدهیم. بنابراین دولت باید برای اینکه مانند سایر کشورهای برق انرژی‌های نو را به قیمت بالاتر از بخش خصوصی بخرد، برنامه ریزی و جهت‌گیری کند. ما باید به جایی برسیم که ۴۰ درصد تولید برق مورد نیاز کشور از محل انرژی‌های تجدیدپذیر تامین شود. به همین منظور باید سرمایه‌گذاری گسترده‌ای بر روی نیروگاه‌های بادی و خورشیدی صورت گیرد. فراموش نکنید که در کشور ۱۲۰ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاه خورشیدی و ۴۰ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاه بادی و ۴۰ هزار مگاوات دیگر از محل سایر انرژی‌های تجدیدپذیر مثل زمین گرمایی، جذر و مد، زیاله‌ها وجود دارد.

بدین ترتیب اگر مصرف داخلی برق ما در ۳۰ سال آینده ۲۰۰ هزار مگاوات باشد، ما باید ظرفیت تولید ۴۰۰ هزار مگاوات داشته باشیم که باید حدود ۴۰ درصد آن از منابع انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی، بادی، زیاله‌سوز، هسته‌ای و غیره تامین شود تا بتوانیم میزان جرایم و مالیاتی را که به سازمان ملل باید پردازیم، به تعادل برسانیم.

بهترین حالت این است که ۵۰ درصد از برق کشور با استفاده از منابع فسیلی تولید شده و ۵۰ درصد باقی‌مانده را با استفاده از منابع تجدیدپذیر تولید کنیم. در این صورت می‌توانیم جوایز و تسهیلاتی که برای تجدیدپذیرها دریافت می‌کنیم را صرف پرداخت مالیات مربوط به بخش سوخت‌های فسیلی کنیم. در این صورت تولید انرژی در کشور ما شرایط مطلوب تری برای جذب سرمایه‌گذار خارجی و رشد و توسعه صنعتی خواهد داشت.

آینده تامین مالی صنعت برق

اگر اقتصاد انرژی با روند سریع تری شکل گرفته و قیمت‌ها واقعی شود، دولت فقط مسئول شبکه انتقال خواهد بود و تولید و توزیع به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. برای رسیدن به این نقطه نگرش ما باید تغییر کند. این بخش خصوصی است که

تولد نوآوری در بستر اقتصادی بزرگ

گفتگو با مهندس علی اصغر بارزی، رئیس هیات مدیره شرکت قشم ولتاژ

خصوصی زیاد شد برای رفع تنگناها به بخش خصوصی نیاز پیدا کردیم. در نتیجه نهاد اتاق بازرگانی به عنوان پارلمان بخش خصوصی جایگاه خوبی پیدا کرد و ما می‌توانیم از این تجربه استفاده زیادی بکنیم. یکی از موضوعاتی که باعث شد ایران در برابر تحریم دوام بیاورد این است که ما اقتصاد بزرگی داریم.

تعریف جدید اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی که مطرح شد می‌تواند به معنی توسعه ظرفیتهای اقتصادی بنگاه‌های ما برای مقابله با تهدیدات خارجی اثر گذار باشد و واحدهای تحقیق و توسعه می‌توانند موتور محرکه این مقاومت باشند. به علاوه باید شرکت‌هایی که با استفاده از R&D محصولات رقابتی تولید می‌کنند، جزو شرکت‌های دانش بنیان محسوب شوند تا بتوانند از مزایای این شرکت‌ها در قانون استفاده کنند.

مهم‌ترین عوامل فناوری مؤثر بر آینده صنعت برق ایران کدامند؟

تأثیر تغییرات فناوری بر آینده صنعت برق

من تصور می‌کنم تغییرات تکنولوژیکی بسیار مهمی در صنعت برق اتفاق خواهد افتاد، لذا من تغییرات آینده صنعت برق را بیشتر تکنولوژیکی می‌بینم و این تغییرات تکنولوژیکی تأثیرات بسیار زیادی روی صنعت برق خواهند داشت. برای اینکه بدانیم این تغییرات بر صنعت برق به چه میزان و چگونه است باید ارزیابی تکنولوژی انجام دهیم و تأثیر آن را بسنجیم.

تغییر مرزهای تکنولوژیکی

مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر آینده صنعت برق ایران کدامند؟

تأثیر بزرگ بودن اقتصاد بر نوآوری

اقتصاد ایران اقتصاد بزرگی است. بیست و دومین اقتصاد دنیا است و حتی معتقدم به دلیل اینکه بخش از فعالیت‌های اقتصادی ثبت نمی‌شود و در این آمارها قرار نمی‌گیرد، اقتصاد ایران بزرگ‌تر از این اعداد است. بنابراین ما یک اقتصاد بزرگ داریم که نوآوری می‌تواند در آن اتفاق بیفتد.

نوآوری از فناوری حاصل نمی‌شود، نوآوری ناشی از اقتصاد بزرگ است. وقتی اقتصاد بزرگ می‌شود، رقابت اتفاق می‌افتد، رقابت افراد را وادار به فکر کردن می‌کند، در نتیجه چیزهای جدید به وجود می‌آوردند، شرکت‌های جدید به وجود می‌آیند و نوآوری اتفاق می‌افتد.

اقتصاد ما بزرگ است و در حال بزرگ‌تر شدن است، و این تأثیرات زیادی بر صنعت برق خواهد داشت، ممکن است صنعت برق ما را در منطقه بخواهند بخرند (نه فقط انرژی برق بلکه توان مهندسی و ساخت ما را) چون ما سابقه تولید برق در همه فناوری‌های صنعت برق را داریم. این از نتایج بزرگ شدن اقتصاد است.

تأثیر تحریم بر صنعت برق

تحریم دو جور تأثیر روی اقتصاد ما می‌گذارد: ۱- تحریم باعث شد ما دچار رکود شویم یعنی اقتصاد ما کوچک شد ۲- از طرف دیگر اتفاقات مثبتی افتاد: ما به غنی‌سازی ۲۰ درصدی برسیم و ما صاحب یک سری تکنولوژی‌های جدید شدیم که در شرایط مساعد می‌توانیم آن را بفروشیم. توجه به بخش



ایران شاهراه انرژی منطقه

مساله دیگر نگاه منطقه ای است. مادر صنعت برق قطعا به عنوان یک قدرت منطقه ای تاثیر گذار خواهیم بود. نقش زیادی خواهیم داشت.

مساله شاهراه انرژی و هاب منطقه موضوعی است که ایران به دلیل برخورداری از منابع غنی نفتی و گازی و از همه مهم تر از نیروی متخصص انسانی در حوزه انرژی، قطعا محقق خواهد شد و ایران نقش آفرین خواهد بود. نیروی متخصص و پژوهشگرها و دانشگاه های تخصصی انرژی و برق و نفت و ظرفیت بالای مهندسی شرکت ها که داریم این عامل تعیین کننده است.

انتقال فناوری به کشورهای منطقه

با توجه به اینکه دانش کشورهای منطقه در زمینه برق بسیار پایین است و ما تا سال ها می توانیم دانشمان را به آنها بفروشیم. ما می توانیم به کشورهای منطقه انتقال فناوری داشته باشیم. یکی از صنایع کشور که می تواند انتقال فناوری به منطقه داشته باشد صنعت برق است. ما همین الان در حال مذاکره انتقال فناوری به شرکت های عراقی هستیم و با انتقال فناوری فرهنگ ما به آنجا منتقل می شود.

فرصت های صنعت برق:

- صنعت برق یکی از پیشران های مهم ما در آینده است.
- رشد اقتصاد ایران
- قدرت منطقه بودن
- نیروی انسانی متخصص
- شرکت های با تجربه و دانش بنیان

چالش های صنعت برق:

- عدم سرمایه گذاری در صنعت و به ویژه فناوری
- نبود جایگاه R&D در سازمان ها و عدم توجه به آنها
- عدم توجه به فناوری: عدم توجه به تغییرات فناوری و رشد سریع فناوری در جهان می تواند به عنوان تهدید برای صنعت برق ایران مطرح باشد
- ما در برخی حوزه های فناوری مثل انرژی خورشیدی عقب هستیم

رشد جمعیت و تغییر سبک زندگی روی صنعت برق تاثیر فراوان دارد. وقتی وزارت نیرو نمی تواند برق شبکه ای را به روستای دور اقصاد بدهد، معاونتی برای احداث برق در این مناطق از طریق انرژی های تجدید پذیر و خورشیدی را ایجاد کرد. یعنی رشد جمعیت و تغییر فرهنگی زندگی در روستاها موجب شد وزارت نیرو به سمت توسعه انرژی های تجدید پذیر برود.

رشد فرهنگی و بالارفتن کیفیت زندگی روی صنعت برق تاثیر زیادی خواهد داشت کیفیت زندگی موجب می شود جامعه فعالیت هایی را بکند که انرژی بیشتری را مصرف کند و نیاز به برق بیشتری داشته باشد.

مسائل زیست محیطی

یا مثلا موضوع آلودگی هوا، گرایش به انرژی های خورشیدی و پاک را افزایش داده است.



نگاه ما در صنعت نه نگاه تلسکوپی است که خیلی دور را ببینیم و نه نگاه میکروسکوپی است که خودمان را و مشکلات خودمان را ببینیم. بیشتر نگاه ذره بینی است که وضعیت موجود را با بزرگنمایی می بینیم. بنابراین نمی توانیم درباره تاثیرات سیاست بر فناوری و صنعت تحلیلی داشته باشیم

عوامل سیاسی موثر بر صنعت برق کدامند؟

غیر سیاسی بودن تغییرات فناوری

در اقتصاد ایران موضوع تغییرات فناوری، سیاسی نیست. در ایران سیاستمداران از هر جناحی به دنبال پیشرفت و بزرگتر شدن اقتصاد هستند نگاه آرمانی دارند و در نگاه آرمانی و اعتقاد دینی، به دنبال بهترین ها برای جامعه خود هستند. اگر هم جهت گیری خاصی در انتخاب فناوری ها باشد آگاهانه است و تاثیر مثبت دارد.

آینده صنعت برق را چگونه بر آوردمی کنید؟

نگاه ذره بینی در صنعت

نگاه ما در صنعت نه نگاه تلسکوپی است که خیلی دور را ببینیم نه نگاه دوربینی که ۲۰ سال آینده را ببینیم و نه نگاه میکروسکوپی است که خودمان را و مشکلات خودمان را ببینیم. بیشتر نگاه ذره بینی است که وضعیت موجود را با بزرگنمایی می بینیم. بنابراین چون نگاه دوربینی و تلسکوپی ندارد نمی تواند درباره تاثیرات سیاست بر فناوری و صنعت تحلیلی داشته باشد و بیشتر نا آگاهانه است.

مرز های تکنولوژیکی در حال تغییر است. امروز مرز های تکنولوژیکی به فضا رفته است. این مرزها روی صنعت برق تاثیر می گذارد.

شرکتی مثل زیمنس که در انرژی و برق نقش آفرین است موضوع شهر های هوشمند که دارای مدل یکپارچه انرژی هستند را مطرح کرده است، مسلما این تغییرات تکنولوژیکی روی وضعیت تولید انتقال و توزیع برق در آینده تاثیر گذار خواهد بود و قطعا شکل تولید، انتقال و توزیع تغییر خواهد کرد.

نقش شرکت های دانش بنیان در توسعه فناوری برق

بخش خصوصی در دهه ۵۰ و ۴۰ پایه اش ریخته شد و بعد از انقلاب در بخش سخت افزاری صنعت برق رشد کرد، به همین ترتیب ما می توانیم شاهد شرکت های دانش بنیان باشیم که در حوزه های جدید فناوری مثل انرژی خورشیدی و تولید پراکنده وارد شوند. در این زمینه مجلس قوانینی را هم وضع کرده است که تسهیلاتی را در اختیار این نوع شرکت ها قرار می دهد.

نبودن نظام ملی نوآوری

در اقتصاد ایران فعالیت های زیادی انجام می شود اما این فعالیت ها در طول یک زنجیره صنعت انجام نمی شود و به صورت به یک یک جمع نمی شود که قالب یک فناوری را به خود بگیرد تا بتوان از آن استفاده کرد. علت این است که در ایران نهادهای مختلفی مانند وزارت علوم، معاونت علمی - فناوری ریاست جمهوری، آموزش و پرورش، فنی حرفه ای، شرکتهای دانش بنیان، انجمن علمی و... وجود دارند، و همه می توانند نقش ایفا کنند اما این ها پراکنده هستند و به صورت یکپارچه فعالیت نمی کنند و جهت های مشترکی ندارند و یا در اسناد بالادستی که در این زمینه تهیه می شود مانند نقشه جامع علمی کشور، نقش نظام ملی نوآوری آنها بر جسته نشده است. در دنیا نظام ملی نوآوری مطرح است. نظام ملی نوآوری می تواند بخش های مختلف اقتصاد را یکپارچه کند تا نوآوری اتفاق بیفتد

عدم رابطه صنعت با دانشگاه

مسئله دیگر رابطه بین دانشگاه صنعت است که بخشی از آن ناشی از عدم تعریف مسائل از سوی صنعت و تشکلهای صنعتی است. مثلا سندیکای برق استرانی ۵ سال آینده برق را نوشته است و این نا آگاهی نسبت به تغییرات آینده برق است که مساله ساز است

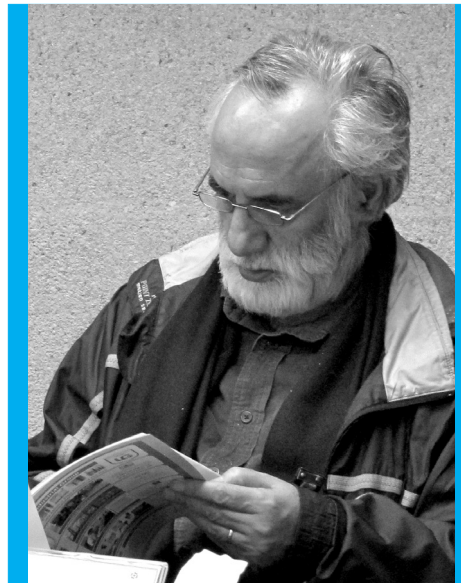
تاثیرات سیاست های هسته ای و فضایی ایران بر صنعت برق سیاست های هسته ای و فضایی ایران صد در صد تاثیر مثبت در آینده صنعت برق دارد و موجب رشد فناوری خواهد بود.

عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر آینده صنعت برق کدامند؟

تاثیر رشد جمعیت و تغییر سبک زندگی بر صنعت برق

آینده را توسعه روابط بین المللی رقم می زند

گفتگو با مهندس بهروز سلطانزاده؛ معاون فنی و اجرایی شرکت مینانپرو



مهم ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر آینده صنعت برق ایران کدامند؟

عوامل اقتصادی تأثیر گذار بر آینده برق در وضعیت کنونی دو عامل بر آینده صنعت برق تأثیر می گذارد: میزان درآمدهای نفتی و نحوه هدفمند کردن پارانه ها

تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد

اقتصاد ما به درآمد نفتی وابسته است و بنیادهای اقتصاد ما بر نفت استوار است. بنابراین همین درآمدهای نفتی هستند که تعیین می کنند آینده چگونه خواهد شد. مساله نفت هم که همه صنایع ما را تحت تأثیر قرار می دهد، بیش از هر چیز به تعاملات ما با دنیا و سیاست خارجی بستگی دارد.

پرداخت درآمد فروش برق به وزارت نیرو

سؤال این است که رویکرد دولت در رابطه با موضوع هدفمندی پارانه چگونه است و دولت چگونه درآمد نفت را در صنعت برق توزیع می کند؟ در حال حاضر وزارت نیرو مساله عدم واریز درآمدهای حاصل از فروش برق را به حساب خزانه به صورت جدی دنبال می کند، تا از این طریق این درآمدها به صنعت برق بازگردد و در چرخه تولید برق صرف شود. باید

دید اگر این امر محقق شود، فارغ از اینکه چگونه دولت می تواند بدون این پول، پارانه ها را پرداخت کند، آیا وزارت نیرو می تواند با این پول و بدون اتکا به بودجه های عمرانی نیازهای خود را بر طرف کرده و پروژه هایش را پیش ببرد.

از دیدگاه من اگر وزارت نیرو درآمدهای فروش برق را کسب کند، می تواند علاوه بر تأمین هزینه های تولید، سرمایه گذاری جدیدی انجام دهد. در این صورت صنعت برق دوباره رونق خواهد یافت. البته باید این مساله را در نظر بگیریم که در صورتی که برق با تعرفه فعلی به مشترکین عرضه شود، باز هم درآمد وزارت نیرو از هزینه واقعی آن کمتر خواهد بود و به همین دلیل این وزارتخانه نمی تواند همه بدهی های را پرداخت کند.

اما به هر حال این توان را خواهد داشت که هزینه های جاری خود را تأمین کرده و سرمایه گذاری های جدید انجام دهد و رونق را به صنعت برگرداند.

تعرفه برق و بودجه جاری وزارت نیرو

با همین تعرفه اگر درآمدهای برق به وزارت نیرو داده شود، بودجه جاری این وزارتخانه و مساله سرمایه گذاری های جدید حل شده و باعث رونق خواهد شد. ولی مسائل اصلی اقتصاد صنعت برق همچنان باقی می ماند. به هر حال باید بپذیریم که این مسائل سال هاست گریبانگیر صنعت برق هستند و به این سادگی قابل حل نخواهند بود. حتی اگر قیمت برق را واقعی کنند و مثلاً به مرز ۴۰۰ تومان برسانند، باز هم معلوم نیست که مساله اقتصاد برق حل شود. چرا که ممکن است مصرف کننده، حاضر به خریداری برق با این بها نباشد و سرمایه گذاری در این حوزه جواب ندهد.

بنابراین با وجود اینکه تعرفه های فعلی برق و درآمدهای کنونی وزارت نیرو کفاف هزینه های آن را نمی دهد اما باید بپذیریم که این مشکل از ابتدا در صنعت برق بوده و ۳۰ سال است که درآمد آن کمتر از هزینه هایش بوده است. بنابراین حل چنین مساله ریشه داری به این راحتی نخواهد بود.

با وجود تمام این مسائل در دایره اقتصاد موجود با بازگشت درآمدهای حاصل از فروش برق به وزارت نیرو، صنعت برق از رکود خارج شده و می تواند به نقطه ۵ سال قبل برگردد. مخالفان این طرز فکر معتقدند که با تداوم رکود نیاز به مصرف برق کاهش یافته و خاموشی ایجاد نخواهد شد.

تأمین منابع مالی و فاینانس پروژه های احداث صنعت برق من بعید می دانم که بدون دخالت دولت فاینانسی در ایران شکل بگیرد. سرمایه گذاران خصوصی علاقمند به مشارکت در حوزه نیروگاه سازی نیستند، چون ما در صنعت برق به لحاظ ساختاری موانع زیادی برای سرمایه گذاری بخش خصوصی داریم. از طرف دیگر بخش خصوصی برای فاینانس یا سرمایه گذاری در پروژه ها بیش از هر چیز به دنبال نفع اقتصادی است که در صنعت برق مزیت نسبی لازم وجود ندارد و به همین دلیل این صنعت جذابیتی برای بخش خصوصی ندارد. بنابراین بدون تضمین دولت شانس برای فاینانس وجود ندارد. فاینانس های خارجی هم همینطور است، آنها هم با تضمین دولت می آیند.

تجدید ساختار و خصوصی سازی ها

من اعتقاد دارم خصوصی سازی از بالا انجام می شود و ما سرمایه گذاری از سوی بخش خصوصی نداریم. افرادی هستند که مدیریت بنگاه ها را به دست می آورند و از محل اداره بنگاه ها، بدهی خود را بابت سرمایه گذاری پرداخت می کنند. هر چند که من با این امر مخالفتی ندارم و در هر جای دنیا که از اقتصاد دولتی به سمت خصوصی سازی حرکت می کند، اتفاقاتی می افتد که با فساد هم همراه است. مساله این است که راه دیگری وجود ندارد. چاره ای نیست. بخش دولتی اینقدر بد اداره می شود که اگر به سمت خصوصی شدن برود ممکن است با مدیریت بهتر خروجی بیشتری بدهد.

پذیرش زیان در اداره کسب و کار

سمت گیری در خصوصی سازی باید به نحوی باشد که بخش خصوصی بیاموزد و بپذیرد که کسب و کار دو وجه دارد: سود و زیان. هر کسب و کاری ممکن است سودده و یا زیان ده شود. بخش خصوصی در کشور ما به این دو وجه عادت ندارد و فقط سود را می شناسد. تا اوضاع خوب است و رونق هست، سود می برد، همینکه اوضاع بد می شود و وقت زیان دادن است، از دولت انتظار دارد که جلوی زیان را بگیرد و هزینه آن را بپردازد. بنابراین با این فلسفه کاری و با توجه به اینکه اصل اقتصاد ما نفتی و دولتی است، مانعی توانیم انتظار وقوع خصوصی سازی واقعی را داشته باشیم. هنوز هم بخش خصوصی حل همه مشکلاتش را به عهده دولت می گذارد و این ناشی از

انتظار داشته باشیم آنها مصرف نکنند.

مشکلات فرهنگی و عدم اجرای قانون

اگر می بینیم خارجی ها رفتار فرهنگی بهتری دارند، به دلیل آن است که قوانین جدی دارند که با جدیت اجرا می شوند. ما اینجا قوانین مناسبی نداریم و البته همان قوانین نامناسب هم به درستی اجرا نمی شوند. لذا من فکر می کنم همه این مسائل که به عنوان مشکلات فرهنگی شناخته می شوند با اقتصاد رابطه ای مستقیم دارند، بنابراین ابتدا باید اقتصاد اصلاح شود تا این مسائل فرهنگی هم تغییر کنند.

من فکر نمی کنم که در آینده میان مدت تغییری در مسائل اجتماعی و فرهنگی رخ دهد که صنعت برق ما را تحت تاثیر قرار دهد.

آینده صنعت برق را چگونه برآورد می کنید؟

پیش بینی آینده صنعت برق

پیش بینی آینده صنعت برق همانند پیش بینی وضعیت اقتصادی کار آسانی نیست. اگر رونق به صنعت برق باز نگردد، به تدریج شرکت ها از بین می روند، سرمایه گذاری جدیدی انجام نمی شود، تجهیزات مستهلک می شوند، خاموشی ها ایجاد خواهند شد و اقتصاد تسلیم خاموشی می شود. من این خطر را جدی می دانم.

چالش عدم سرمایه گذاری در برق

یکی از تهدیدات آینده صنعت برق بالا رفتن مصرف برق و عدم سرمایه گذاری جدید در تولید و توزیع برق است.

حاکمیت نظام اقتصاد جهانی بر کشورها

من معتقدم اقتصاد جهانی دارای نوعی نظم است که اجازه نمی دهد هر اتفاقی روی دهد نوعی سیستم بر رفتار همه کشورها تحمیل شده است که اجازه برهم ریختن نظم موجود را نمی دهد. ما نمی توانیم اقتصاد جهان را با نگاه خاص خودمان زیر و رو کنیم، نظام اقتصاد جهانی نیروهای دارد که شمارا و ادار می کند از این نظام تبعیت کنید و سرمایه خود را در مسیری به کار ببندید که چرخ اقتصاد دنیا بهتر بچرخد. اگر کسی بخواهد این نظم را به هم بریزد، جلوش گرفته می شود.

تاثیر نفت بر رکود و رونق

به طور معمول در یک اقتصاد طبیعی این رکود در دو یا سه سال قابل حل نیست، ولی در اقتصاد ایران اگر مساله نفت حل شود، سریعاً رونق بر می گردد. بنابراین بدون حل شدن مسئله نفت، ما شاهد ادامه رکود خواهیم بود و به سرعت از رکود خارج نخواهد شد. رکود و رونق اقتصاد کشور ما تابعی از اقتصاد نفت است.



وزارت نیرو در چند سال گذشته نقطه قوت مهمی داشته است: کلیه طرح ها و برنامه های آن جزء تخصص های داخلی خودش است و نیروهای متخصص همان وزارتخانه کار را اداره می کنند. به همین خاطر پروسه ایرانی شدن صنعت برق معقول ترین پروسه ایرانیزه شدن است و این صنعت بهترین مسیر را طی کرده است

تاثیر انرژی های تجدیدپذیر

انرژی های نو و تجدید پذیر به صورت جدی مسیر تولید برق را تغییر نمی دهند و عمدتاً این انرژی ها به صورت ماکت و جزئی مطرح هستند.

عوامل سیاسی تاثیر گذار بر آینده برق کدامند؟

تاثیر سیاست خارجی بر اقتصاد

تمام اقتصاد ما از جمله صنعت برق وابسته به نفت است و موضوع نفت تحت تاثیر مذاکرات و تعامل با دنیا است. بنابراین وضعیت اقتصادی ما تحت تاثیر سیاست خارجی است.

تاثیر نفت بر سیاست:

اینکه ما می توانیم در سیاست به راحتی اشتباه کنیم ناشی از دسترسی به منابع نفت است. در حقیقت ما از این جهت آسوده خاطریم که می توانیم با اتکا به درآمدهای نفتی، هزینه های هر اشتباهی را جبران می کنیم. بنابراین اشتباهات سیاسی هم ناشی از قدرت اقتصادی است.

تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر آینده صنعت برق چگونه است؟

ریشه مشکلات فرهنگ مصرف برق اقتصادی است

من فکر نمی کنم فرهنگ و یا روابط اجتماعی به صورت مستقل بر اقتصاد تاثیر بگذارد. ما انتظار داریم که دولت برق را ارزان بدهد، چون ۵۰ سال است که دولت برق را ارزان به ما عرضه کرده است و البته به دلیل تامین هزینه ها با درآمدهای نفتی، قادر بوده این کار را انجام دهد. بنابراین اگر دوباره با جهان آشتی کنیم و پول نفت را دریافت کنیم، باز هم دولت می تواند هزینه این برق را بدهد و نگرانی ها در خصوص مسائل فرهنگی مصرف برق دوباره فراموش خواهد شد. در واقع ما وقتی به فکر فرهنگ مصرف برق می افتمیم که مشکل در فروش نفت پیدا می کنیم. همه جای دنیا تلاش می کنند که مردم بیشتر برق مصرف کنند ما اینجا التماس می کنیم که مردم برق کمتری مصرف کنند.

ما اقتصاد را بازیچه کردیم و اثرات فرهنگی اش را هم می بینیم. وقتی برق و انرژی ارزان به مردم می دهیم، دلیلی ندارد که

این است که واقعیت اقتصاد دولتی است. ما الان یک بخش خصوصی فعال نداریم که اگر ورشکسته شود، کشور چیزی را نسبت به روز اول از دست دهد. چرا که سرمایه اولیه اش را اغلب وام ها و سرمایه گذاری های دولتی تامین کرده است. بنابراین بخش خصوصی همیشه به نحوی اقدام کرده است که ریسکی تهدیدش نکرده و با مقوله زیان بر خوردی نداشته باشد.

تصور از سود در کسب و کار

مساله دیگری که وجود دارد این است که انتظار بخش خصوصی از فعالیت های اقتصادی عمدتاً کاری با سود بالا است. به نظر می رسد این تصور ناشی از درآمدهای نفتی است که در اقتصاد کشور حل شده است. بنابراین فعالین اقتصادی هم سود خود را با آن مقایسه می کنند و به دنبال سودهای بالا هستند. در حالی که تولید به طور طبیعی چنین سودهایی ندارد، لذا واردات همیشه سودمندتر از تولید است.

مزیت بخش های پیمانکاری صنعت برق در مقایسه با خارجی ها

در صنعت برق بخش هایی وجود دارند که خصوصی بودن آنها منطقی بوده است، مثل پیمانکاری و یا ساخت برخی تجهیزات که واقعا تولید آنها مزیت نسبی داشته است.

تاثیر فناوری بر آینده برق چگونه است؟

توان تخصصی وزرات نیرو و صنعت برق

وزارت نیرو در چند سال گذشته نقطه قوت مهمی داشته است: کلیه طرح ها و برنامه های آن جزء تخصص های داخلی خودش است و نیروهای متخصص همان وزارتخانه کار را اداره می کنند. به همین خاطر پروسه ایرانی شدن صنعت برق معقول ترین پروسه ایرانیزه شدن است و این صنعت بهترین مسیر را طی کرده است و پله های ایرانی شدن را به ترتیب جلو برده است. از نصب خط تاپیاده سازی پست ها...

عدم تاثیر فناوری بر اتلاف

وجود اتلاف برق در شبکه چندان به عقب بودن فناوری ما ربطی ندارد. چرا که در همین سطح فناوری هم مستهلک بودن تجهیزات و نیز پدیده ای به نام برق دزدی دلیل اصلی تلفات است.

عدم عقب ماندگی فناوری

من عقب ماندگی جدی در فناوری تولید یا توزیع برق در ایران نسبت به غرب نمی بینم که مشکلی را برای ما ایجاد کرده باشد. من معتقدم در برخی موارد خیلی جلوتر از حد خودمان هستیم. مدیریت و استفاده از فناوری مشکل اساسی ما سطح فناوری نیست، طرز استفاده و مدیریت فناوری است.

چشم امید صنعتگران به تدبیر دولت

بررسی عملکرد دولت جدید در میزگرد نشریه کارآفرین با فعالان صنعتی



در حالی که دولت جدید، کمتر از نیم سال است که کارش را شروع کرده اما رویکردهای آن در حوزه اقتصاد به ویژه برای فعالان صنعت در بخش های غیر دولتی تقریباً آشکار شده است. بررسی عملکرد دولت در بخش های اقتصادی و حتی سایر بخش ها شاید به نظر زود باشد اما موضوع قابل اهمیت این است که فعالان اقتصادی، در همین فرصت اندک هم رویکرد دولت یازدهم را مثبت ارزیابی نموده و روش سیاست های آن را برای اداره جامعه و اقتصاد و به ویژه آشتی با دنیا برای ایران مفید می دانند. آنچه در پی می آید میزگرد مجله کارآفرین با پنج تن از فعالان بخش خصوصی از جمله: آقایان شاهرخ ظهیری (عضو هیأت مدیره انجمن مدیران صنایع)، احمد پور فلاح (رییس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران)، محمد مروج حسینی (رییس هیأت مدیره انجمن صنایع نساجی) و محمد فارسی (رییس هیأت مدیره سندیکای صنعت برق ایران) درباره تعامل با دولت و مسائل مهم روز است که با هم می خوانیم.

ما که جایگاه دوم را در دنیا از آن خود کرده است، نسل جوان تحصیلکرده، موقعیت استراتژیک و امتیازات دیگر، درایت و خردمندی را هم همراه تصمیمات خود کنیم آنگاه تغییر در شرایط را شاهد خواهیم بود. کشور ما در همین شرایط هم برای بازده سرمایه، از ۹۹ درصد نقاط دیگر دنیا بهتر است. یعنی در ایران می توان پول ساخت و سود برد البته مشروط بر این که به پارامترهایی که از آنها یاد شد، توجه شود.

ظهیری:

چندی پیش من در برنامه ای تلویزیونی که از شبکه جام جم پخش می شد، حضور پیدا کرده بودم. در این برنامه از مردم سؤال کرده بودند که آیا علاقه مند هستید تا هموطنان ما بیایند و در ایران سرمایه گذاری کنند؟ حداقل ۶۰ درصد از شرکت کنندگان پاسخشان این بود که علاقه مند به سرمایه گذاری هستند اما در ضمن این سؤال را هم داشته اند که آیا شما به ما تضمین می دهید که شرایط لازم برای انجام کار در ایران فراهم باشد؟ ما چه جوابی داریم به آنها بدهیم؟

کارآفرین: در این شرایط موضوع جذب سرمایه خارجی را به عنوان راه حلی اساسی و فوری می دانید یا خیر؟

مروج:

به عنوان راه حل، بله اما این در حال حاضر راه حلی عملی نیست. ما در شرایط فعلی حتی خروج سرمایه هم داریم. وقتی کسی که می خواهد سرمایه گذاری کند، آمارهایی که از منابع خارج از کشور داده می شود را بررسی می کند و متوجه می شود که در کشور ما حتی سرمایه گذار داخلی آنچنان تحت فشار است که سرمایه اش را خارج می کند، طبیعی است که نهادهای بین المللی ای وجود دارند که شرایط اقتصادی کشورها را ارزیابی می کنند. بررسی فساد اداری یکی از این موارد است. در سایت «شفافیت بین المللی» آمده است که ایران بین ۱۷۷ کشور دنیا جایگاه ۱۴۴ ام را دارد. در حالی که در سال گذشته ۱۳۳ ام بودیم، امسال ۱۱ پله هم پایین آمده ایم. با این شرایط هرکسی که بخواهد سرمایه گذاری کند طبیعی است که صبر و تحمل کند. اگر بخواهیم تعریفی ارائه دهیم که چرا امنیت وجود ندارد به نکته ای که به طور جدی با آن روبه رو هستیم می رسیم و آن قدرت های متفاوت است. ما تعداد زیادی مراکز قدرت داریم و حتی هنوز در دولت تدبیر و امید هم یک تفکر مشترک اقتصادی نداریم. اطلاعاتی که یکی از آقایان می دهد فرد دیگری عکس آن را ارائه می کند. مادر مورد موجودی صندوق ذخیره توسعه ملی، سه رقم متفاوت از سه مقام کشوری داشتیم که یا واقعا عدد و رقم نداریم و یا اختلاف سلیقه باعث چنین اظهار نظرهایی می شود. من شماره ای که کتاب «راز سرمایه» ارجاع می دهم. در این کتاب می آید که اول ذخایر مردم را باید مدنظر قرار داد. باید محیط کسب و کارمان اصلاح شود. فراموش نکرده ایم که بانک مرکزی گفته بود که مردم ما، ۱۹ هزار میلیارد تومان لای تشک و متکا دارند! این یعنی حتی آن فردی که در

فلاح:

رکود و تورم موجود را جز با پرداختن به یک تولید کارا و مؤثر نمی توان کم رنگ و یا به تدریج رفع کرد. برای اینکه ما به این توسعه یافتگی در تولید برسیم زیرساخت ها و زمینه هایی لازم است که امروز فاصله خیلی زیادی تا رسیدن به آن فضا داریم. خیلی سخت است که انتظار داشته باشیم تا فرصت های از دست رفته را خیلی سریع جبران کنیم. در این شرایط باید از جذب سرمایه گذار چه داخلی و چه خارجی استقبال کنیم این معادله ای یک طرفه است. ما ملان می خواهیم که این اتفاق بیفتد اما برای جذب سرمایه باید فضایی ایجاد کرد که سرمایه گذار، اعتماد و امنیت را با رگ و پی حس کند. اگر موفق شدیم که سرمایه، خصوصا سرمایه گذار خارجی جذب کنیم آنگاه معلوم می شود که ما در این مملکت قانون خوب مالیات و کار داریم، دارای سیستم خوب گمرکی هستیم، قوانین قضایی و حقوقی خوبی در این مملکت موجود است و کشور قانونمند و ضابطه مند اداره می شود. راه، فرودگاه و هتل خوب داریم. برای جامعه کار فرهنگی شده است یعنی مردم ما با یک



ظهیری: کار اقتصاد مملکت با اگر حل نمی شود. سرمایه گذار خارجی و کلا سرمایه جایی می آید که امنیت وجود داشته باشد

سرمایه گذار اعم از خارجی و داخلی به خصوص خارجی با احترام رفتار می کنند. آیا ما این فاکتورها و مکانیزم ها را داریم؟ به عقیده من خیر و ما در خیلی از این زمینه ها حتی به ۵۰ درصد نیاز هم نرسیده ایم و فاصله زیادی با شرایط مطلوب داریم. بنابراین جذب سرمایه در این شرایط که دولت محدودیت مالی دارد و بدهکاری بسیار سنگینی که از دولت قبل برای او به ارث گذاشته شده بسیار مهم است. وقتی از بدهی ها صحبت می کنیم، بحث ۲۰۰ هزار میلیارد به میان می آید. یعنی ۲۰۰ هزار میلیارد تعهدات مشخص نشده که این با ۱۹۰ هزار میلیارد دیگر که به پیمانکاران، تامین اجتماعی و بانک ها مربوط می شود، متفاوت است. دولت اکنون محدودیت منابع دارد. اگر ما واقعا بتوانیم با جذب سرمایه از خارج از کشور تحرکاتی در زمینه های مختلف ایجاد کنیم و در واقع دست تولید را باز کنیم، نباید این فرصت را از دست بدهیم در حالی که این کار راحتی نیست. امروز ریسک ما در دنیا از ۵،۶ است که بعضی ها هم ۶ طبقه بندی می کنند در حالی که این ریسک باید به ۳ یا ۲ برسد تا سرمایه گذار در این شرایط این آمادگی را پیدا کند تا سرمایه اش را در این مملکت به زمین میخ کند. اگر با توجه به پتانسیل و توانمندی هایی که در این مملکت وجود دارد، منابع زیرزمینی

کارآفرین: بحث مهمی که آقای رئیس جمهور و آقای دکتر نیلی به عنوان مشاور و بقیه وزرا به آن اشاره می کنند وجود شرایط رکود تورمی است. یعنی تورم ۴۰ درصد و رشد اقتصادی منفی ۵ درصد. این وضعیت عجیبی است به گونه ای که اگر بخواهند سرمایه گذاری را رونق بدهند یعنی انبساط ایجاد کنند، تورم بالا می رود و اگر هم بخواهند جلوی سرمایه گذاری را بگیرند، رکود تعمیق می شود و بیکاری افزایش پیدا می کند. در این شرایط دولت برنامه هایی دارد اما بیشتر کارشناسان معتقدند که در حال حاضر راه حل مؤثر، ورود سرمایه گذاران خارجی است چرا که پول هایی که اینجا هست قدرتمند نیست و به نوعی جابه جایی است. به عنوان فعالان صنعت چه راه حل مشخصی به دولت پیشنهاد می کنید؟

ظهیری:

کار اقتصاد مملکت با اگر حل نمی شود. سرمایه گذار خارجی و کلا سرمایه جایی می آید که امنیت وجود داشته باشد. اولویت ما در شرایط کنونی جذب سرمایه خارجی نیست. پس باید چه کار کرد؟ مثالی می زنم. ما با هیاتی به چین رفته بودیم البته نه چین حالا. چینی که تازه در هایش را به سوی جهان باز کرده بود و می خواست وارد دنیا شود. جلسه ای با وزیر سرمایه گذاری شان داشتیم. او گفت که ما قانون جذب سرمایه گذار خارجی را تصویب کرده ایم. در این قانون ما منافع کسانی که برای سرمایه گذاری می آیند را در نظر گرفته ایم و آنها را تامین می کنیم. تا مدتی هیچ سرمایه گذاری به این کشور نمی آمد که یکی از دلایل کمونیستی بودن نظام این کشور بود. به این ترتیب آنها از کشورهای همجوار از سنگاپور، مالزی و اندونزی و بعد شرکت های کوچک دیگر شروع کردند و الان ما شاهد این هستیم که آنها جواب سرمایه گذاران آمریکایی را نمی توانند بدهند. این وزیر در آن دیدار بیان می کرد که ما به سرمایه گذاران خارجی می گفتیم که بیایید در کشور ما بر فرض مثال هتل سازی کنید، اما چند شرط را باید رعایت کنید؛ اول مطلقا نباید نیروی کار بیاورید و دوما ابزار و ادوات نیروی کارتان را هم نباید وارد کشور ما کنید اما در عین حال باید تکنولوژی و پول بیاورید. برای کشور ما هم و در شرایط فعلی ورود و جذب سرمایه گذار خارجی مکمل قضیه است ولی اصل قضیه نیست. اصل قضیه این است که چند کار باید به صورت موازی و با هم انجام شود. اول سیاست خارجی باید موازی با این قضیه پیش برود. یعنی اعتماد سازی کند. دوما از بخش تولید داخلی که می تواند به این اعتماد کمک کند، حمایت شود و در نهایت جذب سرمایه گذار خارجی در دستور کار قرار گیرد که البته اگر دو مورد اول رعایت شود شرایطی پیش خواهد آمد که سرمایه گذاران خارجی خود به سمت سرمایه گذاری در کشور ما تمایل پیدا خواهند کرد.

کارآفرین: دقیقا این امنیت به چه معناست و دولت چه کارهایی باید انجام دهد که این امنیت برقرار شود؟

داخل هم هست احساس امنیت نمی‌کند و مادامی که این شرایط باقی بماند به نتایج مطلوبی نخواهیم رسید.

کارآفرین: با توجه به این که یکی از طلبکاران عمده دولت، صنعت برق هست. شما بفرمایید که در شرایط فعلی چه راه حلی را ارائه می‌دهید؟

فارس:

من از طرف صنعت برق می‌گویم که ما بالقوه ۹۵ درصد تکنولوژی اجرای هر گونه صنعت برق را در داخل کشور داریم. و این باید بالفعل شود. در حالی که این توان به واسطه وضعیت بد اقتصادی در ۸ سال گذشته تقریباً مخفی شده و نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهند. شاید ما یکی از صنایعی باشیم که می‌توانیم برای جذب سرمایه‌های خارجی و بازده سریع این سرمایه‌ها وارد شویم. علت این است که ما می‌توانیم هاب منطقه از نظر تولید انرژی و انتقال باشیم. کما اینکه ما در بسیاری از ایام سال مقادیر زیادی اضافه تولید برق داریم اما چون خطوط انتقال آن به خارج از کشور را نداریم نمی‌توانیم بهره‌برداری لازم را از این توان داشته باشیم. در حالی که نه تنها همسایه‌های ما بلکه کشورهای هم چون مصر طالب این انرژی هستند اما به واسطه طرز تفکر اشتباهی که در گذشته وجود داشته توفیقی حاصل نشده است. تفکری اشتباه مبنی بر این که به اندازه کافی بودجه در وزارت نیرو صرف شده و الان باید این بودجه کاهش پیدا کند منجر به این شد که به توسعه‌ای که نیازمند سرمایه‌گذاری بخش تولید برق بود دست پیدا نکنیم. بسیاری از پیمانکاران ما به این دلیل که در داخل سرمایه‌گذاری کردند اما برگشت سرمایه‌شان را با توجه به قوانین موجود شاهد نبودند رویه خود را تغییر داده‌اند. می‌توانم ادعا کنم که بسیاری از پروژه‌هایی که در حال حاضر از آنها استفاده می‌شود بر دوش پیمانکارانی بوده است که با سرمایه خودشان آنها را اجرا کرده‌اند در حالی که برگشت سرمایه‌ای برایشان نداشته است. طلب سیستم برق از دولت ۱۵ هزار میلیارد است که این بار سنگینی است البته طلب آب هم حدود ۷ هزار میلیارد می‌شود. من ورود سرمایه‌گذارهای خارجی را با فرض به وجود آمدن شرایطی که حداکثر استفاده از منابع داخلی بریم، امکان پذیر می‌دانم و به نظر من جز این هم راهی برای بیرون رفت از نبود بودجه و امکانات مالی وجود ندارد. در حال حاضر ریزش‌های زیادی در خصوص ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به کشور در حال انجام است، منتهی باید زمینه‌های قانونی، اجتماعی و سیاسی آن فراهم شود.

کارآفرین: الان بحثی که مدام تکرار می‌شود این است که امید و اعتماد در بین مردم وجود دارد. امید و اعتماد دو سرمایه بزرگ اجتماعی برای هر جامعه‌ای هستند که می‌توانند بستر ساز فعالیت‌های کارآمد برای عموم شهر و ندان، نهاد دولت و سایر نهادها باشند اما به نظر می‌رسد که بعد از آن شوق اولیه و آن اعتماد اولیه که در زمان انتخابات پدیدار شد، مردم، شهر و ندان، فعالان اقتصادی و همسایه‌های ما در خارج از کشور منتظر این

هستند که ببینند آیا در راستای پاسخ به این اعتماد، گامی عملی هم برداشته می‌شود یا خیر؟ من نمی‌خواهم بگویم که امیدها کمرنگ شده است اما به نظر می‌رسد که به دلایل مختلف از جمله ابعاد بزرگ مشکلات نوعی نگرانی از کم اثر شدن اعتماد و امید در بین مردم وجود دارد. چه کار باید کرد که نهال امید و اعتماد افسرده نشود؟

ظهیری:

امیدی که به وجود آمده یک حسن و یک خطر دارد. حسن اش این است که به صورت مسکن عمل کرد. اگر کسی در شدیدید داشته باشد به او آمپول مرفین می‌زنند تا آرامشی به دست بیاورد اما غده سرطانی همچنان در او هست. آرامشی که آقای رییس جمهور در صدر روز اول دوران ریاست جمهوری خود به مردم منتقل کردند به یکباره جامعه را آرام کرد اما اگر مردم از آن آرامش موقت ناامید شوند خطری به مراتب بیشتر از قبل به همراه خواهد داشت. دولت الان دارد مسایلی را به مردم می‌گوید که



فلاح: اگر موفق شدیم که سرمایه، خصوصا سرمایه‌گذار خارجی جذب کنیم آنگاه معلوم می‌شود که ما در این مملکت قانون خوب مالیات و کار داریم

آنها نمی‌دانستند. احمدی نژاد که نمی‌آمد این حرف‌ها را بزنند. مثلا نمی‌گفت که ما در فلان استان فقط به مدت سه روز گندم داریم. وقتی که وزرا می‌آیند و می‌گویند که صندوق دولت خالی است، برای این ماه نمی‌توانیم حقوق بدهیم و یا باید درباره یارانه‌ها فکر دیگری بکنیم به تدریج بدنه جامعه می‌لرزد. بنابراین آرامش نمی‌تواند پایدار باشد مگر اینکه نسخه‌هایی تجویز شود که مردم لمس کنند. در این شرایط باز بر می‌گردیم به این که باید به سرعت تولید و اشتغال زایی شود. اکنون تعداد کارخانه‌های صنایع غذایی ما که دارند کار می‌کنند تعدادشان به انگلستان یک دست هم نرسد بقیه زیر ۲۰ تا ۳۰ درصد کار می‌کنند و کارکنانشان را اخراج کرده‌اند. اگر «وام سرمایه در گردش» بیاید دیگر سرمایه‌گذار خارجی نمی‌خواهد. اگر «وام سرمایه در گردش» را به سرعت تزریق کنند، مواد اولیه در کارخانه‌ها خواهد آمد، کارخانه‌ها راه می‌افتند، رقابت شکل می‌گیرد و تولید و اشتغال را ایجاد می‌کند. این موارد است که به جامعه آرامش می‌دهد و الا با صحبت مشکلی حل نمی‌شود.

کارآفرین: آقای پور فلاح شما رییس کمیسیون صنعت ایران و رییس کمیسیون کسب و کار هستید و هر روز با این مسایل مواجه می‌شوید. به نظر شما درست است که این احساس امید و اعتماد نسبت به قبل فروکش کرده است؟

فلاح:

من با توجه به گستردگی خرابی‌ها و عقب ماندگی‌هایی که در سال‌های اخیر به خصوص بخش اقتصاد ما با آن مواجه بود، و با در نظر گرفتن اقداماتی که انجام شده است تا الان نمره قبولی می‌دهم. همین افزایش اعتماد و اطمینان بین فعالان اقتصادی به نظر من فاکتور و دستاورد خوبی بود. روند قبلی به هیچ عنوان چنین اعتدالی را ایجاد نمی‌کرد و رویکرد دولت یازدهم خود فی نفسه ظرفیتی ایجاد کرده است. اما اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم؛ به نظر من مساله‌ای که در بازنگری ممنوع‌الخروجی‌ها داشتیم اتفاق خیلی خوبی بود، گو آنکه ما در قانون «حمایت از تولید» ۲ میلیارد تومان سقف بدهی را پیش‌بینی کرده بودیم اما نهایتاً به ۵۰۰ میلیون تومان رسید. همین که دیگر به فعالان اقتصادی در فردگانه نمی‌گویند که ممنوع‌الخروجی و اکنون الزام شده است که قبلاً شرایطی که دارد را به او ابلاغ کنند، اتفاق بسیار خوبی است. همین که هیات مدیره‌های قدیم را درباره مسایل پیش آمده در گذشته مسؤول می‌دانند و نه افرادی که تازه روی کار آمده‌اند، اتفاق خوبی است. در ارتباط با گمرک اتفاقات خوبی افتاد یعنی همین به اضافه منهای ده درصد انحراف، کلی مشکل ایجاد کرده بود. یا امروز با امضای مدیران فضاها خوبی در اختیار گذاشته شده است و یا طرح عملی کردن مطالبات و بدهی‌ها، ممکن است در عمل مقاومت‌هایی انجام شود اما دولت در مجموع دست روی نکات و نقطه ضعف‌های خوبی گذاشته است. یا تمهیداتی که برای گشایش اعتبار اندیشیده شده است. گو اینکه ما در همین جلسه «شورای گفت و گو» ی اخیر آنرا به شدت زیر سوال بردیم. ولی بانک‌ها دارند مقاومت می‌کنند چون ۱۳۵ درصد ما را فلج کرده بود این را تا ۳۰ درصد رسانده‌اند و دولت و بانک مرکزی به شدت دنبال این هستند که این را عملی و اجرایی کنند. حالا این بحث‌ها وجود دارد که اگر بدهی‌ای داشته باشیم چه کار کنیم اما در هر حال این چیزی که در دولت تصویب شد به نظر من اتفاق مبارکی بود و یا تسهیلاتی که درباره صندوق ارزی گذاشته‌اند، حداقل اینکه گفتند باز پرداخت آن دو سال شود، اقدام خوبی بود. دولت دارد روی این نکات کار می‌کند. یادمان نرود که دولت قبل به هیچ عنوان، درباره «قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار» که تا آن میزان بر رویش مانور کرده بودیم و ۲۹ ماده‌اش را عملی کردیم، زیر بار نرفت که چند ماده آنرا تدوین کند اما الان چند ماده آن توسط دولت یازدهم تدوین شده است و حتی موادی که مربوط به وزارت امور خارجه می‌شود. همه را ما منعکس کرده‌ایم و خیلی با گشاده‌دستی اینکار دارد انجام می‌شود و اگر «این نامه عملیاتی» آن نوشته شود من مطمئن هستم که گره‌های زیادی از بخش صنعت، معدن و کشاورزی ما باز می‌شود یا مثلا بحث سازمان‌های توسعه‌ای، مثلا «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی». درست است که مجلس به دنبال احیای آن است اما عملاً این خاستگاه از طرف دولت فراهم شد و امروز ما خوشحالیم که چنین سازمان مهم و تاثیرگذاری بر می‌گردد. ما در سال‌های گذشته می‌گفتیم که شما پول را به سازمانی داده‌اید که خودش دارد خرج می‌کند،

شرایط، یکی دیگر از مسایلی که اتفاق افتاده هم این است که اکنون خیلی زودتر از زمانی که ما فکر می کردیم تندر وها بیدار شده اند. در زمان آقای خاکی، زمان برد تا این گروه ها کارشکنی خود را شروع کنند اما حالا در همین صدر روز شروع کرده اند. در مجلس، دانشگاه و بقیه جاها. درست است که تعداد تندر وها اندک است اما نقش بسیار سازمان یافته ای دارند. به صورتی که گروه هایی که حامیان دولت هستند پراکنده اند اما مترکم اند. کارآفرین: نظرتان درباره توافق ژنو چیست؟

فارسی:

توافق ژنو دستاورد غیر قابل انتظاری بود خصوصاً به دلیل وجود گروه های تندروی که مخالف آن بودند و از ناکامی آن نفع اقتصادی می بردند. آنها به این راحتی از منافع خود نمی گذرند ما امیدواریم با وجود فشارهایی که در داخل از طرف این گروه ها می آید و فشارهایی که طرف مقابلان هم تحمل می کنند، در نهایت بعد از شش ماه به نتیجه مطلوبی برسند. البته فشارهایی که آمریکایی ها با آن روبرو هستند به نوعی مدنی تر است و از طرف کنگره صورت می گیرد. اما به هر حال امیدواریم که بتوانیم این توافق را ادامه بدهیم.

ظهیری:

اگر در این توافق ژنو را بررسی کنیم می بینیم که از گروه های خارجی چه کسانی صدایشان درآمده است. کسانی که منافع شان در خطر است و دایما کارهایی می کنند که ایران به جامعه بین المللی نپیوندد. حالا اگر در داخل ایران هم کسی ساز مخالف زد شک نکنید که معنایش هماهنگی با دشمن ایران در خارج از کشور است. وقتی مقام معظم رهبری از مذاکرات حمایت کردند پس بقیه هم باید قضیه را متوجه شوند. چه آن فرد در نیاز جمعه است چه در سمنیار، چه در دانشگاه است و چه در مسایل اقتصادی. همه باید محکم بچسبند. به نظر من توافق نامه ژنو بسیار خوب است اما زمان می خواهد. وقتی ما با تصمیمیاتی که می گیریم آنرا زیر سوال می بریم طبیعی است که طرف مقابل هم بیاید و بگوید که تفنگ روی میز است! او وقتی این حرف را می زند که با چنان رفتاری داشته باشیم. توافق نامه ژنو، تفاهم نامه ای است که انجام شده و به راحتی هم دارد به پیش می رود. خوشبختانه دولت هم دارد با هو شیاری عمل می کند بنابراین نباید آن را تضعیف کرد.

فارسی:

من فکر می کنم مدت زمان صد روزه ای که ریاست جمهوری برای نخستین گام فعالیت هایشان به ملت قول داده بودند، برای صنعت ما مدت بسیار کوتاهی است و امکان پذیر نیست که در این مدت بتوانند برای صنعت قدم های اساسی بردارند که آثارشان را بتوانیم در آن ببینیم اما از نظر صنعت برق قدم های بسیار موثری برداشته شده است و ما در مجموع نمره قبولی را به دولت می دهیم به این دلیل که ما در این دوره با مسوولانی روبرو شده ایم که شفاف صحبت می کنند و درست گویی را به جای گذاشتن قاشق خالی در دهان پیمانکاران در پیش گرفته اند.

دولت نفس بکشد. باید به آنها زمان بدهیم. در آن صدر روز هم قرار بود که وضعیت موجود را بررسی کنیم نه اینکه تغییرات اساسی صورت بگیرد. به نظر می رسد که این لوگو متیو به ریل برگشته و حالا باید انرژی خود را برای حرکت به دست بیاورد، بنابراین باید سطح توقعان را در بخش های صنعت و معدن و کشاورزی پایین بیاوریم و ۶ یا ۹ ماهی را به دولت فرصت بدهیم که بتواند جذب منابع کند. با شرایطی که به وجود آمده، سپرده های ما در کشورهای مختلف که سال هاست بلوکه شده است، آزاد خواهد شد. باید خوش بین بود و به مردم هم این روحیه را تزریق کرد که صبر کنند. ما مردم صبور و فهیمی داریم. مردم ایران در سکوت در حقیقت وظیفه خود را انجام می دهند. به نظر من بیشتر رای آقای روحانی از طبقه متوسط و پایین جامعه بوده است که این مساله با سیاست های پوپولیستی که در این مملکت جاری بود مقداری خطر را گوشزد می کند. باید تحمل کنیم و ما شاهد هستیم که کارهای خوبی در سطح دولت در حال انجام دادن است.



فارسی: توافق ژنو دستاورد غیر قابل انتظاری بود خصوصاً به دلیل وجود گروه های تندرویی که مخالف آن بودند و از ناکامی آن نفع اقتصادی می بردند

فارسی:

من فکر می کنم که توده مردم هنوز در همان حالت امیدواری هستند اما پاسخی نگرفته اند. تاثیر امید و اعتدال کوتاه مدت است و مردم عادی کوچ و بازار باید تاثیر را در جیب خودشان ببینند تا متوجه شوند تغییری صورت گرفته است. اقتصاد هم مانند هر موجود زنده ای علایمی دارد مثل «رشد اقتصادی»، «تورم» و «تراز اقتصادی» که ما فعلاً در هر سه این موارد مساله داریم. امید داریم اما کار طولانی ای هم در پیش داریم. ما بارها و از گذشته های دور بیان کرده ایم که نفت داریم، طلا داریم، و از این دست موارد. بیایید این رفتار را با این مقایسه کنیم. در این کشور در دبستان هایشان به کودکان خود می گویند که ما کشور کوچکی هستیم که هیچ چیز معدنی و گیاهی نداریم که به این ترتیب و از همان دوران کودکی، تلاش کردن و کار کردن را به مردمشان یاد می دهند. به نظر من این عامل بسیار مهمی است. ضمن اینکه حاکمان مملکت ما از گذشته تا کنون، کم و بیش به شکلی پوپولیستی حکومت کرده اند. از پهلوی دوم بگیرد، دولت مصدق و... یعنی ما به یک دوران گذار سخت احتیاج داریم. همه حاکمان ما از این دوران گذار می ترسند. شما به این هدفمندی یارانه نگاه کنید. قرار بود یارانه ها هدفمند شوند نه اینکه به بیش از جمعیت کشور یارانه بدهیم! در این

هیچ حساب و کتابی نیست اما «سازمان مدیریت» برنامه ریزی و رصد می کرد و اگر تلاطم و وضعیت قبلی را شاهد می بودیم، یقیناً اصلاً چنین اتفاقی نمی افتاد. اما بزرگترین دستاورد دولت یازدهم در بین همه این ها، شجاعت و درایت در رسیدن به توافقی در بحث انرژی هسته ای با دنیا بود. درست است که این در حقیقت خواسته عمومی ملت بود و بالاترین مقام نظام هم از آن حمایت کرد اما عملاً دیدیم که با مکانیزمی که در گذشته داشتیم به نتیجه نرسیده بودیم و در سایه آن انرژی هسته ای، محدودیت ها و جزیره ای شدن و قطع ارتباط ما با همه دنیا حاصل کار بود. که خیلی از بخش های مولد ما را با مشکل روبرو کرد. بسیاری از آن مشکلات به دلیل عدم درایت و مدیریت مناسب در مسایل داخلی ما بود ولی اگر همان سی چهل درصد را هم بپذیریم رقم بسیار سنگینی است و ما امیدواریم که یخ ها آب شود و من شاهد هستیم که خیلی از کشورهای اروپایی که تا دیروز جواب سلام ما را هم نمی دادند امروز در سلام دادن از ما پیشی می گیرند. من هفته گذشته هیاتی را به دعوت اتاق ایتالیا به رم بردم. از این هیات به این دلیل که شاید هنوز نمی دانند که فضا درباره ایران چگونه است، استقبال مناسبی نشد و تنها ده دوازده شرکت آمده بودند اما در مدت دو روزی که در ایتالیا بودیم و سمنیار داشتیم، شاهد حضور حداقل ۵۰ شرکت بزرگ ایتالیایی بودیم در حالیکه ما قبلاً ترکیب اعضا را هم اعلام کرده بودیم. دولت ایتالیا در بالاترین سطح، گمرک امنیت ملی، دارایی و مالیات و مدیران عامل بانک ها در این سمنیار شرکت کرده بودند. البته جا دارد بگویم که همه این ها، نشانه تحولی محسوس در بخش دیپلماسی ماست. وقتی که سفیر دولت یازدهم، معاون خود را برای استقبال از این هیات می فرستد، اهمیتی که به کار اقتصادی می دهند را ثابت می کنند. تا شب این سفیر همراه گروه ما بود و رییس کنفدراسیون صنایع ایتالیا که فوق العاده فرد تاثیر گذاری است هم همین طور. من امیدوارم روزی کنفدراسیون ما هم به این سطح از فراگیری برسد. کنفدراسیون صنایع ما ظرفیت بالایی دارد که از آن استفاده نشده است. می خواهم بگویم که هنوز توافق نامه ای صادر نشده اما آنچه آتقدیر استقبال خوبی انجام دادند که ما را شرمند کردند. همه جا از این هیات استقبال کردند و این نشان می دهد که ایران مملکت پر جاذبه ای است و این ما هستیم که درها را به روی آنها را بسته ایم در حالی که آنها به ما نگاه می کنند. همین الان من خبر دارم که کلی وزیر امور خارجه در نوبت هستند که به ایران بیایند. باید همه اینها را به حساب دستاورد دولت یازدهم نوشت. سطح عقب ماندگی ها و خرابی ها بسیار زیاد است. تا حدی که حتی در کار گروه اقتصادی رییس جمهور بحث بود که آیا این خرابی ها را با مردم در میان بگذاریم یا خیر؟ برخی معتقد بودند که اگر در میان بگذاریم همین امروز تمامی سوپر مارکت ها خالی می شود! چون مردم می فهمند که ما برای مثال چه مقدار گندم و برای چند روز داریم. روغن و برنج و... را هم همین طور. بنابراین تصمیم گرفتند که به تدریج بیان کنند تا بحران اجتماعی ایجاد نشود. باید دولت را حمایت کرد. من به اعضای خودم در «کمیسون صنایع» و «فضای کسب و کار» اعلام کرده ام که باید مقداری سطح توقعان را پایین بیاوریم و بگذاریم

مسوولانی که آشنایی بسیار خوبی با مشکلات ما دارند و وقتی ما برای طرح مطلبی به آنها مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که درک متقابلی وجود دارد و این نکته بسیار خوبی است. آنها بلافاصله اقدام به تشکیل کارگروه‌هایی با حضور نمایندگان سندیکاها و نمایندگان وزارت نیرو کرده‌اند و این کارگروه‌ها همه مسایلی که مطرح می‌شود را در دست بررسی دارند اما در گذشته مسایلی که مطرح می‌کردیم بدون هیچ نتیجه خاصی باگانی می‌شدند. مسوولان در گذشته اصلاً قبول نداشتند که در صنعت برق مشکلی هم وجود دارد و همیشه لامپی را نشان می‌دادند و می‌گفتند که «وقتی این لامپ روشن است پس مشکلی هم وجود ندارد!» یعنی با این دیدگاه بسیار پایین با موضوعات برخورد می‌کردند، یعنی چه که وقتی لامپی روشن است یعنی مشکلی نداریم؟! در حالی که دولت یازدهم این را نمی‌گوید بلکه تأکید می‌کند که باید به مشکلات رسیدگی کنیم و ما به پول و سرمایه نیاز داریم تا مشکلات حل شود. باید فضایی که یک تولیدکننده برای فعالیت نیاز دارد فراهم شود. یعنی فضایی بدون تنش و بدون ریسک‌های چندین برابری سرمایه‌ای که



مروج: فراموش نکرده‌ایم که بانک مرکزی گفته بود که مردم ما، ۱۹ هزار میلیارد تومان لای تشک و متکا دارند! این یعنی حتی آن فردی که در داخل هم هست احساس امنیت نمی‌کند

می‌خواهد در ابتدای کار داشته باشد متأسفانه به دلیل نوسانات شدید اقتصادی و برابری ارز و ریال هیچ سرمایه‌گذار داخلی حاضر به ریسک نبود. یکی از دلایل تداوم رکود هم همین نوسانات بود و الان با پیامدهای ناشی از توافق نامه ژنو ثباتی نسبی در نرخ ارز به وجود آمده است که امیدواریم این ثبات با سیاست‌های مناسب در آینده ادامه پیدا کند. باید توجه داشت که صنعت ما خیلی نمی‌تواند کاهش نرخ برابری ارز با ریال را تحمل کند به این دلیل که وجه صادراتی ما لطمه می‌بیند. ما امیدواریم دولت بتواند با روندی مشخص تورم را نگه دارد تا بتوانیم سرمایه‌گذاری هم داشته باشیم.

فلاح:

دولت یازدهم با پارامترهایی دولت را تحویل گرفته است که بگذارد بار دیگر آنها را مرور کنیم. ما از نظر تجارت خارجی بین ۱۸۵ کشور ۱۴۳ ام بوده‌ایم. در مورد پرداخت مالیات ۱۲۹ ام بوده‌ایم. ببینید که ما چه مقدار فرار از مالیات داریم. در حالی که واحدهای تولیدی ما که چراغ‌شان روشن است از فشار مالیاتی ۲۵ درصد می‌نالند. مادر قانون فوری «حمایت از تولید» پیشنهاد کرده بودیم که سه سال تنفس بدهند که در گذشته به شدت با آن مخالفت شد. خوشبختانه این قانون، از هفته قبل

دوباره در مجلس مطرح شده است. در ادامه آمارها آمده است که از نظر حمایت از سرمایه‌گذاران ۱۵۰ ام هستیم. دریافت اعتبار ۸۳ ام، سقف مالکیت ۱۶۵ ام، دسترسی به انرژی الکتریکی ۱۶۳ ام، اخذ مجوز ساخت و ساز ۱۶۶ ام، شروع کسب و کار ۸۷ ام، اجرای قرار دادها که پارامتری است که بنده مقداری در آن تحلیل هم دارم ۵۳ ام، حل و فصل ورشکستگی ۱۲۶ ام و در نهایت رتبه کلی ما در سال ۱۴۵، ۲۰۱۳ ام بود که برای سال ۲۰۱۴ پیش‌بینی ۱۵۲ ام شده است یعنی، فعلاً پیش‌بینی هم کرده‌اند که ما ۷ پله هم سقوط می‌کنیم و در منطقه هم فقط سوریه و افغانستان بعد از ما هستند و ما اکنون شاهد هستیم که از میان تمامی کشورهای که در سند چشم‌انداز قرار بود در سال ۱۴۰۴ جلوتر باشیم و در منطقه اول، تا به حال تنها افغانستان و سوریه، دو کشور جنگ زده و بعد از ما هستند و جالب است که گرجستان کشوری که تا هفت هشت سال پیش محلی از اعراب نداشت رتبه اول را دارد و امارات دوم و عربستان سوم است. به هر حال چنین ارثی به دولت یازدهم رسیده است و ما مقداری باید منصفانه به قضیه نگاه کنیم و بگذاریم چند ماهی بگذرد و بعد دستاوردها را بررسی کنیم. انجمن مدیران صناعی ما تا امروز راه متعادلی را خصوصاً در مسایل پژوهشی رفته و بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. اما اکنون و در سطح جدیدی که اقتصاد ما دارد خود را نشان می‌دهد از انجمن مدیران صنایع انتظاری فراتر از کارهای خوبی که در گذشته انجام داده‌اند، می‌رود به گونه‌ای که خود را آماده کنند که به صورت یک بازوی اجرایی در کنار دولت باشند. شاهد هستیم که وزرا واقعا انجمن را دوست دارند و به اهمیت آن تأکید دارند بنابراین واقعا در این شرایط انجمن هم باید بازنگری‌ای انجام دهد که در شرایط جدید برای رسیدن به توسعه یافتگی، چه مسؤولیت‌هایی را می‌خواهد قبول کند و چه میزان خودش را آماده کند که جوابگوی شرایط موجود باشد.

چرخه‌های انرژی ابزاری برای توسعه روابط اقتصادی منطقه‌ای و امنیت ملی

علی شمس اردکانی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

«صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که بین توسعه و امنیت، تعامل و رابطه‌ای متقابل وجود دارد. در عین حال که در سایه امنیت، آرامش و ثبات به وجود می‌آید، رشد و توسعه پایدار نیز معنی و مفهوم پیدا می‌کند.

از جانب دیگر توسعه‌یافتگی، کشور را امن‌تر می‌کند و آن را در مقابله با چالش‌های امنیتی، تواناتر می‌سازد. به همین دلیل کشورهای در حال توسعه، برای مقابله با چالش‌های عدیده‌ای که امنیتشان را تهدید می‌کند، در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته توانایی‌های محدودتری دارند.» (۱)

از مزیت‌های عمده منطقه‌ای کشور ایران جغرافیای سیاسی آن در بین ۱۵ کشور همسایه است. چنین تعداد همسایه‌ای فقط برای کشوری قاره‌ای مانند چین مصداق دارد. برای استفاده از این موقعیت بی‌نظیر جغرافیای سیاسی در چندین زمینه می‌توان استفاده شایان برد که عبارتند از:

۱. توسعه چرخه‌های انرژی منطقه‌ای
۲. توسعه کریدورهای ترانزیت به‌ویژه ترانزیت نفت و گاز
۳. توسعه توریسم منطقه‌ای
۴. توسعه ارتباطات ریلی با کشورهای همسایه

موضوع این مقاله بندی یکم از فرصت‌های بالا است.

توسعه چرخه‌های انرژی منطقه‌ای

سر فصل‌های توسعه چرخه‌های انرژی منطقه‌ای عبارتند از:

۱. تکمیل چرخه برق با کشورهای منطقه

(Regional Electrical Loop)

۲. تکمیل چرخه گاز با کشورهای منطقه

(Regional Gas Pipeline Loop)

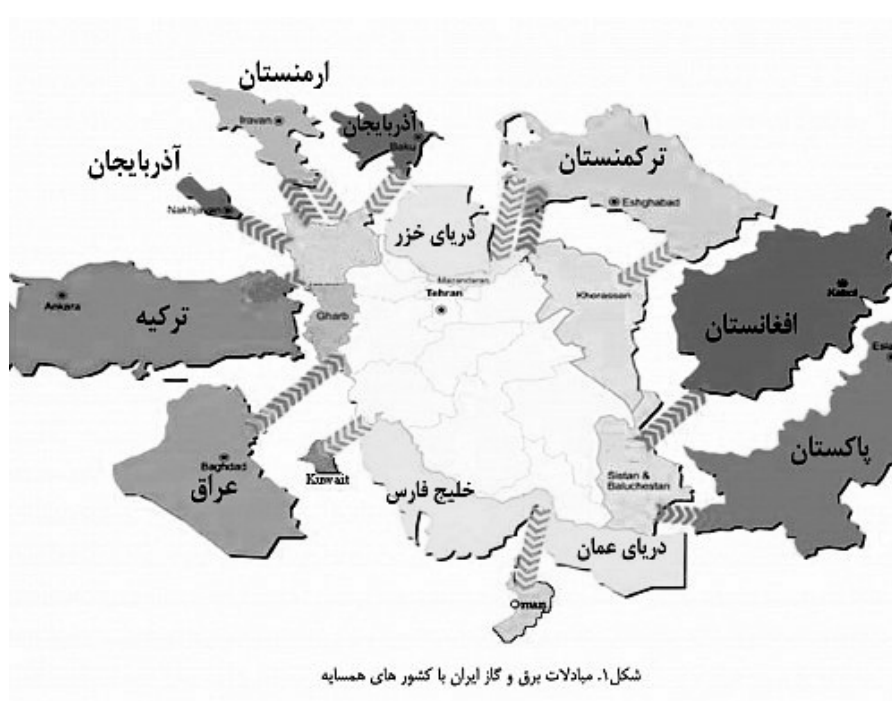
۳. توسعه مناطق ویژه انرژی برای بهینه کردن منافع ملی در

چرخه‌های برق و گاز

چرخه‌های برق

توسعه هر یک از چرخه‌های برق و گاز، مزایای متعددی در بر دارند که به‌عنوان نمونه می‌توان به برخی از سر فصل‌های مرتبط با برق به شرح ذیل اشاره کرد:

- بالا بردن امنیت منطقه‌ای در صورت قرار گرفتن ایران به‌عنوان مرکز تبادل انرژی
- استفاده از اختلاف افق در شرق و غرب کشور و منطقه (با توجه به اختلاف ساعات اوج)
- استفاده از اوج مصرف فصلی در تابستان و زمستان در شمال و جنوب کشور
- بهینه‌سازی استفاده مطلوب از شبکه‌های به هم پیوسته برق و گاز
- بهینه کردن استفاده از ظرفیت‌های قابل انتقال در کشور
- افزایش قابلیت اطمینان و پایداری شبکه کشور و مبادله



استفاده از حرارت خروجی نیروگاه در آب شیرین کن‌ها، توسعه جزیره قشم با احداث قطب‌های تجمع گاز و انتقال آن به کشورهای همسایه در جزیره قشم فراهم آید. مسلمان آب تولیدی از چنین نیروگاهی نه تنها کل جزیره قشم را سرسبز می‌کند، بلکه هر میزان آب صنعتی مورد نیاز جزایر قشم، هنگام، هرمز و لارک را هم تامین می‌کند. برای رسیدن به دور کامل چرخه‌های انرژی با کشورهای همسایه و احداث، حدود ده قطب برای مناطق ویژه، مبادله انرژی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- قطب برق، آب و گاز در قشم برای مبادله با عمان و امارات
- ۲ و ۳- قطب برق و گاز با پاکستان (دو نقطه)
- ۴- قطب برق و گاز با افغانستان و ترکمنستان
- ۵- قطب برق و گاز با جمهوری آذربایجان
- ۶- قطب برق و گاز با ارمنستان و گرجستان
- ۷- قطب برق و گاز با ترکیه
- ۸ و ۹- قطب‌های برق و گاز با عراق (دو نقطه)
- ۱۰- قطب برق و گاز با کویت (این قطب می‌تواند منطقه بصره و جزیره بوبیان را هم پوشش دهد که موجب افزایش تعامل منطقه‌ای بین ایران، عراق و کویت هم می‌شود که در افزایش ضریب امنیت ملی هر سه کشور نقش عمده‌ای ایفا خواهد کرد).

برگرفته از مرکز اطلاعات انرژی در آمریکا

برگرفته از روزنامه دنیای اقتصاد

شیخ‌نشین‌های دبی، راس الخیمه، شارجه، احداث مرکز (hub) انرژی قشم می‌تواند این جزیره را به قطب بزرگ نیروگاهی و صدور گاز و برق در جنوب کشور تبدیل کند. در صورت ایجاد قطب انرژی در قشم برای آبادانی این جزیره (مساحت قشم نزدیک سه برابر کشور بحرین است) برق، آب، گاز با قیمت‌هایی مناسب‌تر از تولید مستقل برای جزیره و رقابتی‌تر از رقابای منطقه آن مثل جبل علی و خود دبی به دست می‌آید. بدیهی است در رقابت با شیخ‌نشین‌ها به تدریج مزیت نسبی برای توسعه و آبادانی این پاره مهم وطن به دست می‌آید.

هم اکنون کشور عمان آمادگی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دو کشور و صدور ظرفیت دوهزار مگاوات برق به کشور عمان از طریق اتصال کابل زیردریایی بین جزایر قشم و هنگام با شبه جزیره مسندم (نقطه جنوبی تنگه هرمز) دارد.

یک شرکت خصوصی گاز عmani

(با پشتیبانی جدی دولت عمان) نیز خواهان خرید روزانه ۲۵ میلیون متر مکعب گاز از ایران است. شیخ‌نشین‌های دبی، راس الخیمه، شارجه نیز تقاضای خرید برق و گاز را از ایران دارند.

بنابراین پیشنهاد می‌کند برای این طرح شرکت انرژی قشم با حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در بخش‌های احداث و انرژی با سرمایه مناسب اولیه در منطقه آزاد قشم تشکیل شود.

این شرکت زنجیره احداث واحدهای تولید برق و آب با

امکانات رزرو با شبکه‌های کشورهای همسایه

- امکان استفاده از خطوط انتقال فشار قوی برای انتقال اطلاعات سیستم مخابراتی
- کمک به تامین برق و گاز در شرایط اضطراری برای نواحی مختلف جغرافیایی کشور و بین کشورهای منطقه
- استفاده بهینه از منابع طبیعی موجود در کشور (آب، سوخت‌های فسیلی و غیره)
- به خدمت گرفتن جایگاه ژئوپلیتیک کشور برای تجارت‌های سودآور انرژی و افزایش امنیت منطقه‌ای و ملی

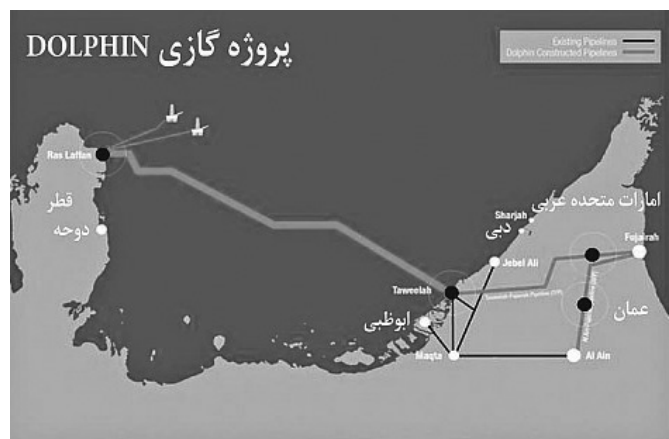
در این رابطه توسعه مناطق ویژه انرژی پیش نیاز وصول به اهداف موارد یک و دو است. برای توسعه ارتباط‌های برق و گاز ایجاد کابلهای ویژه در نقاط مناسب مرزی ضروری است. این تمرکز موجب:

- ۱- جلوگیری از پراکندگی سرمایه‌گذاری می‌شود.
- ۲- نتایج بهینه اقتصادی و امنیت برای مبادلات منطقه‌ای انرژی ایجاد می‌کند.
- ۳- نواحی مجاور این مناطق در نواحی مرزی تبدیل به مراکز کاربری گاز، آب و برق می‌شوند.

پیشنهاد: جزیره قشم قطب صادرات نیروگاهی شود بنابراین پیشنهاد می‌شود در نقاط منتخب مرزهای زمینی دریایی قطب‌های (hub) شبکه‌ای برق و گاز، به طور توأم در مجاورت هم ایجاد و به کشورهای همسایه مربوط وصل شوند. مهم‌ترین مکان‌های مناسب برای ایجاد این قطب‌ها عبارتند از: جزیره قشم برای تامین گاز و برق مورد نیاز کشور عمان و



شکل ۲. طرح برق و گاز رسانی از هنگام به عمان

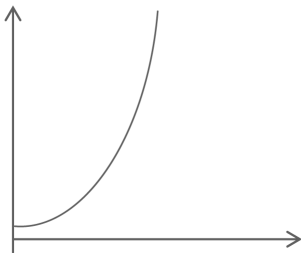


شکل ۳. انتقال گاز دلفین به عمان

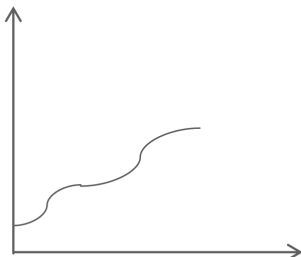
نرخ‌های مخرب بهره در اقتصاد ایران

دکتر سید احمد علی عاملی، عضو علی‌البدل هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

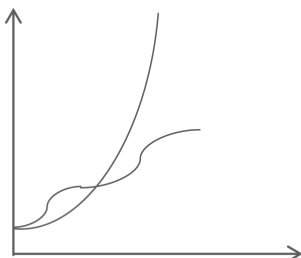
$$p_n = p_0(1 + i)^n$$



p_n (دارایی در زمان n)



p_n (دارایی در زمان n)



p_n (دارایی در زمان n)

در ادبیات مرسوم و متعارف اقتصادی، نرخ بهره به عنوان قیمت پول معرفی می‌شود. سیاست‌گذاران ما نیز با داشتن یک چنین تفکری از ماهیت نرخ بهره و کارکرد آن، شاخص تورم را که در کشور ما ماهیت مزمن و افسارگسیخته‌ای پیدا کرده است، ملاک تعیین نرخ بهره دستوری، ارزیابی می‌کنند. بنابراین، در شرایط کنونی که تورم در اقتصاد ما به ارقام بالایی رسیده است، باز هم به کرات، صحبت‌هایی از افزایش نرخ بهره آن هم متناسب با افزایش نرخ تورم، شنیده می‌شود.

این سخنان، همگی حکایت از این واقعیت تلخ دارند که اقتصاددانان ما هیچ توجهی به واقعیت‌های تاریخی کشورمان نمی‌کنند و همواره مسائل اقتصادی پیش‌رو را جدای از پیوندهای تاریخی آن، بررسی کرده و می‌کنند. تجربه تاریخی افزایش نرخ بهره متناسب با نرخ تورم حاکی از این مساله است که این دو شاخص، در روند افزایش خود مکرراً در حال رقابت با یکدیگر بوده‌اند. مادامی که نرخ بهره را به تناسب با نرخ تورم، بالا بردیم، با اندک تاخیری، دوباره شاخص تورم از نرخ بهره پیشی گرفته است. بنابراین یک چنین ملاکی برای تعیین نرخ بهره، نه تنها امکان دستیابی به یک نتیجه منطقی و مطلوب را میسر نمی‌سازد بلکه با ایجاد دور باطل تورم - نرخ بهره، همواره شاهد نرخ‌های بالایی از این دو شاخص خواهیم بود.

به علاوه، این نوع نگاه به تعیین نرخ بهره این سؤال را مطرح می‌کند که آیا ما باید نرخ تورم بالا را به عنوان یک حقیقت تاریخی برای کشور خود پذیرا باشیم و تمامی شاخص‌های دیگر را با آن هماهنگ کنیم و یا باید برای کاهش آن تلاش کنیم؟

همان‌طور که می‌دانیم، تورم افزایش مستمر و فراگیر قیمت‌هاست. مسأله‌ای که تورم را ترسانک می‌کند فراگیر بودن آن است و نکته در این جاست که این افزایش فراگیر قیمت‌ها به صورت متناسب نیست. بر این اساس بسته به اینکه هر خانوار چه کالایی را مصرف می‌کند و چه کالایی سهم بیش‌تری در زندگی روزمره او دارد، از تورم آسیب می‌بیند. در حوزه تولید هم این عدم تناسب افزایش قیمت‌ها که ماهیت تورم است، مشکل‌زاست. با توجه به اینکه نهاده‌های مختلف با افزایش قیمت‌های متفاوتی مواجهند، بسته به اینکه هر تولیدکننده از کدام نهاده و به چه میزان در تولید کالای نهایی خود استفاده می‌کند، شدت آسیب نیز برای آن‌ها متفاوت است.

با وجود این ماهیت پیچیده تورم که هم بخش مصرف و هم بخش تولید را گرفتار کرده است، چگونه می‌توان نرخ تورم را با نرخ بهره بانکی که به صورت دستوری و یکسان برای همه بانک‌ها تعیین می‌شود، مقایسه کرد؟

نکته دیگری که قابل‌بازبینی است این است که اساساً افزایش نرخ بهره بانکی منافع چه کسانی را تأمین کرده و به چه کسانی آسیب می‌رساند؟ واضح است که اغلب کسانی که از یک نرخ بهره بالاتر سود خواهند برد افرادی هستند با سرمایه‌های پولی بسیار که این مبالغ را در اختیار سرمایه‌گذاران می‌گذارند. در مقابل، گروهی که از این نرخ بهره بالاتر ضرر می‌بینند، قشر تولیدکننده اقتصاد است که حال، در این شرایط رودی و تورمی، در کنار هزینه‌های هنگفت تولید باید بار هزینه‌های ناشی از افزایش نرخ بهره را نیز به دوش بکشند. پیداست که بالاتر بردن نرخ بهره، تنها اثر و تمندان را اثر و تمندتر کرده و بخش مولد اقتصاد را بیش از پیش گرفتار خواهد ساخت. در چنین شرایطی، چگونه انتظار داریم که فعالان اقتصادی به کار در بخش مولد روی بیاورند حال آنکه هیچیک از بسترهای این امر نه تنها مهیا نیست، بلکه تلاشی هم برای ایجاد آن صورت نمی‌دهیم و گاه اوضاع را وخیم‌تر نیز می‌سازیم.

از طرفی این هشدار را به مسئولین می‌دهیم که این روند صعودی بودن نرخ بهره قطعاً به فریاد ناشی نظام مالی می‌انجامد. زیرا ارزش دارایی بانک‌ها که با نرخ ثابت وام می‌دهند به صورت‌نهایی با تابع زیر نشان داده می‌شود.

از طرفی بدون شک روند انباشت دارایی در بخش حقیقی اقتصاد در بهترین حالت به صورت سینوسی است:

اگر این دو منحنی را بر هم منطبق کنیم خواهیم دید که در بلندمدت شکاف بین این دو بخش افزایشی است و سرانجامی جز بحران بیش‌تر برای اقتصاد از کانال بخش مالی نخواهد داشت.

آنچه که برای تمامی این نکات دارای اهمیت و جالب توجه است این است که گذشته از اینکه خود نرخ بهره هیچ جایگاهی در مبانی اقتصاد اسلامی ندارد، افزایش پی‌در پی آن، عملاً با هدف عدالت اجتماعی که از اهداف رویکرد اقتصاد اسلامی و انقلاب اسلامی مان بوده و هست، مغایرت دارد. از این رو، باید مراقب بود که منافع ملی را فدای منافع گروهی و زودگذر نکرده و در این شرایط حساس، بسترهای بروز شکوفایی و رشد اقتصادی کشورمان را با سیاست‌های شتاب‌زده و کوتاه‌نگرانه، بیش از این تخریب نکنیم.

صنایع کوچک و متوسط، آنچه باید باشند

فرزاد عباسی؛ مدیر عامل شرکت پارادان صنعت

در مفهوم توسعه صنعتی، بی شک SME یا همان که ما آن را صنایع کوچک و متوسط ترجمه کرده ایم فراتر از یک لغت با ترجمه ای هسان بوده و خود یک مفهوم برای درک متقابل دولت و بنگاه ها است.

آنچه فضای کار و کسب نامیده می شود و تلفیقی از کنش و واکنش اقتصاد کلان و خرد، محیط خارج و داخل و هر آنچه بزرگان می گویند، است. ناپسانمانی در محیط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ضربه پذیری این صنایع را حداکثر می کند.

معیارهای کمی و کیفی ارائه شده برای این مفهوم، کم و یا زیاد در نقاط مختلف دنیا متفاوت بوده، اما تنها آثانی موفق بوده اند که اصالت را به این ساز و کار کارآمد داده اند.

کوچک، زیباست. کوچک، کارآمد است. مفهوم در زیبایی کارآمدی است.

آنچه مفهوم صنایع کوچک و متوسط را در فضای کسب و کار متعادل و متعادل توضیح می دهد، این مفهوم است. ما نیز اگر می خواهیم سهم بایسته از توسعه را در این حجم گسترده تجارت و صنعت در دنیای متعامل امروز بیابیم، بدون رسیدن به این مفهوم هیچ نخواهیم یافت.

ابتدا معیارهای خود را بیان کنیم:

- بررسی لیست ۵۰۰ شرکت بزرگ ایران فروش حداقل ۴۰ میلیارد تومان را نشان می دهد. بیش از ۸۵ درصد صادرات متعلق به این شرکت ها است که عمدتاً بنگاه هایی در رده بانک ها و پتروشیمی ها و خودروسازی ها هستند. قوانین مشمول این بنگاه ها با ساز و کار لازم برای شرکتی که فروش آن حداکثر یک میلیارد تومان است، اما در زنجیره تامین صنایع بزرگ قرار می گیرد، کاملاً متفاوت است. پس اولین معیار قابل بررسی، میزان فروش سالیانه می تواند باشد. حال همین تعداد بنگاه ها چه درصدی از مالیات تولید شده لازم برای سبد مالیاتی دولت را تامین می کنند و چه سهمی از تولید ناخالص ملی به خود اختصاص داده اند؟

- به لحاظ اشتغال و تعداد پرسنل آنچه شامل صنایع مورد بحث می شود، تعداد شاغلین زیر ۵۰ نفر است. تعداد کارگاه های صنعتی شامل این تقسیم بندی بیشترین سطح اشتغال پایدار کشور را تشکیل می دهد.

- معیار دیگر قابل بررسی، مقدار سرمایه لازم برای راه اندازی و میزان سرمایه در گردش لازم برای بنگاه هایی از این دست است. آنچه در نقد عملکردهای گذشتگی دیده شد، عدم کفایت سرمایه اولیه و مقدار تسهیلات در نظر گرفته شده بود.

وارد بحث انحرافات از صرف مبلغ اعطایی نمی شویم. اگر چه معتقدیم که اگر اصالت کار مورد قبول طرفین می بود، بنگاه اقتصادی برای گذران امورات می تواند از سبد سرمایه گذاری متعددی استفاده کند. از طرفی اهلیت گیرندگان وام های تکلیفی

و ترجیحی خود جای سوال است و الباقی قضایا.

- باید در نظر گرفت که در این صنایع هسته اولیه مدیریت، عموماً اعضا خانواده ای مشخص بوده و با بر اساس رفاقت، کار را آغاز کرده اند. پس نوع مدیریت این بنگاه ها و سطوح آن بسیار ساده بوده و بیش از آنکه رویکرد مالی داشته باشد، عمدتاً حرفه ای و تخصصی است.

- بررسی این صنایع، رشد نرخ تشکیل سرمایه ثابت را در طی زمان راه اندازی تا بهره برداری، عمدتاً با سرعت کمی نشان می دهد و دلیل اصلی این امر توسعه تدریجی است. منطقی ترین شکل که دقیقاً با چرخه عمر سازمان ها منطبق است. دست پنهان بازار نیز، ضامن فراز و فرود این صنایع است. آنان بر اساس سودآوری شکل می گیرند و در شرایطی که صرفه اقتصادی نداشته باشند، سریعاً از بین می روند و هیچ دلیل تکلیفی برای ادامه حیات خود ندارند.

- ارزش افزوده ایجاد شده در این صنایع از نظر نرخ سرمایه، عمدتاً قابل قبول بوده و از شاخص های قابل بررسی و تفکیک است.

حال چرایی ایجاد مشکل برای این صنایع، دو دلیل عمده دارد:

دلیل اول به ساختار خود این بنگاهها بر میگردد. مدیریت در طی زمان بروز نمی گردد. تحقیق و توسعه بسیار ضعیف است. انگیزه ایجاد و عضویت در تشکلهای مربوطه بسیار کم رنگ است. تقسیم کار بین شرکا به درستی انجام نشده و حفظ سازمان به عنوان یک مسئولیت اجتماعی جدی گرفته نمی شود. به این موارد اضافه کنید و وصل بودن به صنایع بزرگ و دولت را که با نوسانات محیط کلان و محیط سیاسی توانایی به پامی کنند.

دلیل دوم به نگاه دولت برمی گردد. دولت بزرگ، اقتصاد بزرگی را طلب می کند. مالیات بر اساس مفاهیم قدیمی و از دل قوانین چندده ساله و وصول می شود. سبد مالیاتی دولت نه تنها پایه های جدید مالیاتی را تعریف نمی کند، بلکه تشویق کننده همگان به پنهان کاری است.

دولت به دلایل مختلف ذاتاً مخالف شکل گیری تشکلهای است. اولاً که به درآمدهای مالیاتی که به تبع اقتصادی پویا حاصل می شود، نیازی نمی دیده است و دیگر اینکه توانسته رابطه دولت-ملت را به ملت-دولت تبدیل کند.

از تمامی این موارد بگذریم. آنچه پیشنهاد می شود می تواند دستور کار مطالعات آتی قرار گیرد و امید است در کوتاه مدت و تا فرصت پیش از این، از دست نرفته، بتوان کاری کرد.

۱- تقویت تشکلهای تخصصی مربوط به تصمیم گیری در امور مربوط صنایع کوچک و متوسط جهت پی گیری امور حقوقی و برنامه ریزی کلان.

۲- کاهش مالیات بر درآمد از ۲۵ درصد به ۲۰ درصد جهت ایجاد مزیت رقابتی حداقل با نزدیکترین کشور صنعتی و همسایه

- ترکیه و کاهش فرار مالیاتی مطابق با تجربیات کشورهای بزرگ صنعتی و برای این منظور می توان از ابزارها و مشوق های ذیل بهره برد:

الف) چاپ فاکتورهای متحدالشکل از سوی سازمان دارایی و یا توزیع بر چسب های هولوگرام (به عنوان اوراق بهادار) قابل نصب بروی فاکتورهای صادره به اسم و شماره شناسایی صادر کننده و نه آنچه بر سر طرح شبنم آمد.

ب) افزایش مبلغ ذکر شده در ماده ۲۷۲ قانون مالیات های مستقیم به اندازه تغییرات تورم از سال ۱۳۷۲ (سال تصویب قانون) تاکنون.

ج) عدم مشمولیت واحدهای صنعتی و تولیدی خرد و کوچک با سطح فروش کمتر از ۵۰ درصد مبلغ اصلاح شده ماده ۲۷۲ قانون مالیات های مستقیم از مشمول قانون حسابرسی تامین اجتماعی.

۳- کاهش حق بیمه سهم کارفرما از ۲۰ درصد به ۱۵ درصد و پرداخت ۳ درصد سهم دولت توسط خود دولت و در قبال همان یارانه تولید که قرار بود به بخش تولید پرداخت شود که شاید تلنگری باشد برای سازمان تامین اجتماعی در قبال عدم کارایی و بهره وری.

۴- سندیکاهای صنایع کوچک جهت ایجاد انگیزه پرسنلی، خدمات بیمه در مان تکمیلی را به پرسنل خود ارائه کنند تا علاوه بر حل بخشی از مشکلات پرسنل، هزینه های پنهان و پیدای سختی معاش، به وظیفه اجتماعی خود عمل کرده باشند. مطمئناً چنین خدمتی، انگیزه خدمت پرسنل را افزایش خواهد داد.

۵- سندیکاهای کارفرمایی و کارگری، همزمان کمیته هایی تشکیل دهند تا بر کیفیت آموزش پیش از کار و در حین خدمت پرسنل در نهادهایی به مانند مراکز آموزش فنی و حرفه ای نظارت کند. آیا آموزش پرسنل در این مراکز که عمدتاً از بودجه های دولتی استفاده می کنند، اثر بخشی لازم را دارد؟

۶- تعامل ذی نفعان کار اعم از کارگر و کارفرما و بزرگترین ذی نفع یعنی جامعه در تعریف مجدد ارزش های کار. آیا این امر هنوز مقدس شمرده می شود؟ شما می توانید ورود نیروی کار معتقد به کار توسط جامعه شناسان کار اطلاع حاصل کنید.

۷- تشکیل شرکت های بازرگانی خارجی توسط سندیکای صنایع کوچک برای سرشکن هزینه بازاریابی و عملیات صادرات، همانند آنچه چین تجربه آن را بسیار دارد.

۸- آموزش های تخصصی برای مدیران و صاحبین این بنگاه ها.

۹- نهایتاً اینکه اسناد بالادستی مرتبط با توسعه با الگو برداری از کشورهای پیشرو در توسعه صنعتی جایی برای این صنایع داشته باشند.

تیر خلاص

بر صنایع نیمه جان برق

مجید میثاقی، مدیر مهندسی فروش شرکت پارس سویچ

صنعت برق ایران هم اکنون از پتانسیل‌های بالایی برخوردار است. یکی از این پتانسیل‌ها، صنایع سازنده تجهیزات برق است که در طول چهار دهه گذشته به دست آمده و تلاش‌های زیادی برای دستیابی به خودکفایی و عدم وابستگی صورت گرفته و نتایج آن را به خوبی در شرایط تحریم دیدیم. حاصل این تلاش‌ها این بود که امروز ما از نظر تامین تجهیزات الکتریکی و ساخت قطعات مورد نیاز در شرایط بسیار مطلوبی به سر می‌بریم و می‌توانیم ادعا کنیم که نزدیک به ۹۵ درصد تجهیزات مورد نیاز برای شبکه‌های انتقال، فوق توزیع و توزیع را در داخل تولید می‌کنیم. علاوه بر تامین داخل و ضمن اشتغال زایی، محصولات صنایع برق به کشورهای مختلف نیز صادر می‌شود که سبب ارز آوری می‌شود.

صنایع برق در سه و چهار سال اخیر با قطع ارتباط با خارج و در زیر فشار تحریم‌ها با استفاده از توانایی‌های متخصصین، مراکز علمی داخلی، مدیریت شرایط بحرانی و با افزایش ساخت داخل به یاری صنعت برق آمده و تجهیزات مورد نیاز خطوط انتقال و پست‌های توزیع و انتقال را تامین نموده و یاور صنعت برق بوده‌اند. صنایع برق، حاصل بیش از سه دهه تلاش و با کارنامه درخشان خدمت، در سال‌های اخیر صدمات سنگینی را به علت کاهش بودجه‌های عمرانی در بخش برق متحمل شده به طوری که اکثر شرکت‌های این بخش در حالت نیمه جان بسر می‌برند و شرکت‌های بزرگ و تامین‌کنندگان قطعات آنها با تعدیل نیرو و کاهش فروش تا ۷۵ درصد در حال اغما هستند.

تحمل این شرایط سخت و عدم اعلام ورشکستگی و بسته شدن صنایع به امید گشایش در بودجه‌های عمرانی برق بوده که امید است با چرخش شرایط بوجه دولت، به وقوع بپیوندد.

شرکتهای خارجی که در دهه‌های گذشته نتوانسته بودند حریف صنایع برق ایران شده و بازار ایران را تصاحب نمایند با آگاهی از شرایط فعلی و نیمه جان، و فرصت نبود بودجه عمرانی و عطش اجراء پروژه‌ها به هر قیمت، شرایط را برای نابودی صنایع برق ایران مناسب دیده و در راستای آن با همراهی برخی تصمیم‌گیرندگان ناتوان در حال اجرای اولین برنامه‌های عملیاتی هستند.

در اولین قدم، شرکت‌های چینی با فاینانسی که دولت چین در اختیار آنها گذاشته به دنبال اخذ قرارداد تعدادی پست فشار قوی برق در مناطق مختلف ایران از طریق فاینانس هستند و طبق روش چینی‌ها در صورت موفقیت در اخذ قرارداد کلیه تجهیزات (حتی آهن آلات ساده) را از چین وارد خواهند کرد و برنامه‌های بعدی آنها اجرای مشابه پروژه در اکثر برق‌های منطقه‌ای است.

در صورتیکه شرکت‌های چینی موفق به اجرای فاینانس به روش و شیوه فوق شوند تیر خلاص به صنایع برق است که باید منتظر بسته شدن کلیه صنایع فعلی بوده و سبب از دست رفتن حاصل ده سال تلاش و هزینه صرف شده بیت‌المال و بیکاری هزاران تن، و وابستگی کامل به خارج خواهیم بود.

از طرفی بانک توسعه اسلامی نیز وامی را در اختیار ایران قرار داده و طبق قوانین ایران محاسبه قیمت کالا بر حسب دلار مرجع خواهد بود. این در حالی است که بخش زیادی از مواد خام و قطعات وارداتی صنایع برق با دلار آزاد و پرداخت حقوق گمرکی است.

با شرایط مذکور برای وام بانک توسعه اسلامی، قدرت رقابت سازندگان داخلی در شروع مناقصه کمتر از مشابه خارجی خواهد بود و مشابه فاینانس چینی‌ها سبب از دست رفتن بازار ایران و فشار مضاعف بر صنعت نیمه جان برق خواهیم بود.

از مسئولین و دست‌اندرکاران زیربسط تقاضا دارد که برای جلوگیری از نابودی صنایع برق اقدام عاجل نموده و اجرای فاینانس و وام به روش فوق متوقف شود.

بعضی از روش‌های اصلاحی برای فاینانس و وام که ضمن جذب سرمایه سبب ارتقاء صنعت برق (بجای نابودی آن) می‌شود موارد زیر است.

- ۱- تامین حداقل ۷۰ درصد کالا از توانمندی‌های تولید، فنی و مهندسی داخلی
- ۲- ایرانی بودن پیمانکار پروژه (در راستای قانون استفاده حداکثر از توان فنی و مهندسی)
- ۳- قیمت اجرائی پروژه باید حداکثر ۲۰ درصد برآورد پروژه باشد
- ۴- مشاور حتماً ایرانی باشد و اختیار تام برای رد یا قبول تجهیزات و کنترل تایپ تست‌ها و تطبیق با مشخصات پروژه را داشته باشد تا از ورود اجناس بی کیفیت جلوگیری شود.

۵- امکان قبول بخشی از قطعات که توسط صنایع از چین وارد می‌شود به عنوان در صد وارداتی فاینانس

۶- لزوم انتقال تکنولوژی به یک شرکت ایرانی برای اجناسی که مشابه داخلی ندارند (با توجه به حجم بالای پروژه‌های فاینانس)

۷- ۱۰ درصد از سهم تامین داخلی صرف انتقال دانش فنی برای تولید محصولاتی که در داخل تولید نمی‌شوند با عمق ساخت داخل حداقل ۵۰ درصد

گزارش

در ششمین نایشگاه بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر تأکید شد:

تحول اقتصاد انرژی

با اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

ششمین نایشگاه بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی و مولدهای مقیاس کوچک، از تاریخ هفتم تا دهم اسفند ماه سال جاری توسط وزارت نفت، وزارت نیرو و با همکاری سازمان انرژی‌های نو (سانا)، سازمان بهره‌وری انرژی، کمیته ملی انرژی ایران و نیز با مشارکت سندیکای صنعت برق ایران در سالن خلیج فارس در محل دائمی نایشگاه‌های بین‌المللی ایران برگزار شد.

این نایشگاه، در تاریخ هفتم اسفند ماه سال جاری با حضور ۳۷ شرکت از کشورهای چین، فرانسه، تایوان، سوئد، آلمان، کره جنوبی، اسپانیا و ایران افتتاح شد. دیدار صمیمانه و توأم با صبر و حوصله مهندس فلاحتیان، معاون وزیر نیرو و سایر مسؤولان ذیربط با نایندگان شرکت‌های حاضر در نایشگاه و شنیدن درد دل‌های آنان را می‌توان از نقاط قوت این نایشگاه برشمرد.

سندیکای صنعت برق ایران نیز همچون سال‌های گذشته به سبب تجارب موافقی که در برگزاری این نایشگاه از خود نشان داده است، یک بار دیگر ضمن ایجاد هماهنگی‌های لازم با

مسؤولان برگزارکننده نایشگاه فرصتی را فراهم آورد تا با همراهی اعضا در کنار یکدیگر به معرفی خدمات و دستاوردهای خود بپردازند.

طی چهار روز برگزاری نایشگاه، سندیکای صنعت برق ایران، میزبان جمع کثیری از کارشناسان صنعت برق در بخش‌های دولتی و خصوصی و تعدادی از مدیران ارشد وزارت نیرو، شرکت‌های برق منطقه‌ای و شرکت‌های توزیع نیروی برق سراسر کشور از جمله آقایان: مهندس چیت‌چیان وزیر نیرو، مهندس فلاحتیان قائم‌مقام وزیر نیرو، مهندس آرمودلی مدیر عامل سازمان انرژی‌های نو (سانا) و... بود.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی و میزگردهای تخصصی نیز جزو برنامه‌های برگزارکنندگان محسوب می‌شد که در همین راستا برگزاری میزگرد تخصصی "فرصت‌ها و چالش‌های موجود در احداث نیروگاه‌های پراکنده برق خورشیدی" را که توسط سندیکای برق و با از دعوت و حضور آقایان ستار محمودی قائم‌مقام وزیر نیرو، دکتر منظور رئیس کمیته ملی

انرژی، مهندس مهذب‌ترابی رئیس انجمن علمی رییس انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی کشور و مدیر عامل شرکت مهندسی مشاور نیرو، مهندس حمیدرضا صالحی عضو هیأت مدیره سندیکای صنعت برق ایران و مهندس آرمودلی مدیر عامل سانا در اولین روز این نایشگاه برگزار شد، می‌توان از ویژگی‌های ممتاز این نایشگاه برشمرد. این میزگرد با استقبال بسیار چشمگیری از سوی مدیران و کارشناسان شرکت‌های خصوصی، توزیع و شرکت‌های برق منطقه‌ای کشور همراه شد و در پی آن بسیاری از شرکت‌ها با فعالیت‌های سندیکای برق آشنا شدند.

واحد عضویت سندیکا طبق روال گذشته ضمن معرفی خدمات و فعالیت‌های سندیکای صنعت برق ایران، پاسخگوی بسیاری از مدیران، کارشناسان و بازدیدکنندگان بود.

در جریان برگزاری این نایشگاه همچنین تعداد بسیاری از شرکت‌های غیر عضو فعال در این صنعت، متقاضی عضویت





در سندیکا شدند.

شرکت های گسترش انرژی های تجدید پذیر آفتاب شرق، ارم زمین گرمایی، پرتو گستر هور، پلار مهر ایرانیان، کنتورسازی ایران، کومین زادیک، قشم و لتاژ و مینا از جمله شرکت های عضو حاضر در نایشگاه بودند. سرانجام نایشگاه در روز دهم اسفند ماه پس از چهار روز به پایان رسید. پایانی که هر چند دوباره ساکت، آرام و بدون مراسم اختتامیه بود اما رضایت و امید را در میان شرکت کنندگان از بین نبرد.

افزایش ۲۴ درصدی قیمت برق از فروردین اعمال می شود. حمید چیت چیان در حاشیه بازدید از ششمین نایشگاه بین المللی انرژی های تجدید پذیر، بهره وری انرژی و مولدهای مقیاس کوچک در محل دائمی نایشگاه های بین المللی تهران، درباره افزایش قیمت برق گفت: بر اساس مصوبه دولت، افزایش ۲۴ درصدی قیمت برق اعمال می شود و چون قبض های برق هر

یک ماه و نیم صادر می شوند، بنابراین قیمت برق در قبوض سال ۹۲ افزایش ۲۴ درصدی نخواهد داشت.

وی با بیان اینکه افزایش قیمت از اسفند ماه اعمال می شود اما قبوضی که افزایش قیمت برق در آنها اعمال شده است، فروردین ماه ۹۳ به دست مشتریان می رسد، گفت: با توجه به مصوبه اخیر هیات وزیران، قبوض فروردین ماه مشتریان با اعمال افزایش قیمت صادر خواهد شد.

وی با اشاره به سیاست ها و راهبردهای ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی، گفت: همین فناوری های نو و انرژی های تجدید پذیر از مواردی است که جزو سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری است.

وی با بیان اینکه با استفاده از انرژی های نو مقادیر زیادی انرژی فسیلی، نفت خام و گاز طبیعی صرفه جویی می شود، گفت: با صرفه جویی استفاده از انرژی های تجدید پذیر، می توان محصول های ارزشمندی را تولید و صادر کرد.

وی تصریح کرد: با استفاده از انرژی های تجدید پذیر، امکان

صادرات بیشتر می شود و این فناوری ها به حفظ محیط زیست، افزایش بهره وری و کاهش مصرف انرژی کمک می کند که همانا اجزایی ساختن سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری است. وزیر نیرو با بیان اینکه متأسفانه مصرف انرژی در کشور بسیار بالا است و روزانه مقادیر قابل توجهی از انرژی در کشور به هدر می رود، ابراز امیدواری کرد: با اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی که بخشی از آن مرتبط با انرژی است، خدمات شایسته ای به اقتصاد کشور انجام دهیم و اقتصاد را متحول کنیم.

مبادله بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد ریال قرارداد تولید برق از انرژی های نو هوشنگ فلاحتیان، در حاشیه بازدید دو ساعته خود از سالن خلیج فارس که محل برگزاری ششمین نایشگاه بود، در جمع خبرنگاران از انعقاد ۱۰ هزار میلیارد تومان قرارداد با بخش خصوصی برای احداث نیروگاه های انرژی تجدید پذیر نظیر نیروگاه های بادی و خورشیدی خبر داد و اعلام کرد که این

وزارتخانه به دنبال اصلاح قیمت برق برای سال آینده طبق مصوبه هدفمندی یارانه ها است.

وی همچنین در پاسخ به پرسش خبرنگاران در باره برنامه این وزارتخانه برای افزایش قیمت برق طبق مصوبه بودجه سال ۹۳ برای هدفمندی یارانه ها گفت: این تصمیم هنوز توسط دولت اتخاذ نشده است و وزارت نیرو بی گیر این موضوع است که بتواند یک اصلاح قیمت داشته باشد. معاون وزیر نیرو ادامه داد: در حال حاضر اگر قیمت سوخت را در قیمت تمام شده برق صفر در نظر نگیریم امسال قیمت برق در فرآیند تبدیل انرژی، توزیع و انتقال آن ۶۸ تومان هزینه دارد که ما تنها ۲۶ تومان دریافت می کنیم. وی تصریح کرد: اقتصاد برق در حالی شکوفا می شود که ما بتوانیم بازار و فضای کسب و کار را در این زمینه توسعه دهیم و قیمت ها را به گونه ای تعیین کنیم که بخش خصوصی تمایل به سرمایه گذاری در این زمینه داشته باشد و بتوانیم مطالبات آنان را پرداخت کنیم. معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی همچنین در جمع خبرنگاران افزود: بر اساس مفاد بودجه سال جاری که در بودجه سال آتی نیز بر آن تاکید شده به وزارت نیرو فرصت داده شد معادل ۱۲ هزار میلیارد تومان برای احداث نیروگاه های انرژی تجدیدپذیر، بهبود راندمان نیروگاه ها، کاهش تلفات و بهینه سازی مصرف از طریق بیع متقابل قرارداد مبادله کند که تا اول اسفند ماه ۱۰ هزار میلیارد تومان قرارداد با بخش خصوصی برای افزایش بهره وری نیروگاه ها و احداث نیروگاه های بادی و خورشیدی مبادله شده است.

وی در مورد توسعه نیروگاه های تجدیدپذیر توسط بخش خصوصی گفت: تاکنون قرارداد احداث ۵۰۰ مگاوات نیروگاه بادی و خورشیدی توسط بخش خصوصی به امضا رسیده است که امید است تا پایان سال ۹۳ به بهره برداری برسد. وی افزود: در حالی که قیمت برق برای هر کیلووات ساعت

۴۳ تومان به فروش می رسد، برق تولیدی از نیروگاه های تجدیدپذیر با قیمت تضمینی ۴۴۳ تومان خریداری می شود. فلاحتیان ادامه داد: وزارت نیرو به دنبال تنوع بخشی به سبد برق تولیدی کشور است. به همین منظور به دنبال راهبردهای جدید برای توسعه برق از طریق نیروگاه های بادی و خورشیدی است.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا قیمت برق در سال آینده افزایش می یابد یا خیر گفت: افزایش قیمت برق منوط به تصمیم قطعی هیات دولت است و هنوز در این خصوص تصمیمی گرفته نشده است.

تامین ۶۰۰ مگاوات برق از انرژی های نو در سال ۹۳

ستار محمودی نیز که در بازدید از ششمین نمایشگاه بین المللی انرژی های تجدیدپذیر با خبرنگاران سخن می گفت ضمن بیان اینکه بخش انرژی های تجدیدپذیر در کشور هنوز جوان است، افزود: طبیعی است که سرمایه گذاری در این عرصه مورد استقبال باشد.

وی با بیان اینکه تشویق وزارت نیرو برای سرمایه گذاران در این زمینه تعیین نرخ بالاتر خرید برق در مقایسه با منابع دیگر است، به ابلاغ سیاست های اقتصاد مقاومتی که یکی از بندهای آن انرژی های نو است، اشاره کرد و افزود: یکی از رکن های مهم اقتصادی در کشور بحث انرژی است که تنوع و پیچیدگی های خاص خود را دارد.

محمودی افزود: در گذشته بحث انرژی به صورت انرژی های سوخت فسیلی رواج داشت که ارزشمند بود اما استفاده از آنها با مشکلاتی همراه بود، اما اکنون دانش جهانی و تحقیقات کشور به سمتی رفته که انرژی های نو در ابعاد گسترده تری جایگزین انرژی های فسیلی شده است.

قائم مقام وزیر نیرو ادامه داد: یکی از اهداف وزارت نیرو در

این دوره کاری توسعه انرژی های تجدیدپذیر و تولید پراکنده است تا بتوانیم مقداری از تلفات انتقال را کاهش دهیم؛ در اقتصاد مقاومتی دو وجه عمده به صورت مستقیم و غیرمستقیم با حداقل سرمایه گذاری و حداکثر بهره برداری و بالاترین نگاه مدیریتی و عملیاتی در کاهش تلفات مصداق دارد. قانون گذار تمهیدهایی اندیشیده است تا سرمایه گذاران در بخش انرژی های نو با برگشت سرمایه مناسب همراه شوند تا نسبت به سرمایه گذاری در این حوزه بیشتر ترغیب شوند.

وی با بیان اینکه سرمایه گذاری در یک نیروگاه بیش از یک هزار میلیارد تومان هزینه دارد، افزود: در نیروگاه های کوچک به دلیل ظرفیت های پایین هزینه بهره برداری کمتر است. به گفته محمودی، تامین منابع مالی برای بخش انرژی های تجدیدپذیر باید برگرفته از منابع غیر دولتی باشد. قائم مقام وزیر نیرو سپس گفت: برای تامین انرژی از محل نیروگاه های تجدیدپذیر در سال آینده ۶۰۰ مگاوات پیش بینی شده و منابع مالی با توجه به تغییری که در خرید قیمت انرژی ایجاد شده، رقمی بالاتر از ارقام گذشته برای تسویق به سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر است.



۱۰امین نمایشگاه بین المللی تهران / محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران
www.energysaving.ir - www.iecree.com

گزارشی از میزگرد تخصصی فرصت‌ها و چالش‌های موجود در احداث نیروگاه‌های پراکنده برق خورشیدی

پیمانکاران نگران مسأله پرداخت نباشند

مهندس راحله قزل، دبیر کمیته تخصصی انرژی‌های تجدیدپذیر

که بهتر است به جای پرداخت هزینه‌های درمان و دیگر هزینه‌های ناشی از آلودگی، هزینه مذکور را صرف کاهش آلودگی و توسعه تجدیدپذیر کنیم. مهندس محمودی همچنین بر توجه به انتظارات، توانمندی‌ها و علایق بخش خصوصی تأکید کرد و توسعه و شکل‌گیری درست این صنعت را منوط به پاسخ‌دهی درست به این خواسته‌ها و علایق دانست. او علاوه بر این افزود: ساز و کار وزارت نیرو باید در جهت باشد که به جای مداخله‌کننده نقش هدایتگر را ایفا کند به نحوی که پیونددهنده مجریان، سرمایه‌گذاران و مصرف‌کننده‌ها به صورت شفاف و اعتدال‌برانگیز باشد. مهندس محمودی همچنین با تأکید بر این که وزارت نیرو باید سازمانی قانون‌نگار، حمایتگر و پایشگر باشد، یکی از وظایف وزارت نیرو را افزایش سطح کیفیت در دریافت خدمات و استمرار در پشتیبانی و خدمات برای مصرف‌کننده دانست و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و تعامل با سندیکارها را لازم دانسته و بر باز

رایک فرصت تاریخی در کشور به منظور توسعه و ارتقای انرژی‌های تجدیدپذیر برشمرد. در ادامه آقای مهندس ستار محمودی علاقه‌مندی خود را به حضور در نشست به منظور دریافت خواسته‌های بخش خصوصی و نظرات آنها ابراز کرد و روشن نمودن زاویه ذهنیت و سیاست‌های وزارت نیرو را برای حاضرین لازم دانست. او تأکید کرد که نظرات بخش خصوصی در این جلسه جمع‌بندی و بر اساس ساز و کار سیستم وزارت نیرو پیگیری خواهد شد. ستار محمودی همچنین با تأکید بر فواید استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و ضرورت توسعه آن گفت: با توجه به مشکلات زیست‌محیطی به خصوص معضل آلودگی هوادر کلانشهرها، نگاه توسعه‌ای به نیروگاه‌های تجدیدپذیر و کم‌رنگ کردن نقش سوخت‌های فسیلی در مصرف انرژی ضروری است. بنا بر اعتقاد وی، آلودگی محیط زیست همچنین اثراتی بر روی سلامت و بهداشت مردم و بالطبع هزینه‌هایی نیز در درمان دارد

در حاشیه ششمین نمایشگاه بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر نشست تخصصی "فرصت‌ها و چالش‌های موجود در احداث نیروگاه‌های پراکنده برق خورشیدی" در تاریخ هفتم اسفند ماه توسط سندیکای صنعت برق ایران برگزار شد. در این نشست که با حضور آقایان ستار محمودی قائم مقام وزیر نیرو، دکتر منظور رئیس کمیته ملی انرژی، مهندس مهذب ترابی، رییس انجمن علمی مدیریت مصرف انرژی کشور و مدیر عامل شرکت مهندسين مشاور نیرو، مهندس حمیدرضا صالحی عضو هیئت مدیره سندیکای صنعت برق ایران، مهندس آرمودلی مدیر عامل سانا و جمعی از مدیران کارشناسان شرکت‌های خصوصی، توزیع و برق‌های منطقه ای کشور برگزار شد، ابتدا مهندس مهذب ترابی که به نمایندگی از کمیته انرژی‌های تجدیدپذیر سندیکا ریاست پتل را به عهده داشت به ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و اهمیت آن اشاره کرد و حضور آقای مهندس چیت‌چیان در وزارت نیرو

نمودن فضا توسط وزارت نیرو برای استفاده از ظرفیت بخش خصوصی تاکید کرد.

وی در ادامه بر اهمیت تولید بر مبنای نگاه مصرف کننده تاکید کرد و تلاش های وزارت نیرو را در توسعه انرژی های تجدیدپذیر قابل قدر دانست. او سپس به افزایش قیمت خرید برق تضمینی تجدیدپذیر به ۴۴۳ تومان که با تلاش های مستمر وزارت نیرو به خصوص آقای چیت چیان صورت گرفته است، اشاره کرد و در ادامه با اعلام پیشنهاد خود به تولیدکنندگان مبنی بر تلاش در جهت کاهش قیمت تمام شده محصولات، استفاده از ظرفیت های موجود در ماده ۱۹ را به بخش خصوصی پیشنهاد داد و در نتیجه تلاش دولت را بر افزایش قیمت خرید برق به منظور حمایت و شکل گیری درست این صنعت، ضروری برشمرد.

ستار محمودی در پایان سخنانش علاقه مندی خود را به افزایش ارتباطات و تعاملات بخش خصوصی با وزارت نیرو و ابراز کرد.

در ادامه این نشست، آقای مهندس آرمودلی به سوالات مطرح شده توسط حاضرین پاسخ داد که عمده مباحث مطرح شده و پیشنهادات به شرح زیر است:

ابتدا حاضرین نحوه و ترتیب اولویت بندی سانا در سیستم های خورشیدی را جویا شدند و اینکه نحوه سیاست گذاری در توسعه نیروگاه های تجدیدپذیر در ایران چگونه است (سیستم های خانگی و منطقه ای و بعد نیروگاهی یا بالعکس؟) و در ادامه پیشنهاد شد با توجه به اینکه در اکثر کشورها سیاست گذاری ها از سیستم های کوچک به بزرگ است و ترجیح داده می شود تولید به صورت خانگی و منطقه ای و سپس نیروگاهی توسعه یابد در ایران نیز به این روش صورت گیرد. توسعه محلی محاسنی دارد که می توان به مواردی چون عدم نیاز به توسعه شبکه توزیع اشاره کرد زیرا عموماً برق تولید شده در محل تولید مصرف می شود که سبب کاهش تلفات توزیع می شود و پیشنهاد می شود در سیاست گذاری ها همانطور که تمایل به نیروگاههای بزرگ وجود دارد به توسعه بخش مقیاس کوچک هم توجه شود که در پاسخ موضوعات مطرح شده، مهندس آرمودلی سیاست وزارت نیرو را توسعه موازی سیستم های خورشیدی مقیاس کوچک و بزرگ اعلام کرد.

حاضرین همچنین از برگزاری عجلولانه مناقصات در سال جاری انتقاد کردند و زمان در نظر گرفته شده برای اجرای مناقصات، تامین تجهیزات و نحوه پرداخت ها را بسیار کوتاه برشمردند که منجر به بروز مشکلاتی در خروجی پروژه ها و اجرای آنها خواهد شد.

مهندس آرمودلی در این خصوص ابراز امیدواری کرد که مشکلات موجود در اجرا با گذر زمان حل خواهد شد و شرکت های توزیع نیز باید آمادگی لازم را در فشار ضعیف ایجاد کنند و اینکه قانون بایستی از نظر فنی روی شبکه ها اجرا شود.

انتقاد اعضا از اصرار شرکت های برق منطقه ای بر استفاده از محصولات تولید داخل، بخش دیگری از مباحث مطرح شده در این میزگرد بود. زیرا بنا بر گفته آنها در زمان کوتاه موجود،

امکان ارزیابی دقیق ظرفیت تولید داخل با توجه به حجم پروژه ها وجود ندارد که در این خصوص پیشنهاد اجازه استفاده از محصول خارجی به شرط انتقال تکنولوژی مطرح شد که به موازات آن به تولید کننده داخلی نیز فرصت ارتقای کیفیت داده خواهد شد.

در ادامه مهندس صالحی ماده ۱۹ را فرصت بسیار خوبی در این زمینه دانست و پیشنهاد کرد که شرکت ها فقط به فکر استفاده از ماده ۶۹ نباشند. وی بر لزوم تغییر نگاه نمایندگان مجلس و دولت به مقوله اقتصاد انرژی تاکید کرد و پیشنهاد داد از آگروز آلوده کننده ها (نیروگاه ها و پالایشگاه ها) و آلاینده های محیط زیست عوارض دریافت شود و درآمد حاصل از آن صرف توسعه انرژی های تجدیدپذیر شود. همچنین پیشنهاد تدوین سند راهبردی انرژی های تجدیدپذیر و استراتژی مشخص مطرح شد زیرا بر اعتقاد ایشان با سانا کوچک نمی توان این صنعت را جلو برد و بایستی اراده بزرگتری همچون معاونت انرژی های نو در وزارت نیرو به وجود بیاید تا بتوانیم به اهدافی همچون کسب سهم بزرگتری از بازار، اشتغالزایی و انتقال تکنولوژی و توسعه سیستم های CSP علاوه بر فتوولتائیک را نیز داشته باشیم.

در رابطه با خرید برق تجدیدپذیر نیز سولاتی مطرح شد که آقای مهندس آرمودلی دولت را مسئول خریداری معرفی کرد و ایشان بر ضرورت استفاده از تجهیزات با کیفیت بالا در نیروگاه های فتوولتائیک تاکید کرد.

از دیگر سولات مطرح شده این بود که متولی سیستم های فتوولتائیک در کشور کیست (شرکتهای توزیع یا سانا) که آقای آرمودلی مجری این طرح را شرکت توانیر معرفی و اشاره کرد که درآمد حاصل از ماده ۶۹ و بودجه آن در حساب توانیر است. بنا به گفته وی، شرکت های توزیع و برق منطقه ای مجری هستند اما از نظر فنی خود شرکت های توزیع مسئول هستند و سانا وظیفه نظارت کمی اجرای پروژه را برعهده دارد.

حاضرین در جلسه با توجه به بدهی وزارت نیرو و به پیمانکاران وضعیت پرداخت پروژه های فتوولتائیک را جویا شدند و از عدم پرداخت قراردادهای ابراز نگرانی کردند که آقای آرمودلی با اعلام این مطلب که پیمانکاران نگران مسأله پرداخت نباشند، افزود: به عنوان مثال، صورت وضعیت برق خراسان پرداخت شده است و برق شیراز و یزد هم با توجه به درصد پیشرفت پروژه بودجه خود را دریافت کرده اند. ایشان همچنین درآمد سال آینده از محل بودجه سال ۹۳ را به ازای دریافت ۳ تومان به ازای هر کیلووات ساعت برق مصرفی مشترکین خانگی حدود ۴۰۰ میلیارد تومان اعلام کردند که ۲۰۰ میلیارد تومان از این درآمد صرف توسعه انرژی های تجدیدپذیر خواهد شد.

حاضرین در مورد نحوه تامین بودجه خرید برق تضمینی نیز سولاتی را مطرح کردند که آقای آرمودلی محل تامین ۴۰۰ تومان آن را از شبکه و مابه التفاوت آن را از محل بودجه عمومی دولت و دیگری از منابع توانیر اعلام کرد.

مهندس آرمودلی در ادامه در خصوص ابراز نگرانی حاضرین از اینکه در اجرای مناقصات بعضی از شرکت کنندگان فقط

به خاطر بردن مناقصه قیمت پایینی پیشنهاد می دهند و این امر سبب می شود که کیفیت فدای کمیت شود و یک نوع بی اعتمادی ایجاد شود، اعلام کرد که اجرای پروژه می بایست بر اساس مشخصات فنی مندرج در دستورالعمل باشد و مجری پروژه موظف است ۲ الی ۳ سال خدمات پس از فروش ارائه دهد که در ادامه پیشنهاد شد با توجه به اختلاف قیمت مناقصات (از ۵، ۵ تا ۹ میلیون تومان به ازای هر کیلووات متغیر بوده است) مشاوران سقف و کفی را برای قیمت تعیین کنند تا جلوی اجرای پروژه های بی کیفیت گرفته شود زیرا مطمئناً وقتی اختلاف قیمت به حدود ۴۰٪ می رسد از کیفیت اجرا کاسته خواهد شد.

گلایه اعضا از اسناد برخی مناقصات از دیگر موارد مطرح شده در این میزگرد بود. از جمله اینکه در برخی از مناقصات به گونه ای مشخصات فنی ارائه شده است که به یک برند خاص اشاره دارد. مهندس آرمودلی در این خصوص تاکید کرد که سانا برندی را مشخص نکرده و در دستورالعمل سانا کلیات و استانداردها آمده است و شرکت های زیرمجموعه ملزم به رعایت آنها می باشند.

حاضرین در جلسه تاکید کردند که در حوزه سیاستگذاری اقدامی صورت نگرد که بعد از ۲۰-۲۵ سال صنعتی تنبل و به دور از استانداردهای بین المللی مانند صنعت خودرو داشته باشیم و تعرفه های وارداتی را مسبب واردات پنبه و عرضه آن به بازار به نام تولید داخل برشمردند که آقای صالحی مقایسه ایران خودرو با فتوولتائیک را در دست ندانسته و دلیل وضعیت ایران خودرو را دولتی و انحصاری بودن آن دانستند که چندین سال تعرفه ۱۰۰٪ بوده است و تاکید کردند بایستی به تولید داخل پنبه این امکان را بدهیم تا توسعه یابد.

آرمودلی نقش کنتور دو طرفه در اجرای پروژه ها را نیز وابسته به نظر شرکت توزیع دانست و اعلام کرد از نظر سانا چون قیمت خرید و فروش برق متفاوت است این امر ضرورتی ندارد و بهتر است کنتور جداگانه نصب شود.

در پایان جلسه مهندس مهندس ترابی سر فصل های زیر را به عنوان جمع بندی جلسه بیان کرد:

- تشکیل کارگروهی برای تشخیص صلاحیت پیمانکاران تمام عناصر تاثیرگذار در سیستم متشکل از سانا و ذی نفعان از جمله سندیکا
- توسعه و حمایت از فضای رقابتی برای توسعه فناوری های داخلی و حمایت مالی تسهیلاتی از تولید داخل به شرط تجهیز به فناوری های جدید
- برگزاری کارگاه های آموزشی توجیهی برای ذی نفعان
- مشخص نمودن نحوه اتصال به شبکه و شفافیت سازی در چگونگی خرید
- تجهیز و توسعه آزمایشگاه های مرجع مرتبط با انرژی های تجدیدپذیر
- تدوین استانداردها و آیین نامه های اجرایی و تشکیل کارگروهی در این زمینه



در دهمین نایشگاه بین المللی انرژی کیش رقم خورد:

توافق بخش خصوصی با وزارت نیرو و مجلس

مهندس سپهر برزی مهر، مدیر داخلی سندیکا

مقدمه:

دهمین نایشگاه بین المللی انرژی کیش از تاریخ ۲۳ الی ۲۶ دیماه توسط سازمان منطقه آزاد کیش و با همکاری تشکل های معتبر حوزه نفت، گاز، پتروشیمی، برق و انرژی کشور همچون سندیکای صنعت برق ایران، انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت، انجمن شرکت های مهندسی و پیمانکاری نفت، گاز و پتروشیمی برگزار شد. سندیکا با تأثیر گذاری و حضور فعال در نشست های جانبی نایشگاه که با حضور دست اندرکاران کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، وزارت نیرو و وزارت صنایع برگزار شد موفق به حصول دستاوردهای مهمی شده است.

افتتاحیه نایشگاه

افتتاحیه دهمین نایشگاه انرژی کیش با حضور دکتر اکبر ترکان

مشاور ارشد رئیس جمهور و دبیر مناطق آزاد کشور، دکتر عباد حسینی معاون وزیر نفت در امور مهندسی، آقای مونسان رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل منطقه آزاد کیش و سفیر کشور الجزایر در ایران برگزار شد. طی روزهای برگزاری نایشگاه نیز معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، اعضای کمیسیون انرژی مجلس، مدیران عامل پتروشیمی های کشور، رؤسا و اعضای هیأت مدیره تشکل های بخش انرژی کشور، و مسئولان منطقه آزاد کیش از نایشگاه بازدید کردند.

مشارکت سندیکا در نایشگاه به همراه شرکت های عضو

با توجه به سابقه همکاری با ستاد برگزاری نایشگاه در سنوات گذشته و تقاضای برخی از شرکت های عضو برای حضور در نایشگاه و با عنایت به حضور شرکت های فعال حوزه انرژی کشور در این رویداد، سندیکا همکاری با انجمن سازندگان

تجهیزات صنعت نفت در فرآیند برگزاری نایشگاه مذکور و نشست های جانبی را برای معرفی توانمندی های صنعت برق کشور در حوزه استراتژیک نفت و گاز و انرژی در دستور کار خود قرار داد.

شرکت های مپنا، نوآوران برق آریا، مورکو، تام ایران خودرو، مهندسی هاتل، مهندسی رسانش انرژی نوین، الوند توان انرژی، پشتیبانی صنایع و معراج طرح یاران از اعضای سندیکا در نایشگاه بودند. این نایشگاه با حضور حدود ۲۱۰ شرکت داخلی و خارجی در فضایی به مساحت حدود ۱۸ هزار مترمربع در سه سالن و در چهار گروه ساخت کالا و تجهیزات، بازرگانی، تامین مواد اولیه، خدمات فنی و مهندسی و حوزه کارفرمایی برگزار شد. ضمن آنکه در این دوره فعالان بازار سرمایه همچون سازمان بورس، بورس انرژی، بانک های عامل و کارگزاری های تامین منابع مالی حضور داشتند.



پیمانکاران صنعت انرژی کشور از قبیل: مشکلات گشایش اعتبار اسنادی ریالی و عدم همکاری بانک ها در این زمینه، مورد بررسی قرار گرفت.

موسوی نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس با بیان اینکه عدم توجه کافی به بخش خصوصی و تولید در صنعت کشور مشکلات را در کنار تحریم ها افزون می کند، ابراز امیدواری کرد با تعاملی که بین کمیسیون انرژی، سندیکای برق و تلاشگران فعال انجمن ها صورت می گیرد، مشکلات برطرف شود. ایشان با ابراز خرسندی از اینکه در حال حاضر شرایط کشور به گونه ای رقم خورده است که دولتمردان را به سمت حمایت از تولید و ساخت داخل کشانده است، گفت: اصلاح قوانین دست و پا گیر و ایجاد قوانین حمایتی از سازندگان را از جمله اقدامات مؤثری است که از طریق کمیسیون انرژی مجلس قابل پیگیری خواهد بود.

طبق پیشنهاد نایب رئیس هیات مدیره سندیکا، موافقت شد یک کارگروه مشترک مابین نمایندگان کمیسیون انرژی مجلس، دولت (وزارت نیرو، وزارت نفت و وزارت صنایع) و تشکل های

برگزاری نایشگاه و انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت، مقامات ارشد وزارت نیرو و کمیسیون انرژی مجلس از طرف سندیکا برای حضور در نشست ها و نایشگاه دعوت شدند.

مهندس مقدم نایب رئیس هیات مدیره و مهندس بیات رئیس کمیته حقوقی و قراردادها، نمایندگان سندیکا در نشست های جانبی نایشگاه بودند. مهندس فلاحتیان معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی، حجت الاسلام و المسلمین موسوی نژاد نماینده بوشهر و عضو کمیسیون انرژی مجلس و دکتر فریدونی نماینده فیروزآباد و عضو کمیسیون انرژی مجلس میهمانان سندیکا طی روزهای برگزاری نایشگاه و نشست ها بودند.

نشست روز اول

در نشست روز اول که با حضور حجت الاسلام و المسلمین موسوی نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس، مهندس مقدم نایب رئیس هیات مدیره سندیکا، دکتر پدیدار رئیس انجمن سازندگان صنعت نفت و نمایندگانی از شرکت های حاضر در نایشگاه برگزار شد، عمده ترین مشکلات سازندگان و

در نایشگاه امسال، تعداد مشارکت نسبت به سال های گذشته رشد چشمگیری داشت. شرکت ها و نمایندگی هایی از کشورهای هلند، ایتالیا، فرانسه، ترکیه، اسپانیا، آلمان، بلژیک، انگلیس، پرتغال، سوئیس چین، هند، کره جنوبی، تایوان، جمهوری آذربایجان، مالزی، امارات متحده عربی، استرالیا، روسیه، ژاپن، کانادا، کویت و ایالات متحده آمریکا نیز در نایشگاه مشارکت داشتند.

نشست های تخصصی با حضور مدیران ارشد وزارت نیرو و کمیسیون انرژی مجلس

در حاشیه برگزاری این نایشگاه دو نشست تخصصی با محور توسعه ساخت داخل پیش بینی شده بود. حمایت از جاری شدن قرارداد تپ در تمام حوزه های کارفرمایی، حمایت از دستورالعمل جبران آثار تغییرات نرخ ارز، حمایت از جاری شدن اعتبارات اسنادی ریالی، قانون اجرای کار موصوف به قانون ۵۱ درصد از مهمترین سر فصل های نشست ها بود. پس از مشخص شدن موضوعات نشست ها، سندیکا نیز نمایندگان خود را برای حضور در نشست ها تعیین و به درخواست ستاد



حوزه انرژی (سندیکای صنعت برق و انجمن استصنا) تشکیل شود و موضوعات مرتبط از طریق این کارگروه پیگیری گیرد. آقای موسوی نژاد اظهار امیدواری کرد در کمیسیون انرژی مجلس برای رسیدن به اهداف مشترک با سازندگان از طریق سندیکاها و انجمن ها با تشکیل کارگروه پیشنهادی، جلسات مشترکی برنامه ریزی شود تا بتوان به نقاط مشترکی در جهت پیشرفت در حوزه صنعت کشور رسید. وی در پایان تأکید کرد نه تنها سیاست کمیسیون انرژی مجلس بلکه سیاست کل نظام مطابق با حمایت از تولید استوار است و بر همین اساس مشکلات و مباحث مربوط به LC ریالی و قراردادهای توسط کمیسیون انرژی مجلس به صورتی جدی تر پیگیری خواهد شد.

نشست روز دوم

دومین نشست جانبی ناپیشتگاه با حضور مقامات ارشد وزارت نفت، وزارت نیرو، وزارت صنعت معدن تجارت، اعضای کمیسیون انرژی مجلس و استقبال مدیران و فعالین بخش خصوصی در محل سالن همایش های بین المللی انرژی کیش

برگزار شد.

مهندس فلاحیان معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی با اشاره به استفاده از ظرفیت سازندگان داخلی در بالاترین حد ممکن در زمینه برق و نیرو، عنوان داشت اگر سه مولفه قیمت، سرعت و کیفیت در مورد کالاهای داخلی رعایت شود، قطعاً در مناقصات اولویت واگذاری کار با شرکت های داخلی خواهد بود و با خرید از داخل پیچیدگی ها و چالش های ارزی را نیز نخواهیم داشت. ایشان در ادامه ورود دستگاه های نظارتی را در اجرای این قانون ضروری دانست و اعلام کرد عقلانیتی بر امور کشور حاکم شده است که با برنامه ریزی جلسات متعدد، امور جاری و همینطور مسائل و بدهی های مربوط به گذشته صنعت پیگیری شود و رویکردها به سمتی است که با ارائه راهکارها مشکلات مرتفع شود.

مهندس فروتنی از نمایندگان مجلس خواست با تدبیر و درایت وضع قوانین و لوایح حمایتی در جهت وصول بدهی پیمانکاران از دولت را خواستار شوند. موسوی نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس نیز بر نقش نظارتی وزارت صنعت در اجرای

شدن قانون استفاده از حداکثر توان داخل تأکید کرد.

مهندس مقدم و مهندس بیات به عنوان نمایندگان هیأت مدیره سندیکای نیز در این نشست مشکلات و موانع موجود بر سر راه سازندگان صنعت برق را با حاضرین در نشست مطرح نمودند و در پایان به تشکیل کارگروه مشترک مابین نمایندگان دولت، تشکل های حوزه انرژی و کمیسیون انرژی مجلس برای حمایت از ساخت داخل تأکید و مقرر شد پیگیری های لازم از کمیسیون انرژی برای آغاز بکار این کارگروه انجام شود. مهندس علی آبادی؛ مدیر عامل گروه مپنا، مهندس مالکی نیا؛ مدیر بررسی منابع نفت و گاز پارس، مهندس امانپور؛ مشاور وزیر نفت و مدیر عامل سابق شرکت تهیه کالای نفت، مهندس خوبی؛ مشاور کمیسیون انرژی و مرکز پژوهش های مجلس و مدیران و نمایندگان شرکت های معتبر فعال در حوزه نفت و گاز نیز از حاضرین در جلسه مذکور بودند.

جهان در حال انتقالی بزرگ است

«چگونه جهانی اندیشیدن» در گفتار دکتر محمود سریع القلم



محمود سریع القلم، استاد نام‌آشنای روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی که چندی پیش به دلیل حاشیه‌های نه‌چندان مهم حضورش در داووس حاشیه‌ساز شده بود، در نخستین پنل تخصصی همایش «هم‌اندیشی نظام قراردادهای صنعت نفت» که در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد، به بیان مشاهداتش از داووس پرداخت و آمار و ارقامی ارائه کرد که نشانگر سطح توسعه و وضعیت کشورهای مختلف دنیا در زمانه ما است.

به گزارش اعتماد او در این سخنرانی با عدد و رقم تحولات جهان را نه به سمت انحطاط که در راستای انتقال بزرگ ارزیابی کرد. در روایت سریع القلم کشورهای آسیایی نقش مهمی در آینده اقتصاد و سیاست جهان ایفا می‌کنند و این وظیفه ما است که با در نظر داشتن این تحولات به کل کشور فکر کنیم.

سریع القلم صحبتش را با اشاره به تخصصش در علوم انسانی آغاز کرد و گفت: ما در علوم انسانی وقتی بخواهیم علت یا علل رخ دادن یک پدیده را مشخص کنیم، نمی‌توانیم تعداد دقیق آنها را بیان کنیم بلکه باید سعی کنیم که کانون مسائل را مشخص کنیم. یک پزشک هم وقتی می‌خواهد علت یک بیماری را بررسی کند، کانون آن مشکل را استخراج می‌کند. در علوم انسانی نیز وضع به همین منوال است. به نظر من اگر بخواهیم مسائل ایران را بررسی کنیم، نمی‌توانیم بگوییم به طور دقیق که مثلاً ایران ۱۲۵ مشکل دارد که بارف آنها ایران یک کشور پیشرفته می‌شود.

سریع القلم در ادامه به مشکل اساسی توسعه در ایران از منظر خودش پرداخت و گفت: از نظر من به عنوان یک دانشجوی علم سیاست و روابط بین‌الملل، علت العلل مسائل ما آن است که ایران در سطح مدیریتی یک کشور بین‌المللی نیست. تازمانی که ما بین‌المللی نشویم، بسیاری از مسائل ما حل نخواهد شد. موضوعاتی چون رقابت، کارآمدی، تخصص، سیستم‌سازی و عقلانیت برای آنکه در زمان کوتاهی ظرفیت حل شدن در وضعیت ما را داشته باشند، نیازمند آن است که ما هر چه سریع‌تر در مدارهای بین‌المللی قرار بگیریم. اتفاقاً بین‌المللی بودن ما

ایرانیان موافق طبع ما است.

ایرانیان بسیار جهان‌مدار هستند. تاریخ و جغرافیای ایران به عنوان یک عامل تعیین‌کننده این موضوع را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر ما ایرانیان نه فقط به خاطر انتخاب‌هایمان که بلکه به دلیل جبر جغرافیایی و تاریخی و اهمیت بین‌المللی مان در منطقه، باید هر چه سریع‌تر در مدارهای بین‌المللی قرار بگیریم. دکتر سریع القلم اما شرط بین‌المللی شدن را شناخت جهان خواند و گفت: شناخت جهان در کشور ما بسیار ضعیف است. امروز کشور چین یکی از قطب‌های مهم سیاسی و اقتصادی و مالی جهان است، اما در ایران حتی یک مرکز چین‌شناسی نداریم. امروز ۹۵ درصد کشورهای جهان به یک اصول و اهداف مشترک برای توسعه رسیده‌اند که مورد اجماع جهانی است. اگر این اصول به ایران نرسیده به دلیل بحران شناخت ما از تحولات بین‌المللی است.

نویسنده «عقلانیت و آینده توسعه یافتگی در ایران» در ادامه به بیان این اصول پرداخت و گفت: نخستین اصل آن است که مهم‌ترین هدف یک کشور افزایش ثروت ملی است. دوم همکاری‌های به هم تنیده دولت‌ها، بنگاه‌ها و دانشگاه‌هاست، سوم همکاری منطقه‌ای - اقتصادی است. امروز همکاری منطقه‌ای اقتصادی تا اندازه‌ای به دلایل علمی و تحولات عمومی جهانی، جایگزین جهانی شدن و جهان‌گرایی شده است. اصل چهارم حل و فصل سریع اختلافات غیراقتصادی میان یک کشور و همسایگان آن کشور است. اصل پنجم آن است که ثبات سیاسی و رضایت مندی عامه مردم نتیجه آن است که حداقل نرخ رشد اقتصادی در یک کشور باید ۳ درصد باشد. مهم‌ترین گروه اجتماعی که هیات حاکمه یک کشور می‌تواند به آنها اتکا کند، طبقه متوسط است که تولید ثروت، ثبات سیاسی و آینده یک کشور برای آنها اهمیت دارد. اصل ششم برنامه‌ریزی برای حفظ محیط زیست است.

دکتر سریع القلم در ادامه برای تشریح این اصول اطلاعاتی از برخی کشورهای دنیا با استفاده از مشاهداتش در داووس بیان کرد و گفت: از میان کشورهای «آسه‌آن» (ASEAN) یعنی ۱۰ کشور آسیای جنوب شرقی، اندونزی در سال ۲۰۱۲، ۲۰۴

میلیارد دلار صادرات داشته است. این کشورها ۲/۲ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی (GDP) دارند. مجموعه فعالیت این کشورها هم‌رديف برزیل است و از روسیه بیشتر است. این کشورها برای همگرایی میان خودشان برنامه‌ریزی کرده‌اند. بر این اساس تصمیم گرفته‌اند طی یک دهه آینده ۵۴۰ هزار مایل جاده بکشند و ۱۱ هزار و ۷۰۰ مایل ریل آهن بین خودشان تاسیس کنند. کشور بعدی که اطلاعات آن را می‌گویم، کره جنوبی است. درآمد سرانه کره جنوبی ۲۳ هزار دلار است، نرخ رشد اقتصادی آن در نیم قرن اخیر حداقل ۷ درصد بوده است. ارزش صادرات و واردات این کشور ۱/۲ تریلیون دلار بوده است. کشور بعدی ترکیه است. در سال ۲۰۱۲، ۳۶ میلیون توریست و گردشگر از ترکیه بازدید کرده‌اند. نرخ رشد اقتصادی ترکیه در یک دهه گذشته حداقل ۸ درصد بوده و طی ۱۰ سال گذشته، ۱۰ هزار کیلومتر اتوبان در این کشور ساخته شده است. درآمد سرانه این کشور ۱۰ هزار و ۵۰۰ دلار است و در سال ۲۰۱۲، ۶۷ میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی ترکیه بوده است.

کشور بعدی لهستان است. ۱۰۶ میلیارد دلار طی ۵ سال آینده از طرف کشورهای اتحادیه اروپا در این کشور سرمایه‌گذاری خواهد شد. اتحادیه اروپا در ۱۰ سال گذشته ۴۰ میلیارد دلار برای ساختار عمرانی لهستان سرمایه‌گذاری کرده است. حداقل نرخ رشد اقتصادی لهستان ۴ درصد است و ۴۶ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور برای صادرات بوده است. دکتر سریع القلم در ادامه بر اهمیت کار اقتصادی چندجانبه و منطقه‌ای و بیرون آمدن از الگوهای صرفاً داخلی تأکید کرد و گفت: منطقه نفتا در شمال آمریکا (کشورهای کانادا، آمریکا، مکزیک) نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۳ تجارت میان این کشورها ۲۹۰ میلیارد دلار بوده است، در حالی که در سال ۲۰۱۲ به ۱/۱ تریلیون دلار رسیده است. این پیشرفت چشمگیر به دلیل قفل شدن این کشورها و یادگیری متقابل است.

کشور مکزیک که ما آشنایی بسیار کمی با آن در حوزه علمی و اجرایی داریم، با ۴۰ کشور جهان قرارداد تجارت آزاد بسته و

منطقی شدن انسان‌ها به دلیل گسترش دنیای مجازی خواند و گفت: این امر باعث می‌شود انسان‌ها از حسی بودن و مزاجی بودن دور شوند. ذهن و مغز جدید انسان‌ها به دلیل اتصال با ذهن مجازی جهان در حال رشد است.

در داووس ۲۰۱۴ تنها ۹ میزگرد تخصصی در رابطه با مغز و ذهن نوین انسان تحت عنوان **hyperconnectivity and rewiring the brain** برگزار شد. اگر بخواهیم به یک نمونه از اهمیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهان مجازی اشاره کنیم، باید آمار فروش بازی‌های کامپیوتری در آمریکا در سال ۲۰۱۳ اشاره کنیم که ۲۵ میلیارد دلار بوده است.

دکتر سریع القلم فهم غالب ما در ایران از جهان را به دوره جنگ سرد مختص دانست و گفت: ما به طور عمیق از جهان فناوری، صنعت، آموزش و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بی‌اطلاع هستیم. ما نسبت به جهان ذهنیت داریم و نه شناخت. یعنی الان کسانی که عموماً بولتن می‌خوانند و اطلاعات دقیقی از جهان ندارند، بلکه شیخ و ذهنیتی از جهان دارند و بر اساس **intuition** فکر می‌کنند و ذهن‌شان بر اساس اطلاعات و آمار دقیق تشکیل نشده است، تصور می‌کنند که جهان در حال فروپاشی است، در حالی که اطلاعاتی که من ارائه کردم نشان می‌دهد جهان در حال انتقال بزرگ است و شهروندان در اکثر کشورهای دنیا که شامل آفریقا هم می‌شود، امروز از زندگی بهتری برخوردار هستند.

دکتر سریع القلم در پایان به بیان پیش‌نیازهای توسعه ایران پرداخت و گفت: نخست شناخت علمی و واقعی از جهان: دوم شناخت واقعی و علمی از ایران: سوم معیار اثرگذاری در جهان امروز حتی در حوزه فرهنگ، شاخص‌های اقتصادی و فناوری هستند: چهارم تقویت ساختارهای قانونی و قضایی در داخل ایران: پنجم قوه مقننه و قوه قضاییه موثرتر: ششم افزایش امکانات مالی و سرمایه‌گذاری مساوی است سیاست خارجی تعاملی. به نظر من به عنوان کسی که تحولات دنیا را روزانه دنبال می‌کند، انرژی تقابل با ایران متمرکز در عربستان و اسرائیل است.

اگر کشور ما به فکر یک راهبرد بنیادی برای سیاست خارجی تعاملی است، باید در رابطه با فعالیت‌های این دو کشور و انرژی تقابلی در مقابل ایران به وجود آورده‌اند، فکر نکنند. از دیگر پیش‌نیازهای توسعه پذیرفتن بیشتر تفاوت‌های فکری و رویکردی در کشور، دستیابی به اجماع پیرامون رهیافت‌های کل کشور طی یک دهه آینده، افق و سیاستگذاری نرخ رشد ۵ درصدی در ایران که ضامن حل و فصل بسیاری از نارسایی‌ها در کشور خواهد بود، میل مشترک سیاستگذاری خارجی و الزامات توسعه اقتصادی و نهایتاً اینکه فکر کردن به کل کشور نه یک گروه خاص

مصرف‌گرایی داشته باشیم. منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به واسطه بین‌المللی شدن این منطقه به شدت در حال رشد است. من اخیراً این نکته را در داووس دیدم که همه کشورهای آسیای مرکزی در قفقاز به طور فعال حضور داشتند و قراردادهای قابل توجهی با کشورهای مهم دنیا منعقد کردند.

دکتر سریع القلم سپس به مقایسه سطح رقابت پذیری کشورها پرداخت و گفت: نخستین کشور سوییس است، کشور دوم سنگاپور است، آلمان در رده چهارم جهان و قطر در رده سیزدهم است. کشور امارات نوزدهم و چین، بیست و نهم است. کشور مالزی در رده ۳۴ و جمهوری آذربایجان ۳۹ و ترکیه ۴۴ است. اینها در حالی است که ایران در رده ۸۲ قرار دارد.



ایران در سطح مدیریتی یک کشور بین‌المللی نیست. تا زمانی که ما بین‌المللی نشویم، بسیاری از مسائل ما حل نخواهد شد. موضوعاتی چون رقابت، کارآمدی، تخصص، سیستم‌سازی و عقلانیت برای آنکه در زمان کوتاهی ظرفیت حل‌شدن در وضعیت ما را داشته باشند، نیازمند آن است که ما هرچه سریع‌تر در مدارهای بین‌المللی قرار بگیریم

دکتر سریع القلم در ادامه به تحولاتی که در سطح بین‌المللی در دنیا در حال وقوع است، اشاره کرد و گفت: آمار شرکت‌های چندملیتی در دنیا از نکاتی است که بسیار حایز اهمیت است. این آمار نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۳ کشورهایی که در حال توسعه بودند، تنها ۱۹ شرکت چندملیتی داشتند، امروز این کشورها ۱۲۷ شرکت چندملیتی دارند و این به معنای ۶۷۰ درصد افزایش است، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته سنتی جهان یک دهه پیش ۴۸۱ شرکت چندملیتی داشتند و حالا ۱۷۳۳ شرکت چندملیتی دارند و این نشانگر کاهش ۲۲ درصد در سطح جهان است.

این پیشرفت بدان معناست که در سال ۲۰۲۰، ۵۰ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی در سطح جهانی از آن کشورهای «بریکس» یعنی کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی خواهد بود. هر ساعت در دنیا ۸۰۰ میلیون توئیت (twit) صورت می‌گیرد. جمعیت کنونی آفریقا یک میلیارد نفر است در حالی که این جمعیت در سال ۲۰۵۰ به ۲ میلیارد نفر خواهد رسید. امروز ما در دنیا ۲۵ ابرشهر داریم، در حالی که تعداد آنها طی ۱۰ سال آینده به ۳۵ شهر خواهد رسید.

سریع القلم اتفاق مهمی که در جهان در حال وقوع است و در نسل جوان ایران نیز مشهود و امیدوارکننده است را معقول و

بخش خصوصی این کشور با مفاهیم کیفیت، رقابت و سرمایه‌گذاری آشنایی بسیار نزدیکی دارد. ۲۰ سال گذشته ۷۵ درصد صادرات کشور مکزیک را نفت تشکیل می‌داد، در حالی که امروز ۷۵ درصد صادرات این کشور کالا است. درآمد سرانه این کشور در سال ۱۹۹۴، ۴۵۰۰ دلار بوده است، در حالی که امروز به ۹۷۰۰ دلار رسیده است.

دکتر سریع القلم در حالی که این اعداد و ارقام را درباره شاخص‌های توسعه کشورهای مختلف بیان می‌کرد، بر اهمیت ذهن کمی و رقمی و آماری در سیاستگذاری‌ها تأکید کرد و گفت: طی ۲۰ سال آینده ۳۵ هزار هواپیمای ایرباس در دویس باید ساخته شود، این امر به دلیل تقاضای بالایی است که در دنیا وجود دارد.

ارزش این تعداد هواپیمای ۴/۸ تریلیون دلار است که ۳۵ درصد تقاضای این هواپیمایها در منطقه آسیا خواهد بود. حدود ۳۵ کشور در دنیا برای تولید این هواپیمایها با یکدیگر همکاری مشترک خواهند داشت. سهم نرخ رشد از کل نرخ جهانی بین سال‌های ۸۲ تا ۸۷، ۸۷/۸ تا ۲۹/۸ درصد بوده است، حال آنکه این رقم امروز ۱۳/۹ درصد رسیده است.

دکتر سریع القلم در ادامه با اشاره به کهنه بودن متونی که در علم سیاست در ایران آموزش داده می‌شود، گفت: متونی که ما در ایران می‌خوانیم و مورد بحث قرار می‌دهیم، تقریباً به ۵۵ سال گذشته برمی‌گردد، یعنی در کشور ما هنوز صحبت از غرب است، در حالی که دیگر غربی بر کار نیست.

نرخ رشد از کل جهان در مورد چین ۳۵ سال گذشته ۹/۹ درصد بوده، اما امروز به ۳۳/۶ درصد رسیده است. این رقم در مورد چین از ۳/۸ تا ۳ درصد به ۹/۴ درصد رسیده است و در مورد ژاپن از ۱۰/۳ به ۱/۴ درصد رسیده است. مدیریت درآمد نفت در نروژ نشان می‌دهد که این کشور ۷۲۰ میلیارد دلار در صندوق ذخیره ملی‌اش اندوخته دارد. طبق قانون این کشور تنها ۴ درصد از این رقم را می‌تواند در بودجه جاری مورد مصرف قرار دهد، یعنی طبق مقررات نروژ ۹۶ درصد از درآمد نفتی این کشور باید بیرون از این کشور سرمایه‌گذاری شود و ۲/۵ درصد مالکیت هر شرکتی که در اتحادیه اروپا ثبت شده متعلق به ذخایر نفتی کشور نروژ است.

امروز تمامی احزاب و پارلمان در نروژ با یکدیگر برای توافق بر سر اجماع جهت بهره‌برداری بیشتر از این درآمد نفت با یکدیگر بحث می‌کنند، تا به تولید علم، فناوری و ایجاد ساختار عمرانی وسیع‌تر در این کشور بپردازند.

دکتر سریع القلم در تشریح تحولات بین‌المللی پیش رو گفت: کاهش طبقه متوسط در اروپا و امریکای شمالی و افزایش آن در آسیا و امریکای لاتین یکی از این تحولات است. این امر نشان می‌دهد که ما اگر بخواهیم یک استراتژی ملی تدوین و به آینده اقتصاد ایران طی یک دهه دیگر توجه کنیم، باید توجه ویژه‌ای به منطقه آسیا به دلیل افزایش طبقه متوسط و به طور طبیعی افزایش

مرکز پژوهش‌های مجلس لایحه اساسنامه «ساتبا» را بررسی کرد

تجدید پذیرها به دنبال ساختار

مطابق لایحه بودجه سال ۱۳۹۳، وزارت نیرو و برنامه تولید ۶۰۰ مگاوات برق از طریق انرژی‌های باد و خورشید را باید در دستور کار قرار دهد. محدودیت منابع فسیلی، رشد بالای مصرف سالانه انواع انرژی در ایران، عدم کارایی فنی و اقتصادی مصرف انرژی و هدر رفتن قریب به یک سوم از کل انرژی در فرآیندهای مصرف و مشکلات فرآیندهای زیست محیطی ناشی از آن، ضرورت مدیریت مصرف انرژی و بالابردن بازده بهره‌وری انرژی را در کشور بیش از پیش آشکار کرده است. بر این اساس، برخی از کارشناسان معتقدند در صورت بهره‌برداری صحیح از انرژی‌های نو نه تنها دستیابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود، بلکه می‌توان تا حد زیادی از تغییرات آب و هوایی در کره زمین که تهدیدات زیست محیطی را به دنبال دارد، جلوگیری کرد.

به اعتقاد برخی از کارشناسان، بحران انرژی بزرگ‌ترین معضلی است که جهان صنعتی با آن مواجه می‌شود و این بحران هر ساله روبرو به فزونی است. فناپذیری و مشکلات زیست محیطی ناشی از مصرف انرژی فسیلی از یک طرف و تنوع بخشی به منابع انرژی، توسعه پایدار و ایجاد امنیت انرژی پاک و تجدیدپذیر نظیر خورشید، باد، زمین گرمایی و... از طرف دیگر، باعث توجه جدی کشورهای مختلف از جمله ایران به توسعه و گسترش استفاده از این نوع انرژی شده است.

لایحه‌ای برای ایجاد «ساتبا»

هم‌اکنون وظایف مرتبط با توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ارتقای بهره‌وری انرژی الکتریکی در سازمان انرژی‌های نو ایران «سانا» و سازمان بهره‌وری انرژی ایران «سابا» که به استناد ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه به صورت ۱۰۰ درصد دولتی و جزو سازمان‌های تابعه شرکت مادر تخصصی توانیر درآمده‌اند، انجام می‌پذیرد. با ابلاغ قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، مصوب سال ۱۳۸۹ و به استناد ماده (۸) این قانون،

وزارت نیرو با استفاده از ظرفیت قانونی جدید، پیشنهاد «لایحه اساسنامه سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی» را در سال ۱۳۹۰ به دولت ارسال کرد؛ چرا که در پیشنهاد لایحه مذکور پس از ایجاد موسسه یادشده، سازمان‌های «سانا» و «سابا» منحل و کلیه مأموریت‌ها و وظایف حاکمیتی آنها به موسسه جدیدالتاسیس «ساتبا» واگذار می‌شود. لایحه اساسنامه مذکور مطابق تبصره ذیل ماده (۱۱۵) قانون مدیریت خدمات کشوری فرآیند کارشناسی لازم را در شورای عالی اداری و کمیسیون‌های ذی‌ربط دولت طی کرده و پس از تصویب در شورا به تصویب هیات وزیران در مهر ماه امسال نیز رسیده و اخیراً در قالب لایحه‌ای به مجلس ارائه شده است. این لایحه اگر چه هنوز در صحن علنی مجلس مورد بررسی قرار نگرفته، اما دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن و مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس با بررسی آن، پیشنهادهای اصلاحی را در جهت کارآمدی بیشتر این سازمان ارائه کرده است.

بر اساس این گزارش، اشاره به موضوع انرژی‌های تجدیدپذیر و مقوله بهره‌وری انرژی در چندین سند و سیاست‌های کلی نظام، به صراحت نشان از اهمیت این موضوع دارد. با توجه به این مهم، از وظایف اصلی وزارت نیرو تدوین و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی است و باید ساز و کار مناسب برای آن فراهم شود. لازمه این ساز و کار نیز وجود ساختار و سازمانی مرتبط است. ساختاری که باید از ابعاد گوناگونی مورد توجه قرار گیرد که یکی از آن موارد، ایجاد یک نظام مدیریت توسعه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی به شکل مطلوب در حاکمیت است که اساسنامه آن در قالب لایحه‌ای ارائه شده است.

روند مصرف در جهان

در ادامه این گزارش با اشاره به اینکه منابع انرژی‌های فسیلی در قرن‌های آینده جوابگوی نیاز انرژی جهان برای بقا، تکامل

و توسعه نخواهد بود، آمده است: بنابراین استفاده از منابع جدید انرژی به جای منابع فسیلی امری ضروری است. هم‌اکنون ۶ نوع از انرژی‌های تجدیدپذیر در جهان شناخته شده‌اند که انرژی زیست توده، انرژی مستقیم خورشید، انرژی زمین گرمایی، انرژی بادی، انرژی دریاها و انرژی هیدروژنی از جمله آنها هستند. مطابق پیش‌بینی کمیته بین‌المللی تغییرات آب و هوا، انرژی‌های تجدیدپذیر تا سال ۲۰۵۰ میلادی بیش از ۸۰ درصد از مجموع عرضه جهانی انرژی را به خود اختصاص خواهد داد. مطابق برآورد برخی از کارشناسان، به کارگیری انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند منجر به کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن به میزان ۲۲۰ تا ۵۶۰ مگاتن در فاصله زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ میلادی باشد. از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شود روند استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در دنیا با پیشرفت‌های فناوری و کاهش هزینه‌های اضافی شتاب بیشتری گیرد.

در سال ۲۰۰۹ میلادی بیش از ۱۹ درصد از عرضه جهانی برق با استفاده از انرژی‌های نو تأمین شد و ظرفیت نصب شده انرژی بادی در پایان سال ۲۰۱۰ میلادی، ۲/۵ درصد از تقاضای جهانی برق را پوشش داد و بنابر پیش‌بینی‌ها این میزان تا سال ۲۰۵۰ میلادی با افزایش ۱۰ برابری به ۲۵ درصد خواهد رسید.

ایران و انرژی‌های تجدیدپذیر

بر اساس این گزارش، در ایران هم در سال‌های اخیر روند استفاده از انواع انرژی‌های نو و تجدیدپذیر گسترش یافته و تلاش‌های نسبتاً مناسبی در زمینه استفاده از انرژی‌های خورشیدی و بادی صورت گرفته است. تابش انرژی خورشید در ایران ۲/۵ برابر بیشتر از کشورهای اروپایی است و شرایط بهره‌گیری از نور خورشید در مناطق کویری ایران در حد شمال آفریقا است. این در حالی است که کشورهای اروپایی در نظر دارند با استفاده از کابل‌های زیر دریا، انرژی برق خورشیدی

تولید ۶۰۰ مگاوات انرژی تجدیدپذیر در سال ۹۳ مدیر عامل شرکت توانیر با بیان اینکه استفاده از انرژی‌های نو به ویژه انرژی باد و خورشید در تولید برق از اولویت‌های مهم وزارت نیرو به شمار می‌رود، می‌گوید: مطابق ماده ۱۹ لایحه بودجه سال ۱۳۹۳، در سال آینده ۶۰۰ مگاوات برق از طریق انرژی‌های باد و خورشید در کشور تولید خواهد شد.

همایون حائری با بیان اینکه ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده برق در خاورمیانه به شمار می‌رود، افزود: به دنبال اقدامات انجام شده، صنعت برق کشور در بسیاری از شاخص‌ها رتبه برتر و نخست را در خاورمیانه دارا است. به گفته وی، سالانه پنج هزار مگاوات برق در نیروگاه‌های کشور با هزینه‌ای معادل پنج میلیارد دلار تولید می‌شود، اما یک سوم آن به دلیل مصرف بی‌رویه اسراف می‌شود. حائری با بیان اینکه بحث مدیریت مصرف در کشور باید جدی تلقی شود، افزود: مصرف انرژی در ایران در تمام بخش‌ها بی‌رویه است، به طوری که روزانه ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز در کشور مصرف می‌شود. به صراحت باید گفت این مصرف بی‌رویه سیستم را دچار مشکل می‌کند و از همین حیث باید بحث مدیریت مصرف را به طور جدی پیگیری کنیم. حائری با بیان اینکه از سال ۱۳۸۳ تاکنون قیمت برق تغییری نکرده است، اظهار کرد: باید گفت: کار بسیار سخت شده و آن چیزی که این مشکل را تشدید می‌کند، مصرف بالا و اسراف بیش از حد است. حائری با اشاره به حوزه‌های انرژی‌های نو گفت: خوشبختانه، وزارت نیرو توجه ویژه‌ای به بخش انرژی‌های نو داشته است. به طور مثال یک مزرعه خورشیدی با ظرفیت ۱۱۰ کیلووات برق ایجاد شده بدون اینکه قطره‌ای سوخت مصرف کند.

به دلیل برخی از چالش‌ها و موانع در زمینه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، توصیه می‌شود.

عدم وجود نظام جامع مدیریت توسعه ملی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی؛ خلأ نهادی در ساختار تشکیلاتی نظام فوق؛ برخی تداخلات عملکردی نهادهای موجود در این حوزه؛ وجود نقش‌های بدون متولی در این حوزه؛ عدم شفافیت مرز بین بخش دولتی و خصوصی؛ فقدان استراتژی‌های مشخص افزایش نقش بخش خصوصی در نظام توسعه؛ فقدان زیرساخت‌های حقوقی لازم در حوزه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی؛ تخصیصی بودن حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی و ضرورت ایجاد نهادهای تخصصی در سطوح مختلف این نظام از جمله چالش‌های این حوزه است که ضرورت ایجاد سازمانی تخصصی در این حوزه را ایجاد می‌کند. در ادامه گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به «لایحه اساسنامه سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی» آمده است: بررسی فعالیت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی نشان می‌دهد که بخشی از فعالیت‌ها که جنبه حاکمیتی و سیاست‌گذاری دارد، پیگیری و تحقق آن جز با حضور دولت میسر نیست. بنابراین ضرورت وجود سازمانی برای بهره‌وری انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر مورد تأکید است. اینکه پیش از این برخی خواستار انحلال و واگذاری دو سازمان «سانا» و «سابا» بودند موجب ناکارآمدی نظام ملی مدیریت توسعه در این دو حوزه می‌شد؛ بنابراین ادغام و تشکیل سازمان «ساتبا»، موجب خواهد شد که نگرانی از وظایف حاکمیتی در حوزه انرژی‌های نو و بهره‌وری انرژی، مرتفع شود. اما باید این نکته را مدنظر قرار داد که روند واگذاری وظایف و نقش‌های یاد شده باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که موجبات تحمیل هزینه‌های کلان و آسیب به روند توسعه این فناوری‌ها را در کشور به همراه نداشته باشد.

را از شمال آفریقا به کشورهای خود منتقل کنند. همچنین برق رسانی به روستاهای دورافتاده کشور که امکان برق دار کردن آنها به وسیله اتصال به شبکه سراسری برق وجود نداشته یا مقرون به صرفه نیست، از دیگر اقدامات در حال اجرا در کشور در زمینه استفاده از انرژی خورشیدی است. برنامه تولید ۶۰۰ مگاوات برق از طریق انرژی باد و خورشید در سال آینده در حالی است که قرار است در طول برنامه پنج ساله پنجم توسعه (تا پایان سال ۱۳۹۴) بیش از پنج هزار مگاوات نیروگاه انرژی‌های تجدیدپذیر از سوی بخش خصوصی و با حمایت سازمان انرژی‌های نو ایران احداث شود. با این حال با توجه به اینکه ایران در ابتدای مسیر استفاده از انرژی‌های نو قرار دارد، ضروری است تا مسوولان مربوطه با سیاست‌گذاری‌های مناسب زمینه شکوفایی صنایع مربوط به این انرژی‌ها را در داخل کشور فراهم کنند؛ موضوعی که علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی، زمینه خروج ارز از کشور را کم و صادرات تجهیزات وابسته به این نوع انرژی‌ها را نیز فراهم می‌کند.

چالش‌های انرژی‌های تجدیدپذیر

در ادامه این گزارش با اشاره به تاریخچه تشکیل «سابا» و «سانا» و لایحه تشکیل «ساتبا» آمده است: هم‌اکنون وظایف مرتبط با توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و ارتقای بهره‌وری انرژی الکتریکی در سازمان انرژی‌های نو ایران «سانا» و سازمان بهره‌وری انرژی ایران «سابا» انجام می‌پذیرد. البته شرکت هبته‌سازی مصرف سوخت نیز در زمینه بهره‌وری انرژی فعال است و از شرکت‌های تابعه وزارت نفت است. در سال‌های پیش از ۱۳۸۳، نهادهایی همچون سازمان انرژی اتمی، وزارت جهادکشاورزی و سازمان هبته‌سازی مصرف سوخت نیز در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر فعالیت‌هایی داشتند. در این میان تصویب پیشنهاد تأسیس «ساتبا»، علاوه بر وجود توجیه قانونی



تلاش برای رفع رکود اقتصادی در سال ۹۳

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور گفت: «اقتصاد ایران با ۳۷ هزار میلیارد تومان و ۵۵ میلیارد دلار برای اتمام طرح های در دست اجرا، آماده می شود.»

یکصد و بیستمین جلسه نهاد تعامل با حضور دکتر محمدباقر نوبخت، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و مدیران ۱۶ تشکل عضو شورای هماهنگی برگزار شد.

در این جلسه دکتر نوبخت ضمن ابراز خرسندی از حضور در دومین جلسه نهاد تعامل که بین بخش فنی و اجرایی صنعت احداث با معاونت راهبردی و برنامه ریزی ریاست جمهوری برگزار شده، گفت: «در این مدت همه کارشناسان این معاونت به منظور تهیه و تنظیم لایحه بودجه ۹۳ در تلاش بودند که این لایحه در زمان مقرر و قانونی به مجلس شورای اسلامی ارائه شود که انشاءالله از مزایای آن بتوانیم برخوردار باشیم.»

وی تصریح کرد: «امیدواریم مثل سنوات گذشته نباشد که قانون بودولی آئین نامه های اجرایی وجود نداشت، گویی که اصلاً قانونی وجود نداشت.»

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور همچنین گفت: «مزیت دیگر تمهیدات اجرایی قانون بودجه ۹۳ است، به دلیل آنکه در لایحه ای که هم اکنون در مجلس در حال بررسی است، برای خروج اقتصاد کشور از رکود، ۳ منبع مالی پیش بینی شده است. ۳۷ هزار میلیارد تومان در قالب اعتبارات تملک دارائی های سرمایه ای، بیش از ۲۰ میلیارد دلار تسهیلات ارزی صرفاً برای بخش خصوصی ۳۵ میلیارد دلار تسهیلات خارجی برای اتمام طرح های عمرانی نیمه تمام در دست اجرا در قالب فاینانس خارجی»

وی خاطر نشان کرد: «اقتصاد ایران با ۳۷ هزار میلیارد تومان و ۵۵ میلیارد دلار برای اتمام طرح های در دست اجرا، آماده می شود که بدون تردید این امکان و منبع با همکاری شما و با تعامل شرکت های ساخت و ساز و فنی قابل انجام خواهد شد.»

نوبخت با بیان اینکه جلسه امروز جلسه مهمی جهت آماده سازی خودمان با منابع در نظر گرفته برای برون رفت از رکود حاکم بر اقتصاد و رونق اقتصادی است تا رشد اقتصادی را حداقل در حد پیش بینی مثبت ۳ درصد محقق کنیم، تاکید کرد: «خوشبختانه آثار خروج اقتصاد از حالت رکود ظاهر می شود تا ما با این دو منبع ۳۷ هزار میلیارد تومان و ۵۵ میلیارد دلار آثار رونق اقتصادی را شاهد باشیم.»

سخنگوی دولت تاکید کرد: «دولت ۲۹۰۶ طرح عمرانی در دست اجرا را به ۳ گروه صفر تا ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی و ۲۰ تا ۸۰ درصد و ۸۰ درصد به بالا پیشرفت فیزیکی تقسیم بندی کرده است و در عین حال که به همه طرح ها اعتبار منظور شده اما عمده ۳۷ هزار میلیارد تومان را به ۲۴۶ طرح بیش از ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی معطوف کردیم و این طرح ها در سال ۹۳ به اتمام خواهند رسید.»

وی خاطر نشان کرد: «ما طرح های زیربنایی بزرگی داریم که مقدمات و همه اقدامات لازم جهت استفاده از فاینانس آنها انجام شده است و در حال حاضر ۱۵/۵ میلیارد دلار از این منبع را شورای اقتصاد نیز تایید کرده است و فاینانسور نیز تایید کرده است و در جلسه با فاینانسور نیز هماهنگی های لازم صورت گرفته است. بنابراین هم حجم وسیعی از طرح های عمرانی برای شروع و تکمیل آماده است که بدون تردید اجرای آنها بدون همکاری و تعامل شما عزیزان امکان پذیر نیست.»

وی ادامه داد: «در لایحه بودجه ۹۳ مطالبات معوق پیمانکاران نیز دیده شده است که ما بتوانیم در آن راستا نیز اقدام کنیم. بخشی از زحمات آقای مهندس رحمتی کشیدند که ما ابتدا بایستی ارقام مطالبات پیمانکاران طرح های عمرانی را از دولت، احصاء می کردیم. این کار با دقت لازم توسط ایشان انجام شد و ما الآن کاملاً مطلع هستیم که میزان مطالبات چقدر است و برای بازپرداخت آنها هم در لایحه بودجه ۹۳ ردیف هایی را منظور

و روش هایی پیش بینی کردیم؛ انشاءالله از منابع جدیدی که در اختیار داریم بتوانیم مشکلات پیمانکاران را حل کنیم.» وی تاکید کرد: «معتقدیم هر چقدر که پیمانکاران در راستای استیفای مطالباتشان کمک شوند و ما هم ایفای تعهد کنیم آنها مناسبتر و قوی تر می توانند در اتمام طرح های عمرانی که هم اکنون منتظر هستیم، موفق باشند.»

نوبخت با بیان اینکه قویاً بر این باوریم که توسعه و پیشرفت کشور بدون همکاری و مشارکت مردم و نهادهای مردمی که شما نیز نادی از نهادهای مردمی هستید امکان ناپذیر نیست، گفت: «ما فکر می کنیم که هر چقدر از نهادهای مدنی و غیردولتی در کارهای دولتی برخوردار باشیم ضریب مشارکت را بالا می برد، صحت و دقت کار ما تقویت خواهد شد و بر بهره وری ما افزوده خواهد شد. چنانچه جناب آقای دکتر روحانی از ابتدای تاکید داشتند که ما باید از نهادهای تخصصی برخوردار باشیم که نهادی از نهادهای تخصصی هم این تشکلی است که شما عزیزان دارید و در تعاملی که معاونت با شما خواهد داشت، دولت می تواند به نیکویی از این ظرفیت جهت توسعه استفاده کند.»

چشم امید پیمانکاران به ظرفیت های بودجه ۹۳

در ادامه جلسه مهندس خوانساری، ریاست هیأت اجرایی شورای هماهنگی گفت: «در دولت گذشته با توجه به اینکه متأسفانه بودجه عمرانی صرف هزینه های جاری می شد و به دلیل تحریم هایی که در سال های اخیر به کشور ما تحمیل شد و نپرداختن تعهدات دولت مشکلات جدی در طرح های عمرانی به وجود آورد و اکثر همکاران ما چه پیمانکاران و چه مشاوران ناچار به تعدیل نیرو و یا توقف کار مواجه شدند و لطمه بزرگی به بخش خصوصی ایجاد شد.»

وی افزود: «متأسفانه در سال های اخیر اگر پروژه ای هم ساخته می شد به شرکت های دولتی واگذار می کردند و این



وی با بیان اینکه کار فرمایان ما به دلیل نداشتن صلاحیت کافی و عدم تجربه کاری برای فرار از گرفتاری های حاصل از تحریم، پیمانکاران را خلع ید می کنند، گفت: «متأسفانه در ماه های اخیر بیش از ۵۰ مورد قرارداد به همین دلیل گزارش شده است که حتی ضمانت نامه های آنها را ضبط شده است.»

وی ادامه داد: «اغلب پیمانکاران که سابقه کار ۳۰ الی ۴۰ سال خدمت در سازندگی کشور داشتند، چون در این ۳ سال اخیر کم کار کرده یا اصلاً کاری نداشته اند رتبه کاری آنها از بین خواهد رفت. یعنی می بایست شرکت های با سابقه را فراموش کنیم چون ۲ الی ۳ سال اخیر بدلیل مشکلات جاری کم کار بوده اند. لازم است نسبت به شرایط رتبه بندی بازنگری فوری و ضروری شود»

ضرورت تمدید گواهی تشخیص صلاحیت ها تا پایان رکود

در ادامه این نشست مهندس آزاد، دبیر انجمن راهسازی گفت: «در حال حاضر به دلیل شرایط اقتصادی بد، امکان فعالیت شایسته برای پیمانکاران وجود ندارد. خیلی از پیمانکاران رتبه یک دارند نمی توانند در این شرایط کار کنند و به دلیل محدود بودن پروژه ها یا نبود کار یا عدم پرداخت مطالبات نمی توانند ترازنامه مناسبی داشته باشند که لازمه کسب رتبه بندی مجدد ۴ سال است.»

وی گفت: «پیشنهاد بنده این است که در یک دستوری بیان بفرمایند آنچه پیمانکاران در آن تشخیص صلاحیت شده اند تا آخر سال ۹۵ ادامه پیدا کند که امید داشته باشیم از این وضعیت رکود خارج شویم تا آنها بتوانند با شرایط موجود مدارک لازم را ارائه دهند.»

شرکت های پیمانکاری را حفظ کنیم

مهندس سعادتمند، رئیس هیات مدیره کانون سراسری

دکتر نوبخت: برای خروج اقتصاد کشور از رکود، ۲ منبع مالی پیش بینی شده است. ۳۷ هزار میلیارد تومان در قالب اعتبارات تملک دارائی های سرمایه ای، بیش از ۲۰ میلیارد دلار تسهیلات ارزی صرفاً برای بخش خصوصی ۳۵ میلیارد دلار تسهیلات خارجی برای اتمام طرح های عمرانی نیمه تمام در دست اجرا در قالب فاینانس خارجی»

خونساری با بیان اینکه یکی دیگر از مشکلات صنعت احداث خرید اجناس و مصالح است که تماماً می بایست پیش خرید شود، خاطر نشان کرد: «ما ناگزیریم برای خرید مصالح تمام وجه آن از قبل پرداخت کنیم تا بعداً کالای مربوطه را جهت اجرا تحویل بگیریم. این رویه با شرایط پیش پرداخت قراردادها هماهنگی ندارد و نیاز به تجدید نظر اساسی دارد تا پیمانکاران در تجهیز و تامین کالاهاشان تقویت شوند. حتی کلیه کارخانجات دولتی تا قبل از دریافت وجه کامل، اجازه ترخیص کالا را به خریدار نمی دهند. بهتر است در پیش پرداخت قراردادها تجدید نظر شود.»

وی افزود: «در مورد تاخیر در پرداخت های دولت، تقاضای ما این است که به شکلی خسارت در تاخیر پرداخت ها نیز لحاظ شود. متأسفانه در بخش طرح های عمرانی هیچگونه خسارتی پرداخت نمی شود. به علاوه در قراردادهای مقطوع و مترزیر بنا و EPC در قراردادها تعدیل دیده نشده، این قراردادها خسارت بسیار دیده اغلب متوقف هستند. با توجه به قیمت های فراینده در شرایط تحریم شامل تعدیل شوند از جمله این طرح ها پروژه های مسکن مهر است.»

یک مشکل اساسی و نگران کننده برای بخش خصوصی شد. یکی از سوالاتی که در ذهن ما بود این است که طرح ها و پروژه هایی که شرکت های دولتی می گیرند، برآورد اولیه در زمان مناقصه چه مبلغی بوده و در زمان اتمام پروژه چه مبلغی تمام شده است؟ متأسفانه این اطلاعات و ارقام را در اختیار مردم قرار نمی دادند. این سوال مطرح می شد که چرا باید این تفاوت ها بین بخش خصوصی و بخش دولتی باشد. امیدواریم در دولت تدبیر و امید با همت مسئولان این نواقص برطرف شود.»

مهندس خوانساری گفت: «در ۲ سال اخیر بخش خصوصی در کم کاری و رکود بسر می برد و اکنون نیاز به تقویت دارد یکی از مطالبی که در صحبت های حضرت تعالی اشاره فرمودید پرداخت مطالبات بخش خصوصی بود که امیدواریم با پرداخت مطالبات معوقه بخش خصوصی بتواند کمی به بازسازی توان خود اقدام کند.»

وی با بیان اینکه در سال های اخیر به دلیل کمبود پروژه ها اکثر شرکت ها مخصوصاً مشاوران نیروهای خود را تعدیل کردند، تصریح کرد: «اکنون نیاز دارند با ارجاع طرح های مطالعاتی و پروژه های جدید برای شروع به بازسازی و توان کاری خود اقدام کنند.»

وی ادامه داد: «متأسفانه تاخیر در ابلاغ این آئین نامه ها و یا تقلیل در برآورد قیمت ها به تمام پروژه ها تسری یافته و اثرگذار است. بارها شاهد بودیم که تورم واقعی در کشور مثلاً بالای ۴۰ درصد است، اما سازمان مدیریت شاخص را حدود ۱۲ درصد برای تورم اعلام می کند. به دلیل اینکه می خواهد صرفه جویی در پروژه های عمرانی شود ولی تمام پروژه ها را با این مشکل تحت تاثیر قرار می دهد که امروز اغلب پروژه های غیر عمرانی هم به همین دلیل متوقف هستند. از شما تقاضا دارم که دستور فرمایید در ابلاغ آئین نامه ها و دستور العمل های لازم در شرایط موجود تسریع کنند.»

پیمانکاران عمرانی نیز گفت: «اگر قبول داشته باشیم که شرکت های فعال در صنعت احداث کشور، سرمایه های کشور هستند و سال ها برای شکل گیری آنها هزینه شده است، وظیفه همه ما این است که سعی کنیم آنها را حفظ و از اضمحلال آنها جلوگیری کنیم. شرایط فعلی همانطور که دوستان نیز اشاره کردند شرایط سختی است. از طرفی بدهکاری به عوامل، بازار و بانک ها که روز به روز بیشتر می شود و جرایمی هم به آنها تعلق می گیرد. اینها باعث می شود که ما اعتبارمان را در جامعه از دست بدهیم و در فضای صنفیان دچار بی اعتباری شویم. توقف کارها باعث شده که بیکاری زیاد شود و عدم درآمد شرایط سختی را به ما تحمیل کرده است. قوانین مالیاتی و بیمه ای هم فشارهای مضاعفی ایجاد کرده و نتیجه این شرایط، یک انسداده کامل در عرصه صنعت احداث به وجود آورده است. متأسفانه خبرهای ناگوار از سرتاسر کشور به گوش می رسد که مسئولیت ما و شما را در قبال جامعه سنگین تر می کند. خبرهایی که از وضعیت شرکت های پیمانکار و مشاور و سازندگان و مدیران می رسد، متأسفانه خبرهای خوب و جالبی نیستند.»

وی تأکید کرد: «ما سازمان مدیریت و برنامه ریزی را تنها نهاد مرجع برای برنامه ریزی و مدیریت کشور و کنترل و نظارت بر اجرای درست برنامه ها می دانیم. ما یک نظام فنی و اجرایی داریم که زیر نظر سازمان مدیریت هست ولی متأسفانه حوزه نفوذ آن پروژ و پروژه های تملک دارایی های سرمایه ای است. به عبارتی پروژه های عمرانی که دستگاه های اجرایی از محل منابع داخلی خود اجرا می کنند از این ضوابط و آیین نامه ها تبعیت نمی کنند و سازمان مدیریت هم نمی تواند در این بخش اعمال قدرت کند. یعنی مایک سری طرح های عمرانی تملک دارایی های سرمایه ای داریم، یک سری طرح های غیر عمرانی هم داریم. اضافه بر اینها ساخت و سازهای خصوصی هم هست که در حوزه وزارت راه و شهرسازی و حوزه نظام مهندسی تعریف می شود. آنها نیز یک ساختار برای خودشان دارند. آنها در طراحی و نظارت توفیقاتی داشته اند، ولی در اجرا دچار مشکل هستند. به عبارتی در جریان ذیصلاح همچنان مساله دارند. ما پیشنهاد می کنیم نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور در بخش ساخت و سازهای خصوصی کشور و پروژه های عمرانی و غیر عمرانی تهیه و تدوین شود.»

وی ادامه داد: «در پرداخت مطالبات معوقه با توجه به کاهش ارزش مطالبات، خواهشمندیم تمهیداتی برای جلوگیری از این اتفاق اندیشیده شود.»

سازمان مدیریت پشتوانه نظام فنی و اجرایی

مهندس میر فرید مصطفوی، نایب رئیس کانون طراحی مهندسی و طراحی مونتاز ایران با ارائه گزارشی از کمیسیون

نظام فنی و اجرایی گفت: «گزارشی که کمیسیون نظام فنی و اجرایی آماده کرده است، نگاه بلند مدت به موضوعات دارد. شورای هماهنگی از ۱۶ تشکل تشکیل شده است و عملاً بالغ بر ۱۰ سال در حال رایزنی و گفتگو و هم فکری است. هدف از تشکیل این شورا تشریک مساعی بین اعضای آن و مشارکت در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها است. تعداد کل شرکت های تحت پوشش بالغ بر ۳۰ هزار شرکت و به طور مستقیم ۱/۵ میلیون نفر اشتغال مستقیم و ۴/۵ میلیون نفر میزان اشتغال غیر مستقیم دارد و این به نظر ما یک سرمایه اجتماعی است. موضوع نهاد تعامل و شکل گیری آن بر اساس تفاهم نامه سازمان برنامه و موضوعات دیگری مثل دستیابی توسعه پایدار و بخش خصوصی... مطرح شد.»



دکتر نوبخت: هم در بودجه ۹۳ و هم در بودجه ۹۲ سعی شد که تأدیه بدهی ها با توجه به حفظ قدرت پول موجود برای پیمانکاران و مشاوران در دستور کار قرار گیرد و در حد ۱۶ هزار میلیارد تومان اختصاص یافته است که می تواند منبع جدید هم در اوراق خزانه اسلامی و هم در اوراق مشارکت خلق کند

وی گفت: «شورای هماهنگی می بایست هم در احداث باشد هم در بهره برداری از این منظر وارد بحث توسعه می شویم. اساساً رشد اقتصادی و توسعه به دو انباشت منتهی می شود: ۱- انباشت سرمایه ۲- انباشت تجربه و دانش. وقتی به سمت ارزش گذاری این انباشت ها می رویم ما با یک پدیده بسیار مفهومی در سطح جامعه مواجه می شویم، به طوریکه ارزش سرمایه بسیار بالا و ارزش دانش و تجربه بسیار پایین می بایست راه حلی برای این تناقض پیدا کنیم. اگر نتوانیم به راه حلی برسیم مطمئناً به مشکل برخورد می کنیم. تصور ما این است که در نظام فنی و اجرایی به شکلی به این دو انباشت باید پرداخت که این دو انباشت همترزی خود را حفظ کند. پشتوانه نظام فنی و اجرایی یکپارچه همانطور که بیان شد برای همترزی ارزش ها سازمان برنامه و مدیریت می دانیم.»

وی تأکید کرد: «جایگاه نهاد تعامل و سازمان برنامه در این موضوع می تواند تأثیرگذار باشد و به نهاد تعامل به عنوان سرمایه اجتماعی نگاه کنیم با همان نگاه جامعه شناسان که می گویند بدون نهادهای اجتماعی توسعه به وجود می آید اما توسعه پایدار به وجود نمی آید.»

چاره اندیشی نکنید، شرکت های مشاور نابود می شوند مهندس سادات نیا، عضو هیات مدیره انجمن مهندسان مشاور معمار و شهر ساز هم در ادامه اذعان کرد: «سهمی که ما نیاز مندیم از بودجه ملی بسیار سهم ناچیزی است و ما شرکت های مهندسی مشاور با چند هزارم بودجه ملی احیاء می شویم و این سهم کوچک ما، اثر بسیار بزرگی خواهد داشت و ما صاحب اندیشه سازی در آینده می کند.»

وی ادامه داد: «ما اندیشه سازان توسعه مملکت هستیم و در حال نابودی هستیم. در ۸ سال اخیر یک سوم شرکت های ما به تعطیلی کشیده شدند. ۵۰ درصد توانشان از بین رفته است و اگر تمهیدی اندیشیده نشود مطمئناً کمر مهندسان مشاوران خواهد شکست.»

وی گفت: «مشاوران برای ما طرح، برنامه و اندیشه ای با هزینه بسیار اندک خواهند آورد. در نتیجه تقاضای بنده از شما این است که روی این مساله تأکید بفرمائید و این مساله مد نظر قرار بگیرد.»

در پایان جلسه دکتر نوبخت معاون، برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در واکنش به سخنان اعضا گفت: «به دلیل آنکه از اراده دولت و شخص آقای ریاست جمهور و ظرفیت فکر ایشان و علایق و اعتقاد به اعتماد به بخش غیر دولتی و ظرفیت های ایرانی دارد مطلع هستم، به همین جهت انشاء الله بتوانیم این موانع را برطرف کنیم. بخشی از موانع با تصویب اعتبار و تخصیص اعتبار و تأدیه بدهی ها برطرف خواهد شد.»

اگر دولت بار بدهی خود را از دوش بخش ساخت و ساز بردارد کمک بزرگی در جهت چابک سازی بخش ساخت و ساز در بستر توسعه و سرعت بخشی به حرکت فراهم می شود.»

وی افزود: «در سال ۹۳ طبق مصوبه ای که داریم همچنین در قانون بودجه ۹۲ بود که آیین نامه اجرایی می خواست که این آیین نامه اجرایی در کمیسیون اقتصاد دولت با گرایش به سمت حل مشکل تهیه شد. معوقات تا زمان تأدیه اش یک زمان می خواهد.»

وی ادامه داد: «بی ارزشی پول با توجه به تورم یک واقعیت است. اگر بخواهیم ارزش آتی پول را به ارزش حال تنزیل کنیم همیشه هم نرخ ظاهری که تلفیقی از نرخ تورم و نرخ سود بانکی است، یک مقدار قابل توجهی از ارزش پول آتی کاسته خواهد شد. بنابراین هم در بودجه ۹۳ و هم در بودجه ۹۲ سعی شد که تأدیه بدهی ها با توجه به حفظ قدرت پول موجود برای پیمانکاران و مشاوران در دستور کار قرار گیرد و در حد ۱۶ هزار میلیارد تومان اختصاص یافته است که می تواند منبع جدید هم در اوراق خزانه اسلامی و هم در اوراق مشارکت خلق کند.»

اخبار

اخبار هیات مدیره

سندیکا طی نامه ای به مهندس فلاحتیان خواستار شد:

قفل قراردادهای جاری صنعت برق را باز کنید

سندیکای صنعت برق ایران طی نامه ای به مهندس هوشنگ فلاحتیان، معاون وزیر نیرو و در امور برق و انرژی خواستار صدور بخشنامه ای برای باز شدن قفل قراردادهای جاری صنعت برق شد.

به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، سندیکا در این نامه به مواردی که نیازمند تهیه و ابلاغ بخشنامه هایی برای تسهیل در اجرا هستند، اشاره کرده که این موارد به شرح ذیل آمده است:

۱- بهبود بخشنامه تعدیل نرخ ارز بلحاظ شمولیت زمانی (بلحاظ زمان شروع و پایان) و همچنین امکان استفاده از هر دوروش الف و ب بطور همزمان در یک قرارداد و به تفکیک آیتم های قراردادی

۲- تحریم های خارجی، از منظر مسائل مالی، حمل و نقل، دسترسی به کالا و همچنین گارانتی های مالی و فنی آنها، عامل غیر قابل انکاری برای توقف قراردادها بوده و فلذا مساله تحریم لازم است در مبحث توقف قراردادها لحاظ گردد.

۳- در صورتیکه شرکت های برق منطقه ای چشم اندازی برای تادیه انواع پرداخت های یک قرارداد حداکثر ظرف مدت ۹۰ روز نداشته باشند، اجازه خاتمه پیمان (قرارداد) به پیمانکار (یا سازنده) داده شود.

۴- با توجه به تغییر ساز و کار بازار داخلی و خارجی از خریدهای اعتباری (یا با پیش پرداخت ۲۵ درصد) به خریدهای نقدی (پیش پرداخت ۵۰ درصد به بالا و تسویه کامل (نقدی یا چک) هنگام تحویل) خواهشمند است نسبت به انجام پرداخت های میان مدت یا پرداخت به مصالح پای کار (در انواع قراردادهای E.P.C-P.C و خرید) دستور اقدام مبذول فرمایید.

۵- مجوز تغییر برند با بار مالی و بدون بار مالی بر اساس ارزیابی فنی را به شرکت های برق منطقه ای براساس درخواست و پیشنهاد پیمانکار (سازنده) را مبذول فرمایید.

۶- علی رغم و جوه مثبت بسیار در نامه شماره ۱۶۱۰۰۶ مورخ ۱۴/۱۰/۹۲ معاون اول محترم رییس جمهور مبتنی بر منویات موجود در نامه شماره ۱۵۶۶۶۷ مورخ ۱۴/۱۰/۱۳۹۲ رئیس جمهور محترم، متأسفانه برداشت های ناصوابی در برخی از شرکت های برق منطقه ای از این بخشنامه شده است که مشکلات قراردادهای متوقف را دو چندان نموده است. لذا مستدعی است بمنظور یکسان سازی برداشت ها و جلوگیری از اعمال نظرات رادیکالی در شرکت های برق منطقه ای دستور اقدام لازم مبذول فرمایید. همانطور که مستحضر می باشید تعهدات در قراردادهای دو طرفه می باشند و توان شرکت های بخش خصوصی نیز یکسان نمی باشند.

۷- ساز و کار اوراق مشارکت با عنایت به اینکه این اوراق "غیر قابل باز خرید قبل از سر رسید بوده و بانک عامل تعهدی در پرداخت اصل وجه و کوپن سود علی الحساب در صورت عدم تامین منابع از سوی ناشر" می باشد و همچنین این اوراق با نام بوده و سر رسید آنها ۴ ساله می باشند با سود ۲۰ درصد، لذا شرکت ها به دلیل نیاز به نقدینگی مجبور به فروش آنها می باشند (البته اگر قابل فروش باشند و کسی یا شرکتی آنها را بخرد) که حداقل با ۶ الی ۱۲ درصد کاهش نسبت به اصل آن مواجه خواهند گشت. (قیمت را خریدار مشخص خواهد کرد) فلذا درخواست می گردد ساز و کار و میزان اعتبار این اوراق را در قالب یک دسته بندی بلحاظ دریافت کنندگان آن تعدیل و اصلاح فرمایند.

به هر حال رخدادهایی نظیر تلاطمات ارزی، تورم، تحریم، رکود، گرانی تسهیلات بانکی و مواردی از این دست توسط پیمانکاران (سازندگان) و یا کارفرمایان بوجود نیامده اند. اما به هر حال این موارد رخ داده و رسیدن به آینده و تزریق امید، مبتنی بر تدبیری خواهد بود که امروز برای گذر از توقفگاه قراردادها اعمال می گردد.

گفتنی است این نامه به مهندس حائری، مدیر عامل شرکت توانیر نیز ارسال شده است.

روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران/ با پیگیری های سندیکا وزارت نیرو و موضوع پرداخت خسارت دیرکرد را پذیرفت

دستور پیگیری ریاست جمهوری برای حل مشکلات سندیکا

با پیگیری های سندیکای صنعت برق ایران وزارت نیرو و موضوع پرداخت خسارت دیرکرد را پذیرفت و همچنین محسن بهرامی، مشاور و رئیس حوزه معاونت اجرایی ریاست جمهوری طی نامه ای به مشاور و رئیس حوزه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری خواستار بررسی و پیگیری مشکلات سندیکا و ضرورت تعیین تکلیف شورای عالی فنی شد. به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، چندی پیش سندیکا طی نامه ای به بهرامی، مشاور و رئیس حوزه معاونت اجرایی ریاست جمهوری به بیان مشکلات این صنعت پرداخت و اعلام کرد:

«صنعت برق کشور بدلیل مشکلات اقتصادی وزارت نیرو و دچار بحران جدی است به نحویکه بنابر اظهار وزیر محترم نیرو، وزارت نیرو با حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان بدهی، بیشترین سهم بدهی به پیمانکاران و تولیدکنندگان را دارا می باشد. عنایت دارید در پروژه هایی که ارائه صورت وضعیت و صورتحساب در آنها مبتنی بر فهراس بهای معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی می باشد (مثلاً پروژه های ساختمانی) بواسطه وجود شاخص تعدیل، در صورت تأخیر در پرداخت از طرف کارفرما به خودی خود ضرر چندانی متوجه پیمانکار نمی شود چرا که مؤلفه اصلی در تعیین شاخص های تعدیل تورم و نوسانات قیمت هاست ولی در قراردادهای فاقد فهرست بها (مانند قراردادهای پروژه های صنعت برق) که به همین دلیل مشمول تعدیل نمی شوند، از ناحیه تأخیر در پرداخت مطالبات به تناسب مدت تأخیر و نرخ تورم ضررهای قابل ملاحظه ای به پیمانکاران وارد می شود.

در این چند ساله اخیر پیمانکاران و تولیدکنندگان و تأمین کنندگان تجهیزات و مواد در صنعت برق نوعاً بواسطه ناتوانی وزارت نیرو و در پرداخت ب موقع مطالبات آنها و عدم اعمال تعدیل به بخش های ریالی و ارزی قرارداد ضررهای هنگفتی را متحمل شده اند و متأسفانه باید گفت وقتی که تمام توجهات معطوف به پرداخت اصل بدهی می گردد خسارت دیرکرد تحت الشعاع این موضوع قرار گرفته به نحوی که در تأمین اعتبارات لازم برای تأدیه بدهی ها فقط به اصل بدهی توجه می شود. متذکر می شود خیلی از شرکت ها بدنبال عدم دریافت مطالبات خود اقدام به اخذ وام از بانک ها با بهره های ۲۶٪ و ۳۲٪ نموده و مانع توقف اجرای پروژه های خود شدند و به این جهت اکثراً بدهی های زیادی را که اصطلاحاً بالا آورده اند. بنابراین در جهت جلوگیری از فروپاشی این فعالان که هر کدام منشاء خدمات ذی قیمتی بوده و جزء سرمایه های ملی این کشورند، باید پرداخت خسارت تأخیر بطور جدی در دستور کار دولت قرار گیرد.

در این رابطه فهرستی از مطالبات و خسارات شرکت های عضو این سندیکا که به استعلام این تشکیک پاسخ داده اند جهت استحضار تقدیم می گردد.»

در این راستا نامه سندیکا از سوی این معاونت برای اقدامات لازم به مشاور و مدیر کل حوزه وزارتی وزارت نیرو ارسال شد. در پاسخ نیز ماشاله تابع جماعت، مشاور وزیر و مدیر کل دفتر وزارت نیرو طی نامه ای به مشاور و رئیس حوزه معاونت اجرایی ریاست جمهوری اعلام کرد:

«در خصوص پرداخت خسارت تأخیر در تأدیه پرداخت های مرتبط با قراردادهای منعقد شده با سازندگان و پیمانکاران حوزه برق، موارد زیر جهت استحضار ایفاد می شود.

۱- در سال ۱۳۸۴ که محدودیت ها و مضایق مالی، مشکلاتی را برای پیمانکاران و سازندگان ایجاد نمود، به منظور جبران خسارت ناشی از عدم ایفای تعهدات مالی کارفرما، دستورالعمل شماره ۲۳۲/۱۱/۲۳۹۶ مورخ ۲۳۲/۸/۴ مورخ ۱۳۸۴ صادر و به کلیه شرکت های تابعه ابلاغ و خواسته شد تا در قراردادهای آتی (چنانچه استفاده از روش اعتبار اسنادی ریالی میسر نباشد) متن مندرج در دستورالعمل مذکور به عنوان یک ماده مستقل و یا در انتهای ماده مربوط به شرایط پرداخت درج گردد.

۲- در خصوص جبران خسارت ناشی از عدم ایفای تعهدات مالی کارفرما در قراردادهایی که پرداخت خسارت پیش بینی نشده بود، طی نامه شماره ۳۱۴۶/۱۱/۲۳۲ مورخ ۲۳۲/۳/۱۰ مورخ ۱۳۸۴ با معاونت فنی وقت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور مکاتبه و درخواست گردید، پرداخت خسارت ناشی از دیرکرد مطالبات جاری و گذشته شرکت های مذکور، در شورای

عالی فنی مطرح و مجوز لازم اخذ و مراتب به شرکت توانیر اعلام گردد. سازمان مذکور طی نامه شماره ۵۱۳/۱۷۲۲۶۰ مورخ ۳/۱۱/۸۴ مستند به بند (ب) از ماده (۱۰) قانون برگزاری مناقصات اعلام نمود که بخشنامه ای در این خصوص در دست تهیه می باشد که مراحل پایانی را سپری می نماید، که علیرغم پیگیری های به عمل آمده، تا کنون بخشنامه و یا مصوبه ای در این خصوص دریافت نشده است.

۳- در سال ۱۳۸۶ و مستند به صورتجلسه مورخ ۱/۶/۸۶ که کمیسیون سه جانبه مجلس، توانیر و سندیکا متن لایحه قانونی جبران خسارت ناشی از عدم پرداخت به موقع مطالبات شرکت های طرف قرارداد و احدی های صنعت برق تهیه و ارسال شد که در این خصوص نیز اقدام موثری صورت نگرفت و مشکل خسارت تاخیر در تادیه پرداخت ها در قراردادهای جاری کماکان باقی است.

۴- علیرغم آنکه مجوز پرداخت خسارت تاخیر در تادیه پرداخت ها در قراردادهای جاری صادر نشده، سازندگان و پیمانکاران در برخی از مناقصات که خسارت تاخیر در تادیه پرداخت ها پیش بینی نشده، قبول ریسک نموده و مبادرت به پیشنهاد قیمت کرده اند. بدین ترتیب بعد از سال ۱۳۸۴ نیز قراردادهای معتناهی مبادله شده که فاقد پرداخت خسارت تاخیر در تادیه پرداخت می باشد. اگر چه مبادله اینگونه قراردادهای به منزله ریسک عدم پرداخت از سوی کارفرما و قبول آن از سوی پیمانکار نیز تلقی می شود، لیکن اینگونه پیمانکاران و سازندگان به دلیل عدم پرداخت به موقع مطالبات دچار ضرر و زیان شده اند. با این حال پرداخت خسارت به آنها مستلزم مجوز قانونی و یا مجوز شورای عالی فنی می باشد.

با عنایت به مراتب مذکور پیشنهاد می شود در قراردادهای آتی به منظور جلوگیری از تبعات فوق، موارد ذیل لحاظ گردد:

۱- خسارت ناشی از تاخیر در تادیه پرداخت ها پیش بینی شود.

۲- در صورتی که کارفرما در پرداخت پیش پرداخت و سایر پیش پرداخت ها بیش از ۳ ماه تاخیر نماید، طرف معامله اختیار درخواست خاتمه پیمان را داشته باشد.

به دنبال این نامه مشاور و رئیس حوزه معاونت اجرایی ریاست جمهوری طی نامه ای به مشاور و رئیس حوزه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری خواستار بررسی و پیگیری مشکلات سندیکای صنعت برق ایران و ضرورت تعیین تکلیف شورای عالی فنی شد.

در جلسه هیات مدیره سندیکا تاکید شد:

جلسات کارگروه توانیر- سندیکا با جدیت پیگیری شود

در شصتمین جلسه دوره پنجم هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران که در تاریخ چهارم اسفند ماه سال جاری برگزار شد، رئیس هیات مدیره سندیکا بر ادامه برگزاری جلسات کارگروه توانیر- سندیکا تاکید کرد و خواستار شد که در اولین جلسه بعد از سال نو از مهندس حائری برای حضور در جلسه دعوت بعمل آید.

به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، در این جلسه مهندسین ثقفی، عضو هیات مدیره و مسائلی، دبیر کارگروه مشترک کارگروه توانیر- سندیکا گزارش کاملی از آخرین جلسه این کارگروه ارائه کردند.

به دنبال بحث و تبادل نظر و رای گیری از اعضا حاضر در جلسه مقرر شد سندیکای صنعت برق در انتخابات فدراسیون انرژی و صنایع وابسته مشارکت کند.

گفتنی است پس از برگزاری این انتخابات از میان تشکل ها، سندیکای صنعت برق ایران با ۱۱۰ رای، انجمن صادرکنندگان خدمات مهندسی با ۸۶ رای، سندیکای شرکت های ساختمانی با ۷۲ رای، سندیکای تولیدکنندگان برق با ۷۱ رای، جامعه مهندسین مشاور با ۷۰ رای، استصنا با ۶۸ رای، انجمن سازندگان تابلو با ۶۶ رای و انجمن آب و فاضلاب با ۶۱ رای به عنوان اعضای اصلی و انجمن خط و پست با ۵۸ رای و انجمن فرآورده های نفتی با ۴۹ رای به عنوان اعضای علی البدل انتخاب شدند.

همچنین نتیجه رای گیری میان شرکت ها به این ترتیب بود: مهندس پارسا با ۹۰ رای، مهندس صالحی با ۹۰ رای دکتر شمس اردکانی با ۶۷ رای، مهندس گلرخی با ۵۵ رای، مهندس ترابی با ۴۹ رای، مهندس کلاهی با ۴۰ رای و مهندس صفر نوراله با ۳۸ رای، به عنوان اعضای اصلی و مهندس دولت آبادی با ۳۶ رای و مهندس ملکینیان فر با ۳۵ رای به عنوان اعضای علی البدل.

به منظور بررسی مسایل و گلوگاه های صنعت برق:

همکاری مشترک سندیکا با انجمن سازندگان تابلوهای برق

در پنجاه و نهمین جلسه دوره پنجم هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران که در بیستم بهمن ماه سال جاری برگزار شد، بر همکاری مشترک سندیکا با انجمن سازندگان تابلوهای برق به منظور بررسی مسایل و گلوگاه های صنعت برق تاکید شد. به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، پیرو جلسه ای که میان این دو تشکل در دفتر سندیکا برگزار شد، مقرر شد جلسات کمیته های حقوقی و قراردادهای مشترک برگزار و مسائل و مشکلات صنعت برق با مشارکت یکدیگر بررسی و تصمیم گیری های لازم بعمل آید.

در ادامه جلسه هیات مدیره، گزارشی از عملکرد کارگروه توانیر-سندیکا که عمدتاً در خصوص موارد مهم و حیاتی صنعت برق شامل تعیین تکلیف پروژه های متوقف، بروز شدن قیمت ها، نرخ و نوسانات ارزی، تحریم های گوناگون، نبود نقدینگی کارفرمایان، اصلاح قانون مناقصات، اصلاح آیین نامه در معاملات شرکت های برق منطقه ای، یکسان سازی قراردادهای تیپ و غیره و... بوده، ارائه و مقرر شد این موارد همچنان در دستور کار کارگروه قرار داشته و پیگیری های لازم بعمل آید. در این جلسه همچنین مقرر شد، مذاکرات انجام شده با کمیسیون انرژی مجلس و معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور در مورد بخشنامه ارزی و قانون هارد شیب پیگیری و به انجمن ها و سندیکاهای دیگر نیز تعمیم داده شود و ادامه اقدامات با مشارکت همه جانبه انجمن ها انجام پذیرد.

ارائه گزارشی در خصوص ایجاد فدراسیون صنعت برق و همچنین ارسال نامه ای به وزیر نیرو در خصوص اعلام آمادگی سندیکا برای مشارکت در فاینانس پروژه های وزارت نیرو و از دیگر مواردی بود که در این جلسه مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گرفت.

نشست عمومی کمیته کسب و کار سندیکای برق اصفهان با نماینده اداره دارایی

نشست عمومی کمیته کسب و کار سندیکای برق اصفهان با موضوع احصاء مشکلات مالیاتی اعضا در روز پنجشنبه مورخ بیست و ششم دی ماه سال جاری با حضور آقای شفیع، کارشناس امور مالیاتی که بر اساس درخواست کتبی از اداره دارایی حضور داشتند، برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی سندیکای برق اصفهان، مهندس وحید دستجردی، رئیس کمیته، هدف از نشست را ایجاد صدای واحد در بخش خصوصی در ارتباط با مبحث مالیات عنوان کرد. وی همچنین از پرداختن به مسائل سازمان تامین اجتماعی اعضا در آینده ای نزدیک در این کمیته خبر داد.

در ادامه مهندس مهدی مسائلی، عضو کمیته و دبیر سندیکای برق اصفهان به ارائه گزارشی از وضعیت مالیاتی ایران از نگاه بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ پرداخت و عنوان کرد که موقعیت کشور ایران در بین ۱۸۵ کشور جهان در مبحث مالیات به شرح جدول زیر است:

کشور	موضوع	رتبه جهانی
ایران	سهولت در پرداخت مالیات	۱۲۹
	تعداد مالیات	۷۵
	رسیدگی به دعوی مودیان مالیاتی	۱۴۳
	نرخ کلی مالیات	۱۱۷

و بر اساس این گزارش رسیدن به نتیجه را آسان ندانست و حمایت و همکاری حداکثری اعضا را درخواست کرد. وی موقعیت استان اصفهان را به لحاظ بودجه و مالیات به شرح جدول زیر معرفی کرد و به لحاظ اینکه در مبحث مالیات در بین ۳۱ استان کشور اصفهان رتبه دوم را دارا است فشار مالیاتی در این استان را مضاعف اعلام کرد.

رتبه اصفهان در میان ۳۱ استان کشور	
دوم	در آمد مالیاتی
چهارم	درآمد سرانه
بیست و هشتم (۲۸)	سرانه بودجه جاری
بیست و نهم (۲۹)	سرانه بودجه عمرانی

در ادامه مهندس کثیری، نایب رییس سندیکای برق اصفهان و رئیس هیات مدیره شرکت کوشش برق رقابت افراد حقیقی و حقوقی را به لحاظ عدم تساوی تکالیف مالیاتی متناسب ندانست و در این کارزار بازنده را شرکت ها یا همان افراد حقوقی بر شمرد.

مهندس اسماعیلی از شرکت گلنور عدم اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده به صورت جامع، شرکت های کد فروش و شرکت هایی که پس از چند سال به لحاظ مالیاتی در لیست سیاه قرار می گیرند را از عمده مشکلات حاشیه ای مبحث مالیات عنوان کرد.

وی عدم توجه و پیگیری مسائل توسط تشکل هایی مانند سندیکا را باعث دلزدگی اعضا از اینگونه تشکل ها و در نتیجه جزیره ای عمل کردن اعضا عنوان کرد.

مهندس صافی، خزانه دار سندیکا و مدیر عامل شرکت بهراد پیشنهاد دسته بندی مشکلات مالیاتی را مطرح و عنوان کرد که دسته اول مشکلات، خود قوانین هستند و دسته دوم نحوه اجرا و عدم استفاده صحیح از ظرفیت های قانونی موجود و دخالت سلابق است.

آقای اعتمادی از شرکت پردیسان فناوران نیرو با اعلام اینکه در کنار مشکلات راهکار ها نیز باید ارائه شود، گفت: عدم آگاهی کامل همزمان و مودیان از قوانین، یکی از زمینه های فرهنگی مشکلات مالیاتی است.

وی خواهان اجرایی شدن اصل براثت در مبحث مالیات شد و بر لزوم حمایت از مودیان قانونمند تاکید کرد. (رتبه بندی مودیان)

اعتمادی بر لزوم شفافیت دوسویه تاکید کرد و افزود: طرح جامع مالیاتی مشروط بر اجرای کامل و یکسان، طرح خوبی است. وی اضافه کرد: به دلیل جزیره ای بودن ساختار اداره دارایی بدلیل تعدد حوزه ها، لزوم ارائه مشکلات روی یک میز به منظور هماهنگی بهتر و آگاهی همگان ضروری است.

در ادامه، نماینده شرکت توانمند بر لزوم انجام تها تر بین مطالبات از کارفرمایان دولتی با مالیات و مالیات بر ارزش افزوده تاکید کرد و تعدد مراجع و تنوع مالیات ها را نامطلوب ارزیابی کرد.

خانم بهرامی از شرکت مهندسی پردیسان عدم معافیت کامل مالیاتی پروژه های تحقیقاتی، وام های بانکی مبتنی بر فاکتور و ابطال فاکتور شرکت هایی که بعد از دیدگاه اداره دارایی کد فروش محسوب می شوند را به عنوان مشکلات و مسائل حال حاضر شرکت ها عنوان کرد.

در این نشست همچنین، در پیاده سازی طرح جامع مالیاتی در استان اصفهان و به خصوص در گزارش خرید و فروش فصلی عمده مشکل شرکت های حقوقی خصوصی عدم ارائه اطلاعات و نبود شفافیت از سوی مشاغل و اشخاص حقیقی عنوان شد.

در پایان آقای شفیعی با ارائه توضیحاتی به سوالات مطرحه در جلسه پاسخ داد.

در این جلسه که در اتاق بازرگانی اصفهان برگزار شد، نمایندگان مالی اعضای شعبه اصفهان شامل شرکت های بهراد، کوشش برق، پردیسان فناوران نیرو، نوژان، رعد، توانمند، مبین برق، مهندسی پردیسان، بنیاد پوشش، مدبا و نورکار الکترونیک حضور داشتند.

معین تقوی عضو هیات مدیره اتحادیه صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی خراسان شد

در پی برگزاری مجمع عمومی اتحادیه صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی خراسان رضوی که در تاریخ بیستم بهمن ماه سال جاری برگزار شد، مهندس معین تقوی، رئیس هیات مدیره شعبه خراسان سندیکای صنعت برق به عنوان عضو اصلی هیات مدیره این اتحادیه انتخاب شد. همچنین در اولین جلسه هیات مدیره این اتحادیه، وی به سمت نایب رئیس اول این اتحادیه انتخاب شد. ضمن تبریک انتخاب شایسته ایشان آرزو مندیم که این انتخاب آغازی بر تعامل هر چه بیشتر شعبه خراسان با اتحادیه یاد شده باشد.

با حضور کمیته کسب و کار شعبه اصفهان سندیکا:

بررسی مشکلات اعضا با سازمان تامین اجتماعی

در روز پنجشنبه مورخ هشتم اسفند ماه سال جاری، کمیته کسب و کار شعبه اصفهان سندیکا با موضوع احصاء مشکلات اعضا با سازمان تامین اجتماعی جلسه ای سه ساعته در اتاق بازرگانی اصفهان تشکیل داد. به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، در این جلسه خانم کاج آبادی یکی از کارشناسان حوزه درآمد اداره کل سازمان تامین اجتماعی حضور داشتند. مهندس وحید، رئیس کمیته و یکی از اعضای هیات مدیره سندیکای اصفهان، اظهار داشت: هدف از برگزاری این جلسات ایجاد یک صدائی و انتقال تجارب اعضا است. در ادامه مهندس مهدی مسائلی، دبیر شعبه اصفهان سندیکا اعلام کرد: در کمیته کسب و کار به بررسی مسائل و مشکلات حوزه کسب و کار در دو محور روئینایی شامل مسائل و مشکلات اعضا با اداره دارایی، سازمان تامین اجتماعی و بانک ها و در بخش زیر ساختی شامل مفهوم خصوصی سازی و چگونگی ایجاد باور در اعضا و دولت در پذیرش این بخش خواهد پرداخت که نتیجه آن ایجاد کار و کسبی پایدار خواهد شد. وی در ادامه با ارائه آمار، وضعیت فعلی کسب و کار را نامناسب اعلام کرد.

بهار ۱۳۹۲	تابستان ۱۳۹۲	پاییز ۱۳۹۲
۹٪	۸,۹٪	۲,۱۲٪

مسائلی در ادامه به ارائه آمار نرخ بیکاری در استان اصفهان در سال ۱۳۹۲ پرداخت و افزایش این نرخ در پاییز نسبت به تابستان را عدم اعتماد فعالان اقتصادی به امیدهای متصور برای محیط کسب و کار دانست.

گزارش سال	۲۰۱۱	۲۰۱۲-۲۰۱۳	۲۰۱۴
رتبه در بین ۱۸۹ کشور	۱۴۰	۱۴۴	۱۵۲

دبیر شعبه اصفهان در ادامه جلسه مساله تورم کشور را با کشورهای مصر، عراق، ترکیه، امارات و سوریه پرداخت و اعلام کرد: علی رغم ثبات سیاسی در کشور ایران و نبود جنگ در کشور، تورم کشور ایران بسیار بالا و متغییر بوده و این مساله تاثیر منفی بر محیط کسب و کار فعالان اقتصادی بخش خصوصی داشته است.

در این جلسه اعضای سندیکای صنعت برق از جمله شرکت های بنیاد پوشش، صفانیکو، نوژان، کوشش برق، مدبا، پردیسان فناوریان نیرو، گلنور، رعد و صنایع مس قائم به بیان مسائل و مشکلات خود با سازمان تامین اجتماعی پرداختند که خانم کاج

آبادی به تمامی آنها پاسخ داد.

اما نتایج حاصل از این جلسه به شرح زیر بودند:

- ۱- بخش خصوصی به دلیل ناآگاهی از قوانین و مقررات سازمان تامین ضرباتی را متحمل شده است.
 - ۲- بخش خصوصی به دلیل عدم هماهنگی قراردادهای دولتی با متن کامل مقررات و بخشنامه های این سازمان، با مسائلی مواجه شده است که در این راستا لازم است از سوی سندیکا مکاتبه ای در این باره با سازمان تامین اجتماعی و وزارت نیرو انجام شود.
 - ۳- سازمان تامین اجتماعی بر اساس مدارک و مستندات با رعایت تقدم و تاخر زمانی و رعایت کامل و دقیق متن بخشنامه و قوانین سازمان نسبت به رسیدگی به پرونده ها اقدام خواهد کرد. البته در این راستا خانم کاج آبادی منکر یکسان نبودن تجربیات در شعب گوناگون نشدند و گرفتن مشورت از ادارات کل سازمان تامین اجتماعی و درخواست رسیدگی به خواسته های قانونی در هیات های بدوی، تجدید نظر و نهایتاً دیوان عدالت اداری را از حقوق بخش خصوصی و فعالان اقتصادی دانستند.
 - ۴- بازرسان سازمان تامین اجتماعی در مراجعه به کارگاه ها و شرکت ها صرفاً حق کنترل لیست بیمه با حاضرین در کارگاه یا شرکت را داشته و حتی برای پرسش در مورد میزان حقوق و کمی یا زیادی آن ندارند. در صورت بروز این مساله کارفرمایان مجاز به شکایت و پیگیری هستند.
 - ۵- خانم کاج آبادی تاکید کردند در قراردادهای حتماً هزینه های تامین (خرید) تجهیزات، اجرا و حمل بطور جداگانه و تفکیک شده درج شوند.
 - ۶- شمولیت بخشنامه ۵، ۱۴ درآمد برای قراردادهای کلید در دست بوده و در صورتیکه تجهیز یا مصالحی توسط کارفرما تامین شود، قرارداد از شمولیت این بخشنامه خارج می شود.
 - ۷- بند "ج" ماده ۱۱ قانون رفع موانع تولید صرفاً مربوط به شرکت های تولیدی بوده و پیمانکاران را شامل نمی شود.
 - ۸- تاکید شد که فعالان اقتصادی ماده ۳۸ بخشنامه های درآمد سازمان تامین اجتماعی را دقیق مطالعه کنند.
- در این جلسه پیشنهاد شد: با توجه به نامعلوم بودن ضرایب قراردادهای لحاظ سازمان تامین اجتماعی، کسورات بیمه و ضریب آن در هر قرارداد در زمان مناقصه توسط کارفرما معلوم و یا کسورات مربوطه توسط کارفرما پرداخت شود.

اخبار کمیته ها

در جلسه عمومی کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا:

عملکرد یکساله کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکا بررسی شد

در جلسه عمومی پنجم اسفند ماه سال جاری کمیته تخصصی اتوماسیون و مخابرات سندیکای صنعت برق ایران عملکرد یکساله این کمیته مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، در این جلسه مهندس رجایی، رئیس کمیته اتوماسیون و مخابرات به اقدامات هیات رئیسه در مراحل مختلف اشاره کرد و مواردی نظیر جمع آوری اطلاعات اعضای کمیته و تهیه پرو فایل اطلاعات اعضا به صورت کاتالوگ کمیته (درج فایل در بولتن روزانه و سایت سندیکا)، امضای تفاهم نامه همکاری با انجمن صنفی شرکت های اتوماسیون صنعتی مانند ارزیابی و تشخیص صلاحیت سازندگان، جلسه با کمیته توسعه صادرات، جلسه با کمیته پست سازان سندیکا، برگزاری دوره های آموزشی کمیته برای شرکت های عضو و غیر عضو فعال در زمینه صنعت اتوماسیون و مخابرات، بحث در مورد عوارض گمرکی و تعدیل نرخ تعرفه رله، برگزاری سمینارهای ترویجی تخصصی برای مدیران ارشد بر نامه ریزی و طرح و توسعه برق های منطقه ای و ارگان های دولتی و مدیران شرکت های فعال در زمینه اتوماسیون و مخابرات را از مهم ترین اقدامات بر شمرند.

در ادامه جلسه، هر یک از اعضا به بحث و تبادل نظر در مورد مسایل و مشکلات موجود در صنعت اتوماسیون و مخابرات پرداخته و خواستار شفاف سازی روند ساختار تشکیلی شرکت های عضو اعم از پیمانکار و کارفرما شدند. همچنین همبستگی شرکت های عضو کمیته از دیگر موارد مورد بحث در این جلسه بود.

تنظیم قراردادهای نیروگاه‌های فتوولتائیک مورد بررسی قرار گرفت

در جلسه مشترک کمیته انرژی های تجدیدپذیر و مهندسين مشاور سندیكای صنعت برق ایران که در بیست و نهم بهمن ماه سال جاری برگزار شد، تنظیم قراردادهای نیروگاه های فتوولتائیک مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی سندیكای صنعت برق ایران، در این جلسه عنوان شد که بسیاری از اسناد مناقصه استان ها دارای مشکلات عدیده ای هستند که می توان این مشکلات را در دو دسته نبود همگنی و وحدت رویه در قراردادهای مشکلات مربوط به مباحث فنی تقسیم بندی کرد.

اعضای کمیته تاکید کردند، تنظیم قراردادهای در بخش تجدیدپذیر مبحث ویژه ای در صنعت برق است که نیازمند تنظیم قراردادهای فنی دقیق تر و با تخصص ویژه است. به عنوان مثال با عنایت به این امر که نوع پنل به کار رفته در پنل متصل و منفصل از شبکه متفاوت است این موضوع در برخی از اسناد مناقصه در نظر گرفته نشده است. از طرفی با توجه به قانون حمایت از تولید داخل، استفاده از پنل تولید داخل اجباری است در حالی که پنل های تولید داخل مناسب سیستم متصل به شبکه نیستند و این امر کاهش راندمان و خروجی سیستم را در پی دارد.

همچنین ضعف در اطلاعات فنی مناقصات سبب ورود هر شرکت با هر نوع سابقه و تخصصی می شود که در این صورت امکان محک زدن شرکت ها وجود ندارد. در بعضی موارد نیز عدم وجود ابزار فنی اندازه گیری مشکلاتی را در اجرا به وجود می آورد. از سوی دیگر محدود شدن به برندهای خاص در مورد اجزا و قطعات با توجه به تحریم ها مشکلاتی را به وجود می آورد که در این خصوص پیشنهاد شد شرکت های مشاور برندهای خارجی را با توجه به شرایط تحریم و سهولت واردات آن معرفی کنند. به عنوان مثال برند SMA اجازه صادرات به ایران را ندارد که این امر مشکلاتی را در اجرای پروژه و استفاده از نرم افزار از طریق اینترنت ایران مواجهه می کند. همچنین وقتی برند خاصی معرفی می شود تقاضا برای برند خاص افزایش پیدا می کند که سبب بالا رفتن قیمت آن می شود.

در این جلسه اعضا بر رعایت اخلاق مهندسی تاکید کردند. چرا که در برخی موارد شرکت های مشاور علیرغم مبلغ بالای قراردادها حاضر به انجام خدمات مشاوره ای با مبالغ بسیار پایین شده اند که این امر سبب تضعیف بنیه مالی شرکت های مشاور و به وجود آمدن فضای رقابتی ناسالم می شود.

در ادامه، اعضا پیشنهاد کردند spec مناسب توسط شرکت های فعال در زمینه انرژی های تجدیدپذیر تهیه و به شرکت های مشاور پیشنهاد شود تا از این طریق دانش فتوولتائیک عمومیت یافته و فراگیر شود.

اعضا همچنین بر همکاری شرکت های فعال در زمینه انرژی های تجدیدپذیر با شرکت های مشاور - با توجه به نوپا بودن این صنعت - تاکید کردند و مقرر شد در جلسه بعدی مشاوران از شرکت های عضو کمیته تجدیدپذیر دعوت به عمل آورند. حاضرین جلسه بر وجود مشکلات و چالش های متعدد در بخش های مختلف از جمله تامین تجهیزات تاکید کردند و مقرر شد آسیب شناسی انجام شده در رابطه با مشکلات صنعت انرژی های تجدیدپذیر توسط مهندس مهذب ترابی، مدیر عامل شرکت مشاور نیرو و به حاضرین در جلسه ارسال و پس از مطالعه و بررسی آن در قالب نامه ای به وزارت نیرو ارسال شود.

در کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکا:

پیش نویس شرایط عمومی پیمان بررسی شد

جلسه چهارم اسفند ماه سال جاری کمیته حقوقی و قراردادهای سندیكای صنعت برق ایران به بررسی موضوعات پیش نویس شرایط عمومی پیمان، بررسی نهایی دسته بندی قراردادهای پیشنهادات نهایی ارزی برای طرح در جلسه با معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری اختصاص داشت.

به گزارش روابط عمومی سندیكای صنعت برق ایران، در این جلسه مقرر شد، با توجه به بررسی پیشنهادات ارایه شده در سال های گذشته و کنترل پیش نویس شرایط عمومی پیمان فعلی نسبت به تغییرات برخی مواد پیشنهاداتی ارایه و این پیشنهادات طی

نامه ای به دفتر بررسی های مالی و بازرگانی شرکت توانیر و نهاد تعامل منعکس شود. در این جلسه همچنین دسته بندی قراردادها که در جلسات پیشین مورد بررسی قرار گرفته بود پس از درج اصلاحات و پیشنهادات این کمیته مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و مقرر شد موارد اصلاحات نهایی در کارگروه مشترک توانیر و سندیکا منعکس شود.

با توجه به اتمام زمان بخشنامه ارزی و صدور بخشنامه جدید مقرر شد پیشنهادهایی که پیش از این به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری منعکس شده بود برای بررسی و برگزاری جلسه با دکتر قانع فر، معاون امور نظام فنی و مهندسی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری با ایشان مطرح و در نشست با ایشان موارد ارسال بررسی شود.

کمیته انرژی های تجدیدپذیر سندیکا ارائه کرد:

گزارش استفاده از انرژی های تجدیدپذیر در صنعت ساختمان

کمیته انرژی های تجدیدپذیر سندیکای صنعت برق ایران گزارش استفاده از انرژی های تجدیدپذیر در صنعت ساختمان را که به منظور لحاظ در مقوله انرژی های تجدیدپذیر در مبحث نوزدهم (صرفه جویی در مصرف انرژی) و بیست و یکم (پدافند غیرعامل) مقررات ملی ساختمان تهیه شده است، به مهندس اکبر ترکان، ریاست سازمان نظام مهندسی ساختمان ارسال کرد. به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، طی نامه ای که به مهندس ترکان ارسال شده آمده است: "پرو مصوبه جلسه مورخ ۲۹/۰۸/۹۲ کمیته انرژی های تجدیدپذیر سندیکای صنعت برق و شورای برق سازمان نظام مهندسی مبنی بر تهیه گزارشی توسط سندیکا پیرامون ضرورت استفاده از انرژی های تجدیدپذیر در بخش ساختمان، گزارش تهیه شده توسط سندیکای صنعت برق ایران جهت استحضار و اقدام مقتضی تقدیم حضورتان می شود. امید است با عنایت جنابعالی شاهد روند توسعه استفاده از انرژی های تجدیدپذیر در بخش ساختمان و تحقق اهداف مورد نظر باشیم." گفتنی است، گزارش مذکور در دبیرخانه کمیته موجود است.

از سوی کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکا مطرح شد:

پیشنهاداتی برای اصلاح پیش نویس نهایی شرایط عمومی پیمان

سندیکای صنعت برق ایران طی نامه ای به مهندس موسوی، مدیر کل دفتر بررسی های مالی و بازرگانی شرکت توانیر پیشنهاداتی را برای اصلاح پیش نویس نهایی شرایط عمومی پیمان ارائه کرد. به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، در ابتدای این نامه آورده شده است: "با بررسی های بعمل آمده بر روی پیش نویس نهایی شرایط عمومی پیمان توسط کمیته حقوقی و قراردادهای سندیکا اعمال اصلاحاتی در مواد ۳۶، ۳۷ و ۳۸ می تواند حصول شرایط بردبرد و یا ایجاد "ترازی و عادلانه نمودن قرارداد... منطبق با آنچه که عیناً در ماده ۲۳ قانون بهبود مستمر کسب و کار ذکر شده را برای طرفین قرارداد امکان پذیر کند. از سوی دیگر با توجه به نقش مهم شرایط عمومی پیمان، به عنوان جز اصلی پیمان، در شکل گیری قرارداد تیپ مناسب، طبعاً ضرورت اعمال اصلاحات پیشنهادی دو چندان خواهد شد."

در ادامه این نامه پیشنهادات لازم برای اصلاح این موارد ارائه شده که به شرح ذیل است:

"۳۶- این تبصره به آخر بند ۴ ماده ۳۶ اضافه گردد.

تبصره:

در صورتیکه پیش پرداخت بابت خرید تجهیزات پرداخت شود کارفرما حداکثر تا یکماه از تاریخ دریافت کالا، ملزم به آزادسازی ضمانتنامه پیش پرداخت مربوطه یا اعلام کسری و یا مغایرت احتمالی می باشد. در غیر اینصورت مشمول بند ۳ ماده ۳۶ خواهد بود.

۳۷-۱۲-۱-۲

عبارت صرفاً در دوره انجام کار از ماده حذف گردد
۳۸- این تبصره به آخر بند ۵ ماده ۳۸ اضافه گردد

تبصره:

در مواقعی که گشایش اعتبار اسنادی مقدور نباشد و یا تخصیص کامل ارزش میسر نگردد، می بایستی ارزش قابل انتقال به هر صورت ممکن توسط کارفرما تأمین گردد.

سندیکای صنعت برق ایران طی نامه ای به مهندس فلاحتیان خواستار شد:

اشتغال زایی برای مهندسین مشاور صنعت برق

سندیکای صنعت برق ایران طی نامه ای به مهندس فلاحتیان، معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی خواستار اشتغال زایی برای مهندسین مشاور صنعت برق شد.

به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، سندیکا در این نامه آورده است، با توجه به اعلام آمادگی اعضای کمیته تخصصی مهندسین مشاور سندیکا برای سرعت بخشی به اجرای طرح های معوق وزارت نیرو در قالب انجام فازهای صفر و یک و دو پروژه ها به وزارت نیرو، انجام این بخش از اقدامات در پروژه ها هزینه قابل توجهی نخواهد داشت اما می تواند در عین فعال سازی شرکت های مهندسی مشاور و در مواردی احیاء آنها، موجبات تسریع در اجرای پروژه ها را نیز فراهم آورد. متن این نامه به این شرح است: "در پی به ثمر نشستن تلاش های بی وقفه وزارت نیرو برای ایجاد بهبود نسبی در اقتصاد صنعت برق با نقش محوری و مؤثر حضرت تعالی و نیز برداشته شدن بار سنگین ناشی از تأمین بخش عمده ای از اعتبارات مربوط به پرداخت بارانه های نقدی از دوش وزارت نیرو و حصول امکان بهره برداری و هدایت منابع مالی حاصل از فروش انرژی توسط آن وزارتخانه محترم، بی تردید می توان به آینده ای روشن در عرصه رونق فعالیت های اجرایی و خروج از وضعیت رکود و کم تحرکی در حوزه های مختلف صنعت برق امیدوار بود.

البته همانگونه که وقوف دارید، متأسفانه تحت شرایط حاکم در چند ساله اخیر، خصوصاً دو سال گذشته، فعالان بخش خصوصی صنعت برق اعم از پیمانکار، تولیدکننده و مهندسین مشاور لطمات و صدمات زیادی را متحمل و در موارد عدیده ای ناگزیر از تعدیل نیرو شده اند که در کنار آن مشکلات عدیده ای نیز برای وزارت نیرو به لحاظ اختلال در روند برخی از پروژه های جاری و معوق ماندن اجرای خیلی از طرح ها ایجاد شد.

به هر حال با وجود منابع مالی بالنسبه خوب، هم بازسازی توانمندی های فعالان بخش خصوصی میسر خواهد بود و هم در بحث اجرای پروژه با اتخاذ تمهیدات مناسب، امکان جبران تأخیرات حادث شده فراهم خواهد شد.

خاطر شریف را مستحضر می نماید که اعضای کمیته تخصصی مهندسین مشاور این سندیکا در نشست بهمن ماه سال جاری خود بر آن شدند که آمادگی خود را برای سرعت بخشی به اجرای طرح های معوق وزارت نیرو در قالب انجام فازهای صفر و یک و دو پروژه ها به آن وزارتخانه محترم اعلام نمایند. قطعاً عنایت دارید که انجام این بخش از اقدامات در پروژه ها هزینه قابل توجهی نخواهد داشت ولی می تواند در عین فعال سازی شرکت های مهندسی مشاور و در مواردی احیاء آنها، موجبات تسریع در اجرای پروژه ها را نیز فراهم نماید.

علیهذا تقاضا می شود دستور فرمایید پیشنهاد ارائه شده کمیته مهندسین مشاور سندیکای صنعت برق مورد بررسی قرار گرفته و چنانچه با توجه به جمیع جوانب از قابلیت اجرا برخوردار است مراتب به این سندیکا اعلام گردد.

کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت سندیکای تدوین کرد:

پیشنهاد اصلاح دستورالعمل وحدت رویه تشخیص صلاحیت پیمانکاران

کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت سندیکای صنعت برق ایران پس از بررسی های کارشناسی در جلسات کارگروه رتبه بندی پیمانکاران، طی نامه ای به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری خواستار اصلاح بند ۶-۱۲ شد.

به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، در این نامه که به مهندس مرادی، ریاست نظام امور اجرایی طرح ها این معاونت ارسال شده، آمده است: "پرو جلسه مورخ ۹۲/۹/۲۵ نایندگان کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت سندیکا با جنابعالی و مباحث مطرح در خصوص موضوع بند ۶-۱۲ دستورالعمل وحدت رویه تشخیص صلاحیت پیمانکاران، ذیلاً توضیحات و مستندات تکمیلی در این باره به استحضار می رساند.

در بند ۶-۱۲ دستورالعمل همچون ویرایش های قبلی آن، مصوب شده است که در قراردادهایی که سهم خرید تجهیزات بیش از ۶۷ درصد مبلغ کل پیمان باشد مبلغ خرید کسر گردد و سپس مبلغ باقی مانده بصورت دستمزدی با ضریب ۳ محاسبه گردد. این قاعده در مورد قرار دادهای انتقال رشته نیرو در بیشتر موارد مطابقت ندارد و در عموم پروژه های پیمانکاری ساخت پست های انتقال نیرو سهم خرید بسیار بالا بوده و سهم عملیات اجرایی بدون احتساب عملیات ساختمانی که بعضاً هم توسط کارفرما انجام می شود، حدود ۱۰ درصد می باشد. به پیوست این نامه تعدادی از قراردادهای اجرا شده این رشته به عنوان نمونه آورده شده است و در جدول پیوست مبلغ اجرا و خرید نیز تفکیک شده است.

لذا با عنایت به مستندات ارائه شده درخواست می گردد تبصره ای به این بند اضافه شود و زیر رشته انتقال نیرو مانند پیمانکاران رشته مخابرات از این قاعده مستثنی شوند.

همچنین پرو و توافقات جلسه پیشین مبنی بر برگزاری جلسه و ارائه مستندات موارد مطروحه، مستدعی است دستور فرمایید جلسه ای با حضور کارشناسان محترم معاونت و نایندگان کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت سندیکای صنعت برق ایران برگزار شود."

گفتنی است، پیش از این کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت طی نامه ای که در تاریخ ۹۲/۰۶/۲۶ به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ارسال کرده بود، خواستار تغییری در آیین نامه و دستورالعمل وحدت رویه تشخیص صلاحیت پیمانکاران شده بود. پرو این مکاتبه نشست با حضور نایندگان کمیته ارزیابی و تشخیص صلاحیت سندیکا و مدیران نظام اجرایی طرح ها برگزار شد و مشکلات رتبه بندی پیمانکاران نیرو به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی منتقل شده بود. لازم به ذکر است، مستندات و پیوست های این نامه در دبیرخانه این کمیته موجود است.

در کمیته تخصصی مهندسين مشاور سندیکا:

بررسی فضای کسب و کار و خدمات مهندسی بعد از گذشت بیش از ۶ ماه از دولت جدید

جلسه نوزدهم بهمن ماه سال جاری کمیته تخصصی مهندسين مشاور سندیکای صنعت برق ایران به بررسی فضای کسب و کار و خدمات مهندسی بعد از گذشت بیش از ۶ ماه از دولت جدید اختصاص داشت.

به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، در این جلسه اعلام شد: "با توجه به وضعیت مالی کارفرماها و بودجه عمرانی سال ۹۳ شاید حداقل در شش ماه آتی پروژه های بزرگ و متوسط فعال شوند. بنابراین جا دارد مهندسين مشاور جبهه های دیگر کاری را در وزارت نفت و نیرو و صنایع دنبال کنند. از جمله در وزارت نفت، پروژه های پالایشگاهی، پتروشیمی و برق رسانی به تاسیسات نفتی و صنایع این پروژه ها در اولویت هستند و می توانند بزودی فعال شوند. اما پروژه های دیگری در این زمینه ها هست که مستلزم امکان سنجی است که باز هم مهندسين مشاور می توانند در این رابطه

اقدام کنند."

همچنین در این جلسه عنوان شد: "در مورد برق رسانی به صنایع بر اساس ضوابط جدید، متقاضیان بیش از یک مگاوات باید تأییدیه از شرکت برق منطقه ای و توانیر دریافت و انجام برق رسانی تنها با انجام محاسبات فنی شبکه و با حضور مشاور مورد وثوق وزارت نیرو انجام شود.

در ادامه جلسه اعضای کمیته استفاده از فاینانس های داخلی و خارجی در پروژه های پیش روی وزارت نیرو را مورد بررسی قرار دادند که بر این اساس اعلام شد که هم اکنون حدود ۲۲ میلیارد یورو از وجوه حاصل از فروش نفت در کشور چین وجود دارد اما دریافت فاینانس از آن کشور مستلزم اقدامات قبلی در ایران است. بخصوص کارفرمایی که دولتی هستند مجبورند پس از تهیه طرح امکان سنجی توسط مشاور فنی از خدمات مشاور حقوقی و مالی استفاده تا بتوانند مراتب را از طریق ترک تشریفات دنبال کنند.

همچنین منابع فاینانس برای پروژه های وزارت نیرو استفاده از وام چین، استفاده از وام های بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی و استفاده از صندوق توسعه ملی اعلام شد که در مورد صندوق توسعه ملی چنانچه طرح هایی ارائه شود که باعث افزایش راندمان سیستم های موجود شود و یا باعث کاهش تلفات شود می تواند از این صندوق وام دریافت کند و یا بر اساس مصوبه وزارت نیرو معادل مبلغ صرفه جویی برق در مرز عراق برای صادرات برق تحویل شود. لذا مشاوران در این موردها نیز می توانند فعال شوند.

نحوه حضور در بازارهای خارجی در صورت کاهش تحریم ها و فعال شدن بانک ها، از دیگر مواردی بود که در این جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

که در این خصوص عنوان شد: "در خاور میانه و در صدر آن عراق و کشورهای آسیای میانه و آفریقا و در قسمتی از آسیا بازار نسبتاً خوبی وجود دارد. اما کار خدمات مشاوره ای بسیار کم است و بیشتر این کشورها راغب به خرید تجهیزات و یا انجام پروژه بصورت EPC هستند که شرکت های مشاور می توانند بصورت کنسرسيوم با شرکت های سازنده و اجرایی مشارکت کنند. اما مشکلی که کمکان وجود دارد، جابجایی پول است."

تهیه نامه ای به وزارت نیرو و شرکت توانیر در مورد انجام خدمات مهندسی طرح های مصوب و انجام طرح ها پس از تأمین مالی در سال های آتی از جمله مواردی بود که در این جلسه پیشنهاد شد که در این خصوص مقرر شد، به منظور فعال شدن شرکت های مشاور وزارت نیرو در خواستی از سندیکا به شرکت توانیر و معاونت امور برق و انرژی وزارت نیرو مبنی بر اینکه طرح های مصوب خود را برای انجام مراحل صفر و یک و دو به مشاوران ابلاغ تا طرح ها تهیه و به محض تأمین نقدینگی عملیات اجرایی آنها شروع شود، ارسال شود.

جناب آقای شهاب زنوزی

انتصاب شایسته جنابعالی را به سمت مدیر عامل شرکت پلاتین ایران تبریک و شادباش عرض می نمایم.
موفقیت روزافزون شما را از خداوند بزرگ خواستاریم.

هیات مدیره و کارکنان
شرکت پلاتین ایران
(باتری نیل)

تسلیت

جناب آقای مهندس ثقفی

عضو محترم هیات مدیره سندیکای صنعت برق ایران

با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان، برای آن مرحوم، علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم. روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران

جناب آقای مهندس صالحی

مدیر عامل محترم شرکت کوشش برق اصفهان

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان، برای آن مرحومه، علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم. روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران

جناب آقای مهندس سپهر برزی مهر

مدیر داخلی محترم سندیکای صنعت برق ایران

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان، برای آن مرحومه، علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم. روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران

جناب آقای مهندس پارسا

نایب رئیس محترم کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان، برای آن مرحوم، علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم. روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران

جناب آقای مهندس کلباسی

مدیر عامل محترم شرکت اسسکو

با کمال تأسف و تأثر درگذشت پدر بزرگوارتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان، برای آن مرحوم، علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو مندیم. روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران

اخبار شرکت های عضو

دریافت گواهینامه ششمین دوره جایزه توانمندسازی منابع انسانی توسط قشم ولتاژ

شرکت مهندسی برق و الکترونیک قشم ولتاژ، موفق به دریافت گواهینامه در ششمین دوره جایزه توانمندسازی منابع انسانی ایران شد. به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، ششمین دوره جایزه توانمندسازی منابع انسانی همزمان با هفتمین کنفرانس توانمندسازی منابع انسانی ۱۹ و ۲۰ آذر ماه ۱۳۹۲ در مرکز همایش های صدا و سیما برگزار شد و طی آن شرکت مهندسی برق و الکترونیک قشم ولتاژ موفق به دریافت گواهینامه در این دوره شد. بر پایه این گزارش، این جایزه در راستای نتایج ارزیابی سازمان، بر اساس مدل توانمندسازی منابع انسانی در ارتباط با رویکردهای نوین مدیریتی برای ارتقاء دانش برای ارتقای دانش، مهارت و انگیزه منابع انسانی با تمرکز به اهداف سازمانی و در سه سطح گواهی نامه، تقدیرنامه و نشان اعطای می شود.

گفتنی است، مدل تعالی منابع انسانی با بهره گیری از مدل های تعالی سازمانی، به همت انجمن مدیریت منابع انسانی ایران و با همکاری و تلاش جمعی از اندیشمندان این حوزه در طول چند سال تحقیق و کار مداوم طرح و آماده اجرا شده است. همچنین این مدل یک چارچوب جامع مبتنی بر مجموعه ای از ارزش های محوری، معیارها و شاخص ها در حوزه منابع انسانی سازمان است که به مدیران منابع سازمانی کمک می کند با ارزیابی مستمر فعالیت ها، فرایند و نتایج منابع انسانی سازمان و نقاط قوت و فرصت ها را شناسایی و برای بهبود آنها و رسیدن به سازمان یادگیرنده و توسعه یافته برنامه ریزی کنند. سندیکای صنعت برق ایران کسب این گواهینامه را به مدیرعامل و همکاران شرکت قشم ولتاژ تبریک می گوید.

بزرگترین توربین بادی مگاواتی کشور نصب شد

مدیرعامل شرکت پروژه تولید انرژی های تجدیدپذیر مینا گفت: اولین توربین ۲.۵ مگاواتی کشور در یکی از بهترین تونل های بادی کشور نصب شده و تا پایان خرداد ۹۳ با نصب هفت توربین دیگر این میزان به ۲۰ مگاوات خواهد رسید.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، روند کنونی احداث توربین های بادی کیلواتی باعث محدودیت در بهره گیری مناسب از پتانسیل مناطق بادخیز و عدم ارتقای صنعت مونتاز و ساخت توربین های بادی در داخل کشور شده است. این در حالیست که بیش از یک دهه از احداث نیروگاه های بادی مگاواتی در کشورهای مختلف دنیا می گذرد و حتی در برخی کشورها به منظور ارتقای بهره وری، توربین های بادی کیلواتی با توربین های بادی مگاواتی جایگزین می شوند.

در حالی که توان توربین های جدید بادی در دنیا از سطح کیلوات فراتر رفته و به طور متوسط به بیش از ۱،۶ مگاوات رسیده است، در ایران تا امروز همچنان سهم اندک تولید برق کشور از انرژی باد، توسط توربین های کیلواتی انجام می گرفت تا اینکه امروز یک مقام مسئول از نصب نخستین توربین بادی ۲،۵ مگاواتی کشور خبر داد.

اکبر ادیب فر، مدیرعامل شرکت پروژه تولید انرژی های تجدیدپذیر مینا در این باره گفت: اولین توربین بادی گروه مینا و بزرگترین توربین بادی مگاواتی کشور در مزرعه بادی کهک واقع در شهرستان تاکستان استان قزوین نصب شد. وی افزود: اولین توربین ۲،۵ مگاواتی کشور در یکی از بهترین تونل های بادی کشور نصب شده و تا پایان خرداد ۹۳ با نصب هفت توربین دیگر این میزان به ۲۰ مگاوات خواهد رسید.

ادیب فر با اشاره به اینکه این توربین بادی شامل سه بخش پایه یا برج، موتورخانه و روتور است، گفت: برق تولیدی این نیروگاه بادی در پست رازی در پنج کیلومتری شهرستان تاکستان مورد بهره برداری قرار می گیرد. مدیرعامل شرکت پروژه تولید انرژی های تجدیدپذیر مینا اذعان داشت: در حال حاضر ۱۲ مزرعه بادی در دست مطالعه گروه مینا است و قرار شده است که گروه مینا تا یک سال و نیم آینده ۱۰۰ مگاوات انرژی بادی را وارد مدار کند. مدیرعامل شرکت پروژه تولید انرژی های تجدیدپذیر مینا گفت: در حال حاضر گروه مینا یک هزار مگاوات انرژی بادی را در برنامه اجرا دارد که ۷۵۰ مگاوات آن به صورت سرمایه گذاری از سوی خود گروه و میزان ۲۵۰ مگاوات را به عنوان پیمانکار بخش دولتی انجام می دهد.

اخذ نشان توانمندی در مدیریت فناوری و نوآوری

افتخاری دیگر برای قشم ولتاژ

شرکت مهندسی برق و الکترونیک قشم ولتاژ در سومین کنفرانس بین المللی و همچنین هفتمین کنفرانس ملی مدیریت فناوری، نشان توانمندی در مدیریت فناوری و نوآوری را دریافت کرد. به گزارش روابط عمومی سندیکای صنعت برق ایران، کنفرانس بین المللی مدیریت و جایزه ملی مدیریت فناوری با پیام دکتر ستاری، معاون علمی و فناوری رییس جمهوری طی مراسمی ۱۹ تا ۲۱ آذر ماه برگزار شد.

دکتر سلطانی، رییس کمیته راهبردی جایزه ملی مدیریت فناوری و نوآوری در دومین دوره اعطای جایزه مدیریت فناوری که در کیش برگزار شد، با اشاره به ثبت نام ۷۱ شرکت در این دوره از مراسم، افزود: این شرکت ها در ۴ سطح شامل: تعهد به مدیریت فناوری، توانمندی به مدیریت فناوری، شایستگی در فناوری و رقابت پذیر بودن شرکت ها در داخل و خارج کشور مورد ارزیابی قرار گرفتند.

دکتر بهزاد سلطانی در حاشیه کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری ایران، در جمع خبرنگاران افزود: این جایزه دومین سالی است که از سوی انجمن مدیریت فناوری کشور، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شرکت های برتر در این حوزه اعطای می شود.

وی با اشاره به نحوه اعطای این جایزه اظهار کرد: پس از ثبت نام شرکت ها میزان حرفه ای از سوی انجمن مدیریت فناوری ایران، به این شرکت ها اعزام می شوند تا با بازدیدهای میدانی و برگزاری جلسات بر اساس معیارها و اصولی به ارزیابی توانمندی این شرکت ها در زمینه مدیریت فناوری اقدام کنند.

به گفته وی، شرکت های متقاضی بر اساس شاخص هایی چون میزان موفقیت فناورانه شرکت، میزان موفقیت شرکت ها بر اساس افعال فرآیندهای مدیریت تکنولوژی، میزان نهادینه شدن فرآیند مدیریت فناوری، نهادینه شدن هوشمندی فناورانه در شرکت ها، برنامه ریزی برای دستیابی به فناوری، نقشه راه تکنولوژی، استراتژی های مورد استفاده برای تولید یک فناوری، دستاوردهای شرکت ها، میزان تسلط بر بازار و اثرات آنها در جامعه مورد ارزیابی قرار می گیرند.

سلطانی اعطای این جایزه را ابزاری برای ارتقای توانمندی های شرکت ها توصیف کرد و یادآور شد: اگر شرکتی بتواند فرآیندهای مدیریت فناوری را در شرکت خود پیاده سازی کند حتی اگر بودجه های لازم را برای تجاری سازی نداشته باشد، به دلیل اعمال این فرایندها در آینده نزدیک قادر به تجاری سازی محصولات فناورانه خود خواهد بود.

سندیکای صنعت برق ایران، دریافت نشان توانمندی در مدیریت فناوری و نوآوری توسط شرکت مهندسی برق و الکترونیک قشم ولتاژ را به مدیرعامل و کارکنان این شرکت تبریک می گوید.

خیرمقدم به اعضای جدید

به گزارش کمیته عضویت سندیکای صنعت برق ایران، در ماه گذشته ۱۴ شرکت جدید به عضویت این سندیکا پیوسته اند. بر پایه این گزارش، اعضای جدید به شرح زیر معرفی می شوند:

۱. شرکت فنی مهندسی مبین برق اصفهان
به مدیریت: جناب آقای مسعود کاظمی
زمینه فعالیت: مشاوره، نظارت، تأمین تجهیزات، اجرا و مدیریت طرح در پروژه های صنعت برق
تلفن: ۰۳۱۱۲۲۲۰۶۳۰ و ۰۳۱۱۲۲۰۶۵۰۸ / ۰۳۱۱۲۲۰۵۹۴ / ناپبر: ۰۳۱۱۲۲۲۰۵۹۴
۲. شرکت تولیدی نیرو و صنعت پارس افشان
به مدیریت: جناب آقای مهدی خلعت آبادی فراهانی
زمینه فعالیت: تولیدی سیم و کابل برق
تلفن: ۳۳۹۵۳۲۴۷ و ۳۳۹۵۶۹۳۰ / ناپبر: ۳۳۹۹۶۷۲۷
۳. شرکت پرتوان هیرسا
به مدیریت: جناب آقای سعید کنگرلو
زمینه فعالیت: تولید و تأمین انواع UPS، شارژر و باتری
تلفن: ۸۸۰۷۸۰۴ / ناپبر: ۸۸۹۴۰۲۵۵
۴. شرکت مهندسی خدمات شایان نیرو شرق
به مدیریت: جناب آقای محمد شامانی
زمینه فعالیت: طراحی، تأمین تجهیزات و اجرای پروژه های خطوط و پست های توزیع، فوق توزیع و انتقال نیرو
تلفن: ۰۵۱۱۸۴۴۴۲۶۰ و ۰۵۱۱۸۴۰۶۱۵۰ / ناپبر: ۰۵۱۱۸۴۰۶۱۵۰
۵. شرکت مشاورین پوشش های صنعتی کسری
به مدیریت: جناب آقای رامین ایبانی
زمینه فعالیت: کفپوش عایق برق، ملاتهای تعمیراتی جهت رفع نشتی ترانسفورماتور
تلفن: ۱۰-۲۲۶۳۰۶۰۸ / ناپبر: ۲۲۶۳۵۴۹۱-۴
۶. شرکت مگاتوان سیستم خاورمیانه
به مدیریت: جناب آقای ابراهیم منصور پور
زمینه فعالیت: نیروگاهی، تولید برق متوسط، مولدهای مقیاس کوچک
تلفن: ۲۲۳۷۶۱۰۹ / ناپبر: ۲۲۰۹۱۸۵۸
۷. شرکت مهندسی و خدماتی پیکار پرشین
به مدیریت: جناب آقای محسن حاتمی
زمینه فعالیت: تعمیر و نگهداری، بهره برداری و نصب و راه اندازی
تلفن: ۷-۸۸۸۶۳۴۴۶ / ناپبر: ۸۸۳۰۲۹۱۸
۸. شرکت سایا سیستم تاوانا
به مدیریت: جناب آقای عباس جودی
زمینه فعالیت: بازرگانی
تلفن: ۸۸۵۲۹۵۳۸ و ۸۸۵۲۳۰۳۲ / ناپبر: ۸۸۵۲۰۹۷۵
۹. شرکت پارت کنترل خراسان
به مدیریت: جناب آقای سید حسین میرزایی زمان
زمینه فعالیت: فنی - مهندسی و بازرگانی در حوزه برق و اتوماسیون صنعتی
تلفن: ۷-۰۵۱۱۷۲۳۸۳ / ناپبر: ۰۵۱۱۷۲۴۳۵۰۸
۱۰. شرکت تکساز تابلو بشل
به مدیریت: جناب آقای سهیل تجلیلی
زمینه فعالیت: طراحی و سازنده تابلوهای برق فشار ضعیف و متوسط در انواع ثابت و کشویی
تلفن: ۳۰-۶۵۳۴۴۷۲۹ / ناپبر: ۶۵۳۴۵۱۱۶
۱۱. شرکت پرتو گستر هور
به مدیریت: جناب آقای محمد نوید فرهاد
زمینه فعالیت: مشاوره، طراحی، نصب و اجرا و نگهداری سیستم های تجدید پذیر خورشیدی و بادی
تلفن: ۸۸۹۴۹۱۷۴ و ۸۸۹۴۰۷۹۴ / ناپبر: ۸۸۹۴۶۲۱۷
۱۲. شرکت جدید صنعت نیرو پاسارگاد
به مدیریت: جناب آقای احمد موسوی
زمینه فعالیت: دیزل ژنراتور
تلفن: ۸۸۶۴۱۵۹۰ / ناپبر: ۸۸۶۴۱۵۹۱
۱۳. شرکت نیرو دانش اسپادانا
به مدیریت: جناب آقای محمد صالح سلیمانی
زمینه فعالیت: طراحی، نصب، تست و راه اندازی پست های فشار قوی
تلفن: ۰۳۱۱۲۷۳۰۲۴۰ / ناپبر: ۰۳۱۱۲۷۳۰۲۴۰
۱۴. شرکت مهندسی تجهیزات آب و انرژی پاسارگاد
به مدیریت: جناب آقای علی محمد علیزاده
زمینه فعالیت: بهره برداری و نگهداری از سازه های آبی، سدها و شبکه های آبیاری
تلفن: ۸۸۷۱۶۰۶۳ / ناپبر: ۸۸۷۰۹۹۵۴

اخبار صنعت برق

خانه ملت / امیری خامکانی اعلام کرد:

چندین سال است صنعت برق از جیب خرج می کند

عضو کمیسیون انرژی مجلس، با بیان اینکه هر سال باید ۸ هزار مگاوات نیروگاه جدید وارد مدار شود، افزود: با توجه به ساخت مسکن مهر و عرضه آن در آینده نزدیک مصرف برق در پیک ساعت به ۵۰ هزار مگاوات می رسد که میزان تولید فعلی کفاف آن را نمی دهد.

حسین امیری خامکانی در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری خانه ملت، به جلسات متعدد کمیسیون با رییس مجلس، مسئولین ذیربط و بخش خصوصی برای شناسایی و رفع معضلات و مشکلات صنعت برق اشاره کرد و گفت: ظرفیت اسمی تولید برق در کشور ۶۷ هزار مگاوات است که از این میزان ۱۰ هزار مگاوات برق آبی است که چندان قابل اطمینان نیست چون بسیاری از مناطق کشور دچار خشکسالی شده است.

نایبند مردم زرنند و کوهبنان در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه مصرف غیر مجاز برق در بسیاری از نقاط کشور ۲۰ و در برخی از مناطق بالای ۵۰ درصد است، افزود: هر سال باید پنج تا ۸ هزار مگاوات نیروگاه جدید وارد مدار شود که در حال حاضر تنها قرارداد سه هزار و ۸۰۰ مگاوات منعقد شده و بر اساس اظهارات مسوولان وزارت نیرو سال آینده تنها یک هزار و ۶۰۰ مگاوات برق وارد مدار می شود که با این وضعیت حتی در تابستان ۹۳ به مشکل برمی خوریم.

وی با اشاره به تدوین و تصویب شور اول طرح حمایت از صنعت برق و بررسی شور دوم آن در جلسات آتی مجلس، گفت: این طرح اتمام حجت با دولت و مجلس است تا در تابستان آینده کشور با مشکل روبرو نشویم.

امیری خامکانی با بیان اینکه باید انرژی های تجدید پذیر جایگزین شود افزود: در چند سال گذشته برای ارتقای کیفیت صنعت برق از جیب هزینه شد و دولت اعتباری را به این منظور در اختیار وزارت نیرو قرار نداد.

امیری خامکانی با اشاره به اینکه کمبود نقدینگی مهمترین مشکل صنعت برق است از دولت خواست تا بخشی از بدهی خود به وزارت نیرو را تسویه کند تا این وزارت خانه بتواند شبکه توزیع برق را به صورت اورژانسی بازسازی کند.

وی با بیان اینکه در حال حاضر ترانس های برق با تمام توان زیر بار است، افزود: وزارت نیرو می تواند با استفاده از درآمدهای مجازی بخشی از برنامه های خود را در زمینه

کاهش تلفات، ارتقای بازدهی و راه اندازی واحدهای تولید پراکنده اجرا کند.

نایبند مردم زرنند و کوهبنان در مجلس با اشاره به اینکه دولت به تعهدش به شرکت مپنا برای احداث نیروگاه ۲۶۰ مگاواتی عمل نکرد و با بیان اینکه در حال حاضر درآمد وزارت نیرو از زمان قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه ها کم تر شده است، افزود: با مقابله با مصارف غیر مجاز و کاهش یک تا دو درصدی مصرف می توان برق را به میزان یک نیروگاه تامین کرد.

تسنیم / از سوی معاونت برنامه ریزی

۵ چالش صنعت برق اعلام شد

معاونت برنامه ریزی در گزارشی اعلام کرد: متوسط ضریب بار تولیدی نیروگاه های کشور طی سال های ۸۴ تا ۹۱ از ۵۶ درصد به ۴۹ درصد کاهش یافته است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در « مستندات گزارش صدر روز رئیس جمهور به ملت » نوشته است: در حال حاضر بخش برق با ظرفیت اسمی تولید نزدیک به ۷۰ هزار مگاوات، بزرگترین ظرفیت تولید در منطقه و چهاردهمین جایگاه را در جهان داراست.

بنابر این گزارش، با توجه به رشد تقاضای برق که به طور متوسط سالانه حدود ۸ درصد برآورد می شود، هر ساله به احداث حدود ۵۵۰۰ مگاوات نیروگاه جدید نیاز است که هزینه ای بالغ بر ۲،۳ میلیارد یورو معادل حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان خواهد داشت.

همچنین به منظور انتقال این مقدار برق به مشترکان، سرمایه گذاری جدیدی معادل ۷۶۰۰ میلیارد تومان در سال در حوزه شبکه های انتقال و توزیع نیاز است.

بنابر گزارش معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، از جمله مهم ترین چالش های موجود در بخش برق کشور، می توان به کاهش و روند نزولی متوسط ضریب بار تولیدی نیروگاه های کشور اشاره کرد که در بازه زمانی سال های ۸۴ تا ۹۱ از ۵۶ درصد به ۴۹ درصد کاهش یافته است.

عدم پرداخت مطالبات پیمانکاران و سرمایه گذاران بخش خصوصی، عدم اصلاح سقف قیمت و نرخ پایه آمادگی در بازار برق و عدم اعمال نرخ های واقعی و شفافیت در هزینه های تمام شده هر کیلو وات ساعت برق از جمله دیگر مشکلات این حوزه است.

ایسنا/ رسیدگی به پیشنهادات الحاقی به تبصره ۲ لایحه بودجه ۹۳

مخالفت مجلس با تسویه بدهی پیمانکاران نیروگاه ها از طریق تهاتر

نایبندگان مجلس شورای اسلامی در رسیدگی به پیشنهادات الحاقی به تبصره ۲ لایحه بودجه ۹۳ با دریافت تهاتر در ازای تسویه بدهی های پیمانکاران نیروگاه ها مخالفت کردند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ابراهیم کارخانه ای عضو کمیسیون انرژی مجلس در پیشنهادی مطرح کرد که وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف می شود بدهی های اشخاص حقیقی و حقوقی بابت مالیات و اقساط و اگذاری شده (سهام، سهالشرکه و...) نیروگاه ها را با مطالبات قطعی و قانونی همان اشخاص از شرکت های زیر مجموعه وزارت نیرو به تایید سازمان حسابرسی رسیده و توسط وزارت نیرو اعلام می شود با توافق طرفین تا سقف ۲۰ هزار میلیارد ریال تهاتر کنند.

بر اساس این گزارش الیاس نادران، نایبند مردم تهران در اختطاری با توجه به پیشنهاد ارائه شده گفت: اینکه گردش کاری وزارتخانه ها و پیمانکاران و بدهی شان از طریق تهاتر انجام شود با توجه به اصل ۵۲ و ۵۳ قانون اساسی مغایرت دارد زیرا قانون صراحتا الزام می کند که تمامی درآمدهای دولتی به خزانه رفته و از آنجا توزیع شود.

نایبند مردم تهران در مجلس تصریح کرد: اما در این مسأله قیمت گذاری را تهاتر مشخص نمی کند و از آنجایی که با قانون برنامه پنجم نیز مغایرت دارد نه تنها مداخله در شکل قیمت گذاری شرکت ها انجام میشود بلکه درآمد رانیز کاهش داده و پولی به خزانه نمی رود.

وی افزود: اگر اختطار وارد است رای گیری کرده تا این موضوع از دستور خارج شود.

به گزارش ایسنا، محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس که ریاست جلسه علنی را بر عهده داشت با وارد دانستن اختطار پیشنهاد را به رای گذاشت که با ۱۳۷ رای موافق، ۱۶ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع از مجموع ۲۱۰ نایبند حاضر به تصویب رسیده و از دستور کار مجلس خارج شد.

مایع، جایگزینی مصرف برق به جای گاز یا فرآوردهای نفتی در مناطقی که توجیح اقتصادی دارد و افزایش سهم صادرات برق تا سقف ۱۲۰ هزار میلیارد ریال به روش بیع متقابل با سرمایه گذاران بخش های خصوصی و عمومی با اولویت استفاده از تجهیزات ساخت داخل قرارداد ببندد. دولت مکلف است در قبال این تعهد سوخت صرفه جویی شده یا معادل آن نفت خام را با محاسبه میزان صرفه جویی حاصله در مدت حداکثر ۲ سال به سرمایه گذاران تحویل دهد.

ایسنا/ با تصویب مجلس،

۴۰۰ میلیارد تومان برای توسعه شبکه های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر هزینه می شود

نایندگان شورای اسلامی در جلسه علنی مجلس و در جریان رفع ایرادات شورای نگهبان به لایحه بودجه ۹۳ مصوب کردند که ۴۰۰ میلیارد تومان برای توسعه شبکه های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر هزینه شود.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، به موجب مصوبه مجلس و جوه حاصله از عوارض ۳۰ ریالی برق به ازای هر کیلو وات ساعت در قبوض مشترکین برق به استثنای مشترکین خانگی روستایی و چاه های کشاورزی به حساب خاصی نزد خزانه داری کل کشور واریز و حداکثر تا سقف ۴۰۰ میلیارد ریال صرفا بابت حمایت از توسعه و نگهداری شبکه های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک توسط شرکت توانیر هزینه می شود. این مصوبه کمیسیون تلفیق با ۱۹۰ رای موافق، ۶ رای مخالف و یک رای ممتنع از مجموع ۲۲۵ نایبده حاضر به تصویب رسید.

نایندگان مجلس در مصوبه دیگری به وزارت کشور اجازه دادند در سال ۹۳، ۲۰ درصد از جوه تبصره دوم ماده ۳۹ قانون مالیات بر ارزش افزوده معادل ۶۰۰۰ میلیارد ریال که در اختیار آن وزارتخانه قرار می گیرد را برای کمک و تامین ماشین آلات خدماتی و عمرانی شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر جمعیت و دهیاری ها هزینه کند.

این پیشنهاد کمیسیون تلفیق نیز با ۱۸۰ رای موافق، ۹ رای مخالف و شش رای ممتنع از مجموع ۲۳۰ نایبده حاضر به تصویب رسید. مجلس همچنین در ادامه مصوب کرد که سابقه آموزش پورزان در سال ۹۳، در سقف دو سال جزو سنوات خدمت آنها محسوب شود. این مصوبه که به پیشنهاد محمد قسیم عثمانی مصوب شد با ۱۲۹ رای موافق، ۶۹ رای مخالف و ۱۱ رای ممتنع از مجموع ۲۳۲ نایبده حاضر به تصویب رسید.

همچنین میرعبادی رئیس اتاق ایران و فرانسه در همایش اقتصادی سرمایه گذاری ایران و فرانسه با اشاره به اینکه وظیفه اتاق مشترک این دو کشور ایجاد رابطه و نزدیک تر شدن این دو کشور است، اظهار داشت: ایران با داشتن ۷۵ میلیون نفر جمعیت و برخورداری از امکانات و ظرفیت های بالا، یک بازار استثنایی برای سرمایه گذاری است.

وی با اشاره به اینکه بیش از نصف جمعیت ایران زیر ۳۵ سال سن دارند و ۴ میلیون دانشجوی نیز در بین آنها است، گفت: با توجه به جایگاه جغرافیایی ایران و کشورهای همسایه امکان دسترسی به بازارهای زیادی وجود دارد و نزدیک ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت در اطراف ایران وجود دارد که بازار مناسبی را برای سرمایه گذاری فراهم می کند.

رئیس اتاق ایران و فرانسه با اشاره به اینکه در چند سال گذشته خصوصی سازی در ایران شکل درستی به خود گرفته و این موضوع امکان سرمایه گذاری در همه زمینه ها را فراهم کرده است، ادامه داد: به دوستان فرانسوی اعلام می کنم که بازار مناسبی را برای سرمایه گذاری انتخاب کرده اند و باید خود را برای ورود به این بازار آماده کنند و با برگزاری این نشست همه کشورهای دیگر نیز باید از این موقعیت حداکثر استفاده را ببرند.

بر اساس این گزارش، در پایان، میرابوطالبی معاون کل شرکت توسعه تجارت گروه های کاری بین ایران و فرانسه را به ۵ گروه خودرو، مکانیک و صنایع با مسئولیت غلامرضا شافعی، گروه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی به ریاست ماجدی معاون بین الملل وزارت نفت، گروه فناوری اطلاعات، ارتباطات و مخابرات به ریاست پور رنجبر مدیر عامل ایران خودرو، گروه نیرو، برق و آب به ریاست محصولی معاون بین الملل وزارت نیرو و در نهایت گروه پنجم نیز در حوزه سایر صنایع با زیر گروه های متعدد به ریاست ابویی معاون وزارت صنعت خبر داد.

ایسنا/ مجلس تصویب کرد،

اختصاص ۱۲ هزار میلیارد ریال برای توسعه انرژی های تجدید پذیر

نایندگان مجلس شورای اسلامی برای توسعه استفاده از انرژی های تجدید پذیر ۱۲ هزار میلیارد ریال سرمایه گذاری خارجی پیش بینی کردند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با تصویب مجلس به منظور اجرای طرح های افزایش بازدهی نیروگاه ها به وزارت نیرو اجازه داده می شود با اولویت نصب بخش بخار در نیروگاه های سیکل ترکیبی، توسعه استفاده از انرژی های تجدید پذیر، کاهش تلفات، بهینه سازی و صرفه جویی در مصرف سوخت

تسنیم/ معاون بین الملل وزارت نیرو خبر داد

خودکفایی ۹۵ درصدی ایران در تولید تجهیزات برق

معاون بین الملل وزارت نیرو با اشاره به ظرفیت و توانمندی های بالای ایران در حوزه آب، برق و فاضلاب گفت: ایران خودکفایی ۹۵ درصدی در زمینه تولید تجهیزات برقی دارد و تولیدات خود را به ۴۰ کشور دنیا صادر می کند.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، اسماعیل محصولی معاون بین الملل وزارت نیرو با اشاره به ظرفیت و توانمندی های ایران در حوزه آب، برق و فاضلاب خاطر نشان کرد: در حال حاضر ظرفیت اسمی نیروگاه های برقی ۷۰ هزار مگاوات بوده که ۲۳ درصد بخاری، ۳۸ درصد گازی، ۲۲ درصد سیکل ترکیبی، ۱۴ درصد آبی، کمتر از یک درصد دیزلی و ۲ درصد انرژی های نو و اتمی است.

وی با اشاره به اینکه ایران از نظر رتبه نیروگاهی در رتبه چهاردهم قرار دارد و فعالیت بخش خصوصی در تولید برق حدود ۱۰ هزار مگاوات است، اظهار داشت: نیروگاه بوشهر که با انرژی هسته ای است به شبکه سراسری برق متصل شده و ساخت نیروگاه های دیگری نیز در دستور کار قرار دارد.

محصولی گفت: در بخش انرژی های تجدید پذیر به خصوص بادی و خورشیدی که به دلیل ظرفیت های بالای ایران، مورد توجه دولت است، نیز زمینه مناسبی برای جذب سرمایه گذاری خارجی با ارتقاء فناوری وجود دارد. در حال حاضر ظرفیت اسمی نیروگاه های بادی و خورشیدی ۹۸ مگاوات است که برای ارتقاء فعالیت در این زمینه تهریبات فرانسه برای ما از اهمیت بالایی برخوردار است.

معاون بین الملل وزارت نیرو با بیان اینکه برای بهبود تولید برق اقدامات متعددی شده و در همین راستا میزان خودکفایی در تجهیزات برقی ۹۵ درصد است، ادامه داد: آمادگی این را داریم که در این زمینه تهریبات خود را به کشور فرانسه منتقل کنیم. همچنین کشورهایی که ایران در صنعت برق به آن ها صادرات انجام می دهد به حدود ۴۰ کشور می رسند که ترکمنستان، پاکستان، ارمنستان، ترکیه، افغانستان از جمله این کشور ها هستند.

وی در مورد زمینه های سرمایه گذاری در ایران گفت: کمک به بهبود کیفیت و ساخت تجهیزات و انتقال دانش فناوری در این زمینه، سرمایه گذاری در بخش انرژی های تجدید پذیر، سرمایه گذاری در بخش آب و فاضلاب، همکاری در اجرای طرح افزایش تولید برق و بهره وری و بهینه سازی در مصرف و در نهایت تبادل دانش فنی و سرمایه گذاری های مشترک در این زمینه از جمله زمینه های سرمایه گذاری است.

اخبار اقتصادی

خانه ملت / بارای موافق نمایندگان؛

کلیات لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم تصویب شد

کلیات لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم با رأی موافق نمایندگان به تصویب رسید. به گزارش خبرگزاری خانه ملت، نمایندگان در نشست علنی روز سه شنبه ۸ بهمن ماه مجلس شورای اسلامی به کلیات لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن رأی مثبت دادند. سخنگوی کمیسیون تلفیق در بیان ضرورت تصویب کلیات این طرح گفت: با تصویب و اجرای این طرح سهم مالیات های مستقیم در تولید ناخالص داخلی افزایش می یابد.

رحیم زارع افزود: فاصله زیادی بین مالیات های پیش بینی شده با درآمدهای وصولی کاهش می یابد و پیش بینی واقعی از سهم مالیات در درآمدهای کشور خواهیم داشت. به گفته نماینده مردم آباء، یونانو خرمبید در مجلس شورای اسلامی این طرح ضمانت اجرایی دارد در اخذ مالیات و جلوگیری از فرار مالیاتی و برخی اصنافی که در پرداخت مالیات مقاومت می کردند.

حسین زاده بحرینی عضو دیگر کمیسیون اقتصادی مجلس در ضرورت تصویب کلیات این طرح گفت: زمان زیادی برای بررسی این طرح صرف شده است و برای گذر از سیستم سنتی مالیات به مدرن نیازمند تصویب کلیات این طرح هستیم.

گفتنی است این طرح با ۱۵۸ رأی موافق، ۳۹ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۰ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس به تصویب رسید.

تسنیم / بانک جهانی: در سال ۲۰۱۳

نرخ تورم ایران به ۳۷٫۸ درصد رسید

بانک جهانی از افزایش نرخ تورم ایران به ۳۷٫۸ درصد در سال ۲۰۱۳ خبر داد و اعلام کرد تورم ایران در این سال ۱۲

برابر متوسط جهانی بوده است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود متوسط نرخ تورم جهان در سال ۲۰۱۳، ۳٫۲۱ درصد اعلام کرد.

نرخ تورم جهان در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال قبل از آن کاهش داشته است. متوسط نرخ تورم اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۲ بالغ بر ۳٫۳ درصد اعلام شده بود.

بر اساس این گزارش نرخ تورم ایران در سال میلادی گذشته ۱۲ برابر متوسط جهانی بوده است. ایران در این سال نرخ تورم ۸٫۳۷ درصدی را تجربه کرده که بالاترین رقم در میان کشورهای مورد بررسی بوده است.

ایران در سال ۲۰۱۲ نیز تورم ۴٫۲۷ درصدی و در سال ۲۰۱۱ تورم ۶٫۲۰ درصدی داشته است. متوسط نرخ تورم ایران در دوره ۱۰ ساله ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ نیز ۸٫۱۴ درصد اعلام شده است.

بانک جهانی متوسط نرخ تورم کشورهای صنعتی در سال ۲۰۱۳، ۳٫۱۳ درصد برآورد کرده است. آمریکا در این سال تورم ۵٫۱ درصدی و چین تورم ۶٫۲ درصدی داشته اند.

نرخ تورم برخی کشورهای دیگر در سال ۲۰۱۳ عبارت بوده است از: ژاپن ۳٫۰ درصد، انگلیس ۶٫۲ درصد، اندونزی ۷ درصد، برزیل ۲٫۶ درصد، الجزایر ۲٫۳ درصد، هند ۱٫۱۰ درصد، پاکستان ۷٫۷ درصد، آرژانتین ۶٫۱۰ درصد و آفریقای جنوبی ۵٫۵ درصد.

تسنیم / بانک جهانی: طی سال ۲۰۱۳

ایران در رده بندی رشد اقتصادهای جهان از آخر پنجم شد

بانک جهانی از کوچک شدن اقتصاد ایران و کشور دیگر طی سال ۲۰۱۳ خبر داد و اعلام کرد ایران پس از سوریه، آفریقای مرکزی، لیبی و سومالی شاهد بیشترین رشد منفی اقتصادی در این سال بوده است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، بانک جهانی در پایگاه داده های خود جدیدترین آمار برآوردی از رشد اقتصادی ۱۳۶ کشور جهان در سال ۲۰۱۳ را منتشر

کرده است.

بر اساس این گزارش از ۱۳۶ کشور مذکور که همه از کشورهای در حال توسعه هستند اقتصاد ۶ کشور در سال ۲۰۱۳ کوچک شده و بارشد منفی مواجه شده که ایران نیز در این بین قرار گرفته است.

ایران رشد اقتصادی منفی ۴۷٫۱ درصدی را در سال ۲۰۱۳ تجربه کرده و جایگاه پنجم را از نظر افت رشد اقتصادی در این سال به خود اختصاص داده است.

سوریه با رشد منفی ۲۲ درصدی طی سال ۲۰۱۳ در صدر این فهرست قرار گرفته و آفریقای مرکزی با رشد منفی ۱۸ درصدی، لیبی با رشد منفی ۶ درصدی، سومالی با رشد منفی ۴۸٫۱ درصدی، ایران با رشد منفی ۴۷٫۱ درصدی و اوکراین با رشد منفی ۰٫۰۶ درصدی به ترتیب در رتبه های بعدی از این نظر قرار گرفته اند.

بیشترین رشد اقتصادی نیز در سال ۲۰۱۳ مربوط به سودان جنوبی بوده است. اقتصاد این کشور رشد ۳۳٫۹ درصدی را در این سال تجربه کرده است. سیرالئون با رشد ۱۷ درصدی و پاراگوئه با رشد ۱۳ درصدی به ترتیب در رتبه های دوم و سوم کشورهای در حال توسعه از نظر رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۳ قرار گرفته اند.

رشد اقتصادی برخی کشورهای دیگر در سال ۲۰۱۳ عبارت است از: چین ۷٫۷ درصد، پاکستان ۶ درصد، اندونزی ۶٫۵ درصد، هند ۴٫۸ درصد، مراکش ۵٫۴ درصد، عراق ۴٫۲ درصد، افغانستان ۱٫۳ درصد، مصر ۸٫۱ درصد، زیمبابوه ۲٫۲ درصدی و ترکیه ۳٫۴ درصد.

ایسنا / با تصویب مجلس؛

بانک ها در گشایش LC باید تنها ۳۰ درصد را به صورت نقد دریافت کنند

مجلس شورای اسلامی کلیه بانک ها و موسسات مالی و اعتباری را موظف کرد که در گشایش اعتبار اسنادی (LC) مواد اولیه و کارهای سرمایه ای واسطه ای ۳۰ درصد را به صورت نقد دریافت کنند.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، نمایندگان مجلس در جریان بررسی جزئیات

وی ادغام تشکل های موازی در یکدیگر و با ایجاد سازمان بالادست را گامی موثر در توانمند ساختن آن تشکل بر شمرده و گفت: اگر تشکلی نتواند ۷۰ درصد فعالان یک بخش را در خود عضو کند نمی توان انتظار موفقیتی از این تشکل داشت.

وی عضویت شرکت های بزرگ و موثر در تشکل ها را باعث توانمند سازی آن تشکل نام برد و گفت: اعضای تشکل ها باید در جریان اخبار حوزه کاری خود به صورت روزانه قرار گیرند تا بتوانند تصمیم به موقع در واکنش ها بگیرند.

این دوره آموزشی به همت دبیر خانه مشترک کمیسیون ها و تشکل های اقتصادی اتاق اصفهان و مدیریت تشکل های اتاق ایران برگزار شد.

مهر/

برنامه دولت برای حمایت از صادر کنندگان نمونه

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: بر اساس ابلاغ مجدد تبصره یک ماده ۶ تصویب نامه هیات وزیران، کالاهای صادراتی صادر کنندگان نمونه بدون تشریفات اداری صادر می شود.

ولی اله افخمی راد در گفتگو با مهر از ابلاغ مجدد تصویب نامه شماره ۴۵۲۲/ت ۲۴۱۵۲ هیات وزیران خبر داد و گفت: بر این اساس، صادر کنندگان نمونه بدون تشریفات اداری صادر می شود.

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: ادارات، سازمان ها، موسسات دولتی و وزارتخانه ها مکلفند تشریفات اداری مربوط به صدور کالاهای صادر کنندگان نمونه را خارج از نوبت انجام دهند.

وی تصریح کرد: همچنین تمامی دستگاه های دولتی و وزارتخانه ها مکلفند تا به درخواست صادر کنندگان در ارتباط با فعالیت های مرتبط با صادرات، در کوتاه ترین زمان ممکن رسیدگی کنند.

مهر/

رتبه ۹۱ ایران از شاخص مسئولیت اجتماعی دنیا

رئیس کمیسیون اخلاق کسب و کار و مسئولیت اجتماعی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران گفت: بخش خصوصی از دولت یازدهم، اخلاق مداری را مطالبه کرده است که در اولین اقدام، با دستور رئیس جمهور مقرر شد تا با ویژه خواری برخورد شود.

اجتماعات اتاق اصفهان برگزار شد.

سید عبدالوهاب سهل آبادی، نایب رییس اتاق اصفهان در ابتدای این دوره یک روزه خواستار تشکیل مجمع تشکل های اقتصادی استان شد و گفت: هماهنگی و همراستایی بین تشکل های می تواند به توسعه فعالیت های اقتصادی اعضا منجر شود.

وی وجود تشکل های فعال از جمله اتاق بازرگانی، خانه صنعت و معدن، انجمن مدیران صنایع، کانون کارفرمایان و انجمن های همگن را از ظرفیت های استان اصفهان در بخش تشکل ها عنوان کرد.

سهل آبادی از دولت خواست که تشکل ها را در مدیریت اجرایی کشور سهیم کند و افزود: اعضای این تشکل ها می توانند در کنار دولت مسایل اقتصادی و اجتماعی را حل کنند.

سیدعلیرضا سیاسی راد، مدرس و کارشناس ارشد تشکل ها در این دوره گفت: تشکل های اقتصادی با منفعت مشترک می توانند کالای جمعی تولید کنند و در عرصه فعالیت های خود مسایل و مشکلات را با کار جمعی برطرف کنند.

وی سرمایه گذاری در کالاهای عمومی را یک موضوع کلیدی برای تشکل ها بر شمرده و گفت: مشارکت داوطلبانه برای تولید کالاهای مشترک و خدمات معین می تواند همکاری بین اعضا را تقویت بخشد.

سیاسی راد ارتباط، تعهد، اعتماد و هنجار را چهار الزام همکاری اعضای یک تشکل بر شمرده و گفت: شرط مهم در تشکل ها اعتماد سازی بین اعضا جهت انجام یک فعالیت گروهی است.

وی میزان نفوذ در دولت را بستگی به نیاز دولت به تشکل ها عنوان کرد و گفت: برقراری ارتباط دو طرف بین دولت و تشکل های می تواند زمینه توسعه همکاری های دو طرف و توسعه فضای کسب و کار شود.

حدادی خواستار تعیین حق عضویت متناسب با خدمات ارائه شده از سوی تشکل شد و گفت: تشکل ها برای درآمدزایی می توانند خدمات ارزنده به اعضا ارائه کنند، همچنین برگزاری نمایشگاه تخصصی و انتشار نشریه از جمله ردیف های درآمدی تشکل ها می تواند باشد.

وی ارایه مشاوره، اقتناع منطقی، تاثیر گذاری از طریق هیجانات و توجه به قوت ها را از عوامل تاثیر گذاری بر مدیریت تشکل ها بر شمرده.

هادی حدادی، کارشناس امور تشکل ها در این دوره گفت: تشکل ها باید اعضای خود را در جریان کلیه فعالیت های خود قرار دهد و موفقیت های حاصل شده را به اعضا اطلاع رسانی کند.

وی تسهیم اطلاعات برای کاهش تنش میان اعضا را مهم ارزیابی کرد و گفت: اگر اهداف در تشکل ها اعلام نشود و در بین اعضا معرفی نشود نمی توان انتظار حمایت از آنها داشته باشیم.

لایحه بودجه تبصره های الحاقی ۱۹، ۱۸، ۱۷ و ۲۰ به ماده واحده راد بخش هزینه ای به تصویب رساندند.

مطابق تبصره الحاقی ۱۷، کلیه بانک ها، موسسات مالی و اعتباری موظفند در گشایش اعتبار اسنادی (L.C) مواد اولیه و کارهای سرمایه ای واسطه ای ۳۰ درصد به صورت نقد و مابقی را پس از حمل کالا و تحویل اسناد دریافت کنند.

مطابق تبصره الحاقی ۱۸، به دولت اجازه داده می شود بدهی های قانون شرکت های تابعه و وابسته به وزارتخانه ها نفت و نیرو، شهرسازی، صنعت، معدن و تجارت به اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی را تا سقف ۵۰ هزار میلیارد ریال با اعلام وزیر مربوط و تایید وزارت امور اقتصاد و دارایی با بدهی همان اشخاص بابت اقساط واگذاری به صورت جمعی خرجی از محل ردیفی در قانون بودجه این قانون تصویب کند.

در بخش درآمدی تبصره الحاقی ۱۹ به صندوق توسعه ملی اجازه داده شده بود که حداقل مبلغ ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار نزد بانک های تخصصی سپرده گذاری کند.

نایندگان در بخش الحاقی تبصره ۱۹ مصوب کردند که این مبلغ از سوی بانک های عامل و با معرفی وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی در قالب تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی خصوصی، تعاونی و بنگاه های اقتصادی وابسته به موسسات عمومی غیردولتی به مصرف برساند.

مطابق تبصره الحاقی ۲۰، دریافت، پرداخت یا الزام به تعدیه هر گونه وجهی تحت هر عنوان برخلاف قوانین موضوعه و همچنین دریافت یا الزام به دریافت موارد مازاد قید شده در قوانین موضوعه برای انجام وظایف قانونی توسط دستگاه های موضوع ماده ۵ قانون خدمات مدیریت کشور و ماده ۵ محاسبات عمومی کشور، در حکم تصرف غیر قانونی در اموال عمومی محسوب می شود و کلیه مسوولان و مقامات ذریب، معاونان، دبیران و مدیران مالی حسب مورد مسوول اجرای این حکم هستند.

محاکم قضائی، دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور موظفند خارج از نوبت به تحلفات این موارد رسیدگی کنند.

اتاق بازرگانی اصفهان/ در دوره آموزشی مدیریت موفق تشکل های اقتصادی در اتاق اصفهان مطرح شد؛

هماهنگی و همراستایی بین تشکل های می تواند به توسعه فعالیت های اقتصادی اعضا منجر شود

دوره آموزشی مدیریت موفق تشکل های اقتصادی با حضور نایندگان ۳۰ تشکل اقتصادی استان در سالن

به گزارش خبرنگار مهر، فاطمه دانشور در نشست خبری خود با خبرنگاران گفت: اخلاق مداری از جمله مطالبات جدی بخش خصوصی از دولت تدبیر و امید است که بر این اساس، نامه ای از سوی فعالان اقتصادی به رئیس جمهور ارائه داده شد که در واکنش به آن، اولین دستور رئیس جمهور برای مبارزه با ویژه خواری صادر شد.

رئیس کمیسیون اخلاق کسب و کار و مسئولیت اجتماعی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران افزود: بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا سیاستگذاری های دقیقی را در خصوص مسئولیت اجتماعی و اخلاق کسب و کار دارند که در راس همه آنها، توجه به اخلاقیات مورد توجه قرار گرفت است.

وی تصریح کرد: ایران از میان ۱۵۳ کشور دنیا، رتبه ۹۱ را در مسئولیت اجتماعی به خود اختصاص داده است، این در حالی است که در سال ۲۰۱۰ رتبه ایران ۸۰ بوده است اما متأسفانه در سال های گذشته ۱۱ رتبه تنزل یافته است.

به گفته دانشور، در سمینار مسئولیت اجتماعی شرکت ها و اخلاق کسب و کار که در اتاق ایران برگزار می شود، تجربه هند به اشتراک گذاشته می شود چرا که این کشور بعد از ۵ سال ریزنی با پارلمان این کشور توانست قانونی را تصویب کند که در آن، حاکمیت از تصدی گیری در شرکت ها جدا می شود و نظارت از اجرا فاصله می گیرد تا به صورت کامل به این موضوع پرداخته شود.

وی اظهار داشت: همواره واحدهای معدنی و صنایع مرتبط به آن متهم به آلوده کردن هوا و محیط هستند و بر این اساس، با معاونت معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت ریزنی هایی صورت گرفته است تا در یکی از پانل های این همایش، به موضوع مسئولیت پذیری واحدهای معدنی پرداخته شود.

به گفته دانشور، ریزنی با شهرداری ها نیز صورت گرفته است تا بتوان مسئولیت اجتماعی را در واحدهای تابعه آنها نهادینه کرد.

اتاق ایران/

تمام نهادهای دولتی مکلف به دریافت نظرات تشکل های اقتصادی شدند

در آخرین نشست کمیته ماده ۷۶ قانون برنامه پنجم توسعه، تمام وزارتخانه ها، موسسات دولتی، موسسات عمومی غیر دولتی، بانک مرکزی، بانک ها و بیمه ها مکلف شدند قبل از صدور بخشنامه ها نظر تشکل های اقتصادی را دریافت و مورد توجه قرار دهند.

به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، در این نشست ضمن تصویب تقویم

جلسات سال ۱۳۹۳ که به موجب آن کمیته در سال آینده ۲۴ جلسه خواهد داشت، مسئله رفع محدودیت از فعالان اقتصادی و ممنوع الخروج شدن آنها از سوی سازمان امور مالیاتی مورد توجه قرار گرفت.

با توجه به مباحث جلسات قبل و اینکه ممنوع الخروجی تحدید حقوق شهروندی است و این مهم به دستور قضایی نیاز دارد، مقرر شد نظر تفسیری مجلس شورای اسلامی در این خصوص اخذ شود و قضایی شدن ممنوع الخروجی افراد در لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم که در دستور کار مجلس قرار دارد، تصریح شود.

چگونگی اجرایی شدن ماده ۳ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار با تعامل بین معاونت حقوقی ریاست جمهوری و دبیرخانه ماده ۷۶ موضوع دیگری بود که در این جلسه بررسی شد.

در این خصوص اعضای کمیته تصمیم گرفتند با استقرار فرآیند رایانه ای امکان دریافت نظر از تشکل های اقتصادی به هنگام تدوین و اصلاح مقررات که از سوی وزارتخانه ها، موسسات دولتی، موسسات یا نهادهای عمومی غیر دولتی، بانک مرکزی، بانک ها و بیمه ها ممکن شود.

ایجاد بانک اطلاعاتی تشکل های اقتصادی و اعضای آنها و طراحی سامانه نظر خواهی از آنها با همکاری اتاق های بازرگانی، تعاون و اصناف و نیز تشکل های اقتصادی و دستگاه های اجرایی ذیربط موضوع دیگری بود که اجرای آن در دستور کار قرار گرفت.

یادآوری می شود، در این نشست در مورد متن ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی و لزوم انطباق آن با ماده ۵۲ قانون کار صحبت و قرار شد این قانون به گونه ای اصلاح شود که تعیین مشاغل سخت و زیان آور در وظایف وزارت کار قرار گیرد.

از سوی دیگر سازمان تامین اجتماعی مکلف به تهیه پیش نویس آن و ارائه به هیات دولت شد، همچنین باید در ابتدای سال آینده، گزارش جامعی از عملکرد و وضعیت سازمان به اعضای کمیته ارائه دهد.

دبیرخانه ماده ۷۶ مکلف شد طرح ها و لوایح اقتصادی در دستور کار مجلس شورای اسلامی را مورد بررسی مقدماتی قرار دهد و پیشنهاد های مربوط را به تدریج ارائه کند.

اتاق ایران/ با صدور بیانیه ای مطرح شد

۱۳ انتظار بخش خصوصی در همگامی با اقتصاد مقاومتی

به دنبال ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر فرزانه انقلاب، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با صدور بیانیه ای تحلیلی و در ۱۳ ماده، حمایت بخش خصوصی کشور از این ابلاغیه راه گشارا

اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی اتاق ایران، متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

"ابلاغ امید بخش سیاست های کلی نظام پیرامون «اقتصاد مقاومتی» از سوی مقام معظم رهبری، فرصت مغتنمی برای فعالان اقتصادی ایجاد نموده است تا ضمن اعلام آمادگی همه جانبه برای نقش آفرینی در عملیاتی شدن سیاست های ابلاغی و تحقق اقتصاد مقاومتی، انتظارات بخش خصوصی عضو اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق های سراسر کشور را برای همگامی با قوای حاکمیتی برای شکوفایی و رونق اقتصاد کشور، به شرح زیر اعلام نماید:

۱- اجرای دقیق سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، یعنی مردمدی کردن اقتصاد، کاهش تصدی گیری دولتی و شبه دولتی برای تحقق اراده ملی و اجرایی کردن اقتصاد مقاومتی

۲- برخورد با قانون نگریزی و قانون نگریزان

۳- دستگاه های حاکمیتی رویکرد ویژه و هماهنگی را در ارتباط با بنگاه های اقتصادی اعمال کنند

۴- بازنگری در برخی قوانین تأثیر گذار نظیر قوانین مقررات کار و تأمین اجتماعی، مالیاتی و بانکی

۵- استفاده بهینه از ظرفیت های قانونی موجود در جهت عملیاتی شدن سیاست های ابلاغی

۶- تسریع در عملیاتی شدن مفاد قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

۷- بهره گیری از قانون حداکثر استفاده از توان داخلی

۸- توجه ویژه به صادرات، به خصوص در بخش صدور خدمات فنی - مهندسی که می توان با هزینه کم، درآمد بالایی کسب نمود

۹- لزوم بازنگری در قراردادهای بین دولت و بخش خصوصی در شرایط ضرر و زیان بنگاه های تولیدی

۱۰- توجه ویژه به اصل تداوم و بقای بنگاه های اقتصادی در مواجهه با مشکلات، به جای رهاسازی و تعطیلی آنها به منظور کاهش بیکاری

۱۱- بازنگری در توزیع منابع مالی در شرایط جاری

۱۲- تشکیل هیأتی از دلسوزان نظام، اعم از دولتی ها، بخش خصوصی و دانشگاهیان که دغدغه آنها برطرف کردن مسائل و مشکلات عمومی کشور می باشد به منظور تدوین راهکارهای عملیاتی کردن سیاست های ابلاغی

۱۳- تشکیل کمیته نظارت بر اجرای راهکارهای عملیاتی و ارائه گزارش مرحله ای به سران قوای نظام.